



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



شکست قنبرای

موسوی قزوینی

موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شکست تنهایی

نویسنده:

مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۲۵	شکست تنهایی
۲۵	مشخصات کتاب
۲۵	اشاره
۲۹	فهرست مطالب
۳۷	مقدمه
۴۰	فصل اول: چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟
۴۰	۱. ارتباط
۴۰	راهبرد جلسه
۴۰	جذابیت اولیه
۴۳	۲. حقوق انسانها
۴۳	راهبرد جلسه
۴۳	جذابیت اولیه
۴۳	پیوند با بحث
۴۴	نتیجه گیری
۴۵	۳. آرامش
۴۵	راهبرد جلسه
۴۵	جذابیت اولیه
۴۷	۴. درد دل
۴۷	راهبرد جلسه
۴۷	جذابیت اولیه
۴۸	پیوند با بحث
۴۸	نتیجه گیری
۴۹	۵. گفت و گو با کدام خدا

- ۴۹ ..... راهبرد جلسه
- ۴۹ ..... جذابیت اولیه
- ۵۱ ..... سؤال
- ۵۳ ..... خدا در قرآن
- ۵۴ ..... ۶. بهترین هم کلام
- ۵۴ ..... راهبرد جلسه
- ۵۴ ..... جذابیت اولیه
- ۵۵ ..... دوستی پایدار
- ۵۷ ..... ۷. بهترین ارتباط
- ۵۷ ..... راهبرد جلسه
- ۵۷ ..... جذابیت اولیه
- ۵۸ ..... بیان داستان
- ۶۰ ..... ۸. تن پروری و تنبلی
- ۶۰ ..... راهبرد جلسه
- ۶۰ ..... جذابیت اولیه
- ۶۰ ..... هدف بزرگ، تلاش زیاد
- ۶۱ ..... سؤالی برای اندیشیدن
- ۶۳ ..... ۹. تنبلی و تن پروری
- ۶۳ ..... راهبرد جلسه
- ۶۳ ..... جذابیت اولیه
- ۶۳ ..... چگونه شاد باشیم؟
- ۶۴ ..... نتیجه گیری
- ۶۵ ..... ۱۰. حواس پرتی از خود
- ۶۵ ..... راهبرد جلسه
- ۶۵ ..... جذابیت اولیه
- ۶۵ ..... پیشنهادی بهتر

۶۶	نتیجه گیری
۶۶	دعای آخر
۶۷	۱۱. زندگی سخت و بی یروح
۶۷	راهبرد جلسه
۶۷	جذابیت اولیه
۶۸	پیوند با بحث
۶۹	نتیجه گیری
۷۰	۱۲. زیرآب زدن
۷۰	راهبرد جلسه
۷۰	جذابیت اولیه
۷۱	نتیجه گیری
۷۲	۱۳. رنگ خدا
۷۲	راهبرد جلسه
۷۲	جذابیت اولیه
۷۳	نگاه ما به دنیا
۷۳	نتیجه گیری
۷۵	۱۴. فاصله
۷۵	راهبرد جلسه
۷۵	جذابیت اولیه
۷۶	پیوند با بحث
۸۰	فصل دوم: چگونگی ارتباط با خدا
۸۰	۱۵. گدای نابینا و روزنامه نگار
۸۰	راهبرد جلسه
۸۰	جذابیت اولیه
۸۰	پیوند با بحث
۸۱	نتیجه گیری

۸۲	.....	۱۶. نماز واقعی
۸۲	.....	راهبرد جلسه
۸۲	.....	جذابیت اولیه
۸۲	.....	بیان داستان
۸۴	.....	بیان داستان
۸۶	.....	۱۷. عشق واقعی
۸۶	.....	راهبرد جلسه
۸۶	.....	جذابیت اولیه
۸۷	.....	پیوند با بحث
۸۷	.....	نتیجه گیری
۸۸	.....	۱۸. گرگ به نماز زده است
۸۸	.....	راهبرد جلسه
۸۸	.....	جذابیت اولیه
۸۹	.....	شعر
۸۹	.....	نتیجه گیری
۹۱	.....	۱۹. خدای دیدنی
۹۱	.....	راهبرد جلسه
۹۱	.....	جذابیت اولیه
۹۱	.....	سؤال
۹۱	.....	خدای دیدنی
۹۲	.....	نتیجه گیری
۹۳	.....	۲۰. راننده شاکي
۹۳	.....	راهبرد جلسه
۹۳	.....	جذابیت اولیه
۹۴	.....	یاد خدا
۹۴	.....	نتیجه گیری



۹۵	.....	۲۱. نماز در آیین یهود از منظر قرآن
۹۵	.....	راهبرد جلسه
۹۵	.....	جذابیت اولیه
۹۷	.....	نتیجه گیری
۹۸	.....	۲۲. نماز مسیحیان
۹۸	.....	راهبرد جلسه
۹۸	.....	جذابیت اولیه
۹۹	.....	پیامبر در معراج
۹۹	.....	نتیجه گیری
۱۰۲	.....	فصل سوم: چرانماز؟
۱۰۲	.....	۲۳. ملاقات
۱۰۲	.....	راهبرد جلسه
۱۰۲	.....	جذابیت اولیه
۱۰۲	.....	خدا بالاترین مقام
۱۰۳	.....	نتیجه گیری
۱۰۴	.....	۲۴. بندگی مسیر پیروزی
۱۰۴	.....	راهبرد جلسه
۱۰۴	.....	جذابیت اولیه
۱۰۵	.....	عشق و اطاعت
۱۰۵	.....	نتیجه گیری
۱۰۶	.....	۲۵. قویترین مسکن
۱۰۶	.....	راهبرد جلسه
۱۰۶	.....	جذابیت اولیه
۱۰۶	.....	پیوند با بحث
۱۰۷	.....	نتیجه گیری
۱۰۸	.....	۲۶. بهترین راه شناخت

- ۱۰۸ ..... راهبرد جلسه
- ۱۰۸ ..... جذابیت اولیه
- ۱۰۸ ..... پیوند با بحث
- ۱۰۹ ..... نتیجه گیری
- ۱۱۰ ..... ۲۷. از کوره در رفتن
- ۱۱۰ ..... راهبرد جلسه
- ۱۱۰ ..... جذابیت اولیه
- ۱۱۰ ..... ریشه این ضرب المثل چیست؟
- ۱۱۱ ..... چرا ما از کوره درمی رویم؟
- ۱۱۱ ..... راه درمان
- ۱۱۲ ..... نتیجه گیری
- ۱۱۳ ..... ۲۸. نماز و دریادلی
- ۱۱۳ ..... راهبرد جلسه
- ۱۱۳ ..... جذابیت اولیه
- ۱۱۴ ..... تاریخچه ای کوتاه
- ۱۱۴ ..... نتیجه گیری
- ۱۱۵ ..... ۲۹. نماز و سخاوت
- ۱۱۵ ..... راهبرد جلسه
- ۱۱۵ ..... جذابیت اولیه
- ۱۱۶ ..... نماز و سخاوت
- ۱۱۶ ..... نتیجه گیری
- ۱۱۷ ..... ۳۰. نمازگزار و بخل! هرگز
- ۱۱۷ ..... راهبرد جلسه
- ۱۱۷ ..... جذابیت اولیه
- ۱۱۸ ..... پیوند با بحث
- ۱۱۹ ..... نتیجه گیری

۳۱. سکوی پرواز ..... ۱۲۰
- راهبرد جلسه ..... ۱۲۰
- جذابیت اولیه ..... ۱۲۰
- نماز و پرواز ..... ۱۲۰
- نتیجه گیری ..... ۱۲۰
۳۲. دوست همیشگی من ..... ۱۲۲
- راهبرد جلسه ..... ۱۲۲
- جذابیت اولیه ..... ۱۲۲
- پیوند با بحث ..... ۱۲۳
- نتیجه گیری ..... ۱۲۳
۳۳. انسان الهی ..... ۱۲۵
- راهبرد جلسه ..... ۱۲۵
- جذابیت اولیه ..... ۱۲۵
- نتیجه گیری ..... ۱۲۶
۳۴. نماز موجودی زنده ..... ۱۲۷
- راهبرد جلسه ..... ۱۲۷
- جذابیت اولیه ..... ۱۲۷
- نتیجه گیری ..... ۱۲۸
۳۵. مدد رسان بی نظیر ..... ۱۲۹
- راهبرد جلسه ..... ۱۲۹
- جذابیت اولیه ..... ۱۲۹
- نماز وسیله یاری از خدا ..... ۱۳۰
- نتیجه گیری ..... ۱۳۰
۳۶. قهرمان توحید ..... ۱۳۱
- راهبرد جلسه ..... ۱۳۱
- جذابیت اولیه ..... ۱۳۱

- ۱۳۲ ..... پیوند با بحث
- ۱۳۲ ..... نتیجه گیری
- ۱۳۳ ..... ۳۷. چگونه صبور باشیم؟
- ۱۳۳ ..... راهبرد جلسه
- ۱۳۳ ..... جذابیت اولیه
- ۱۳۴ ..... بیان داستان
- ۱۳۵ ..... نتیجه گیری
- ۱۳۶ ..... ۳۸. تمرکز ذهن
- ۱۳۶ ..... راهبرد جلسه
- ۱۳۶ ..... جذابیت اولیه
- ۱۳۷ ..... پیوند با بحث
- ۱۳۷ ..... نتیجه گیری
- ۱۳۷ ..... یک تمرین سخت
- ۱۳۸ ..... ۳۹. وایتکس گناه
- ۱۳۸ ..... راهبرد جلسه
- ۱۳۸ ..... جذابیت اولیه
- ۱۳۹ ..... پیوند با بحث
- ۱۳۹ ..... نتیجه گیری
- ۱۴۰ ..... ۴۰. چرا هر روز نماز بخوانیم؟
- ۱۴۰ ..... راهبرد جلسه
- ۱۴۰ ..... جذابیت اولیه
- ۱۴۰ ..... پیوند با بحث
- ۱۴۲ ..... نتیجه گیری
- ۱۴۲ ..... ۴۱. آب دریا
- ۱۴۲ ..... راهبرد جلسه
- ۱۴۲ ..... جذابیت اولیه

۱۴۳	پیوند با بحث
۱۴۴	نتیجه گیری
۱۴۵	۴۲. لحظه آخر
۱۴۵	راهبرد جلسه
۱۴۵	جذابیت اولیه
۱۴۶	پیوند با بحث
۱۴۶	نتیجه گیری
۱۴۸	فصل چهارم: راز نماز
۱۴۸	۴۳. حیا، راز نماز
۱۴۸	راهبرد جلسه
۱۴۸	جذابیت اولیه
۱۴۸	بیان داستان
۱۴۹	نتیجه گیری
۱۵۰	۴۴. راز دوست یابی
۱۵۰	راهبرد جلسه
۱۵۰	جذابیت اولیه
۱۵۱	پیوند با بحث
۱۵۱	نتیجه گیری
۱۵۲	۴۵. راز ولایت
۱۵۲	راهبرد جلسه
۱۵۲	جذابیت اولیه
۱۵۳	پیوند با بحث
۱۵۳	نتیجه گیری
۱۵۵	۴۶. استعانت
۱۵۵	راهبرد جلسه
۱۵۵	جذابیت اولیه

۱۵۶	پیوند با بحث
۱۵۷	بیان داستان
۱۵۸	۴۷. عزت یا ذلت
۱۵۸	راهبرد جلسه
۱۵۸	جذابیت اولیه
۱۶۰	۴۸. نماز تجلی بدهکاری ما
۱۶۰	راهبرد جلسه
۱۶۰	جذابیت اولیه
۱۶۱	نتیجه گیری
۱۶۲	۴۹. صبر زینب(س)
۱۶۲	راهبرد جلسه
۱۶۲	جذابیت اولیه
۱۶۲	پیوند با بحث
۱۶۴	نتیجه گیری
۱۶۵	۵۰. عبادت به جز خدمت خلق نیست
۱۶۵	راهبرد جلسه
۱۶۵	جذابیت اولیه
۱۶۵	بیان داستان
۱۶۶	پیوند با بحث
۱۶۶	نتیجه گیری
۱۶۷	۵۱. شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نکرد
۱۶۷	راهبرد جلسه
۱۶۷	جذابیت اولیه
۱۷۰	۵۲. خودبینی مایه هلاکت
۱۷۰	راهبرد جلسه
۱۷۰	جذابیت اولیه

۱۷۱	پیوند با بحث
۱۷۳	۵۳. نماز کارخانه انسان سازی
۱۷۳	راهبرد جلسه
۱۷۳	پیوند با بحث
۱۷۴	نمازگزار واقعی
۱۷۴	نتیجه گیری
۱۷۶	۵۴. نماز حاجت
۱۷۶	راهبرد جلسه
۱۷۶	جذابیت اولیه
۱۷۹	نتیجه گیری
۱۸۰	۵۵. نماز غفیله
۱۸۰	راهبرد جلسه
۱۸۰	جذابیت اولیه
۱۸۲	پیوند با بحث
۱۸۲	نتیجه گیری
۱۸۳	۵۶. نماز شب
۱۸۳	راهبرد جلسه
۱۸۳	جذابیت اولیه
۱۸۴	پیوند با بحث
۱۸۵	نتیجه گیری
۱۸۶	۵۷. نماز استغاثه به حضرت فاطمه(س)
۱۸۶	راهبرد جلسه
۱۸۶	جذابیت اولیه
۱۸۸	پیوند با بحث
۱۸۸	نتیجه گیری
۱۹۲	فصل پنجم : نماز صحیح و مقبول

- ۱۹۲ ..... بدعت ..... ۵۸
- ۱۹۲ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۱۹۲ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه
- ۱۹۲ ..... پیوند با بحث ..... پیوند با بحث
- ۱۹۳ ..... نتیجه گیری ..... نتیجه گیری
- ۱۹۴ ..... عشق واقعی ..... ۵۹
- ۱۹۴ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۱۹۴ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه
- ۱۹۴ ..... پیوند با بحث ..... پیوند با بحث
- ۱۹۵ ..... نتیجه گیری ..... نتیجه گیری
- ۱۹۷ ..... ۶۰. نماز در تب ۴۲ ذره ..... ۶۰. نماز در تب ۴۲ ذره
- ۱۹۷ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۱۹۷ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه
- ۱۹۸ ..... نتیجه گیری ..... نتیجه گیری
- ۱۹۹ ..... ۶۱. نماز آخر ..... ۶۱. نماز آخر
- ۱۹۹ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۱۹۹ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه
- ۲۰۱ ..... نتیجه گیری ..... نتیجه گیری
- ۲۰۲ ..... ۶۲. کلید فتح نماز ..... ۶۲. کلید فتح نماز
- ۲۰۲ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۲۰۲ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه
- ۲۰۳ ..... پیوند با بحث ..... پیوند با بحث
- ۲۰۴ ..... نتیجه گیری ..... نتیجه گیری
- ۲۰۵ ..... ۶۳. حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز ..... ۶۳. حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز
- ۲۰۵ ..... راهبرد جلسه ..... راهبرد جلسه
- ۲۰۵ ..... جذابیت اولیه ..... جذابیت اولیه



۲۰۶	..... پیوند با بحث
۲۰۸	..... ۶۴. زمان ملاقات
۲۰۸	..... راهبرد جلسه
۲۰۸	..... جذابیت اولیه
۲۰۸	..... زمان دیدار
۲۰۹	..... نتیجه گیری
۲۱۰	..... ۶۵. تظاهر به عشق
۲۱۰	..... راهبرد جلسه
۲۱۰	..... جذابیت اولیه
۲۱۱	..... چرا نماز اول وقت؟
۲۱۱	..... نتیجه گیری
۲۱۳	..... ۶۶. علامت مؤمن
۲۱۳	..... راهبرد جلسه
۲۱۳	..... جذابیت اولیه
۲۱۴	..... نتیجه گیری
۲۱۵	..... ۶۷. مؤذن
۲۱۵	..... راهبرد جلسه
۲۱۵	..... جذابیت اولیه
۲۱۵	..... بیان داستان
۲۱۶	..... سؤال
۲۱۶	..... نتیجه گیری
۲۱۸	..... ۶۸. اخلاص (۱)
۲۱۸	..... راهبرد جلسه
۲۱۸	..... جذابیت اولیه
۲۱۹	..... نتیجه گیری
۲۲۰	..... ۶۹. اخلاص (۲)

۲۲۰	راهبرد جلسه
۲۲۰	جذابیت اولیه
۲۲۱	بیان لطیفه
۲۲۱	پیوند با بحث
۲۲۲	۷۰. شیطان نمی گذارد تا صبح نماز بخوانی
۲۲۲	راهبرد جلسه
۲۲۲	جذابیت اولیه
۲۲۳	پیوند با بحث
۲۲۳	نتیجه گیری
۲۲۴	۷۱. نماز ریایی چیست؟
۲۲۴	راهبرد جلسه
۲۲۴	جذابیت اولیه
۲۲۴	ریا چیست؟
۲۲۵	نتیجه گیری
۲۲۶	۷۲. تاریخ انقضای نماز
۲۲۶	راهبرد جلسه
۲۲۶	جذابیت اولیه
۲۲۷	پیوند با بحث
۲۲۷	داستان
۲۲۸	نتیجه گیری
۲۲۹	۷۳. مسیر وحدت
۲۲۹	راهبرد جلسه
۲۲۹	جذابیت اولیه
۲۳۰	پیوند با بحث
۲۳۰	تأثیر ظاهر بر باطن
۲۳۰	نتیجه گیری

- ۲۳۲ ..... ۷۴. نخستین سخن
- ۲۳۲ ..... راهبرد جلسه
- ۲۳۲ ..... جذابیت اولیه
- ۲۳۲ ..... پیوند با بحث
- ۲۳۳ ..... نتیجه گیری
- ۲۳۴ ..... ۷۵. تاثیر الفاظ
- ۲۳۴ ..... راهبرد جلسه
- ۲۳۴ ..... جذابیت اولیه
- ۲۳۵ ..... سؤال
- ۲۳۵ ..... پیوند با بحث
- ۲۳۶ ..... نتیجه گیری
- ۲۳۷ ..... ۷۶. چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟
- ۲۳۷ ..... راهبرد جلسه
- ۲۳۷ ..... جذابیت اولیه
- ۲۳۷ ..... پیوند با بحث
- ۲۴۰ ..... ۷۷. قرائت پیامبر اکرم(ص)
- ۲۴۰ ..... راهبرد جلسه
- ۲۴۰ ..... جذابیت اولیه
- ۲۴۰ ..... پیوند با بحث
- ۲۴۱ ..... نتیجه گیری
- ۲۴۲ ..... ۷۸. آواز خدا
- ۲۴۲ ..... راهبرد جلسه
- ۲۴۲ ..... جذابیت اولیه
- ۲۴۳ ..... شعر
- ۲۴۴ ..... پیوند با بحث
- ۲۴۴ ..... نتیجه گیری

۲۴۵	.....	۷۹. بامبو و سرخس
۲۴۵	.....	راهبرد جلسه
۲۴۵	.....	جذابیت اولیه
۲۴۵	.....	بیان داستان
۲۴۷	.....	پیوند با بحث
۲۴۷	.....	نتیجه گیری
۲۴۸	.....	۸۰. تفکری بالنده در نماز
۲۴۸	.....	راهبرد جلسه
۲۴۸	.....	جذابیت اولیه
۲۴۹	.....	پیوند با بحث
۲۵۰	.....	نتیجه گیری
۲۵۲	.....	۸۱. "استاد علم!" "از این نبود سر علم!"
۲۵۲	.....	راهبرد جلسه
۲۵۲	.....	جذابیت اولیه
۲۵۴	.....	پیوند با بحث
۲۵۵	.....	نتیجه گیری
۲۵۶	.....	۸۲. تسبیحات اربعه در نماز
۲۵۶	.....	راهبرد جلسه
۲۵۶	.....	جذابیت اولیه
۲۵۷	.....	پیوند با بحث
۲۵۸	.....	نتیجه گیری
۲۵۹	.....	۸۳. اقامه نماز نه قرائت نماز
۲۵۹	.....	راهبرد جلسه
۲۵۹	.....	جذابیت اولیه
۲۶۰	.....	پیوند با بحث
۲۶۱	.....	۸۴. راز رکوع

۲۶۱	راهبرد جلسه
۲۶۱	جذابیت اولیه
۲۶۲	پیوند با بحث
۲۶۲	نتیجه گیری
۲۶۳	۸۵. کارهایت نقص ندارد
۲۶۳	راهبرد جلسه
۲۶۳	جذابیت اولیه
۲۶۴	بیان داستان
۲۶۵	نتیجه گیری
۲۶۶	۸۶. سجده
۲۶۶	راهبرد جلسه
۲۶۶	جذابیت اولیه
۲۶۶	پیوند با بحث
۲۶۷	پاسخ
۲۶۷	نتیجه گیری
۲۶۸	۸۷. اثر طبی سجده
۲۶۸	راهبرد جلسه
۲۶۸	جذابیت اولیه
۲۶۹	پیوند با بحث
۲۷۰	نتیجه گیری
۲۷۱	۸۸. راز سجده برخاک
۲۷۱	راهبرد جلسه
۲۷۱	جذابیت اولیه
۲۷۳	نتیجه گیری
۲۷۴	۸۹. سلام آخر
۲۷۴	راهبرد جلسه

۲۷۴ ..... جذابیت اولیه

۲۷۴ ..... سؤال

۲۷۵ ..... پیوند دوستی و محبت با دیگران

۲۷۶ ..... ۹۰. خوشبینی در معاشرت

۲۷۶ ..... راهبرد جلسه

۲۷۶ ..... جذابیت اولیه

۲۷۶ ..... پیوند با بحث

۲۷۷ ..... نتیجه گیری

۲۷۸ ..... ۹۱. برترین مساجد

۲۷۸ ..... راهبرد جلسه

۲۷۸ ..... جذابیت اولیه

۲۸۰ ..... پیوند با بحث

۲۸۲ ..... ۹۲. مسجد شاکی

۲۸۲ ..... راهبرد جلسه

۲۸۲ ..... جذابیت اولیه

۲۸۳ ..... پیوند با بحث

۲۸۳ ..... نتیجه گیری

۲۸۵ ..... ۹۳. سنبل اتحاد

۲۸۵ ..... راهبرد جلسه

۲۸۵ ..... جذابیت اولیه

۲۸۷ ..... نتیجه گیری

۲۸۸ ..... ۹۴. حفظ فاصله ها

۲۸۸ ..... راهبرد جلسه

۲۸۸ ..... جذابیت اولیه

۲۸۹ ..... پیوند با بحث

۲۸۹ ..... نتیجه گیری

۲۹۰	.....	۹۵. نماز خوف
۲۹۰	.....	راهبرد جلسه
۲۹۰	.....	جذابیت اولیه
۲۹۰	.....	پیوند با بحث
۲۹۱	.....	نتیجه گیری
۲۹۲	.....	۹۶. آشنایی با احکام نماز
۲۹۲	.....	راهبرد جلسه
۲۹۲	.....	جذابیت اولیه
۲۹۳	.....	نمونه سؤالات
۲۹۶	.....	۹۷. تعقیب بی نظیر
۲۹۶	.....	راهبرد جلسه
۲۹۶	.....	جذابیت اولیه
۲۹۷	.....	پیوند با بحث
۲۹۹	.....	۹۸. تسبیحی بهتر از هر خدمتکار
۲۹۹	.....	راهبرد جلسه
۲۹۹	.....	جذابیت اولیه
۳۰۰	.....	پیوند با بحث
۳۰۱	.....	بخشش همه گناهان
۳۰۱	.....	عنایت فرشتگان
۳۰۲	.....	نتیجه گیری
۳۰۳	.....	۹۹. قبولی نماز و خانواده
۳۰۳	.....	راهبرد جلسه
۳۰۳	.....	جذابیت اولیه
۳۰۴	.....	طرز تهیه پازل
۳۰۴	.....	پیوند با بحث
۳۰۵	.....	نتیجه گیری

۳۰۶	.....	۱۰۰. شیرینی نماز
۳۰۶	.....	راهبرد جلسه
۳۰۶	.....	جذابیت اولیه
۳۰۷	.....	پیوند با بحث
۳۰۸	.....	کتابنامه
۳۱۶	.....	درباره مرکز



## شکست تنهایی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: تقی راد، حامد، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: شکست تنهایی: یکصد بحث کوتاه در موضوع نماز ویژه ائمه جماعات مدارس دوره دوم متوسطه / حامد تقی راد؛ کاری از مرکز تخصصی ستاد اقامه نماز.

مشخصات نشر: تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۷۹ص.: مصور، جدول.

شابک: دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۰-۳؛ ۸۰۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۰۰-۵۰-۱

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۷-۲۷۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نماز -- راهنمای آموزشی

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز. مرکز تخصصی نماز

رده بندی کنگره: BP۱۴۷/۷/ت۷۴ش ۱۳۹۳ ۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۱۹۱۳۸

ص: ۱

اشاره







## فهرست مطالب

مقدمه. ۹

فصل اول

چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟. ۱۱

۱. ارتباط. ۱۲

۲. حقوق انسانها ۱۵

۳. آرامش ۱۷

۴. درد دل ۱۹

۵. گفت و گو با کدام خدا. ۲۱

۶. بهترین هم کلام.. ۲۴

۷. بهترین ارتباط ۲۷

۸. تن پروری و تنبلی (۱) ۳۰

۹. تنبلی و تن پروری (۲) ۳۳

۱۰. حواس پرتی از خود. ۳۵

۱۱. زندگی سخت و بی روح ۳۷

۱۲. زیر آب زدن. ۴۰

۱۳. رنگ خدا ۴۲

۱۴. فاصله ۴۵

فصل دوم

چگونگی ارتباط با خدا. ۴۹

۱۵. گدای نابینا و روزنامه نگار ۵۰

۱۶. نماز واقعی ۵۲

۱۷. کمک به عشق ۵۶

۱۸. گرگ به نماز زده است ۵۸

۱۹. خدای دیدنی ۶۱

۲۰. راننده شاکی ۶۳

۲۱. نماز در آیین یهود از منظر قرآن ۶۵

ص: ۵

۲۲. نماز مسیحیان ۶۸

فصل سوم

۷۱. چرا نماز؟

۲۳. ملاقات ۷۲

۲۴. بندگی مسیر پیروزی ۷۴.

۲۵. قویترین مسکن ۷۶

۲۶. بهترین راه شناخت ۷۸

۲۷. از کوره در رفتن ۸۰

۲۸. نماز و دریادلی ۸۳

۲۹. نماز و سخاوت ۸۵

۳۰. نماز گزار و بخل! هرگز ۸۷

۳۱. سکوی پرواز ۹۰

۳۲. دوست همیشگی من ۹۲

۳۳. انسان الهی ۹۵

۳۴. نماز موجودی زنده ۹۷

۳۵. مدد رسان بی نظیر ۹۹

۳۶. قهرمان توحید ۱۰۱

۳۷. چگونه صبور شویم؟ ۱۰۳

۳۹. وایتکس گناه ۱۰۸

۴۰. چرا هر روز نماز بخوانیم؟ ۱۱۰.

۴۱. آب دریا را اگر نتوان کشید ۱۱۳

۴۲. لحظه آخر. ۱۱۵.

فصل چهارم

راز نماز ۱۱۷

۴۳. حیا، راز نماز ۱۱۸

۴۴. راز دوستیابی ۱۲۰

۴۵. راز ولایت ۱۲۲

۴۶. استعانت ۱۲۵

۴۷. عزت یا ذلت. ۱۲۸.

ص: ۶



۴۸. نماز تجلی بدهکاری ما . ۱۳۰

۴۹. صبر زینب ۱۳۲

۵۰. عبادت بهجز خدمت خلق نیست ۱۳۵

۵۱. شیطان که رانده گشت بهجز یک خطا نکرد ۱۳۷

۵۲. خود بینی مایه هلاکت ۱۴۰

۵۳. نماز کارخانه انسانسازی . ۱۴۳

۵۴. نماز حاجت ۱۴۶

۵۵. نماز غفیله . ۱۵۰

۵۶. نماز شب . ۱۵۳

۵۷. نماز استغاثه به حضرت فاطمه ۱۵۶

فصل پنجم

نماز صحیح و مقبول ۱۶۱

۵۸. بدعت . ۱۶۲

۵۹. عشق واقعی . ۱۶۴

۶۰. نماز در تب ۲۴ درجه ۱۶۷

۶۱. نماز آخر . ۱۶۹

۶۲. کلید فتح نماز . ۱۷۲

۶۳. حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز ۱۷۵

۶۴. زمان ملاقات ۱۷۸

۶۵. تظاهر به عشق . ۱۸۰

۶۶. علامت مؤمن. ۱۸۳.

۶۷. خوش صدایی در مؤذّن ۱۸۵

۶۸. اخلاص (۱) ۱۸۸

۶۹. اخلاص (۲) ۱۹۰

۷۰. شیطان نمی گذارد تا صبح نماز بخوانی ۱۹۲

۷۱. نماز ریایی چیست؟ ۱۹۴

۷۲. تاریخ انقضای نماز ۱۹۶

۷۳. مسیر وحدت . ۱۹۹

۷۴. نخستین سخن ۲۰۰

۷۵. تأثیر الفاظ ۲۰۴

۷۶. چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ ۲۰۷

۷۷. قرائت پیامبر اکرم ۲۱۰

ص: ۷

۷۸. آواز خدا.. ۲۱۲

۷۹. بامبو و سرخس.. ۲۱۵

۸۰. تفکری بالنده در نماز ۲۱۸

۸۱. "استاد علم"؛ "از این نبود سر علم" ۲۲۲

۸۲. تسیحات اربعه در نماز ۲۲۶

۸۳. اقامه نماز نه قرائت نماز ۲۲۹

۸۴. راز رکوع ۲۳۱

۸۵. کارهایت نقص ندارد. ۲۳۳

۸۶. سجده بر یوسف. ۲۳۶

۸۷. آثار طبی سجده. ۲۳۸

۸۸. راز سجده بر خاک ۲۴۱

۸۹. سلام آخر ۲۴۴

۹۰. خوش بینی در معاشرت ۲۴۶

۹۱. برترین مساجد ۲۴۸

۹۲. مسجد شاکی ۲۵۲

۹۳. سنبل اتحاد. ۲۵۵

۹۴. حفظ فاصله ها ۲۵۸

۹۵. نماز خوف. ۲۶۰

۹۶. آشنایی با احکام نماز ۲۶۲

۹۷. تعقیب بی نظیر ۲۶۵

۹۸. تسییحی بهتر از هر خدمتکار. ۲۶۸.

۹۹. قبولی نماز و خانواده. ۲۷۲.

۱۰۰. شیرینی نماز ۲۷۵.

کتابنامه ۲۷۷

ص: ۸

آنچه در پیش رو دارید، درسنامه هایی درباره نماز است که بر پایه آیات و روایات نگاشته شده است. در این کتاب سعی شده علاوه بر کوتاه بودن درس هـ، ا، مطالـب آن جـ ذابیت و زیبـایی خاصی برای جوانان و نوجوانان داشته باشد؛ لذا از تشبیهات و مثال های گوناگون و مسابقات و بیان داستانی هایی کوتاه و جذاب و مرتبط با روح نماز استفاده شده است.

در این کتاب، علاوه بر شناخت روح نماز یعنی ارتباط حقیقی عاشق و معشوق، با قدرت و استحکام بخشی و پیرو زمندی مافوق تصور نماز، آشنا خواهید شد.

نماز مهم ترین راه حل مشکلات و افسردگی های امروز جامعه است و از ایـن رو اسـس و پایه برنامه سعادت بشری معرفی شده است.

چگونه است در جامعه کنونی با وجود گستردگی ارتباط انسان ها با یکدیگر، یک جـوان در مدرسه و دانشگاه، در جمع خانواده و دوستان و حتی در کنـار شـخص مـورد علاقـه اش، بـاز احساس تنهایی می کند؟

آیا این احساس تنهایی، ریشه در احساسات حلنشده یا مخفی نگهداشتن اسرار موجود در

زندگی یا احساس ناکامی و عدم موفقیت نسبت به دیگران یا احساس پوچی و بی هدفی است؟ چگونه است که امام کاظم (ع) با حضور در زندان های متعدد به دست ظالمان زمان خود و تحمل اذیت و آزار آنها در بدترین شرایط، نه تنها احساس تنهایی نمی کرد؛ بلکه هـمـی فرمـود:

"اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفْرَغَنِي لِعِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ وَقَدْ فَعَلْتَ فَلكَ الْحَمِيدُ" (۱)؛ خـدایا، تـو خـود بهتر می دانی من به دنبال چنین فرصتی می گشتم تا با تو خلوت کنم و تـو چنـین فرصـتی را برایم فراهم کردی؛ پس ستایش فقط برای توست.

شاهد بر این مطلب نقل احمد بن عبدالله از فضیل بن ربیع که یکی از زن-دان ب-ان ه-ای ام-ام

کاظم (ع) در بغداد است. فضیل می گوید: "لَمْ أَجِدْهُ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ إِلَّا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ ه"؛ ه-رساعت از شبانه روز که ناگهانی به سراغش می آیم، او را در حال نماز و عبادت می بینم .

پس اگر در زندگی خود، تنها هستی عالم را بشناس-یم و مس-یر دوس-تی و رفاق-ت ب-ا او رابیماییم، قطعاً در هر زمان و مکانی و در سخت ترین شرایط و مشکلات، تنه-ای ی را شکس-ت خواهیم داد و به پیروزی و سعادت خواهیم رسید. به همین جهت ن-ام ای-ن مختص-ر، شکس-ت تنهایی قرار داده شد تا با عنایات الهی و استعانت از نماز و البته سرّ-نم-از؛ یعن-ی محم-د و آل محمد: بتوانیم به هدف از خلقتمان دست یابیم.

در پایان شایسته می دانم از دوست عزیز و گرامی حجت الاسلام محمد خدابخش دچ-انی که در امر تحقیق بنده را یاری نمودند، سپاسگزاری کنم .

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

حامد تقی راد

ص: ۱۰



## فصل اول: چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟

### ۱. ارتباط

#### راهبرد جلسه

در این جلسه، مربی با طرح جدولی فقط به تعریف لفظ ارتباط می پردازد .

#### جذابیت اولیه

مربی از قبل جدولی را که در شکل زیر ترسیم شده، بر روی مقوای بزرگی طراحی می کند تا در زمان اجرا دچار وقفه نشود. یا اگر قصد ترسیم جدول بر روی تخته را دارد در حین ترسیم، اولین سؤال را مطرح کند تا هنگام فکر کردن و پاسخ دادن دانش آموزان کشیدن جدول کامل شود .

دوستان گرامی، ما یک جدول داریم که باید خانه های آن را با پاسخ سؤلهایی ک-ه ش-مامی دهید پر کنیم. سؤالات جدول: (۱)

(نشاط) به معنای فرح و شادی می باشد؟

(سلیمان) نام فرزند حضرت داوود(ع)؟

(مهربان) معنای رحیم؟

بهترین اعمال در زمان غیبت امام زمان(عج) است؟ (انتظار)

"أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْإِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ لَهِ" (۲)؛ با فضیلت ترین اعمال انتظار فرج از خداوند متعال می باشد.

به جمع مرجع م یگویند؟ (مراجع)

آنچه پیامبر اکرم(ص) برای اتمام آن مبعوث شد؟ (اخلاق)

ص: ۱۲

۱- جدول از سمت راست وازبالا به پایین شروع می شود

۲- محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸.



"إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ" (۱)؛ به تحقیق من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم.

خودمانی آن می شود: آخر مرام و معرفت را به نمایش بگذارم.

حالا باید پیام جدول را پیدا کنیم. پیام آن در شکل اریب از قسمت بالای سمت چ-پ ب-ه قسمت پایین سمت راست می باشد که کلمه "ارتباط" میباشد. بچ-ه-ای گل-م، چ-ه-کس-ی می داند ارتباط به چه معناست؟ (۲)

به تعامل و رابطه دوطرفه ای که انسان ها برای رفع نیازها و انگیزه-زه-ای-خ-ود در زن-دگی ایجاد می کنند، ارتباط می گویند. ابزار ارتباط عبارت اند از: استفاده از کلمات، حرکات، ح-الات، صداها و اعمالی که برای توصیف احساسات و بیان معانی و مفاهیم مورد نظر به ک-ار-م-ی رود. یک-ی از مه-م-ت-رین آث-ار ارتب-اط، ایج-اد س-لامتی و آرام-ش در انس-ان م-ی باش-د. در سیره

ص: ۱۳

---

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۲- مربی محترم پاسخ دانش آموزان را بشنود

معصومان: به همان اندازه که به داشتن ارتباط و تعامل تأکید شده، از قهر و ج-دایی نه-ی شده است. تمام روایاتی که مربوط به رفاقت، صله رح-م، دوس-تی، آداب معاش-رت و نه-ی از عداوت و دشمنی است نشان دهنده اهمیت این مطلب است، همانطور که پی-امبر اک-رم(ص) فرمودند: **الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ** <sup>(۱)</sup>؛ ابتدا رفیق [و ارتباط سالم]، بعد پیمودن مسیر [رشد و تعالی]. ما نیز باید همان مسیر را طی کنیم تا در راه سعادت و انسانیت قرار بگیریم.

خدایا به ما کمک کن در ارتباط خوب و صحیح با دیگران موفق باشیم. آمین .

ص: ۱۴

---

۱- ابوجعفر برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۷.

در این جلسه به بررسی ارتباط که یکی از حقوق انسان ها نسبت به یکدیگر است، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

اگر یکی از دوستان شما در مدرسه دچار مشکلی بشود، شما چه می کنید؟ کمکش می کنید یا بی توجه از کنارش می گذرید؟ حتماً پاسخ شما این است که به دوستان کمک می کنید. می دانی -د چ-را؟ چ-ون خدای متعال، زمینه ارتباط و عشق ورزی را حتی قبل از تولد ما فراهم کرده است. عشق مادر-مت-رادف مراقبت، حمایت و پرورش کودک است. ارتباط ما با مادر اولین ادراک از عشق است .

### پیوند با بحث

نیاز به ارتباط و دوستی، نه تنها یکی از نیازهای دنیوی ما اس-ت ، ک-ه در آخ-رت ه-م یک-ی از بهترین لذت ها و نعمتهای بهشتی، ارتباط و همنشینی با انبی-ا، ص-دیقان، ش-هدا و ص-الحان خواهد بود .

"وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا" (۱). عجب رفقایابی! بچه ها خوش به حالشان .اینکه خ-دای متع-ال مؤمن-ان را برادر یکدیگر می خواند: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" (۲) و می فرماید مؤمنان موظف اند به یکدیگر کم-ک کنند و حواسشان به هم باشد، همه به جهت این است ک-ه انس-ان، ب-رای عش-ق و محب-ت و

ص: ۱۵

---

۱- کسانی که خداواین پیامبررا اطاعت کنند، کسانی خواهند بود که همدم انبیاء و صدیقان و شهدا و صالحان اند، که خداموردانعام شان قرار داده، و چه نیکورفیقانی" (نساء: ۶۹).

۲- "همه مؤمنان باهم برادرند" (حجرات: ۱۰).

تعامل و تواصل خلق شده است.

امام حسین (ع) فرمود: پیامبر (ص) فرمود: "بهترین اعمال بعد از نماز، خ-وش ح-ال ک-ردن مؤمن است به کاری که حرام نباشد". (۱)

آن حضرت روزی غلامی را دید که به سگی غذا می دهد. به او فرمود: چه می کنی؟ گفت:

ای فرزند رسول خدا من اندوهگین هستم؛ با شاد کردن ای-ن س-گ، خواه-ان ش-ادی خ-ودم هستم. زیرا ارباب من مردی یهودی است، و من از همین اندوهگینم .

امام حسین (علیه السلام) نزد آن یهودی رفت و غلام را به دوپس-ت دین-ار خری-د. یه-ودی پ-ول رانگرفت و گفت: این غلام فدای قدم های شما و این بوستان مال او، اگر اج-ازه بدهی-د مبلغ-ی پول هم به شما بدهم .

حضرت نپذیرفت؛ بلکه مبلغی به وی داد و یهودی هم آن پول را به غلام بخش-ید . آنک-اه امام (علیه السلام) فرمود: غلام را آزاد کردم و همه این اموال را به او بخشیدم.

پس از این گفت و گو همسر آن یهودی که مجذوب محبت امام حسین (علیه السلام) شده بود، گفت:

من اسلام آوردم و مهریه ام را به شوهرم بخشیدم. شوهرش نیز گفت: من نیز اسلام را قب-ول کردم و این خانه را به همسرم بخشیدم. (۲)

سود دنیا و دین اگر خواهی مای-ه هردوش--ان نکوک--اری اس--ت راحت بندگان حق جس-تن عین تقوی و زهد و دین داری است. (۳)

### نتیجه گیری

مسیر رشد و تعالی ما انسان ها در گرو داشتن ارتباطی خوب و صمیمی با دیگران است . ه-م براساس نیازهای دنیوی و اجتماعی ما و هم براساس نیازهای اخروی و معنوی ما.

خدایا، به ما کمک کن در ادای حقوق دیگران کوشا باشیم. آمین .

ص: ۱۶

۱- محمدباقر مجلسی ، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۷۶.

۲- مصطفی زمانی وجدانی ، داستانها و پندها ، ج ۳، ص ۷۶.

۳- ابن یمن فریومدی، دیوان، ص ۳۴۳.

در این جلسه با استفاده از تکنولوژی آموزشی بازی با کلمات در سطح بالا، به ایچ-اد آرام-ش که یکی از آثار ارتباط است، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

دوستان خوبم، دقت کنید تا این کلمه را بخوانید: "ام".

این کلمه چیست و به چه معنا می باشد؟(۱) این کلمه "أم" است به معنای مادر. چ-رام-ادر را مادر می نامیم؟ مادر به ریشه هر چیزی گفته م-ی ش-ود . م-ثلاً-چ-راب-ه-س-وره-حم-د-ام-الکت-اب می گویند؟ چرا به حضرت زهرا(س) "ام ابیها" می گویند؟ به مادر "أم" می گویند؛ چون ریشه هر فرزندی از مادر نشأت گرفته و توسط او آبیاری شده و از گوشت و پوست و خون او رشد یافته است . به همین دلیل احترام او همیشه لازم است . خداوند در قرآن می فرماید: "فَلَا تَقُولُ لَهُمْ أُمًّا" (۲). نتیجه زحمات مادر چیست؟

این روایت پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) است: "الْجَنَّهُتَحَتْ أَقْدَامَ الْأُمِّهِ-ات" (۳). مادر آنق-در اهمی-ت دارد که پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: "السَّعِيدُ سَعِيدٌ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ شَقِيٌّ فِي بَطْنِ أُمِّهِ" (۴).

حالا برویم سراغ بازی با کلمات: دوستان خوبم به ابتدای کلمه "ام" حرف "را" را اض-افه

ص: ۱۷

۱- مربی محترم بعد از اظهار نظر دانش آموزان بحث را ادامه دهد.

۲- به پدر و مادر خود افاضه کنید (اسراء ۲۳).

۳- بهشت زیر پای مادران شماست (میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۵، ص ۱۸۰).

۴- "خوشبخت، در رحم مادرش خوشبخت است و انسان پلید در شکم مادرش پلید است" (مهدی، حائری یزدی، شرح کافی،

ج ۱، ص ۲۰۶)

می کنیم که می شود (۱) "رام". رام یعنی حرف گوش کن. مهم این است که م-ا رام چ-ه کس-یمی شویم و از حرف چه کسی تبعیت می کنیم. آیا رام شیطان می شویم که ه-ر ک-اری بگوی-د بدون چون و چرا انجام بدهیم؟ یا شیطان رام ما بشود مانند شیطان پیغمبر اکرم (ص) ک-ه رامایشان بود و فرمود: "شَيْطَانِي أَسْلَمَ بِيَدِي". (۲)

حالا به سراغ مرحله بعدی می رویم. اگر به ابتدای کلمه "رام" حرف "آ" را اض-افه کن-یم، می شود "آرام". زمانیکه ما آرام باشیم قدرت تصمیم گیری و درست فکر کردن داریم.

حالا نوبت چیست؟ حرف بعدی. به آخر کلمه "آرام" ح-رف "ش-ین" را اض-افه م-ی کن-یم.

می شود "آرامش". کسی آرامش دارد ک-ه از درون دج-ار اض-طراب و اس-تترس نباش-د. چن-ین شخصی با چنین روحیاتی می تواند آرام رفتار کند و تمام اعمالش رام خودش باش-د؛ ب-ر خلاف انسانی که دچار استرس و اضطراب است و زمینه رفتار آرام و عاقلانه برایش فراهم نیست.

حالا بگویید ما از این بحث چه نتیجه ای می گیریم؟

زمانی که هر کدام از ما با مشکلی روبه رو می شویم و دچار اضطراب و استرس می شویم، با یک دوست صمیمی، معلم و هر کسی که به او اعتماد داشته باش-یم و بت-وانیم از او راهنم-ایی بگیریم ارتباط برقرار می کنیم تا با بیان مشکل و گرفتن راهنمایی صحیح بتوانیم مشکلمان را عاقلانه و با تدبیر حل کنیم. یکی از آثار مهم ارتباط، ایجاد آرامش و تسکین درونی ماست. به فرموده خداوند متعال یکی از راه های ایجاد آرامش ازدواج اس-ت. "خَلَقَكَ مِمَّنْ نَنْفُسِ كُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا" (۳)؛ خدای متعال برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید. این آیه شریفه به روشنی دلالت بر این مطلب ب-د دارد ک-ه دراث-ر ارتب-اط ص-حیح و س-الم آرامش به دست خواهد آمد؛ برخلاف ارتباطات ناصحیح و غیرعاقلانه.

در پایان از خدا می خواهیم که به ما آرامش عطا فرماید. آمین.

ص: ۱۸

۱- مربی محترم بعد از اظهار نظر دانش آموزان بحث را ادامه دهید.

۲- "شیطان من به دست من تسلیم شده است" (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۹۷).

۳- روم: ۲۱

در این جلسه به یکی از دغدغه های فکری جوانان که "آیا خدا وجود دارد؟" و "اگر وجود دارد پس این همه مشکلات از کجاست؟" پاسخ می دهیم .

### جذاییت اولیه

مردی برای اصلاح سر و صورتش به آرایشگاه رفت. در بین کار گفت و گوی جالبی بین آنه-اصورت گرفت. آنها درباره موضوعات و مطالب مختلف صحبت کردند. وقتی به موضوع "خدا" رسیدند. آرایشگر گفت: من باور نمی کنم خدا وجود داش-ته باش-د. مش-تری پرس-ید: چ-را ب-اور نمی کنی؟ آرایشگر جواب داد: کافی است به خیابان بروی تا ببینی چرا خدا وجود ندارد. به من بگو اگر خدا وجود داشت، این همه آدم مریض می شدند؟ بچه ها یتیم م-ی ش-دند؟ اگ-ر خ-دایی وجود دارد، نباید درد و رنجی هم وجود داشته باشد. نمی توانم خدای مهربانی را تصور کنم که اجازه م یدهد این همه درد و رنج وجود داشته باشد. مشتری لحظ های فکر کرد، ما جوابی نداد؛ چون نمی خواست جروبحث کند. آرایشگر کارش را که تم-ام ک-رد. مش-تری از پیش-ت شیش-ه مردی را با موهای بلند، کثیف و ریش اصلاح نکرده دید. رو به آرایشگر کرد و گفت: به نظر من هیچ آرایشگری وجود ندارد. آرایشگر گفت: چرا چنین حرفی می زنی؟ من آرایش-گرم و هم-ین الان موهای تو را کوتاه کردم. مشتری گفت: نه؛ آرایشگرها وج-ود ندارن-د؛ چ-ون اگ-ر وج-ود داشتند هیچ کس مثل مردی که بیرون است، با موهای بلند و کثیف پیدا نمی شد. آرایشگر که انگار متوجه اشتباهش شده بود گفت: نه بابا! آرایشگرها وجود دارند؛ موض-وع ای-ن اس-ت ک-ه مردم به آنها مراجعه نمی کنند. پس خدا هم وجود دارد؛ فقط مردم به او مراجع-ه نم-ی کنن-د و

دنبالش نمی گردند؛ برای همین است که این همه درد و رنج در دنیا وجود دارد.

"قال رسول الله (ص): "يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى

وَلِلَّهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّبِيبِ فَصَلِّ لِمَا حَلَّمَ رُضِيَ فِي -يَمَا يَعْلَمُ-هُ الطَّيِّبُ وَ يُدَبِّرُهُ بِهِ لَا فِيمَا يَشْهِيهِ الْمَرِيضُ" (۱)؛ پیامبر اکرم (ص) در سخنانی به یهودیان فرمودند: ای بندگان خدا، شما مانند بیماری هستید که نیاز به معالجه دارد و خدای عالمیان مانن-د پزشک-ک است. پس صلاح مریض در آن چیزی است که پزشک می داند و برای آن تدبیر می کن-د؛ ن-هآن چیزی که خودش مایل است و اشتها دارد.

### نتیجه گیری

پس ما اگر مریض باشیم تا به طبیب مراجعه نکنیم و مشکلاتمان را با او در می-ان نگ-ذاریم، نباید توقع رفع مشکلات را داشته باشیم. بله خدای متعال از همه دردهای ما با خبر است و به همین دلیل نماز را به منزله معاینه، معالجه و دیدار خصوصی خود قرار داده که روزی چند بار با او درد دل کنیم و مشکلاتمان را در میان بگذاریم.

خدایا، تو شفا دهنده ای؛ بیماریهای جسمی و روحی ما را شفا بده. آمین .

ص: ۲۰



## ۵. گفت و گو با کدام خدا

### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الراحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد.

### جذاییت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان---ه ای دارد کن---ار ابره---ا

ط---لامت---ل قص---ر پادش---اه قص---ه ه---اخش---تی از الم---اس، خش---تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م---اه ب---رق ک---وچکی از ت---اج او ه---رس-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او م---اه ب-رق ک-وچکی از ت-اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق---ش روی دام---ن او کهکش---ان

رعد و برق شب، طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---پی---راهن او آفت---اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیست-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطر م دلگیر ب-ود از خ-دا در ذه-نم ای-ن تص-ویر ب-ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب-ود، ام---ا در می---ان م---ا نب-ود مهرب-ان و س-اده و زیب-ا نب-ود

در دل او دوستی جایی نداشت-ت مهرب-انی ه-یچ معن-ایی نداشت-ت

هرچه می پرس-یدم از خ-ود از خ-دا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م-ی گفتن-د ای-ن ک-ار

خداس-ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود

خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده-ان ازده-ای سرکش-م



نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از تـرس بـو د مـثـل از بـر کـردن یـک درس بـود تلخ، مثل خنـده ای بـی حوصـله سـخت، مـثـل حـل صـدها مـسـئله تا که یک شب دست در دسـت پـدر راه افـتـادم بـه قصـه د یـک سـفر

خانـه ای د یـدیم، خـوب و آسـنا د میـان راه، در یـک روسـت

گفت: اینجا خانـه خوب خداسـت زود پرسیدم پدر اینجـا کجاسـت؟

خانـه اش اینجاست اینجا در زمین؟ گفتمش پس آن خدای خشـمگی ن

فـرشه ایش از گلـیم و بوریا سـتگفت: آری خانـه او بـی ریاسـت

مـثـل نـوری در دل آیینـه اسـت مهربان و ساده و بی کینه اسـت

نـام او نـور و نشـانش روشـنی عادت او نیست خشم و دشمنی

مـثـل قهـر مهربـان مـادر اسـت قهر او، از آشتی شیرین تر اسـت

ایـن خـدای مهربـان و آشناسـت تازه فهمیدم خدایم، ایـن خداسـت

از رگـگـردن بـه مـن نزدیـکتـردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خـدا

صـاف و سـاده مـثـل بلبـل حـرف زد می توان دربـاره گـل حـرف زد

بـالفـب ای سـکوت، آواز خوانـدمی توان تصنیفی از پرواز خوانـد

بـزبـانی بـی الفـب حـرف زد می توان مثل علفـه حـرف زد

مـی تـوان شـعر خـیـال انگیـز گفـتمی تـوان دربـاره هرچی ز گفـت

پیش از اینها فکر می کـردم خـدا (۱) مـثـل ایـن شـعر روان و آسـنا

## سؤال

به نظر شما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی

فایده است .

ص: ۲۲

---

۱- قیصرامین پور

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" (۱) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ" (۲)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إِنَّ لِلَّهِ لَغُفُورًا رَحِيمًا" (۳)؛ خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی بر خورد می کند؛

و امیرالمؤمنان (ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "يَا مَن سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ" (۴)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا، به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: ۲۳

---

۱- ابتدای همه سوره ها .

۲- شوری: ۲۵.

۳- نحل: ۱۸.

۴- دعای کمیل

در این جلسه، به تبیین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند. این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

## جذاییت اولیه

### جذاییت اولیه (۱)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-ا کردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-راز خدا ندارد و خدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هر دو از خدا خواستند، غذا بود. ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا-ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود. هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند. مرد اول دست ب-دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-ب به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت.

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد. اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

ص: ۲۴

نداشت. سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همسرش آن جزیره را ترک کنند. صبح روز بعد مرد، کشتی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا کرد و ب-ا همسرش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر می کرد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست های او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دایی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها می گذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-رای آنه-ا دع-ا کردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-را دریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی-ن ب-اده ن-اب را خم-ار دگ-ر اس-ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

### دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبيب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تا به حال دو تا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هر ک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشق عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش-ه م ک-لام باشد؛ مثل موسای کلیم: "وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا"<sup>(۱)</sup> وقتی خدا از حضرت موسی (ع) پرسید: ای-ن

ص: ۲۵

۱- "و خداوند متعال با حضرت موسی (ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: ۱۶۴)

چيست در دستانت؟" وَمَا تِلْكَ يَمِينِكَ يَا مُوسَى " (۱) حضرت موسی (ع) می توانست بگوید: "عصا-ا" و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ وَا عَلَيْهَا وَأُحْسِبُ بِهَا عَلَيَّ غَنَمِي وَ لِي فِيهَا مِآرِبٌ أُخْرَى" (۲)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه-م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم، و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی (ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت و گو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه-ک-س بیش-تر دوست داشت: "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ" (۳). نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا، به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

ص: ۲۶

۱- طه : ۱۷.

۲- طه: ۱۸.

۳- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ۱۶۵)



ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می‌کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

### جذاییت اولیه

مربی گرامی، ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد.

خلیل الله، روح الله، ذبیح الله، حبیب الله، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد.

- خلیل الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع) به معنای نسیم الهی.

- ذبیح الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب الله لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا.

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "لله" جلّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متعال-م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه-خ-اتم الانبیا(ص) محبوب خداوند متعال است، این فرمایش است که: "أَنََّّهُ سَـيُـدُّ الْأَوَّلِـيْنَ وَالْآخِرِـيْنَ وَأَنََّّهُ سَيُّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است.

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است، "عَيَّدَتْ لَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری، "فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْوَاحَ لُ الْمَكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنْ أَزَلَّ الْمُقْرَبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُكَ لَاحِقٌ وَلَا يَفُوقُكَ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُكَ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِكَ طَامِعٌ" (۱) می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-د کمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد . به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب، روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

## بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذشت .

از جانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی، او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من، اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد . حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، از جانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود . آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: ۲۸

---

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان زیارت پیامبر اکرم (ص) از بعید.

در همین زمان به موسی (ع) خطاب شد: "ای موسی، یکی از بندگان شایس-ته م-ا در فلان موضع وفات کرده، به سوی او برو و او را غسل بده و کفن کن و نماز بر او بخوان و دفنش کن".

موسی (ع) وارد غار شد، دید همان جوان فاسق است.

عرض کرد: "پروردگارا، مگر این همان جوان فاسق نیست ک-ه-ام-ر-ک-ردی از ش-هر بیرونش کنیم؟"

خطاب شد: "ای موسی، او را به سبب بازگشت و ندامتش بخشیدم، چ-را-ک-ه-م-ن، ا-ر-ح-م-ال-راحمین هستم". (۱)

ای خوشا دور از نگاه این و آن ب-ی-ری-ا، اش-ک-ن-دامت ریخ--تن در روان دوست، پیش از آفتاب حل شدن، یک جا شدن، آمیختن (۲)

ص: ۲۹

---

۱- سید محمود امامی، ثمرات الحیوه، ج ۳، ص ۷۷۲.

۲- خلیل ذکاوت (ساحل)

### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که برای ارتباط و دوستی با بزرگان باید همت و تلاشمان هم به همان اندازه بزرگ باشد؛ چراکه با تنبلی و تن پروری نمی شود به اهداف بزرگ و عالی دست پیدا کرد.

### جذاییت اولیه

مربی گرامی عکس هایی از مقبره نادر شاه در مش-هد مق-دس را ب-ه-نم-ایش م-ی-گک-ذارد و ازدانش آموزان می پرسد، چه کسی می داند این مجسمه و مقبره کیست و کجاست؟ بل-ه-درس-ت حدس زدید؛ او نادر شاه بنی-انگ-ذارد سلس-له افش-اریه اس-ت. او دوازده س-ال، از ۱۱۱۴ش. ت-۱۱۲۶ش. بر ایران حکومت کرد. پایتخت وی مشهد بود. جنگ های زیاد او اسباب شهرتش را فراهم کرد؛ به گونه ای که اروپاییان به او لقب "آخرین جهان گشای شرق" و "ناپلئون ایران" را داده اند.

### هدف بزرگ، تلاش زیاد

نادر شاه افشار پادشاه مستبد و قدرت طلبی بود که به کشورگش-ایی بس-یار علاق-ه-داش-ت و ب-رای سیطره بر ممالک جدید و تسخیر مرزها از هیچ کوششی فروگذاری نمی کرد؛ تا جایی که نوشته ان-ددر مسیر گسترش دایره حکومتش تا مدت ها حتی فرصتی برای درآوردن کفش ه-ایش نداشت-ت. او همیشه از سربازانش پیش می افتاد و اگر در استراحت گاهی مجبور به توقف می شد تا می توانست از استراحت کمی گذاشت و به سربازانش پیغام می داد که نادر رفت، وقت تلف نکنید.

کسانی که در زندگی هدفی را تعقیب می کنند و برای آن ارزش قائلانند به می-زان بزرگ-ی هدفشان برایش زحمت می کشند.

نادر شاه برای رسیدن به دنیای خودش آرام و قرار نداشت. دنیای او در مقابل تمام جهان چقدر است؟

حالا- اگر ما هدفی بزرگتر از جهان را در نظر داشته باشیم، قطعاً رسیدن به آن با خوابیدن و بی حوصلگی سازگار نیست. بعضی برای رسیدن به این دنیا مسابقه می گذارن-د و ب-ه س-رعت مسیر را طی می کنند. قرآن کریم در چند آیه آنها را معرفی کرده و فرموده اس-ت: آنه-ا در راه کفر خود مسابقه دو سرعت گذاشت هاند .

"وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكَلِهِ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ"؛ (۱) کس-انی را که بنده طاغوت شده و پا روی حق گذاشته اند، در حالی می بینی که برای رسیدن ب-ه گن-اه و ظلم و خوردن حرام مسابقه می دهند .

### سؤال برای اندیشیدن

چه کسی می تواند بگوید از دنیا بزرگ تر کجاست؟ آفرین؟ درست جواب دادید . آخرت .

دنیا در مقابل آخرت خیلی خیلی کوچک است. همان طور که قرآن کریم ب-ه کس-انی ک-ه تصور کرده اند دنیا جای بزرگی است، و سفت و محکم به آن چسبیده اند، می فرماید: آیا به این اندازه راضی شده اید و توقعتان اینقدر کم است؟

"أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ"؛ (۲)

کالای دنیا در مقابل آخرت خیلی کم است. علاوه بر اینکه خ-ود آخ-رت ه-م نس-بت ب-ه مراتب و طبقات بهشت، کوچکی و بزرگی دارد. به نظر شما بزرگتر از آخ-رت ه-م م-ی ت-وان تصور کرد؟

ص: ۳۱

۱- مائده: ۶۲.

۲- توبه: ۳۸.



### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این مطلب می پردازیم که هر انس-انی مت-دین ت-ر و ب-ه خ-دای متع-ال نزدیکتر است، از تنبلی دورتر و پرتلاش تر است

### جذاییت اولیه

مربی، سه کارت به شکل کارت های زیر تهیه کند:

المؤمنُ هَشَّاشٌ بِشَّاشٍ الْمُؤْمِنُ كَالْجِبَلِ الرَّاسِخِ

سه نفر از دانش آموزان را دعوت می کنیم. به هرک-دام ی-ک ک-ارت م-ی ده-یم (۱) و از آنه-امی خواهیم روبه روی سایر دانش آموزان بایستند. از دانش آموزان دیگر می خواهیم این روایت را بخوانند و در صورتی که صحیح خواندند، معنای آن را بیان کنند. پشت کارتها هم این روای-ترا می نویسیم: "المؤمنُ، كَالْجِبَلِ الرَّاسِخِ-خ"؛ مؤمن مانند کوه استوار اس-ت. بع-د از توضیح مختص-رحدیت اول، از شرکت کننده ها می خواهیم کارت ها را برگردانند. باز از دانش آموزان می خ-واهم روایت را بخوانند و معنا کنند

### چگونه شاد باشیم؟

رفاقت با خدای متعال برخلاف آنچه ممکن است در ذهن ما باشد، ش-ادابی و ف-رح م-ی آورد،

ص: ۳۳

---

۱- جمله به صورت پراکنده بین دانش آموزان تقسیم شود.

"المؤمن هَشَاشٌ بَشَاشٌ" (۱) اتفاقاً بدون این ارتباط، هر انسانی دچار یأس و ن-ا امی-دی خواه-د ش-د؛ چون احساس تنهایی و نداشتن یک تکیه گاه محکم در زندگی، انسان را تنبل و ب-ی انگیزه و

تسلیم شرایط و حوادث می کند. پیغمبر اک-رم (ص) فرمودن-د: "أَمَّا-إِنِّي أَصِيلِي وَأَنَّ-أُمَّ وَأُصُّ-وَمُ وَأُفْطِرُ-رُ وَأُضْحَكُ وَأُبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي"؛ (۲) من هم مانند ش-ما زن-دگی ع-ادی دارم؛

نماز می خوانم، می خوابم، روزه می گیرم، افطار می کنم، می خن-دم، گری-ه م-یک-نم. [پ-س ن-ه به جانب افراط می روم و نه به جانب تفریط، نه آنقدر عبادت می کنم که خسته شوم و نه آنقدر تنبلی که از دایره بندگان خدا و عبادت کنندگان خارج شوم. شما هم مانند من باش-ید. [کس-ی که از روش و سنت من پیروی نکند از من نیست.

تنبلی یعنی عدم تمایل به فعالیت یا تلاش. انسان باخدا، انسانی با انگیزه است و در هجوم بلا- و حوادث، مانند کوه می ایستد: (۳) "الم-ؤمن كالجب-ل الراس-خ" و از پ-ا درنم-ی آی-د و راه خ-ود را می پیماید. به همین دلیل است که دنیا هیچ وقت به او زیانی نمی رساند.

### نتیجه گیری

مؤمنان واقعی کسانی هستند که مانند پیغمبر اکرم و اهل بیت: به علت ارتب-اط ب-ا خداوند-دقدیر، همیشه کوشا، امیدوار و پرتلاش اند و نه تنها اهل ک-ار و فعالیت-ت هس-تند، ک-ه در انج-ام

کارها از یکدیگر نیز سبقت می گیرند: "وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ؛ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ"؛ (۴) آنهایی که در دنیا به سوی خیرات و در آخرت به سوی مغفرت و رحمت سبقت می گیرند. سابقان هم-ان مقرب-ان درگاه خداوند متعال می باشند

خدایا، ما را از کسالت و تنبلی دور کن. آمین.

ص: ۳۴

۱- میزراحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۳.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸.

۳- مربی به دانش آموزان بگوید کارتها را برگردانید.

۴- واقعه: ۱۱۰\_ ۱۰



### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که بی توجهی به ظاهر بدن و جسم سبب بیمار شدن و از بین رفتن آن می شود؛ همین طور بی توجهی به نفس و روح و رسیدگی نکردن به آن نیز موجب بیمار شدن آن می شود.

### جذاییت اولیه

مربی با همراه داشتن مولاژ (اسکلت کمک آموزشی) مطالب ذیل را بیان کند:

یکی از کارهایی که بسیار مطلوب است و پزشکان توصیه می کنند، معاینه-ه کام-ل ب-دن است. معاینه بدن توسط پزشک موجب می شود در صورت ایجاد کوچک ترین بیماری، به فک-ر مداوای آن برآییم. اهمیت این کار در مورد بیماری های جسمی روش-ن اس-ت و جال-ب این ک-ه بسیاری از ما تصور می کنیم دچار هیچ بیماریای نیستیم؛ درحالی که این تصور غلط، به دلی-ل عدم بررسی دقیق بدنمان می باشد. رئیس انجمن اورولوژی ایران با اشاره ب-ه اینک-ه اف-راد در صورت درد سنگ کلیه حتی در نیمه شب به اورژان-س مراجع-ه م-ی کنن-د. گف-ت : ول-ی ای-ندر صورتی است که سرطان ها از جمله سرطان پروستات هیچ علامت ویژه ای ن-دارد و م-ردان باید در این زمینه با معاینه های دوره ای به فکر سلامتی خود باشند. وی افزود این درحالی است که برخی مردان در زمان مراجعه به مط-ب ه-ا، ن-ام بیم-اری پروس-تات را نم-ی دانن-د و آن را ترموستات عنوان می کنند.

### پیشنهادی بهتر

اما از این کار بهتر و دقیق تر این است که پیشگیری کنیم از ابتدا مراقبت کنیم و هر غذایی

را نخوریم تا دچار بیماری نشویم؛ چراکه "الْمَعْدَةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ"؛<sup>(۱)</sup> معده خانه همه بیماریهاست .

همچنین قرآن کریم می فرماید: انسان باید به آنچه می خورد خوب دقت کند: "فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ - أَنْ إِلَىٰ طَعَامِهِ" <sup>(۲)</sup> همانطوری که غذای جسم را باید با دقت بررسی و میل ک-ردت-ا-بیم-اری-ایج-ادنشود، باید به قلب و نفس خود نیز توجه کنیم. اینکه به چه چیزی عادت می کند، از چه چیزی لذت می برد، با چه چیزی سیر می شود و با چه کسی مأنوس می شود .

### نتیجه گیری

اگر کسی از خدای متعال دور شد و خدا را فراموش کرد، خودش را فراموش می کن-د و مانن-د-

کسی است که از حال بدنش غافل می باشد. قرآن کریم می فرماید: " وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْشَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ "؛<sup>(۳)</sup> مانند کسانی که خدا را فراموش کرده ان-د-نباش-ید. چ-را-ک-ه-آنه-ا-در-واق-ع

خودشان را فراموش کرده اند. پس فراموش کردن خدای متعال، یعنی بی توجهی به خود و عدم مراقبت از روح و نفس خودمان، که در نهایت موجب بیماری های عمیق روحی، ایجاد افسردگی و اضطراب در وجودمان خواهد شد.

### دعای آخر

امام صادق(ع) در دعای روز عرفه عرضه می دارد: "اللهم إني أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ وَالْكَسَلِ"؛<sup>(۴)</sup>

خدایا، پناه می برم به تو از فراموشی و تنبلی و کسالت.

ص: ۳۶

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۹۲.

۲- عبس: ۲۴

۳- حشر: ۱۹

۴- سیدبن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۹۳

## ۱۱. زندگی سخت و بی‌روح

### راهبرد جلسه

می‌خواهیم بدانیم چرا در بعضی مواقع، زندگی آنقدر سخت می‌شود که می‌گوییم: ای کاش اصلاً به دنیا نیامده بودم، و بعضی مواقع آنقدر لذت بخش می‌شود که قصد صدها سال زندگی را در سر می‌پرورانیم!

### جذاییت اولیه

مربی گرامی جدول زیر را که رمز آن "ضَنُك" (۱) می‌باشد روی تخت-ه-ی-ا روی مق-وای-ب-زرگ طراحی می‌کند، و از دانش آموزان می‌خواهد با پاسخ به سه سؤال زیر، رم-ز-ج-دول-را-ح-دس بزنند و بعد از آن معنای کلمه "ضَنُك" را بیان کنند.

ض ح ی

ن ی ت

ک ه ف

۱. سوره ای که در نماز باید همراه سوره انشراح خوانده شود؟

ص: ۳۷

---

۱- ضَنُك " به معنی سختی و تنگی است. این کلمه همیشه به صورت مفرد به کار می‌رود و تشبیه و جمع و مؤنث ندارد.

۲. نام میوه ای که در قرآن به آن قسم خورده شده؟

۳. غاری که در قرآن آمده و سنگ آن معروف است؟

بعد از مشخص شدن رمز جدول و معنای آن، این آیه شریفه را روی تخته بنویسید:

"وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا" (۱)

دوستان خوب من کی می دونه معنای این آیه شریفه چیه؟

### پیوند با بحث

گاه می شود درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته م ی شود، و دست به هر کاری می زند ب-امشکلی روبه رو می گردد. گاهی هم به عکس، مقدمات همه کارها فراهم اس-ت و ب-ن بس-ت و گرهی در کار نیست. حالت اول را به وسعت زندگی، و آن یکی را به ض-یق و تنگ-ی معیش-ت تعبیر می کنند. منظور از "معیشَت ض-نْک" که در آیه بالا آمده نیز هم-ین اس-ت. ممک-ن اس-ت، بعضی فکر کنند تنگی معیشت، به دلیل درآمد کم باشد؛ درحالیکه-ه اف-رادی هس-تند، پ-ول و درآمدشان هنگفت است، ولی بخل و حرص و آز، زندگی را بر آنها تنگ کرده. نه تنها دیگران از زندگی آنان لذتی نمی برند، خودش-ان ه-م از آن هم-ه نعم-ت مح-روم هس-تند. ب-ه فرم-وده امیرالمومنین (ع):

"همچون فقیران زندگی می کند و همان-د اغنی-ا و ثروتمن-دان روز قیام-ت حس-اب پ-س می دهد" (۲)

قرآن می فرماید: علت اصلی این مشکلات و سختی ها غافل شدن رویگردانی از خداست؛ چراکه یاد خدا مایه آرامش جان، تقوا و شهامت است. فراموش کردن او نیز مای-ه اض-طراب و ترس و نگرانی است که سبب می شود همه از هم بترسند، هیچکس به دیگری اعتماد نکند، و رابطه ها و پیوندها بر محور منافع شخصی صورت گیرد. اصولاً تنگی زندگی بیش-تر ب-ه عل-ت کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است. عدم اطمینان به آینده و ت-رس از ن-ابودش-دن

ص: ۳۸

۱- و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت .

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ش ۱۵

امکانات موجود، و وابستگی بیش از حد به دنیا، مهمترین عوامل سخت و بی روح شدن زندگی است، درحالی که ایمان به خدا و دل به ذات پاک او بستن، ما را از همه نگرانی ها و سختی ها و مشکلات نجات خواهد داد.

### نتیجه گیری

بچه ها با همه فقر و نداری، زمانی که دستشان در دس-ت ب-زرگ ترش-ان ق-رار دارد، احس-اس دارایی و قدرت و آرامش می کنند. ما نیز اگر بخواهیم در دنیا و آخرت ب-ا هم-ه فق-ر و ن-داریندایمان؛ "أنتُم الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ" (۱) از آرامش و قدرت و ثروت برخوردار شویم، باید دس-تمان را در دست قدرت و ثروت و آرامش بی نهایت قرار دهیم .

الا-مردمان جملگی ش-ما فقیری---د ب---ر درگ---ه کبری---ا ولی بینیا است پروردگار ستوده صفات است آن کردگار (۲)

ص: ۳۹

---

۱- فاطر: ۱۵

۲- امید مجد.

در این درس به دو صفت از صفات نمازگزاران می پردازیم که یکی از آنها را باید محافظت و دیگری را ترک کنند.

### جذاییت اولیه

کلمه زیر آب را چه کسی تا به حال شنیده و معنای آن چیست؟

زیر آب در لغت: مجرای است در ته مخزن های آب که هنگام خالی ک-ردن آب، آن را ب-از کنند. (۱) مخرجی در بسته در ته خزانه یا حوض یا آبان بار که به چاهی یا مغاکی منتهی می شود تا آنگاه که خواهند، آن را باز کنند و آبدان از آب و لجن تهی شود. (۲)

تا کمتر از صد سال پیش در خانه های قدیمی که لوله کشی آب تصفیه شده نب-ود زی-ر آب معنی داشت. زیر آب در انتهای مخزن آب خانه ها بود، که ب-رای خ-الی ک-ردن آب، آن را ب-از می کردند. زیر آب به چاهی راه داشت تا با باز کردن آن لجن ته حوض از آن به چاه برود و آب پاکیزه وارد حوض شود. در همان زمان وقتی با کسی دشمنی داشتند برای اینکه به او ض-ربه بزنند زیر آب حوض خانه اش را باز می کردند تا همه آب تمیزی را که در حوض دارد از دس-ت بدهد. صاحب خانه، وقتی خبردار می شد خیلی ناراحت می شد؛ چون بی آب می ماند. ای-ن ف-رد آزرده به دوستانش می گفت: "زیر آبم را زده اند".

این اصطلاح که زیر آبش را زدند ریشه از همین کار دارد.

ص: ۴۰

---

۱- محمد علی جمال زاده، فرهنگ عامیانه.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه.

حضرت موسی(ع) به خدا عرض کرد: "خدایا من هر جا می روم دچار مشکل می شوم. چ-را این طور است؟"

خداوند فرمود: "در لشکر تو کسی است که زیر آب زنی می کند". گفت: "او را به من معرفی کن"، فرمود: "من از این کار بی زارم چگونه خودم این کار را انجام دهم؟"<sup>(۱)</sup> در دعاهای بسیاری ما به خدا می گوئیم خدایا تو نمی گذاری کارهای ب-د و زش-ت ف-اش ش-ود. س-تاریت یک-ی از زیباترین صفات خداوند متعال است: "يَا عَلَامَ الْغُيُوبِ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سَ تَارَ الْغُيُوبِ"<sup>(۲)</sup>

همه کسانی که با او رفیق شده اند، همین خصوصیت را دارند. از عبادت‌ها و س-جده-ه-ایسیدالساجدین(ع) زیاد شنیده ایم؛ اما جالب است بدانیم که امام زی-ن العابد-دین(ع) در اث-رای-ن عبادات چه اخلاقی پیدا کرده بود. او که در عبادت در عصر خود شهره آفاق شده بود. آن قدر سجده می کرد که به او سیدالساجدین م یگفتند. در اثر ارتباط با خداوند متع-ال-ب-ین م-ردم ب-ه پرده پوشی معروف بود. یکی از آنها پناه دادن به خانواده مروان بن حکم، در ماجرای قیام م-ردم مدینه(واقعه حرّه) است. طبق تصریح منابع تاریخی در جریان واقعه حرّه و هجوم ش-امیان ب-ه مدینه، بسیاری از خانواده ها همسر و فرزندان خود را به خانه امام سجاد(ع) فرس-تادند و از آنحضرت پناه خواستند و در پناه آن حضرت تا پایان اشغال مدین-ه ب-ه دس-ت س-پاه م س-رف در امنیت و سلامت به سر بردند و از تعرض شامیان در امان ماندند.<sup>(۳)</sup>

### نتیجه گیری

کسی که اهل ارتباط با خدای متعال باشد نه تنها اهل زیر آب زدن نیست؛ بلکه-ه- در مواق-ع ل-زوم از کسی که به او بدی کرده است، حمایت هم می کند. پیامبر اکرم(ص) در جریان فتح مکه دو ج-ا رامکان امن اعلام کردند. یکی خانه خدا و هر کسی که داخل آن باشد، و دیگری خان-ه ابوس-فیان و

هر کسی که داخل خانه او باشد.<sup>(۴)</sup> این در حالی است که ابوسفیان دشمن خونین پیامبر اکرم(ص) بود .

ص: ۴۱

- ۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۲
- ۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۱
- ۳- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۲۴۵
- ۴- احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۹

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که اگر نگاهمان به زندگی، خدایی باشد و مانند اهل بیت: عین الله بشویم آن زمان همه چیز را زیبا خواهیم دید و از زندگی مان ب-ه-معن-ای واقعی لذت خواهیم برد.

### جذاییت اولیه

#### جذاییت اولیه (۱)

امشب هم مثل شب های پیش، از شدت درد خواب به چشمانش نمی آمد. پهلو به پهلو می شد و سعی می کرد توجهی به سوزش چشمانش نکند؛ اما درد امانش را بریده بود. بیماری او از نظر-رتامی متخصصان آن دوران لاعلاج تشخیص داده شده بود؛ یعنی با اینهمه ثروت و مکنت هیچ امیدی به یک لحظه آرامش نداشت. صبح فردا قرار بود به دیدن یکی دیگر از پزشک-کان متخصص برود، بلکه درمانی برای نجات از این بیماری بیابد. پزشک بع-د از معاین-ه ب-رای اونسخه ای عجیب پیچید و گفت: نباید به هیچ رنگی غیر از سبز نگاه کن-ی. عم-ل ب-ه توص-یه پزشک برای بیمار که ثروت فراوانی داشت امکان پذیر بود. در مدت کوتاهی در و دیوار قصر او به رنگ سبز درآمد. همچنین تمام وسایل حتی لباسهای خ-دمتگاران-ه-م س-بز-ر-ن-گ ش-د.

هی چکس بدون پوشیدن لباس سبز حق رفت و آمد به قصر او را نداشت؛ تا جایی که اگر کس-ی خواستار دیدار با او بود باید از سرتا پا سبزپوش میشد. با سختگیری خدمت کاران در عمل ب-ه دستور پزشک بعد از مدتی حال او تغییر کرد و رو به بهبودی رفت. آن م-رد ثروتمن-د ب-رایتشکر از منجی اش، پزشک را به قصر خود دعوت کرد تا لظ-ف او را جب-ران کن-د؛ ام-ا وقت-ی حکیم با لباس نارنجی وارد خانه شد خدمت کاران از ورود او به اتاق جلوگیری کردند و خواستار

ص: ۴۲



سبزپوش شدن حکیم شدند. حکیم، با آرامش خواسته آنان را برآورده کرد و با لباس سبز وارد اتاق شد. در چشمان مرد به جای درد و افسردگی، شادی و سرزندگی موج می زد. با خوشحالی به حکیم گفت: گرچه تغییر تمام اطرافم به سبز، برایم بسیار مشکل بود؛ ام-ره-ایی از ای-ن بیماری تمام دروسرها را شیرین کرده است. حکیم لبخندی زد و گفت: "ای مرد، اگر به جای این همه زحمت عینکی با شیشه سبز به چشمانت می زدی تمام جهان را سبز می دیدی!"

حالا بگویید عامل اصلی در بیماری این مرد چیست-ت؟ و چ-رام-رد ب-ه ج-ای عین-ک زدن اطرافش را تغییر داد؟(۱)

## نگاه ما به دنیا

نگاه ما به عالم از پشت عینکی است که به چشمانمان زده ایم. انسانها براساس دیدگاهش-ان به جهان، زندگی می کنند. کسی که آفرینش را خلاصه در این دنیا می بیند، طبیعی است-ک-ه کوچکترین سختی را در دنیا تاب نیاورد؛ زیرا می خواهد همین روزها را در بهترین ش-رابط و بدون غم و غصه زندگی کند؛ اما اگر حقیقت این عالم را بدانیم، دیگر هیچ نقص و کمبودی را حس نخواهیم کرد؛ چراکه همه کاستی ها در چشم کسی است که فق-ط عین-ک نزدی-ک ب-ین دنیایی را به چشم خود زده است. لذا فقر، بیماری و مشکلات برای او سخت و غیرقابل تحمل است؛ اما برای کسی که خدایین است و عینک زیبای آخرت نگری را به چشم زده باش-د-ه-یچ بلا و سختی ای، بی حکمت نیست؛ چون م یدانند از جانب حکیم علیم صادر شده است. راز جمله زینب کبری(س) در مجلس ابن زیاد همین است .

وقتی ابن زیاد به ایشان گفت: "هل رأیت صَنِيعَ لَهِ بِأَخِيكَ"؛ دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ فرمود: "مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا"(۲)؛ من جز زیبایی چیزی ندیده ام .

## نتیجه گیری

شاید همه ما به این مرد بیمار بخندیم که چرا از ابتدا به فکر عینک نیفتاد؛ اما جالب است که

ص: ۴۳

۱- . مربي عزيز اجازه بدهد چند تن از دانش آموزان به سؤالات پاسخ بدهند.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱

خودمان هم حاضریم همه اطرافیان را مجبور کنیم مطابق میل ما باشند. چرا؟ چون متکبریم و حاضر نیستیم زحمت تغییر را به خودمان بدهیم.

پروردگارا، به نگاهمان رنگ الهی بزن. آمین ...

ص: ۴۴

در این جلسه به این سؤال پاسخ می‌دهیم که چرا و چگونه بین م-ا و خداون-د متع-ال فاص-له ایجاد می‌شود؟

### جذاییت اولیه

#### جذاییت اولیه (۱)

گفت: "کسی دوستم ندارد. می‌دانی چقدر سخت است کسی دوستت نداشته باشد؟ تو برای دوست داشتن جهان را ساختی. حتی تو هم بدون دوست داشتن...!" خدا هیچ نگفت.

گفت: "به پاهایم نگاه کن! بین چقدر چندانش آور است. چشم ه-ا را آزار م-ی ده-م. دنی-ا را کثیف می‌کنم. آدم هایت از من می‌ترسند. مرا می‌کشند. برای اینکه زش-تم. زش-تی ج-رم م-ناست." خدا هیچ نگفت.

گفت: "این دنیا فقط مال قشنگهاست. مال گل‌ها و پروانه‌ها. مال قاصدک‌ها. م-ال م-ن نیست."

خدا گفت: "چرا، مال تو هم هست، دوست داشتن گل، دوست داشتن پروانه ی-ا قاص-دک کار چندان سختی نیست؛ اما دوست داشتن یک سوسک، دوست داشتن "ت-و" "ک-اری دش-وار است. دوست داشتن کاری است آموختنی. هرکسی رنج آموختن را نمی‌برد. ب-بخش کس-ی را که تو را دوست ندارد؛ زیرا که هنوز مؤمن نیست؛ زیرا که هن-وز دوس-ت داش-تن را نیاموخت-ه"

ص: ۴۵

۱- مربی ابتدا داستان را با احساسات و لطافت خاصی بیان کند.

است. او ابتدای راه است. مؤمن همه را دوست دارد؛ زیرا هم-ه از م-ن اس-ت و م-ن زیب-ایم و چشم های مؤمن جز زیبا نمی بیند. زشتی در چشم هاست. در ای-ن دای-ره، هرچ-ه ک-ه هس-ت، نیکوست. آنکه بین آفریده های من خط کشید، شیطان بود. شیطان، مسئول فاصله هاست.

حالا، قشنگ کوچکم! نزدی کتر بیا و غمگین مباش."

قشنگ کوچک نزد خدا رفت و دیگر هیچ گاه نیندیشید که نازیاست. (۱) آیا می دانید؟ چرا شیطان از جدایی لذت می برد؟

یکی از راه هایی که شیطان برای جدایی از آن استفاده می کند، کدام است؟ به نظر شما شیوه مقابله با این کار شیطان چیست؟ (۲)

### پیوند با بحث

دوستان من، چرا از پرس شهای من تعجب کردید؟ اجازه بدهید کم-ی بیش-تر توضیح-ب-دهم.

همه ما از یک جنس هستیم و همه مخلوق یک نفر می باشیم

"یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰ- أَكْمَلْنَا لَكُمْ دِينَكُمْ إِنَّا نَحْنُ اللَّهُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ" (۳) تفاوت هایمان در خلقت، نمی تواند موجب فخر و فروشی ما به یک-دیگر باش-د.

تنها چیزی که شخصی را بر دیگران برتری می دهد، فضیلتی است که خ-ود او کس-ب-ک-رده باشد؛ مانند: علم و عمل صالح، جالب اینکه صاحبان علم و عمل ص-الح-وقت-ی واقع-أ-ع-الم وعادل می شوند، هیچ چیز را محصول کار خودشان نمی بینند تا موجب فخر و فروش-ی-آنه-ا-ش-ود:

إِلَهِی لَأَحْزَنُ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا لَا يُقَدِّرَتِكَ وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ. (۴) این دیدگاه، نگ-اه-کس-ی است که با خدا زندگی می کند و این نگاه باعث می شود دشمنی و اختلاف ریش-ه-ک-ن-ش-ود و جای خود را به برادری و برابری بدهد. وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ رُجُلًا مَدْعَاةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (۵) و یاد کنید نعمت خدا را که بر شما کرد تا از مرد و زن آفریدیم، و شما را گروه گروه و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بتردید، خداوند دانای آگاه است" (حجرات: ۱۳)

ص: ۴۶

۱- عرفان نظر آهاری، بالهات را کجا جا گذاشتی، ص ۴۸

۲- اجازه بدهید دانش آموزان اظهار نظر کنند. جواب سؤالات در پیوند با بحث بیان شده است.

۳- ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم، و شما را گروه گروه و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بتردید، خداوند دانای آگاه است" (حجرات: ۱۳)

۴- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۳۴۱، باب ۳۲.

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا. (۱) نه تنها مؤمنان حس برادری پیدا میکنند؛ بلکه مؤمن حاضر نیست-ت ب-ه هیچ مخلوقی از مخلوقات محبوبش کوچکترین آسیبی برساند. "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" (۲). چراکه همه آنها را زنده می‌داند؛ چون از ناحیه زن-ده پای-دار

آمده اند. شیطان از این همه همدلی و رفاقت سخت در عذاب است؛ زیرا دشمنی، بهترین بستر برای انجام گناهان است. برای همین عزم خود را جزم کرده تا دوستی‌ها را تبدیل به دشمنی کند.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ. (۳)

خدایا، مگذار شیطان بین ما و تو فاصله بیندازد. آمین.

ص: ۴۷

---

۱- و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید" (آل عمران: ۱۰۳)

۲- در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید" (حجرات: ۱۰)

۳- همانا شیطان می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد" (مائده: ۹۱)





### ۱۵. گدای نابینا و روزنامه نگار

#### راهبرد جلسه

در این جلسه، درباره اینکه ما با خدای متعال هرگونه که بخواهیم می‌توانیم صحبت کنیم، بحث خواهیم کرد؛ اما بهترین نوع ارتباط کلامی چیست؟

#### جذابیت اولیه

##### جذابیت اولیه (۱)

روزی مرد نابینایی روی پله‌های ساختمان نشسته بود و کلاه و تابلویی را کنار پایش قرار داده بود. روی تابلو نوشته بود: من کور هستم؛ لطفاً کمک کنی. روزنامه‌نگار -نگار- از خلایق از کن -ار اومی گذشت؛ نگاهی به او انداخت. فقط چند سکه داخل کلاه بود. او چن -د س- که داخ -ل ک- لاه انداخت و بدون اینکه از مرد اجازه بگیرد، تابلوی او را برداشت، آن را برگرداند و جمله دیگری روی آن نوشت و تابلو را کنار پای او گذاشت و آنجا را ترک کرد. عصر آن روز، روزنامه نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه آن مرد پر از اسکناس شده است. مرد نابینا از ص -دای قدم های او، خبرنگار را شناخت و درخواست کرد نوشته تابلو را ب -رایش بخوان -د. روزنامه -نگار- جواب داد: چیز خاص و مهمی نبود. من فقط نوشته ش -ما را ب -ش -کل دیگ -ری نوش -تم؛ بع -دل‌بخندی زد و رفت. مرد نابینا هیچ وقت ندانست که او چه نوشته است. (۲) روزنامه نگار روی تابلو نوشته بود: امروز یک روز بهار است؛ ولی من نمی‌توانم آن را ببینم!

#### پیوند با بحث

هرکسی برای برقراری ارتباط با دیگران راهی را انتخاب می‌کند. ب -ی ش -ک بهت -رین راه

ص: ۵۰

---

۱- مربی با تسلط بر مطلب و بیانی شیوا و زیبا داستان را بیان کند.

۲- مربی از دانش آموزان بخواهد که حدس بزنند آن جمله چه بوده است؟



ارتباط، کلام است. ما با سخن گفتن، آنچه را در قلبم-ان م-یگ-ذرد ب-ه ط-رف مقاب-ل انتق-ال می دهیم. پس باید بهترین جملات را انتخاب کرد. خداوند متعال خود مس-تقیم ب-ا م-ا س-خن

گفته و از پیامبر اکرم(ص) نقل قول نکرده است. "وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ"؛ (۱) پیغمبر اکرم از روی هوا و هوس صحبت نم یکنند؛ به تحقی-ق آنچ-ه م-ی گوی-د وح-ی و ک-لام خداوند متعال است. حال اگر بخواهیم به بهترین وجه با خالق هستی درد دل کنیم، باید سراغ کسانی برویم که راه حرف زدن با او را بلد باشند و شیوه های برق-راری ارتب-اط را از آنه-ا ی-اد بگیریم و ما هم مانند آنان با محبوبمان ارتباط برقرار کنیم. تابه حال به این فکر کرده ای-د ک-ه چرا به مناجات های اهل بیت: مانند: دعای کمیل، دعای عرفه، ب-ا خداون-د متع-ال گ-وش می کنیم؟ مگر نه اینکه این جملات، سخنان خصوصی آنها با خداست! (۲) درست ح-دس زدی-د.

اهل بیت: به این طریق می خواهند روش دوستی و تقویت رابط-ه م-ا ب-ا خ-دای مهرب-ان را نشان دهند تا ما بتوانیم خواسته ایمان را در بهترین قالب و به بهترین شیوه با محبوبمان در میان بگذاریم .

### نتیجه گیری

با کمی دقت متوجه خواهیم شد نماز گنجینه ای از بهت-رین کلم-ات و زیب-اترین قال-ب ب-رای گفتگو است. که در آن هم با زبان و هم با عم-ل ب-ه بی-ان احساس-ات و خواس-ته ه-ای خ-ود می پردازیم.

خدایا، به ما کمک کن تا بهترین راه ارتباط با تو را پیدا کنیم. آمین

ص: ۵۱

۱- نجم: ۳ و ۴

۲- مربی از دانش آموزان نظرخواهی کند.

در این درس با نماز واقعی یعنی همان نماز مقبول و آثار و برکات آن آشنا می شویم.

### جذاییت اولیه

انسان برای پیمودن راه صحیح تکامل و سعادت باید ازی کسو، رابطه خود را با خدا و ازس-وی دیگر، با خلق خدا تقویت نماید. بهترین راه تقویت رابطه با خدا، نماز است. نماز یک ظ-هری دارد، که انجام آن موجب رفع تکلیف از ما می شود؛ اما اینگونه نماز خواندن به این معنا نیست که لزوماً موجب سعادت اخروی گردد. رسیدن به قرب الهی از طری-ق نم-از، مس-تلزم رعای-ت نکات خاصی است که با صرف عمل به تکلیف، آن هم از روی عدم توجه به مفاهیم عملی آن، محقق نم یگردد .

امام صادق(ع) در کلام نورانی خود با بیان حدیثی قدسی، برخی از شرایط قب-ولی نم-از را

یادآور می شوند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ جُنْدَبِ قَالِ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ زَفِي يَعْ-ضِ مَ-ا أَوْحَى-يَ إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّ-لَمَاءَ"؛ (۱) ای جن-دب خداوند جلّ جلاله فرمود نماز کسی را می پذیرم که:

شرط اول: این است که نمازگزار در هنگام نماز، عظمت خدا را به یاد آورد و به این نکته توجه داشته باشد که هرچه بیشتر موفق به درک عظمت خدا گردد، خود را در برابر آن کوچک و ناچیز می شمارد؛ مِمَّنْ يَتَوَاضَعُ لِعَظَمَتِي؛ در پیشگاه عظمت من خشوع می کند .

### بیان داستان

در زمان پیامبر(ص)، زنی زندگی می کرد به نام "زینب عطّاره" که به شغل عطر فروشی اشتغال

ص: ۵۲

داشت. آن زن عطرهاى خوبى را كه تهيه مى كرد، ابتدا خدمت پيامبر(ص) مى آورد، و حضرت نيز آنها را خريدارى مى كردند. آن زن يك روز از پيامبر اكرم(ص) خواست تا عظم-ت خ-دا را برايش تشریح نمايند. حضرت فرمودند: "تو نمى توانى عظمت خدا را درك كن-ى، مگ-ر اينك-ه ابتداً به عظمت مخلوقات خدا پى ببرى."

پيامبر(ص) درباره عظمت آفرينش آسمان و زمين فرمودند: "اين زم-ين پهن-اور ب-ا تم-ام درياها و كو هها و شهرهاى بزرگى كه دارد، نسبت به آسمان اول به مانند حلقه اى است كه در يك بيابان بيكران افتاده باشد؛ همين طور نسبت آسمان اول به آسمان دوم تا برسد به آسمان هفتم، و آسمان هفتم نيز نسبت به عرش خدا، همچون حلق هاى اس-ت درى-ك-ك بياب-ان بس-يار وسيع".<sup>(۱)</sup>

امروزه كيهان شناسان، كهكشان هاى را ككش-ف ك-رده ان-د ك-ه ميليارده-ا س-ال ن-ورى ب-ا كهكشان ما فاصله دارند؛ يعنى كل منظومه شمسى با همه عظم-تش در براب-ر كهكش-ان راه شيرى و نيز اين كهكشان در برابر كهكشان هاى ديگر بسيار ناچيز هستند. حضرت ب-ه ز-ين ب-عطاره فرمودند: "وقتى به اين مسائل خوب بينديشى، متوجه مى شوى كه تازه در برابر عظمت مخلوق خدا هيچ به حساب نم آيى تا چه رسد به عظمت خدا!"

وقتى انسان با چنين ديدى به اين مسائل بنگرد، خودش را در براب-ر عظم-ت ب-ى نهاى-ت خداوند متعال بسيار كوچك و ناچيز به حساب مى آورد و حالت تواضع براى او پيش مى آيد .

شرط دوم: وَ يَكْفُ نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِى ؛ و خویش را از شهوات به خاطر من بازدارد .

يعنى نماز گزار به خاطر خدا از هوا و هوس هاى باطل خود دست بردارد؛ يعنى بگويد: خدايا، براى اينكه تو را دوست دارم، دنبال شهوترانى و گناه نم يروم. همانطور كه انسان به خاطر دوستان خود از برخى خواسته هايش صرف نظر م يكند، به خ-اطرخ-دا ه-م، باى-د از ش-هوات نامشروع خود چشم پپوشد. بين نمازِ خوب خواندن و دنب-ال ش-هوات نامش-روع رف-تن نس-بت معكوس وجود دارد؛ به اين معنا كه انسان هر قدر نمازش را بهت-ر بخوان-د، ب-ه هم-ان مى-زان از

ص: ۵۳

شهوآت نامشروع دور می شود و به عکس، هرچه بیشتر شهوت رانی کند، از نم-از دور م-ی ش-ود .

قرآن کریم درباره برخی اقوام گذشته این مطلب را به زیبایی بیان فرموده و پ-س از ذک-ر ن-ام

تعدادی از انبیا می فرماید: "إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَ بُكِيًا"؛ (۱) هرگاه آیات رحمت ما بر آنها تلاوت شود، با گریه روی اخلاص بر خاک نهند. سپس در ادامه می فرماید: "فَخَلَفَ مِنْ

بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا"؛ (۲) پس جانشین آن م ردم خداپرست، قومی شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت نفس پیروی کردند و اینها به زودی کیفر گمراهی را خواهند دید. انسان اگر بخواهد بداند چرا آنطور که باید و شاید نمی-توان-د در نماز با خدا انس بگیرد، باید ببیند چقدر به شهوات نامشروع و افکار باطل دل بسته است.

شرط سوم: وَيَقْطَعُ نَهَارَهُ بِحِدْكَرِيٍّ؛ و روزش را با یاد من سر کند. به این معنا، کسانی هستند که همیشه و در تمام حال به یاد خدا می باشند و هرگز از یاد خدا غافل نمی شوند: "رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ"؛ (۳) پاک مردانی که ه-یچ کس-ب و تیج-ارتی آن-ان را از ی-اد خ-دا غاف-ل نمی گرداند .

شرط چهارم: وَلَا يَتَعَطَّطُمْ عَلَىٰ خَلْقِيٍّ؛ و بر مخلوقات من تکبر نمی ورزد. ش-رط پ-نجم: وَيُطِيعُ-مُ الْجَائِعِ؛ و به گرسنگان غذا می دهد .

## بیان داستان

معلی بن خنیس گوید: شبی بارانی امام صادق(ص) از خانه به قصد رفتن به ظلّه بن-ی س-اعده بیرون آمدند. من نیز دنبال آن حضرت بیرون آمدم. ناگاه چی-زی از دس-ت ام-ام زم-ین افت-اد.

عرض کرد: "خداوندا، آن چه افتاد به من برگردان!" من نزدیک رفتم و سلام کردم .

فرمود: معلی تویی؟ - بلی، جانم فدایت!

ص: ۵۴

۱- مریم: ۵۸.

۲- مریم: ۵۹.

۳- نور

- دست به زمین بکش، هرچه به دست آید، جمع کن .

- من دست بر زمین کشیدم؛ دیدم نان است که بر زمین ریخته شده است؛ جم-ع ک-ردم و به حضرت دادم و عرض کردم: فدایت شوم، بگذار کیسه نان را به دوش گیرم و بیاورم.

- نه، من بر حمل آن سزاوارترم؛ لکن به تو اجازه می دهم که با من همراه شوی.

پس با امام(ع) به ظله بنی ساعده رسیدیم. در آنجا گروهی از فقرا در خواب بودند. امام در زیر لباس آنان یک یا دو عدد نان می گذاشت تا نان ها تمام شد و برگشتیم.

گفتم: فدایت شوم؛ اینها شیعه هستند؟

فرمود: "اگر شیعه بودند، حتی نمک خورش آنها را هم می دادم." [\(۱\)](#) شرط ششم: وَ يَكُ سَوَاعِرِي؛ و برهنگان را بپوشاند.

شرط هفتم: وَيَزَحْمُ الْمَصَابِ؛ و بر گرفتاران لطف نماید .

شرط هشتم: وَيُؤْوِي الْغَرِيبَ؛ و آوارگان را پناه دهد.[\(۲\)](#)

ص: ۵۵

---

۱- شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۲۱.

۲- مربی گرامی، این هشت قطعه را در هشت مقوا جداگانه، و ترجم ههای آنها را نیز در هشت مقوای دیگر به صورت جداگانه می نویسد . که جمعاً شانزده قطعه می شود . پشت همه مقواها را به صورت نامنظم از یک تا شانزده عدد گذاری می کند. بهترین حالت، استفاده کردن از خود دانش آموزان است. هرچند میتوان با آهن ربا و یا چسب بر روی تخته نیز آموزش داد. با استفاده از شانزده دانش آموز و دادن مقوا به هریک ، از آنها می خواهد مقواها را از سمت اعداد رو به دانش آموزان دیگر قرار دهند. از دیگر دانش آموزان که نشسته اند می خواهد دو عدد را به صورت تصادفی نام ببرند؛ مثلاً عدد پنج و دوازده . مربی از دانش آموزان شماره ۵ و ۲۱ می خواهد تا مقواهای خود را برگردانند تا همه ببینند متن حدیث با ترجمه آن مطابقت دارد یا خیر.

### راهبرد جلسه

در این جلسه به بیان این مطلب می پردازیم که عشق-ق، تبعی-ت و اطاعت-م-ی آورد، و عاشق-ق واقعی به کسی گفته می شود که ج-ان-خ-ویش را، ک-ه-ب-ا ارزش-ت-رین-س-رمایه-اس-ت در راه معشوقش بدهد. نماز زمانی تأثیرگذار است که عاشقانه باشد.

### جذاییت اولیه

دوستان خوبم، به این داستان توجه کنید:

می خواستند سرش را ببرند-د. خ-ودش-ای-ن-را-م-ی-دانس-ت. او معن-ی-کاس-ه-آب و چ-اقو-رامی فهمید. با مادرش هم همین کار را کردند. آب-ش-دادن-د و س-رش-را-بریدن-د. ترس-یده-ب-ود.

گردنش را گرفته بودند و می کشیدند. قلب قرمزش تندتند می زد. کم-ک-م-ی-خواس-ت، فری-ادمی-زد و صدایش تا آسمان هفتم بالا-می-رفت. فرش-ته-آم-د و نوازش-ش-ک-رد و گف-ت: چق-درقشنگ است اینکه قرار است خودت را بیخشی-ت-ازن-دگی-ب-از-ه-م-ادام-ه-پی-دا-کن-د. آدم-ه-اسپاسگزار تو هستند. قوت قدمهایشان از توست. تاب و توانشان هم. تو به قلب هایشان کمک می کنی تا بهتر بتپد؛ قلب هایی که بتوانند عشق بورزند. پس مرگ تو به عشق کمک می کن-د.

تو کمک می کنی تا آدم امانت بزرگی را که خدا بر شانه های کوچکش گذاشته است ب-ر-دوش-کشد. تو، گندم و نور؛ تو، پرنده و درخت، همه کمک می کنی تا این چرخ بیچرخد، چرخ می-کن-ه-نام-آن-زندگی-است.

گوسفند آرام شد و اجازه داد چاقو گلایش را ببوسد. او قطره قطره بر خاک چکید؛ ام-ا-ه-ر

قطره اش خشنود بود؛ زیرا به خدا، به عشق، به زندگی کمک کرده بود. (۱)

## پیوند با بحث

چه رابط‌های بین خدا و مخلوقات او وجود دارد؟

به چه دلیل کسی که عاشق خدا شده حاضر است خود را فدای معشوق کند؟

دوستان! وقتی کسی را دوست نداشته باشیم، اگر کوچکترین تقاضایی هم داشته باشد یا انجام نمی‌دهیم یا به سختی انجام می‌دهیم؛ اما اگر کسی را دوست داشته باشیم هر ک-اری را با تمام وجود، و تمام و کمال برایش انجام می‌دهیم.

## نتیجه‌گیری

عاشق خدا در مسیر رضایت او از هیچ کاری دریغ نمی‌کند. نم-ا ز م-ا زم-انی نم-از اس-ت ک-ه عاشقانه باشد و زمانی عاشقانه است که اثر عملی آن در زندگی مان نمایان باش-د. ب-ه هم-ین

دلیل پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: "لَا صِلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ وَطَاعَةَ الصَّ-لَا هِ اَنْ تَنَه-ى ع-نِ الْفَحْشِ-اءِ وَالْمُنْكَرِ" (۲)؛ نماز کسی که از نماز اطاعت نکند نماز نیست، و اطاعت از نماز یعنی پرهیز از خطا و معصیت الهی.

خدایا، طعم عشقت را به ما بچشان. آمین.

ص: ۵۷

---

۱- عرفان نظر آهاری، بالهائیت را کجا جا گذاشتی، ص ۶۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۹۱، باب ۱.

راهبرد جلسه

در این درس به این نکته می پردازیم که حب دنیا موجب می شود از صحبت و ه-م نش-ینی ب-اخداوند عزیز و مهربان لذت نبریم.

جذاییت اولیه

دوستان من، تا به حال جمله "گرگ به نمازم زده" را شنیده اید؟ کدام یک از شما می داند ک-ه این جمله به چه معناست؟

خوب گوش کنید. می خواهم یک داستان زیبا و جذاب برایتان تعریف کنم!

ابوذر می گوید: خدمت رسول خدا(ص) رسیدم. حضرت فرمود با گوسفندان چه کردی؟ - ای رسول خدا، داستان شگفت انگیزی برای آنها اتفاق افتاده است!

- چه داستانی؟

- ای رسول خدا، زمانی که به نماز ایستاده بودم، ناگهان گرگی به گوسفندانم حمله کرد. با خودم گفتم پروردگارا، نمازم، گوسفندانم! کدام را دنبال کنم، شیطان به دل-م ان-داخت ک-ه ای ابوذر به چه فکر می کنی؟ اگر گرگ ها به گوسفندانم حمله کنند و تو در نماز باشی، تمام آنها را نابود می کنند و از بین می برند و چیزی برای زندگی تو در دنیا باقی نم یگذارند. به ش-یطان گفتم: توحید خدا و ایمان به اینکه خداوند متعال همه کاره این عالم است و ایمان به رس-الت رسولش(ص) و دوستی علی بن ابیطالب و امامان طاهرین: از نسل او و دشمنی دشمنانشان برای من باقی می ماند؛ هرچند که تمامی دنیا از دستم برود. سپس مشغول نماز شدم، گرگ آمد و گوسفندی را به دهان گرفت و رفت. در همان حال که گرگ می رفت، ناگهان شیری به گرگ حمله کرد و او را دو نیم کرده و گوسفند را خلاص کرد و به گله برگرداند. س-پس ش-یر



فریاد زد ای ابوذر، به نمازت مش-غول ش-و ک-ه همان-ا خ-دای س-بحان م-را م-أمور نگه-داری گوسفندان کرده است! من مشغول نماز شدم. تعجبی به من دست داد که جز خداوند متع-ال نم یاند. سپس شیر به سمت من آمد و گفت برو به سوی محم-د (ص) و از ط-رف م-ن ب-ه اوسلام برسان و به او خبر ده، که همراه و صحابه ات را خدا گرام-ی داش-ت. و ش-یری را ب-رای نگهداری گوسفندانش قرار داد. رسول خ-دا (ص) ش-ادمان ش-د و اطرافی-انش از ش-نیدن ای-ن داستان تعجب کردند. (۱)

### شعر

حکای-ت کنن-د از بزرگ-ان دی-ن ح-قی-ق-ت ش-ناس-ان عین الیقین ک-ه ص-احبدل-ی ب-ر پلنگی نشس-ت همی راند رهوار و ماری به دست

یک-ی گف-تش ای م-رد راه خ-دای ب-دین ره ک-ه رفت-ی م-را ره نم-ای چ-ه ک-ردی ک-ه درن-ده رام-ت و ش-د نگ-ین س-عادت ب-ه ن-ام-ت و ش-د بگف-ت ار پل-نگم زب-ون اس-ت و م-ار و گ-ر پی-ل و ک-ر کس ش-گفتی م-دارت-و ه-م گ-ردن از حک-م داور مپ-یچ که گردن نیچد ز حکم تو هیچ مع-ال اس-ت چ-ون دوس-ت داردت-و را ک-ه در دس-ت دش-من گ-ذاردت-و را (۲)

### نتیجه گیری

دوست عزیز، شیطان گرگصفت همیشه در کمین است. ما همیشه باید مراقب باشیم ت-ا ب-ه نمازمان نزنند. اگر بندگی خالصانه انجام دهیم و تمام امور زن-دگی خ-ود را ب-ه دس-ت خداون-دمتعال بسپاریم، خدای متعال نیز همه امکانات عالم را در اختیار ما قرار خواهد داد.

اگ-ر ن-ه روی دل ان-در براب-رت دارم م-ن ای-ن نم-از حس-اب نم-از نش-مارم م-راد م-ن زن-از آن ب-ود ک-ه پنه-انی ح-دیت درد ف-راق ت-وب-ا ت-و بگ-ذارم و گرنه این چ-ه نم-ازی ب-ود ک-ه م-ن ب-ا ت-و نشسته روی به محراب و دل بیازارم (۳)

ص: ۵۹

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص

۲- سعدی شیرازی، بوستان، دیباچه.

۳- مولوی.

نماز یعنی باور، اعتماد. به چه کسی؟ به خداوند سبحان، خدایی که علیم و ق-دیر و حک-یماست. اگر ما از نمازمان لذت نمی بریم باید به ریشه های این تلخ مزاجی پی ببریم ت-ا بت-وانیم آنطور که باید و شاید آن را درمان کنیم.

عیسی بن مریم (ع) در این باره می فرماید: "صَيِّحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَلْتَمِذُ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ - م-ع-م-ا- يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ"؛ (۱) کسی که با دنیا انس گرفته اس-ت و ح-ب-م-ال در دل اوس-ت، از آن-س و همنشینی با خدا لذت نمی برد.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: "كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَى"؛ (۲) چگونه-ه ممک-ن است کسی که به دنبال خواسته های دلش می باشد، لذت و شیرینی عبادت و گفت و گو باخ-دارا درک کند؟

زمانی که حواس ما به خودمان پرت است و به دنبال خواسته های کوچک و ناچیز خودمان هستیم و توجه به هیچ چیز و هیچکس دیگری در اطرافمان نداریم، مسلماً بسیاری از نعمت ها و لذت های بی نظیر را که شیرینی و صفای بی نهایت دارند، از دست خواهیم داد.

خداوند متعال به حضرت داوود (ع) فرمود: "م-ا-لِأُولَى-ائِي وَالْه-م-بِإِل-دُنْيَا إِيَّ الْه-م-ي-ذَهَبُ ح-لَمَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُل-وبهم"؛ (۳) ای داوود، اولیای من از دنیا زدگی دورند؛ به تحقق-ق-دنی-ازدگی، ح-لاوت مناجات مرا از قلب های آنان می برد.

ص: ۶۰

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۳.

۲- عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۸۲.

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۱.

در این جلسه به این سؤال پاسخ می‌دهیم که آیا خدا را می‌توان دید؟

### جذاییت اولیه

مردی با خود زمزمه کرد: خدایا، با من حرف بزن! یک سار شروع به خواندن ک-رد؛ ام-ا-م-ردنشید. مرد فریاد برآورد: خدایا، با من حرف بزن! آذرخش در آسمان غرید؛ مرد اعتنایی نک-رد .

مرد به اطراف خود نگاه کرد و گفت: تو کجایی؟ بگذار تو را ببینم! ستاره ای درخشید؛ اما م-ردندید. مرد فریاد کشید: خدایا یک معجزه به من نشان بده! کودکی متول-د ش-د؛ ام-ا-م-رد ب-از توجهی نکرد! مرد در نهایت یأس فریاد زد: خدایا، خودت را به من نش-ان ب-ده و بگ-ذارت-و راببینم، از تو خواهش می‌کنم. پروانه ای روی دست مرد نشست، و او پروانه را پراند و به راهش ادامه داد .

### سؤال

به نظر شما خدا دیده می‌شود؟ اگر دیده می‌شود، چرا این مرد خدا را ندید؟ اشتباه او کجاست؟

### خدای دیدنی

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "ما کُنْتُ أَعْبُدُ رِبًّا لَمْ أَرَهُ" (۱)؛ من خدایی را که ندیده باشم عبادت نمی‌کنم.

چگونه ممکن است، در منزل شما به صدا درآید و شما یقین پیدا کنی-د ف-ردی پش-ت درست، درحالی که او را نمی‌بینید؟ درواقع دیدن انواعی دارد. یکی از آنها دیدن با این دو چشم-م

ص: ۶۱

ظاهری است. نوع دیگر، ب-ا دو چشم-م ب-اطنی، یعنی-ی قل-ب و عق-ل اس-ت. ب-ه هم-ین دلی-ل

امیرالمؤمنان(ع) در ادامه روایت می فرماید: "وَيَلَمُّكَ لَمَا تُدْرِكُهُ الْعُيُ-و نُ فِي مُش-ا هِدِهِ الْأَبْص-ا رِ وَلَكِ-ن رَأَتْ-هُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيم-ان"؛ وای بر تو، خدا را با دو دیده ظاهر نم میتوان دید؛ بلکه خدا را ب-ا چشم-مدل، در نور ایمان و باور می توان مشاهده کرد.

هر گل نو، که شد چمن آرای ز اثر رنگ و بوی صحبت اوست(۱)

البته به شرط آنکه گرد و غباری بر روی چشم دلمان نباشد که مانع از دیدن روی یار شود.

حالآنکه مرد قصه ما به دنبال خدایی بود که با دو دیده سر بتوان آن را دید. غاف-ل از اینک-ه خدایی را که با دو دیده ظاهر بتوان دید، از همه جهات محدود است، و محدود یعنی-ی فقی-ر و نیازمند چگونه ممکن است خدای محدود و نیازمند، لایق پرستش باشد.

### نتیجه گیری

در این دنیا به هر سمت نگاه کنیم، آیه و نشانه‌های از وجود خدای متعال را می ت-وان احس-اس کرد. "وَلِلَّهِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَمِنْ وَجْهِ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ وَاسِعٌ عِلْمٌ" (۲)؛ با نور ایمان و دی-ده قل-ب می توان او را دید و بلکه بالاتر، می توان او را حس کرد. "وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ" (۳)؛ ما از رگ گردن به شما نزدیک تریم. پس ما برای حس کردن او نی-از ب-ه چشم-م دل و ن-ور ایم-ان داریم.

خدایا، چشم دل ما را باز کن تا تو را ببینیم. آمین.

ص: ۶۲

۱- حافظ شیرازی، دیوان.

۲- مشرق و مغرب، از آن خداست، و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست. همانا خداوند بینا و داناست" (بقره: ۱۱۵)

۳- ق: ۱۶

## راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین اخلاص در عبادت به ویژه نماز می پردازیم .

## جذاییت اولیه

هوا گرم بود، آنقدر که کمتر کسی در خیابان دیده می شد. قطرات عرق روی برگه آزمایش-ی که روی پایش گذاشته بود می چکید؛ ولی دستان خسته اش توان پاک کردن آنه-ا را نداشت-ت.

ناامیدی تمام وجودش را فرا گرفته بود. می اندیشید بعد از عمری زحمت و تلاش، تنه-ا-تم-رهزندگی اش، خستگی می باشد. مجبور شده بود تمام پس انداز سالها تلاشش را ب-رای بیم-اری همسرش خرج کند؛ اما بدون نتیجه؛ چراکه لباس سیاهش را چند روزی بود از ت-نش در آورده بود. حالا برگه آزمایش نشان می داد فرزند کوچکش هم دچار بیماری سختی ش-ده اس-ت . ب-ادستان لرزان، دنده را عوض کرد و پایش را روی پدال گاز فشار داد و چشم به ج-اده دوخ-ت، می خواست آنقدر برود تا از افکارش پیشی بگیرد؛ اما اشک جلوی دی-دگانش را گرفت-ه ب-ود .

ناچار کنار جاده توقف کرد و سرش را روی فرمان گذاشت. دیگر طاقتش تمام شده بود. بلن-دگریه می کرد؛ اما آرام نمی شد. سرش را بالا-گرفت و شروع به فریاد زدن کرد: "آخه، چرا من؟ دیگه نمی تونم تحمل کنم. مگه تو رحم نداری؟! خوشت میاد بینی زجرم-ی کش-م . چ-را زورمی گی؟ اصلاً صدام رو می شنوی؟ پول و پله که به-م ن-دادی؛ پ-در و م-ادرم رو ه-م زود ازم گرفتی؛ تنها دلخوشیم زن و بچه ام بودند. چرا این کار رو باه-ام م-ی کن-ی؟ اص-لاً خ-ودم رو مریض کن، اما بچه ام؛ نه، نه!"

حالا-از آن ماجرا یک سال گذشته است. شکر خدا حال فرزند-دش بهت-ر ش-ده اس-ت. در ی-ک شرکت، نیمه وقت مشغول بود و بقیه روز را با تاکسی اش که تازه اقساطش تمام شده بود، کار

می کرد. به اطراف نگاه می کرد تا مسافری پیدا کند که دید کنار خیابان آقای س-رش را روی فرمان ماشینش گذاشته و نجوا می کند. به یاد دوران گذشته سخت خودش افت-اد؛ ام-ا او م-ردجا افتاده ای شده بود و مشکلات کوچک زندگی در نظرش بی اهمیت بود و به خاطر رنج-ه-ای کوچک، از کوره در نمی رفت. در نظر آشنایان، صبور، متین و عاقل ترش-ده بود. ای-ن را ه-م می دانست، یک مدتی است که دیگه با خدا خلوت نکرده، دیگه خبری از حرفهای خالصانه و شکایت با خدا نبود. با خدای سال گذشته به راحتی می توانست، بدون واسطه صحبت کند؛ ام-احالا...، نگاهی پرمعنا به راننده ماشین انداخت و با خودش گفت: کاش قدر ای-ن لحظ-اتش را بدانند!

## یاد خدا

أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ (۱) پ-س نم-از بگزار تا تو را از فحشا و منکر بازدارد؛ بلکه آنچه عاید تو می کند ب-یش از ای-ن ح-رف هاس-ت؛ چون مه متر از نهی از فحشا و منکر این است که نماز تو را به یاد خدا می ان-دازد. ذک-ر و ی-اد خدا بزرگترین خیری است که ممکن اس-ت ب-ه ی-ک انس-ان برس-د. ذک-ر خ-دا کلی-د هم-ه خوب ی هاست، و نهی از فحشا و منکر یکی از این خوبی هاست. (۲)

## نتیجه گیری

یکی از مهم ترین ثمرات نماز یاد خداست: اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ (۳) پس اگر یاد خدا باشیم با هر زبان و حال و احوالی تأثیر مثبت خودش را خواهد داشت. هرچند که در درس ه-ای آین-ده توضیح خواهیم داد که بهترین نوع ارتباط، از نظر ظاهر و محتوا نماز است.

خدایا، به ما توفیق عبادت خالصانه، اما مؤدبانه را عنایت کن. آمین.

ص: ۶۴

۱- عنکبوت: ۴۵

۲- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۱۳۵

۳- طه: ۱۴

آیا به نظر شما ارتباط با خدای متعال به ویژه نماز مختص به دین اسلام است؟ (۱)

### جذاییت اولیه

قرآن کریم متقن ترین منبعی است که از گذشته گان خبر م یدهد و در آن شواهدی درباره نماز در ادیان گذشته بیان شده است. حضرت موسی (ع) هنگامی که اهل شهر س-ر گرم ک-ار خ-ود بودند، وارد شهر شد. ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند. یک-ی از پی-روان او و دیگری از دشمنانش. آنکه از پیروان او ب-ود در براب-ر دش-منش از وی تقاض-ای کم-ک-ک-رد. حضرت موسی مشت محکمی بر سینه مرد کافر زد و بر زمین افتاد و مرد. (۲) خبر آن مرد قبیطی در شهر پیچیده بود. حضرت موسی (ع) در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای بود، که ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود امروز فریاد می زند و از او دوب-اره کمک می خواهد. موسی (ع) به او گفت: "تو انسان ماجراجو و گمراهی هستی." (۳) هنگامی که حضرت موسی (ع) خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، فریاد دشمن موسی بلند شد و گفت: "ای موسی، می خواهی مرا بکشی همانگونه ک-هدیروز دیگری را کشتی؟! (۴)

در این هنگام یک حادثه غیرمنتظره موسی (ع) را از مرگ حتمی رهایی بخشید. م-ر دی از مرکز فرعونیان و کاخ فرعون بهسرعت خود را به موسی (ع) رساند و گفت: "ای موس-ی، ای-انجمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند. فوراً از شهر خارج ش-و ک-ه م-ن از خیرخواه-ان

ص: ۶۵

۱- مربی گرامی از دانش آموزان نظرخواهی کند.

۲- وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتُلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى لِيَعَهُ (قصص: ۱۵)

۳- فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِي مُبِينٍ (قصص: ۱۸)

۴- فَلَمَّا أَنْزَارَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتْرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسَ بِالْأَمْسِ إِنْ تَرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَا تَرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ (قصص: ۱۹)

توام". (۱) حضرت موسی (ع) با عجله و بدون هیچ باروبنه و خادم و مرکبی از شهر خارج شد.

زمانی که حضرت موسی (ع) به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنج-ا دی-د ک-ه چهارپایان خود را آب می دهند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشان-د و به چاه نزدیک نمی شوند. حضرت موسی (ع) به آن دو گفت: "کار شما چیست؟ چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!" گفتند: "ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپا نها همگی خارج شوند." حیا و عفت دختران مانع از این شده بود که داخل گروه مردان شوند و علت آمدن آن-ه-ا که-ن-س-الی

پدرشان بود. فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظَّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. (۲)

حضرت موسی (ع) برای گوسفندان آن دو آب کشید و به آنها آب داد. سپس به زیر س-ایه رفت و به خدا عرض کرد: پروردگارا، هر نیکی و خیری بر من فرستی، به آن نیازمندم.

حضرت موسی (ع) آنقدر گرسنه بود که حتی یک نصفه خرما را هم غنیمت م-ی-ش-مرد .

آن دختران که فرزندان حضرت شعیب (ع) بودند، برگشتند و داس-تان را ب-رای پدرش-ان بی-ان کردند. حضرت شعیب (ع) به یکی از دخترانش فرمود که نزد موسی (ع) رفت-ه، او را بی-اوردت-امزد سقایت او را بدهد. دختر شعیب (ع) با حیا و عفت تمام به ن-زد موسی (ع) آم-د. او ب-ه آن دختر گفت: "من جلو شما راه می روم و شما از پشت سر مرا راهنمایی کنید؛ چراکه ما پس-ران یعقوب (ع) هستیم و به زنان نگاه نمی کنیم". (۳) هنگامی که موسی (ع) ن-زد ش-عیب (ع) آم-د و سرگذشت خود را شرح داد، شعیب (ع) گفت: "نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!" هنگامی ک-ه موسی (ع) مدتی را که به شعیب (ع) قول داده بود به پایان رس-انید، (۴) در راه رس-الت اله-ی ب-اهمسرش از وطن هجرت نمود و سر به بیابان گذاشت و در تاریکی و ظلمت شب، به طوفان و باران برخورد کرد و به سبب سختی ها و مشکلات فراوان دست خوش اضطراب و ناراحتی گشت.

پروردگار مهربان برای آرامش او به او وحی نمود که: "إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ

ص: ۶۶

۱- وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ (قصص: ۲۰)

۲- قصص: ۲۴.

۳- فَبَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ (قصص: ۲۵).

۴- قصص: ۲۹.



الصلاة لذكري"؛<sup>(۱)</sup> همانا من الله هستم و معبودی جز من نیست؛ پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من به پا دار.

### نتیجه گیری

در این آیه پس از بیان عبادت خدای یکتا به حضرت موسی(ع) مسئله نماز و ارتباط خصوصی با خدای متعال یادآوری شده است. نماز نه تنها در زمان ما بلکه در زمان های گذشته نیز مای-ها آرامش و تسکین بوده، و از همین باب نه تنها در دین اسلام بلکه در ادیان و م-ذاهب گذش-ته نماز برنامه ای مشخص و مدون برای رشد انسانی بندگان بوده است.

ص: ۶۷

در این جلسه، نماز در دین مسیحیت را با تمام تحریف-ات ص-ورت گرفت-ه م-ورد بررس-ی ق-رار می دهیم و به یکی از نقاط اشتراک آن با اسلام اشاره خواهیم کرد.

### جذاییت اولیه

#### جذاییت اولیه (۱)

نمازهای یومیه چیست؟ نام ببرید. به نمازهایی که هر روز، بای-د خوان-ده ش-ود، نم-از یومی-ه می گویند که عبارتاند از: نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا.

آیا میدانید عبادت روزانه و نماز، در همه ادیان وجود داشته است؟ شما خوب می دانید که در همه ادیان از جمله مسیحیت، نماز وجود دارد؛ اما در طول تاریخ و در اثر تحریفهایی ک-ه در این دین الهی صورت گرفته، نماز عملاً از زندگی مسیحیان حذف شده است و در دین فعل-ی مسیحیت، عملی شبیه نماز مسلمانان وجود ندارد؛ بلکه اعم-ال و رفت-اری وج-ود دارد ک-ه در قاموس کتاب مقدس در بخشی با عنوان "نماز و نی-ایش" آم-ده اس-ت ک-ه مقص-ود از نم-از، صحبت و گفت و گو با خدا و خواستن احتیاجات و اظهار تشکر و امتنان از محبت و الطاف حق تعالی م یباشد. (۲) مسیحیان در کتابهایشان، کتاب مخصوصی برای نماز و نیایش دارند. آنها در روزهای یکشنبه و گروه دیگری از آنان، روز شنبه در کلیسا جمع می شوند و دعاهایی از کتاب زبور، مزامیر و پولس را می خوانند. مردمان معمولی برخلاف راهبان مسیحی، فقط به دو نم-از صبح و شب می پردازند؛ اما راهبان مس-یحی ک-ه در کل یس-ا زن-دگ ی م-یکنن-د، ب-ه نماز-ه ای هفت گانه و گاه بیشتر می پردازن-د. قبل-ه مس-یحیان، بی-ت الل-ح م زادگ-اه حض-رت عیس-ی (ع) می باشد. (۳) هر چند شاید اکنون ملتزم به قبله نباشند.

ص: ۶۸

۱- مربی گرامی صحبتش را با این سؤال آغاز کند.

۲- جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل صدیقی نوذری، ص ۷۸۸.

۳- سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۲۲۹

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به معراج رفت، خداوند به او فرمان داد تا به مسلمانان بگوید: باید در هر شبانه روز پنجاه رکعت نماز بخوانند؛ و چون موسی (ع) خدمت رسول اکرم مشرف شد به آن حضرت پیشنهاد کرد تا از خداوند درخواست تخفیف نماید. پیغمبر اکرم (ص) از خداوند درخواست تخفیف کرد. تا اینکه پنجاه نماز واجب به نمازهای پنج گانه رسید. زید بنعلی فرزند امام سجاد (ع) از آن حضرت پرسید: چرا رسول خدا (ص) تقاضا نکرد تا مسلمانان در هر شبانه روز کمتر از پنج وعده نماز بخوانند؟ حضرت فرمود: رسول خدا (ص) به پنج نماز اکتفا کرد تا امتش با همین پنج نماز به ثواب و پاداش پنجاه نماز برسند؛ زیرا خداوند متعال خود فرموده است: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا" (۱) هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش دارد. (۲)

### نتیجه گیری

از آنجا که فطرت همه انسان ها خداجوست، "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا" (۳) پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. ای-ن فطرت-ی اس-ت ک-ه خداون-د، انسا نها را بر آن آفریده است. این نیاز فطری، به-ان-یس و م-ونس و معب-ود اس-ت ک-ه م-ا راب هسمت دعا و مناجات و ارتباط با خدای متعال هدایت می کند؛ اما این ارتب-اط بای-د براس-اسادب و حفظ شأن و منزلت طرفین باشد.

از این جهت، نماز که همان راه ارتباطی ما با خالق هستی است شکل و محتوای خ-اص خودش را دارد. به گونه ای که رضایت خدای متعال در آن می باشد.

خدایا، نماز کم ارزش ما را پربها و ارزش کن. آمین.

ص: ۶۹

۱- انعام: ۱۶۰

۲- منهاج الشارعی، ص ۴۷۱، ۶۷۱

۳- روم: ۳۰





### ۲۳. ملاقات

#### راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که چرا از بین انواع ارتباطات که ه-ر بن-ده ای می تواند با خداوند متعال داشته باشد، نماز بهترین نوع ارتباط معرفی شده است؟

#### جذابیت اولیه

مربی چند نفر از دانش آموزان را دعوت کند و از آنها پرسد ت-ا ب-ه ح-ال ب-ا ر-ی-یس جمه-وری ملاقات خصوصی داشته اند؟ اگر روزی چنین اتفاقی برای آنها صورت بگیرد چه حس و ح-الی خواهند داشت؟

سال ها پیش، زمانی که به دبستان می رفتم، مدیر مدرسه برای من شخصیت بسیار بزرگی بود و احساس می کردم که کسی مانند او از این میزان شخصیت و احت-رام برخ-وردار نیست-ت .

روزی که به اتفاق مادرم برای کاری به او مراجعه کردیم، و او با من صحبت ک-رد، درخ-ودماحساس غرور کردم و به خود می بالیدم که با مدیر مدرسه بزرگترین مقام مدرسه هم صحبت شده ام. روزها و هفته ها این موضوع را به دوستان دیگرم می گفتم و به آن می بالیدم .

#### خدا بالاترین مقام

درواقع ما در نماز با کسی ملاقات و صحبت می کنیم که آنقدر بزرگ است که قابل توصیف نیست: "لله اکبر من ان یوصف"؛ خدا بزرگتر از آن است که وصف شود؛ و داناترین: "هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ"؛ (۱) اوست خ-دایی ک-ه ج-ز او ه-یچ معب-ودی

نیست. دانای نهان و آشکار است. او رحمان و رحیم است؛ و مهربانترین: "وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ"؛ رحمت من همه چیز را فرا گرفته است. طوری که هیچکس به دانایی، توانایی، مهربانی و بزرگی او نخواهد رسید. اگر در وقت نماز توجه به این صفات خداوند بی همتا داشته باش-یم از

ص: ۷۲

اینکه با او هم کلام می شویم در خود احساس بزرگی، و ش-ور و ش-عف م-ی کن-یم؛ و متعجب-ب می شویم که چرا از اینکه چنین همکلامی داریم، به خود نمی بالیم. کسی ک-ه "رب الع-المین" است. کسی که "الرّحمن-الرحیم" است. کسی که "مالکِ یومِ الدین" اس-ت. "ص-مد" اس-ت و در آخر "وَلَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا أَحَدٌ" است؛ کفو و مانندی ندارد. "لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ" اس-ت. ب-ه نظر-ش-مابالیدن و افتخار کردن به کدام یک زیباتر است؟ ارتباط با ثروت و قدرت محدود یا با ث-روت و قدرت نامحدود؟

### نتیجه گیری

نماز بهترین نوع ارتباط است؛ زیرا با این ارتباط خالق هستی برقرار می شود. در واقع کسی ک-ه نماز می خواند باید به این شأن و منزلتی که در اثر نماز خواندن و ارتباط با خداوند بی همتا برای او ایجاد شده است، به خود ببالد و نه روزها و هفته ها، بلکه سالها از این ملاقات تعریف کند.

خدایا، شیرینی حضورت را در نماز به ما بچشان. آمین ...

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نماز به ما آموزش اطاعت و بندگی می دهد .

چراکه تنها راه پیروزی در زندگی، بندگی و اطاعت خداوند متعال است.

### جذابیت اولیه

#### جذابیت اولیه (۱)

در این جلسه نام چند نفر ابوالفضل است؟

به این دوستان به دلیل داشتن این نام زیبا تبریک می گویم .حالا ب-ه ای-ن داس-تان توج-ه کنید:

بعد از ظهر گرم تابستان، میدان جنگ، زنان و کودکان و سپاهیان تشنه. نبرد بالا گرفته، و گرد و غبار مرگ و تباهی، همه جا را فرا گرفته بود. امیر سپاه، با ظاهری آرام و باشکوه چشم به میدان دوخته بود. او که مظهر قدرت و شجاعت بود و ضرب شمش-یر و زور ب-ازویش سراس-رسپاه دشمن را به لرزه می انداخت، دیگر نمی توانست شاهد تشنگی عزیزانش باشد. دس-ت ب-رسینه و با خضوع همیشگی اش وارد خیمه مولا و سرورش شد. از تنگی سینه و بی طاقتی خود سخن گفت و اجازه نبرد خواست. برادر به ب-رادر چشم-م دوخ-ت. غی-رت و ص-داقت در ک-لام ابوالفضل العباس (ع) موج می زد. او زور بازویی وصف ناشدنی و بیمانند داشت. اگ-ر ب-ه می-دانمی رفت، قطعاً نتیجه چیز دیگری می شد؛ اما آنها که ب-رای ن-ب-رد نیام-ده بودن-د؛ بلکه-ه ب-رای اصلاح، آموزش ادب و درس مردانگی آمده بودند. پس مولا و سرورش اباعب-دالله (ع) فرم-ود :

صدای ناله و شیون کودکان را می شنوی؟ کار تو جنگ نیست . ب-ه ف-رات ب-رو و ب-رای ای-ن

ص: ۷۴

---

۱- مربی محترم سخن خود را با این پرسش از دانش آموزان آغاز کند .



کودکان آب بیاور. لحظه ای بعد عباس مشکک به دست سوار بر اسب به سمت فرات در حرکت بود و کودکانِ تشنه، مشتاق و چشم به راه عمو.

## عشق و اطاعت

درست است که عشق و محبت، باعث ایجاد رابط-ه م-ی ش-ود و رابط-ه و ش-ناخت، اطاع-ت و بندگی را در پی دارد؛ اما نماز به تنهایی نمادی کامل و زیبا از اطاعت محبوب است. همانطور که در تشهد نماز می خوانیم: اشهد أنَّ محمداً محمداً عبدهُ وهرس-ول؛ به این معنا که شهادت می دهم پیغمبر اکرم(ص) قبل از آنکه رسول خدا باشد، بنده و مطیع خدای متعال بوده اس-ت و ب-رای هم-ین اطاعت و بندگی محض است که لیاقت بالاترین رتبه رسالت را پیدا کرد، و اگ-ر ف-رد ق-وی و شجاعی مانند حضرت عباس(ع) با همه دلاوری و شجاعتش مطی-ع مح-ض س-رور و س-الار شهیدان بود؛ درسی است که از نماز آموخته بود. مسیر نماز همان مسیر اطاعت و بندگی است و این مسیر، مسیری است که قطعاً سعادت و پیروزی را به همراه خواهد داشت.

## نتیجه گیری

نماز به انسانها هم مسیر بندگی و هم مسیر پیروزی و سعادت را می آموزد و باعث م-ی ش-ود که ما در تمامی مراحل زندگیمان درست قدم برداریم و به هدف خلق-ت ک-ه هم-ان عب-ادت

است برسیم: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"؛ (۱) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه، تکامل یابند و به من نزدیک شوند].

خدایا، به ما نیرویی بده تا در راه هدف خلقت گام برداریم. آمین

ص: ۷۵

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که چرا نماز را برای ارتباط انتخاب کنیم؟

### جذاییت اولیه

مربی گرامی یک جدول به شکل زیر رسم کند، و سؤالات زیر را از دانش آموزان پرسد. حرف ابتدایی جواب صحیح را داخل جدول قرار می دهد.

۱. اولین پیامبر چه نام داشت؟ (آدم(ع))

۲. مطلبی که به شما گفته می شود و می خواهند به کسی نگویند؟ (راز)

۳. اشرف مخلوقات می باشد؟ (انسان)

۴. رمز موفقیت پیامبر اکرم(ص) در رسالتش؟ (محبت)

۵. کسی که به محض ریختن خورش بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود؟ (شهید)

آرامش

### پیوند با بحث

ممکن است در ذهن هر بیداردل و صاحب اندیش های این پرسش مطرح شود که راستی چرا در دین اسلام این قدر بر این فریضه الهی تأکید شده است؟ مگر در نماز چه خاصیتی نهفته است که ما را به انجام آن دستور داده اند؟ می توان اینگونه پاسخ داد: یکی از برجسته ترین آثار نماز، رسیدن به آرامش روحی و روانی است؛ زیرا نماز موجب زنده شدن یاد خدا در دلهاست. ی-ادخدا ریشه تمام خوبی ها و زیبایی هاست. ی-ادخ-دا گنجین-ه ای اس-ت در دل-ه-ای عاشق-ک-ه شیرین ترین میوه آن، آرامش دل های ناآرام و پرتلاطمی است که در دریای غم و غص-ه دنی-افرو رفته و به دنبال آرامش و آسایش می گردن-د. خ-دای مهربان-پ-رده از روی ای-ن حقیق-ت

برداشته و با صراحت اعلام می دارد: "أَلَمْ يَذْكُرْ لَلَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"؛ (۱) آگ-اه باش-ید، ی-اد خ-دا مای-ه آرامش دلهاست.

بزرگی هست در عالم، خدا نام که دل از یاد او م یگیرد آرام

### نتیجه گیری

اگر جهان امروز در اثر غوطه ور شدن در دنیا دچار اضطراب و نگرانی شده است. تنها راه رهایی از این روان پریشی و به دست آوردن آرامش دائمی و واقعی، تکیه بر اقی-انوس ب-ی نهی-ت آرام هستی، یعنی خداوند متعال است. و این امر با یاد و ذکر خداوند متعال ایج-اد م-ی ش-ود. نم-از چیزی نیست جز یاد خدا: "أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"؛ (۲) نماز را برای یاد من به پا دار.

خدایا، به ما توفیق بده که با نماز به آرامش برسیم. آمین.

ص: ۷۷

---

۱- رعد: ۲۸.

۲- طه: ۱۴

### راهبرد جلسه

در این جلسه به این سؤال جواب میدهم که چرا نماز، وجه و صورت دین معرفی شده است و این مطلب از چه اهمیتی برخوردار است؟

### جذاییت اولیه

مربی گرامی عکسهای شماره ۱، ۲ و ۳ را به اندازه‌های که برای عموم دانش آموزان قابل رؤیت باشد، تهیه می کند .

کدامیک از دوستان این افراد را می شناسد؟ تفاوت این افراد را از کجا تشخیص دادید؟

از کجا فهمیدید هر عکس متعلق به کیست؟

### پیوند با بحث

مهم ترین چیزی که سبب تمایز انسان ها از یکدیگر می شود، چهره آنان است. هر شخصی ب-تفاوت چهره و خصوصیات خاصی که خدای متعال در او گذاشته، از دیگران متمایز می-شود .

دین هم صورت و قیافه دارد .

به نظر شما چهره دین چیست؟

آیا چهره دین در لباس و پوشاک افراد است یا در ثروت و فقر؟

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند "لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهٌ دِي - نِكْمُ الص - لاه" (۱)؛ ب-رای هر چی-زی صورتی

ص: ۷۸

است و صورت دین شما نماز است. نماز چهره انسان دین دار را تشکیل می دهد

## نتیجه گیری

اگر کسی بخواهد خودش را در معرض ارزیابی قرار دهد که چه اندازه در مسیر حق قدم برداشته است، باید به بررسی نماز خود بپردازد. زیبایی ظاهری و مهم تر از آن زیبایی باطنی نماز به چه میزان است. و به این مطلب که وجه نماز چگونه است، توجه کند. یعنی همان اعمال و رفتار از نماز و بعد از نماز.

خدایا، به ما بصیرت عنایت فرما. آمین.

ص: ۷۹

### راهبرد جلسه

عصبانیت یکی از بزرگ ترین معضلات و مشکلات افراد و اجتماع امروز ماست. تنها راه درمان آن پیدا کردن آرامش درونی و تکیه و توکل بر باورهای راسخ قلبی است که هم-ه را در نم-ازمی توان یافت .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی از یکی از دانش آموزان که پانتومیم خوبی داش-ته باش-د دع-وت م-ی کن-د و از اومی خواهد ضربالمثل "از کوره در رفتن" را برای دانش آموزان دیگر بدون اس-تفاده از ص-دا و حرکت لب ها اجرا کند. اگر دانش آموزان نتوانستند ضرب المثل را حدس بزنند، از یکی دیگر از دانش آموزان که بتواند با پانتومیم این مفهوم را به دان-ش آم-وزان دیگر-انتق-ال ده-د دع-وت می شود. اگر دانش آموزان نتوانستند حدس بزنند، خود مربی بیان می کند و اگ-ر توانس-تند، ب-ه کسی که خوب اجرا کرده و کسی که خوب حدس زده، جایز های تعلق بگیرد .

سؤال: بچه ها معنای "از کوره در رفتن" چیست؟(۱)

آفرین به شما دوستان باهوش خودم. این مَثَل در مورد افرادی به ک-ار م-ی رود ک-ه س-خت خشمگین شوند و حالتی غیرارادی و دور از عقل و منطق به آنها دست دهد .

### ریشه این ضرب المثل چیست؟

کوره آهنگری در قدیم با زغال سنگ و زغال چوب روشن می شد و در عصر حاضر با ب-رق و نفت و گاز روشن می شود و برای جدا کردن آهن از سنگ آهن و گداختن آهن به کار می رود.

ص: ۸۰

---

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان پاسخ های خود را بگویند. و در صورت بیان پاسخ صحیح آنها را تشویق کند.

در کوره، آهن را آنقدر حرارت می دهند که به صورت مذاب درآید و از آهن مذاب ش-ده ب-رای ساختن ابزار مورد نیاز زندگی استفاده می کنند .

برای گداختن آهن، رسم و قاعده این است که درجه حرارت کوره آهنگری را تدریجاً ب-الا ببرند تا آهن سرد به تدریج حرارت گرفته و گداخته شود؛ چون بعضی از آهن ها خاصیتی دارند که اگر غفلتاً و یک جا در معرض حرارت شدید و چند درجه قرار بگیرند، سخت گداخت-ه و ب-ا صدای مهیبی منفجر می شوند و از کوره درمیروند؛ یعنی به خارج پرتاب می شوند .

افرادی که سریع عصبانی می شوند اگر در مقابل حوادث غیرمترقبه قرار بگیرند، آتش خشم و غضبشان چنان زبانه می کشد که مانند همان آهن گداخته از کوره اعتدال و عقل خارج شده، و اعمالی غیرمنتظره و غیرعادی از آنها سر می زند که پس از فروکش کردن و خاموش ش-دن این آتش سوزان از کرده خود پشیمان شده و اظهار ندامت می کنند. از این جهت به کسانی ک-ه عصبانی می شوند می گویند از کوره دررفته است؛ یعنی از حالت ع-ادی و تع-ادل خ-ارج ش-ده است.

### چرا ما از کوره درمی رویم؟

این عصبانیت ها به این دلیل است که در وجود ما آرامش واقعی نیست. درون ما دچار تلاطم-م است. ما از لحاظ وسعت وجودی مانند حوض کوچکی می مانیم که وقتی سنگ کوچکی در آن می افتد به هم ریزد و آب از آن سرریز می شود. اگر دل ما و صبر و شکیبایی م-ا مان-د دری-ای بیکران آرامشی داشته باشد که نه تنها با این سنگریزه ها مواج نمی شود؛ ک-ه ب-ا مش-کلات و بلاهای سخت تر از این نیز حرکتی غیرعقلانه انجام نمی دهد .

### راه درمان

هم نشینی با دریای بی کران و بی نهایت مهربانی، یعنی خدای متعال به انسان چن-ان وس-عتی می بخشد که دیگر دچار به هم ریختگی نشود و اضطراب و نگرانی نداشته باش-د، و حت-ی درسخت ترین شرایط با تدبیر و عقل پیش برود. مانند امیرالمؤمنان(ع) که در جنگ خندق، زمانی

که عمر بن عبدود آب دهان خود را به صورت مبارک حضرت ان-داخت ، ایش-ان ب-رای آم-وزش کنترل غضب و عصبانیت درخواستند و کمی قدم زدند و بعد آمدند او را کشتند،(۱) تا ف-رق ب-ین جهاد در راه خدا و جلب رضای او، با جهاد از روی کینه و غضب مشخص شود.

### نتیجه گیری

امیرالمؤمنان(ع) چگونه این آرامش را به دست آوردن-د؟ تنه-ا راه کنت-رل غضب و عص-بانیت ه منشینی با بی نهایت آرامش، حلم و شکیبایی است. نماز مظهر همنشینی با اوست .

ای خدای قدیر، حب و بغض ما را در راه خودت قرار بده. آمین .

ص: ۸۲

---

۱- مطهرین طاهر المقدسی، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی، ج ۲، ص ۷۰۱.



در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که ارتباط با خدا موجب سعه صدر و دری-دل-ی خواهد شد .

### جذاییت اولیه

#### جذاییت اولیه (۱)

بزرگترین مرجع تقلید شیعیان زمان خود بود، مورد توجه همه مردم. با لهجه شیرین اصفهانی به گونه ای با دیگران سخن می گفت که گویی با فرزندانش صحبت می کن-د . پیرم-ردی آرام ومهربان با کوهی از علم و دانش. معروف بود که امام زمان(عج) نیز به ایشان توجه خاص دارد. دوست و دشمن از محبت و هیبتش در شگفت بودند. آن شب، مانند شب های پیش در مسجد مشغول نماز جماعت بود که غوغایی ب-ه-پ-ا-ش-د . ص-دای گری-ه و ش-یون سرتاس-ر-مس-جد را فر گرفت. در مسجد، جنازه بدون سر فرزند ایشان که از نظر همه جانشینی شایسته ب-رای-پ-دربود، روی زمین رها شده بود. ایشان با اینکه فهمیدند چه اتفاقی افتاده، فرمودن-د : نم-از دوم رابخوانیم؛ بعد از نماز رسیدگی می کنیم . او که همیشه از نماز انرژی می گرفت با توج-ه خاص-ی گفتند: **إِیَاكَ نَعْبُدُ وَ إِیَاكَ نَسْتَعِیْنُ** (۲). بعد از پایان نماز، مردم به ایشان خبر دادند: قاتل فرزندتان ب-ه-دام افتاده است. سید فرمودند: آیا جز من، کسی ولی دم این فرزند است؟ ع-رض کردن-د: خی-راقاجان. فرمودند: آیا کسی نسبت به فرزند من حقی دارد؟ عرض کردند: نه آقاجان. فرمودن-د : اگر بخواهم از قاتل پسرم بگذرم آیا کسی می تواند مانع من شود؟ با تعجب گفتند: نه آقا! پس فرمودند: من گذشتم! مگر نه اینکه بخشش از قصاص پسندیده تر است-ت ؟ قات-ل-پس-رم را ره-ا

ص: ۸۳

---

۱- مربی گرامی عکس عالم ربانی، سید ابوالحسن اصفهانی را به دانش آموزان نشان دهد و با این پرسش که کدامیک از شما این عالم بزرگ را می شناسد، داستان را بیان کند .

۲- حمد: ۵

کنید. خبر انتقام نگرفتن سیدابوالحسن اصفهانی در همه جا پیچید. از قبیله قات-ل-ک-ه از اه-ل-سنت بودند، گرفته تا سفارت انگلستان که طراح اصلی این ماجرا بود، همه را مبه-وت و وادار به اعتراف و شکست کرد؛ زیرا کاملاً طبیعی بود که اگر سید انتقام می گرفت، میان اهل سنت و شیعیان نزاع و درگیری روی می داد و در نتیجه ارتباط ایران با سفارت عثمانی تیره می شد و این به سود انگلستان بود.

### تاریخچه ای کوتاه

مربی گرامی می تواند این تاریخچه کوتاه را در پشت عکس ایش-ان درج کن-د: سیدابوالحسن-ناصر اصفهانی از مراجع تقلید شیعه در سال ۱۲۸۴ق. در روستای "مدیسه" اصفهان ب-ه-دنی-آ-م-د.

نسبش با ۳۲ واسطه به موسی بن جعفر(ع) می رسد. سیدابوالحسن اصفهانی در اثر سانحه ای ب-ه-زمین خورد و پس از بازگشت ب-ه-ک-اظمین در ش-ب-نه-م ذیحجه-ه-۱۳۶۵ق. در ۱۸ س-الگی در گذشت و در حرم علی بن ابی طالب(ع) دفن شد.

### نتیجه گیری

نماز، یعنی اتصال و ارتباط انسان به خداوند منان و این ارتباط، می تواند چنان وسعتی به انسان بدهد که به تدریج از صفات الهی همچون محبت و مهربانی بی نهایت، و عفو و گذشت از همه بدیها برخوردار شود.

خدایا، به ما سعه صدر عنایت فرما. آمین.

### راهبرد جلسه

در این جلسه به ارتباط نماز با سخاوت و بخشش می پردازیم .

### جذاییت اولیه

جلسه را با یک حکایت زیبا شروع می کنیم:

تصمیم گرفتم سر از کار حاتم دریاورم. از کجا این همه ثروت دارد؟ ای-ن چ-ه روحی-ه ای است که هر روز در خانه اش باز است. به عنوان مهمانی مثل هم-ه مهمان-ان وارد خان-ه ح-اتم شدم. تا غروب که مردم در رفت و آمد بودند من هم نشسته بودم. شب که شد به ح-اتم گف-تم:

آیا ممکن است امشب در منزل شما بخوابم؟ با خودم فکر می کردم از صبح تا الان ک-ه ح-اتم کار خاصی نکرده است که مستحق چنین ثروتی باشد؛ پس حتماً باید امشب بم-انم؛ ش-اید درخانه خبری شد؛ اما باز هم تا موقع خواب خبری نشد. حاتم رختخ-وابش را آورد ک-ه در ات-اق مهمانان بیندازد. گفتم: اگر اشکالی ندارد من در اتاق شما و کنار شما بخوابم. م-ی خواس-تم از کارش سر دریاورم. در اتاق حاتم، خودم را به خواب زدم. با خود گفتم حاتم منتظر است م-نبه خواب بروم بعد به سراغ گنجش برود. ناگهان دیدم حاتم ت-اخی-الش از خ-واب ب-ودن م-نراحت شد از جا برخاست. درست فکر کردم. الان می فهمم گنج و طلاهایش را کج-ا مخف-ی کرده است. ناگهان صدایش را می شنیدم که می گفت: خدایا مردم به در خانه من میآین-د و از من توقع کمک دارند. اگر تو مرا یاری ندهی، نمی توانم کاری انجام دهم. اینها را می گف-ت و آرامش پیدا می کرد. تازه فهمیدم حاتم گنجی را پیدا کرده که تمام شدنی نیست-ت؛ ب-ه منب-ع و سرچشمه ای زلال دسترسی پیدا کرده که تا بی نهایت امتداد دارد .

نماز، یعنی همنشینی با سخاوت و ثروت بی نهایت "أنا جلیسُ مَـنْ ذَکَّـرَنی" (۱) و ای-ن خاص-یت مجالست و همنشینی است که در روحيات و اخلاق ما تأثیر می گذارد. همانط-ور ک-ه اگ-ر ب-ابدان بنشینیم، اخلاق بد آنها را می گیریم. "إیاکَ وَ مُصَّـحِبَهُ الْبَیْحَىـلِ فَإِنَّهُ یُیَخِّـذُکَ فِی مَالِـهـ أَوْ حَـوْجِ مَـا تَکُونُ إِلَیْهِ" (۲) با خوبان و بهترین ها نیز تأثیر خودش را می گذارد.

### نتیجه گیری

تنها راه ثروتمند شدن و سخاوتمند شدن، یک چیز است و آن عمیق کردن رابطه و دوستی با خدواند متعال است. همانطور که در حدیث قدسی آمده: "یا ابنَ آدَمَ اَنَا غَنِیٌ لَّا اُفْتَقِرُ اَطْعِنِی فِـیـ یَمَّا اَمَرْتُکَ اَجْعَلْکَ غَنِیًّا لَّا تَفْتَقِرَـ" (۳) ای فرزندان آدم، من ب-ی نی-ازی هس-تم ک-ه ه-یچ وق-ت نیازمن-د نمی شوم، پس اطاعت مرا در آنچه گفته ام بکنید تا شما را نیز آنچنان غنی کنم که هیچ وق-ت نیازمند نشوید.

خدایا، ما را از غیر خودت بی نیاز کن. آمین.

ص: ۸۶

---

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱۱.

۲- "بپرهیز از رفاقت با بخیل؛ زیرا او تو را محروم می کند از مالش در وقتی که تو نهایت احتیاج را به او داری" (محمدبن-یقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۶)

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹، ص ۳۷۶.

بی تردید برخی از اعمال، تأثیر عمیقی در رفتار و شخصیت انسان می گذارد و زندگی ایشان را دگرگون می کند. یکی از آن اعمال، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است که -ت- تأثیرش از بین رفتن بخل و خساست است.

### جذاییت اولیه

ابوذر نقل می کند که روزی از روزها با رسول خدا(ص) در مسجد نماز می خواندم؛ س- ائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی ب-ه او ن-داد. او دس-ت خ-ود را ب-ه آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، تو شاهد باش که من در مس-جد رس-ول ت-و تقاض-ای کم-ک کردم؛ ولی کسی جواب مساعد به من نداد. در همین حال علی(ع) که در حال رک-وع ب-ود ب-ا انگشت کوچک دست راست خود اش-اره ک-رد. س- ائلی نزدی-ک آم-د و انگش-تر را از دس-ت آن حضرت بیرون آورد. پیامبر(ص) که در حال نماز بود این جریان را مشاهده کرد، هنگامی که از نماز فارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: "خداوندا، برادرم موسی از تو تقاض-ا کرد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گره از زبان او بگشایی تا مردم گفتارش را درک کنند، و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزی-ر و ی-اورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا، من محمد، پیامبر و برگزیده توام. سینه مرا گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او، پشتم قوی و محکم گردد. ابوذر می گوید: هن-وز د-ع-ای پی-امبر(ص) پایان نیافته بود که جبرئیل نازل شد و به پیامبر(ص) گفت: بخ-وان. پی-امبر(ص) فرم-ود: چ-ه

بخوانم؟ گفت: بخوان "إِنَّكُمْ أَوْلِيكُمْ لُحُّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ أَهْوَاةَ

هُم رَاكِعُونَ"؛ (۱) سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند .

### پیوند با بحث

به نظر شما علی(ع) این کار را به امر چه کسی انجام داد؟(۲)

یکی از برکات نماز، این است که انسان را از تعلقات دنیوی بازمی دارد و به ملک-وت ع-الم می کشاند . " به تحقیق نماز فقط مناجات بین بنده و پروردگار است" (۳) و وسیله ای برای رس-یدنبه همه خوبی ها . "نماز، کلید همه خوبی هاست." (۴) مال و نعمت دنیا مانند نردبان اس-ت ک-ه از آن هم می شود بالا رفت هم پایین؛ یکی از آفات آن، که اگر انسان از آن جان سالم به در برد سعادت ابدی برایش حاصل می شود، بخل است .

به نظر شما به چه کسی بخیل می گویند؟

بخیل به کسی گفته می شود که از هزینه های لازم و واجب زندگی نیز خودداری م-ی کن-د؛ از زکات و صدقه و کمک به دیگران و صله رحم و همسایه و راحت گرفتن به خ-انواده و نظ-ایران . "کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نم-یکنن-د ، گمان نکنند این کار به سود آنهاست؛ بلکه برای آنها شر است. به زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمان ها و زم-ین، از آن خداست، و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است." (۵)

ص: ۸۸

۱- مائده: ۵۵

۲- مری غرامی اجازه دهد، دانش آموزان نظره ایشان را بیان کنند.

۳- لَأَنَّ الْمَصَلَّى يَنَاجِي رَبَّهُ، فليست الصلاة إِلَّا النجوى (عبدالله جوادی آملی، أسرار الصلاة، ص ۸۳).

۴- الصلاة مفتاح كل خير (محمد محمدی ری شهری، الصلاة فی الكتاب والسنة، ص ۱۲۰).

۵- وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرَ الْهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (آل عمران: ۱۸۰)

امیر المؤمنین (ع) با عمل خود، به ما آموخت که راز و واقعیت نماز انفاق و گذشت و دوست داشتن دیگران است. مگر می شود کسی "أَشْدُّ حُبًّا لِلَّهِ" (۱) باشد، امّا عیال را دوست نداشته باشد و نسبت به آنها بخل بورزد .

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

"الْحَلَقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِمْ"؛ (۲) هم -ه مخلوق -ات عیال خداوند -دهستند؛ محبوب ترین نزد خداوند نافع ترین آنها نسبت به عیال الله است .

خدایا، ما را اهل انفاق و گذشت قرار بده. آمین .

ص: ۸۹

---

۱- بقره: ۱۶۵.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۴.

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که چرا ما انسان ها با نماز ت-ا اوج ب-ی نهایی ت پرواز نمی کنیم؟

### جذاییت اولیه

یکی از آرزوهای بزرگ انسان پرواز بود. و این آرزو به واقعی ت پیوس ت، و انس-ان هواپیم-ا را اختراع کرد. مربی عکس های زیر را به دانش آموزان نشان دهد و درباره ه-ر عک-س توضیح مختصری بیان کند. آنچه بیشتر اهمیت دارد ارتفاع پرواز این هواپیماه است .

### نماز و پرواز

شما روایات زیادی از نماز شنیده اید؛ اما دوتا از آنها خیلی تأثیرگذار است. یکی، "الص-لاه معرَاجُ الْمُؤْمِنِ"؛ (۱) نماز، عروج و اوج پرواز مؤمن است و دیگری "الصلاه قُوبًا نُ كُْلِّ تَقِي"؛ (۲) نماز، هر انسان با تقوایی را به مقصد می رساند؛ به این معنا که نماز بال پرواز آدمی اس ت . تم-امی هواپیماه-ا و وسایل پروازی با همه پیچی-دگی، ق-درت و اوج پروازش-ان در برابر-ر انس-ان ه-یچ-ان-د . انس-ان موجودی است که می تواند از همه چیز و همه کس بیشتر و بهتر اوج بگیرد؛ اما اگ-ر بخواه-د واراده کند .

### نتیجه گیری

خداوند متعال، انسان را برای پرواز کردن آفریده است نه ماندن و سقوط و س-کون ب-ه هم-ین

ص: ۹۰

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۰۳.

۲- محمدبن یقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵



دلیل وسیله مناسب آن را هم در اختیار او قرار داده، که نماز اس-ت . س-وخت ای-ن فض-ایم ای بی نظیر تقواست؛ یعنی پیروی از همه خوبی ها و زیبای یها و انجام ندادن همه بدی ها خدایا، به ما بالهایی برای پرواز به سوی خود عنایت فرما. آمین

شکل شماره (۲) مشخصات ۴۷SU-

طول بال ها ۱.۵۱ تا ۸.۶۱ متر. طول کل-ی ۲.۲۲ ال-ی ۶.۲۲ متر .

وزن خالی ۰۰۰۴۲ تا ۰۰۰۶۲ کیل-وگرم . ح-داکثر وزن ۰۰۰۴۳ کیلوگرم .

موت-ور پ-یشران دو دس-تگاه ۳۷FU-AL (گون-ه ای از موتور ۳۷-SU). حداکثر سرعت در ارتفاعات ۰۰۵۲ کیلومتر بر ساعت . حداکثر سرعت در ارتفاعات پایین ۰۰۴۱ کیلومتر بر ساعت. سقف پ-رواز ۰۰۰۸۱ مت-ر .

حداکثر برد ۰۰۳۳ کیلومتر . شکل شماره (۱) ۵F

در ژانویه ۳۶۹۱ هواپیمای F۵A در نی-روی ه-وایی آمریکا به پرواز در آمد. بعد از آن اولین کش-ور ک-ه F۵A را تحویل گرفت-ت ای-ران ب-ود ک-ه در س-ال

۳۴۳۱ (۵۶۹۱) نیروی هوایی خود را با جت مافوق ص-وت ۵F مجه-ز نم-ود و بع-د از آن عربس--تان سعودی و کشورهای آفریقای جنوبی. و F۵E می-توان د در ۰۰۰۵۱ پ ۱۰.۳۱ درج ه در ثانی ه بگردد.

ترکیه نیز F۵A دریافت نمود .

طول: ۱۲.۲۲ متر. ارتفاع: ۷۵. ۴.۷ متر. وزن خالی: ۴.۷ تن. حداکثر سرعت: ۵۸۶ نان با ۴۰۰۰ پوند مهمات معادل تقریبی ۱۰۸۰ کیلومتر در ساعت ی-احدود ۷۰۰ مایل در ساعت. موتور: یک موت-وره ب-ا قدرت ۹۳۰۰ تا ۱۱۲۰۰ پوند، معادل ۴۱ کیلونی-وتن ساخت پرات اند ویتنی / توربوجت A۴۰۸\_P۵۲J بدون پس سوز. ب-رد : ۱۷۰۰ گ-ره دری-ایی، مع-ادل ۳۲۲۰ کیلومتر یا ۲۰۰۰ مایل. سقف پرواز: ۱۲۸۸۰ متر. نرخ اوج گیری: ۳۴ متر بر ثانیه .

ص: ۹۱

### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نمازی-ک تکلی-ف اجب-اری نیس-ت. چن-ین نگاهی باعث عدم ارتباط و بی روح بودن آن و در نتیجه قطع ارتباط با خداوند منان و ترک نماز می شود.

### جذاییت اولیه

جنگ جهانی اول مثل بیماری وحشتناکی، تمام دنیا را گرفته بود. یکی از سربازان ب-ه مح-ض اینکه دید دوست تمام دوران زندگیش در باتلاق افتاده و در حال دست و پنجه نرم کردن با مرگ است، از فرماندهاش اجازه خواست تا برای نجات دوستش برود و او را از ب-اتلاق خ-ارج کند.

فرمانده گفت: اگر بخواهی می توانی بروی؛ اما به این فکر کرده‌ای که این کار ارزشش را دارد یا نه؟ دوست احتمالاً مرده و ممکن است تو حتی زندگی خودت را هم به خطر بیندازی!

حرفهای فرمانده، اثری نداشت. سرباز این طور تشخیص داد که باید به نج-ات دوس-تش برود. او به شکل معجزه آسایی توانست به دوستش برسد. او را روی شانه ه-ایش کش-ید و ب-ه پادگان رساند. فرمانده به سراغ آنها رفت. سربازی را که در باتلاق افتاده بود، معاینه کرد و ب-ا مهربانی و دلسوزی به دوستش نگاه کرد و گفت: من به ت-و گف-تم ممک-ن اس-ت ارزش-ش را نداشته باشد! خوب ببین این دوست مرده! خود تو هم زخ مه‌ای عمیقی برداشتی!

سرباز در جواب گفت: قربان، البته که ارزشش را داشت.

افسر گفت: منظورت چیست که ارزشش را داشت؟

سرباز جواب داد: چون زمانی که به او رسیدم، هنوز زنده بود و نفس می کشید. او حتی ب-ا

من حرف زد! من از شنیدن چیزی که گفت احساس رضایت قلبی می‌ک-نم . او گف-ت : دوس-ت عزیزم، می دانستم که تو هرطور شده به کمک من می آیی! از تو متش-کرم دوس-ت همیشه-گی من!

### پیوند با بحث

این دنیا، مانند دریای عمیقی است که اگر بخواهیم غرق نشویم، باید سوار کشتی نجات، یعنی تقوا، و محافظت و مراقبت از خودمان بشویم و درون این کشتی را از بار ایمان پر کرده، و در مسیر توکل و اعتماد به خدای یکتا حرکت کنیم. عقل را مسئول این کشتی کنیم و با نور علم مسیر را تشخیص داده و با صبر و شکیبایی سکان این کشتی را از دست ندهیم. يَا بَنِيَّ إِنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا عَالَمٌ كَثِيرًا [ فَلْتَكُنْ سَيْفِيَّتُكَ فِيهَا تَقْوَى لِلَّهِ وَحَشْوُهُانَ وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ وَ قَيْمُهَا الْعَقْلُ وَ دَلِيلُهَا الْعِلْمُ وَ سُكَّانُهَا الصَّبْرُ ] (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵، کتاب العقل و الجهل).

### نتیجه گیری

پس اگر به دنبال نجات خود از مهلکه دنیا هستیم، باید مسیر را با دوستی همیشگی و ص-ادقطنی کنیم، و آن دوست، غیر از خدای مهربان کس دیگری نمی تواند باشد. بهترین نوع رابط-هما با او نیز از طریق نماز برقرار خواهد شد. پس تا گرفتار امواج سهمگین این دریای طوف-انی

نشده ایم دستمان را در دستان لطیف و مهربان الهی قرار دهیم و رابطه مان را برقرار کنیم.

"عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ". باید شتاب کرد.

خدایا، ما را در مسیر زندگی یاری کن. آمین ...

ص: ۹۴

### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که بهترین وسیله برای الهی شدن، رنگ و بوی الهی گرفتن و رسیدن به هدف آفرینش، نماز است.

### جذاییت اولیه

دوستان خوب من، سلام. امیدوارم همیشه شاد و سلامت باشید. ک-دامی-ک از ش-ما م-یدان-داطاعت به چه معناست؟ اطاعت و عبادت خدا چه فایده ای برای ما دارد؟(۱)

داستان خلقت انسان را شنیده اید؟ زمانیکه خداوند متعال می خواست انسان را خل-ق کن-د، به ملائکه اش گفت:

"إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً".(۲)

راستی چه کسی می داند خلیفه به چه معناست؟

خلیفه، یعنی جانشین خداوند متعال؛ یعنی ما بشویم جانشین خدا در زمین. چه کسی دوست دارد همه چیز را بلد باشد؟ علم غیب داشته باشد؟ چه کسی می خواهد همه ص-داهای ع-الم را بشنود؟ کدامیک از شما دوست دارد هر وقت هر کجا که دوست دارد، در یک چشم به ه-م زدن برود؟ و خیلی نیازها و خواسته های دیگر مثل جاودانه شدن، ثروت و قدرت بی نهایت و همیشه مهربان بودن .

معلوم است که همه دوست دارند این قدرت و اختیار را داشته باشند. حال، سؤال این است

ص: ۹۵

۱- مربی محترم اجازه بدهد دانش آموزان نظر بدهند.

۲- و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می خواهم در زمین جانشینی بیافرینم بقره: ۳۰)

آیا امکان پذیر است؟

علت اصلی خلقت انسان و قرار دادن بار سنگین امانت الهی بر دوش او، (۱) چیزی ج-ز ای-ن نیست که انسان، قصد خلیفها للهی دارد و برای رسیدن به این مقصد بلند که تا بی نهایت ادامه دارد، باید مسیر سختی را طی کند؛ اما کدام مسیر؟

خداوند متعال مسیر را نشان داده و فرموده است: "عَبْدِي أَطِيعْنِي حَتَّى أَجْعَلَ لَكَ مِثْلِي أَوْ مِثْلِي، أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ وَتَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ!" (۲) ای بنده من مسیر خدایی شدن اطاعت من است - در بایدها و نبایدها - تا تو نیز مانند من شوی و همانگونه که من چیزی را اراده می‌کنم به وجود می‌آید، تو نیز هر چه را اراده کردی به محض اراده، ایجاد شود.

همه ما این را خوب می‌دانیم که بزرگ‌ترین جل-وه اطاع-ت خداون-د متع-ال، نم-از اس-ت .

همانگونه که امیرالمؤمنان (ع) فرمودند: "أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَّ - ع لَصَّ - لَاتِكَ!" (۳) ب-ه راس-تی هم-هاعمال ما تابع نماز ماست . "إِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِ-واها، وِإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ رُدِّمَ-ا سِ-واها!" (۴) اگ-ر نم-از پذیرفت-ه شود، سایر اعمال نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ و اگر پذیرفته نشود، سایر اعمال-ال نی-ز م-ورد قبول قرار نم‌یگیرد. به راستی چرا نماز چنین عظمتی دارد؟

### نتیجه گیری

اگر بخواهیم به هدف آفرینش یعنی خلیفه خدا شدن دست پیدا کن-یم ، مس-یر آن اقام-ه نم-از واقعی است .

خدایا ، به ما کمک کن تا در مسیر آفرینش قدم برداریم . آمین .

ص: ۹۶

---

۱- اَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب: ۷۲)

۲- سید محمد حسین حسینی، صلاه الجمعة، ج ۱ . ص ۶۹.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۹۳.

### راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که همه اعمال از جمله نماز باطنی زیبا یا زشت دارند. و بعد از مرگ قطعاً آنها را خواهیم دید.

### جذاییت اولیه

کدام یک از شما بزرگواران معنای این روایت را می دانند؟(۱)

قال رسول الله (ص): " إِنَّ حَرَاءَ جَبَلٍ يُجِبْنِي وَأُجِبُهُ" (۲) به تحقیق حرا ک-وهی اس-ت ک-ه م-ن را

دوست دارد و من نیز او را دوست دارم. مگر کوه می تواند دوست داش-ته باش-د؟! ج-واب ای-ن

سؤال را قرآن کریم داده است: "يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" (۳) آنچه در آسما نها و در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند. فرمانروایی ویژه اوست. سپاس و س-تایش مخص-وص اوس-ت، و او ب-ر ه-ر ک-اری تواناست. همه اشیا در حال تسبیح و ستایش خداوند تبارک و تعالی هس-تند. پ-س اعم-ال م-ا ز جمله نماز هم زنده است.

اعمال ما، همراه ما

نماز، زکات و تمامی اعمال خوب، موجوداتی حقیقی و زنده هس-تند ک-ه روح انس-ان را نق-شمی زنند؛ همراه انسان و با او محشورند و بعد از مرگ به کمک او می آیند؛ همانطور که ام-ام

ص: ۹۷

۱- مربی گرامی روایت را قبل از شروع کلاس روی تخته بنویسد

۲- رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عدها لابرار، ج ۳، ص ۷۹۴

۳- تغابن: ۱.

صَادِقٌ (ع) فَرَمُوْدٌ: "إِذَا دَخَلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ كَأَنَّ تِلْكَ أَرْضَ رَيْسِ وَهْلِ وَالْبُرْصَةَ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ  
يَتَنَحَّى الصَّبْرُ نَاحِيَةً قَالَ فَإِذَا دَخَلَ الْمَلَكَيْنِ اللَّذَيْنِ يَلْيَانِ مُسَاءَلَتَهُ قَالَا الصَّبْرُ لِلصَّبْرِ وَالزُّكَاةُ وَالزُّكَاةُ وَالْبُرْدُ نَاحِيَةً مُصَابِحِكُمْ  
فَمَا نَعَزُّتُمْ عَنْهُ فَإِنَّا دُونََهُ"؛<sup>(۱)</sup> هنگامی که مؤمن وارد قبر می شود اعمال نیکی وی بر وی یاریش اطراف او جمع می  
شوند. نم از ظرف - رف راس - ت، زکات از ظرف - رف چپ، احسان و نیکی هایش بر سرش سایه افکننده، و صبر هم  
در کناری قرار گرفته است. هنگامی که آن دو ملک و فرشته برای بازرسی وارد قبر میشوند. صبر به نماز، زکات و احسان  
می گوی - د رفی - ق خود (میت) را یاری دهید. اگر ناتوان شدید من در کنار او برای یاریش آم - اده هس - تم. بای - ددقت  
کنیم در این دنیا خودمان را چگونه - س - اخته ای - م و چ - ه چیزه - ای در ای - ن مزرعه - ه دنی - ا کاشته ایم؛ چرا که در آخرت،  
مهمان سفره اعمال خودمان هستیم. قال رس - ول الله (ص): "أَلْ - دُنْيَا مَرْزَعُهُهَا لآخره"؛<sup>(۲)</sup> دنیا مزرعه آخرت است.

### نتیجه گیری

نمازهای ما موجوداتی زنده هستند. پس اگر انتظار داریم در آینده دست ما را بگیرند، بای - دبه گونه ای آنها را بسازیم که  
دارای اجزایی کامل داشته باش - ندت - ا - ق - درت دس - تگیری از م - ا راداشته باشند.

خدایا، کمک کن تا اعمالمان را طوری انجام دهیم که در آخرت رفیق ما باشند. آمین.

ص: ۹۸

---

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۷.



راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نم-از بهت-رین ی-اری کنن-ده و اورژان-س درسختی ها و مشکلات است.

جذاییت اولیه

هر کدام از ما زمانیکه در زندگی روزانه خودمان با مشکلات و بلایایی روبه رو می ش-ویم، چ-ه حسی پیدا می کنیم؟ از دیگران چه انتظاراتی داریم؟ خداوند بی همتا در این باره می فرماید:

"إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا \* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا \* وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا \* إِلَّا \* الْمَصَلِّيْنَ \* الَّذِينَ هُمْ \* عَلَىٰ صِيَلاتِهِمْ دَائِمُونَ"؛ (۱) همانا انسان، حریص آفریده شده است؛ وقت-ی ش-ری ب-ه او برس-د فری-ادمی کشد و جزع م میکند، و هرگاه خیر و نعمتی به او برسد، بخ-ل م-ی ورزد؛ مگ-ر نم-از گزاران؛ افرادی که بر نماز خویش مداومت می کنند.

درواقع نمازخواندن موجب افزایش قدرت درونی ما می شود؛ زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می گوید، و از او یاری می جوید، خداوند مهربان هم ب-ه دنب-ال اس-تمداد او ب-ه انس-ان کم-ک می رساند. همانطور که در قرآن کریم فرموده: "ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ"؛ (۲) مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را. وقتی م-دد اله-ی ب-ه انس-ان رس-ید، ق-درتی درخ-ود احس-اس م-ی کن-د ب-ینظی-ر و توصی فناپذیر. این قدرت ناشی از توکلی است که مؤمن در نماز به خداون-د ق-دیر پی-دا ک-رده است و درحقیقت خود را مانند قطره‌های می بیند که با دریا پیوند خورده است.

ص: ۹۹

۱- معارج: ۱۹-۲۳

۲- غافر: ۶۰

## نماز وسیله یاری از خدا

نماز، نقش اورژانس را ایفا می کند، آن هم از ناحیه پزشکی قهار که عجز و ناتوانی، هرگز-زدر او راه ندارد. خداوند بی نیاز در کلام نورانی خود، سخن ما را تصدیق نموده و ب-ا ص-راحت اعلام می دارد .

"وَاشْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ" (۱)؛ از صبر و نمازی-اری جویی-د [و ب-استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیری-د] و ای-ن ک-ار، ج-ز ب-رای خاشعان، سخت است. انسان برخوردار از امدادهای الهی، فردی توان-ا و موف-ق و برخ-وردار از نشاطی مثالزدنی در عرصه زندگی است و همان-د ک-وهی اس-توار در مقاب-ل طوف-ان ب-لا-ومصیبت ایستادگی می کند. (۲) مقربان در گاه الهی، که قلب و جان خود را به سرچش-م ه-ف-یض ورحمت خدا گره زده اند و لیاقت دوستی با خدا را پیدا کرده اند، در فراز و نش-یب ه-ای زن-دگی،وقتی دچار غم و اندوهی م یشدند، با عشق و علاقه ای بی بدیل که ناشی از ایمان قلب-ی ب-ه خداوند بی همتاست، به نماز پناه می بردند. پیامبر اکرم(ص) هر گاه، غم و غصه ای، به سراغش می آمد، نماز می خواند. و با نماز، غم و اندوه را از روح و روان خود پاک می کرد.

## نتیجه گیری

البته ناگفته نماند، هر نمازی آرام بخش نیست. نمازی این اثر معجزه آسا را دارد که در آن، دل با زبان همراه گشته ،انسان به هنگام نماز، با تمام وجود، خود را در محضر خداوند متعال ببیند و تمام توجه و حواس خود را به سوی آن قدرت بی همتا متمرکز نماید.

خدایا ،به ما توفیق بده تا هنگام مشکلات ،با نماز از تو یاری بجوییم. آمین .

ص: ۱۰۰

۱- بقره: ۴۵

۲- المناقب، ج ۲، ص ۳۴۷.

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که در اثر نم-از، ان-س و دوس-تی ب-ین خ-الق و مخلوق ایجاد می شود. نتیجه آن ایمان و ب-آوری راس-خ و نداس-تن اض-طراب و دله-ره در اوج مشکلات و سختی هاست .

### جذاییت اولیه

همه شما داستان ابراهیم خلیل(ع) را شنیده اید .

حضرت ابراهیم(ع) قهرمان توحید بود. او از اینکه می دید مردم به ج-ای خ-دای یگان-ه، ک-ه همه چیز به دست اوست، دست به دامن سنگ، چوب و ساخته های دست خود م-ی ش-دند خیل-یناراحت می شد. مثل پدری مهربان که نمی تواند ببیند فرزندش برای رفع نیازهایش سراغ هر کس و ناکسی برود. سرانجام روزی که همه مردم برای انجام اعمال سنتی خود به بیرون از شهر رفته بودند، تصمیم گرفت تلنگری به مردم بزند. به همین دلیل هم-ه ب-ته-ا ب-ه ج-ز ب-ت ب-زرگ را شکست. وقتی مردم برگشتند و این صحنه را دیدند، متوجه شدند تنها کسی ک-ه ممک-ن اس-ت دست به این کار زده باشد ابراهیم است. بالاخره حضرت ابراهیم(ع) محکوم به سوزاندن شد. او بر روی منجنیق آماده پرتاب نشسته است؛ بدون ذرهای اضطراب و نگرانی؛ درحالیکه از هر سو دست یاری به سوی او دراز می شد؛ جنیان و ملائک و حتی فرش-تگان مق-رب. هم-ه ی-ک ص-دامی گفتند: می خواهی نجات دهیم؟ اما او که معلم توحید بود به همه آموخت، فقط از خ-دا بای-د کمک خواست و حاضر نبود به کسی دیگر غیر از خدا فکر کند. جبرئیل(ع) که او را می ش-ناخت عرض کرد لا اقل از خدا بخواه که نجات دهد. جواب ابراهیم(ع) این بود: م-ن ب-ا خ-دا زن-دگی می کنم؛ از گذشته به یاد ندارم لحظه ای مرا تنها گذاشته باشد. چگونه فکر کنم از حال و اح-وال

من بی خبر است؟! خدایی که من می شناسم هیچ موجودی را فراموش نمی کن-د؛ بلکه-ه ای-ن م-اهستیم که او را فراموش کرده ایم و با فراموش کردن او خودمان را از یاد برده ایم:

"وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" (۱)

### پیوند با بحث

با نماز است که افکار و اعتقادات ما شکل زیبای خودش را به دست می آورد. در نم-از اس-ت ک-ه

می خوانیم: "إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ" (۲) حضرت ابراهیم(ع) به معنای واقعی کلمه این آی-ه را ب-اور

داشت و به همین دلیل در مشکلات و بلاها دچار اضطراب و نگرانی نشد؛ زیرا به علم و حکم-ت

خدای منان اطمینان داشت. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ" (۳) ای کسانی که ایمان آورده ای-د، به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ یعنی به خدای قدیر و توانا اعتم-اد کن-یم. حض-رت اب-راهیم(ع) آن قدر به قدرت خدای متعال اطمینان داشت که حتی حاضر نبود نیاز خودش را در سخته-ا در برابر خدای متعال به زبان بیاورد و می فرمود: "حَسْبِيَ مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِح-إِلَى" (۴) هم-ین ک-ه معش-وق من می داند من در چه شرایطی قرار دارم کفایت م-ی کن-د و دیگ-ر نی-ازی نیس-ت ک-ه بخ-واهم خواسته ام را به زبان بیاورم؛ چون من عاشق چیزی هستم که او دوست دارد.

### نتیجه گیری

از آنجایی که نماز ترکیبی از قول و فعل است، و با توجه کردن ب-ه مع-انی و الف-اظ نم-از، نم-از واقعی از ما موحد واقعی می سازد. مانند ابراهیم خلیل الرحمن(ع). موحدی که فق-ط و فق-ط از خدای مهربان پیروی می کرد؛ موحدی که آرامش واقعی خود را تنها از او به ارمغان می گرفت.

خدایا، به ما ایمانی عطا کن که بتوانیم تو را باور کنیم. آمین.

ص: ۱۰۲

---

۱- "و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند" (حشر: ۱۹)

۲- "تنها تو را م پیرستیم و تنها از تو یاری می جویم" (حمد: ۵)

۳- نساء: ۱۳۶.

۴- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۶۵۵، باب ۶۳.

## راهبرد جلسه

ای کسانی که ایمان آورده اید، از صبر و نماز کمک بگیرید: یا أُيِّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (۱) و با این دو نیرو (استقامت و توجه به خدا) به جنگ مشکلات و حوادث س-خت بروی-د که پیروزی از آن شماست؛ زیرا خداوند با صابران است: اِنَّ لِلّٰهِ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ. (۲)

## جذاییت اولیه

به عکس آنچه بعضی تصور می کنند، "صبر" هرگز به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن ذل-ت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست. صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر-ر همه مشکلات و هر حادثه تلخی است؛ لذا بسیاری از علمای اخلاق برای صبر سه شاخه ذکر کرد هاند:

- صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد)؛ - صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر)؛

- صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خود باختگی و شکست روحی، و ترک جزع و فزع)

کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند صبر تک-رار ش-ده و م-ورد تأکی-د ق-رار گرفته باشد. در قرآن مجید حدود هفتاد بار از "صبر" سخن به میان آمده که بیش از ده مورد آن به شخص پیامبر(ص) اختصاص دارد. تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد مهم ترین عام-ل

ص: ۱۰۳

۱- بقره: ۱۵۳

۲- همان

پیروزی آنان استقامت و شکیبایی ب-وده اس-ت . اف-رادی ک-ه از ای-ن ص-فت ب-ی به-ره ان-د، در گرفتاری ها بسیار زود از پا درمی آیند. می توان گفت نقشی که این عامل در پیش-رفت اف-راد و جامع ه ایفا می کند، نه فراهم بودن امکانات می تواند داشته باشد و نه استعداد و هوش و مانن-د آنها. به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع تأکید فراوان شده است. مانند آنج-ا ک-ه

می گوید: إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (۱)

## بیان داستان

حضرت نوح(ع) همچون حضرت لوط(ع) همسر بدی داشت. قرآن کریم در سوره مبارک-ه

تحریم می فرماید: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبِّ دَيْنٍ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيَ لَادْخِلَ النَّارَ مَعَ الْوَالِدَيْنِ (۲) همسر نوح(ع) حتی ب-همردم می گفت: نوح(ع) - نعوذا بالله - دیوانه است. (۳)

یک سال بر اثر نیامدن باران قحطی شد. جمع-ی از م-ردم تص-میم گرفتن-د ن-زد حض-رت نوح(ع) بروند و از او بخواهند دعا کند تا باران بیاید. آن حضرت در روستایی سکونت داش-ت .

آنها به آن روستا رفتند. به در خانه او رسیدند و در خانه را زدند. زن حضرت ن-وح(ع) از خان-ه بیرون آمد. آنها گفتند: نوح کجاست؟ آمده ایم از او بخواهیم دعا کند تا باران بیاید.

زن گفت: اگر دعای نوح مستجاب می شد، برای خود ما دعا می کرد که وض-ع زن-دگی م-ا خوب شود. او اکنون به بیابان رفته تا هیزم جمع کند و بیاورد و بفروشد. او چنان مقامی ندارد که دعایش مستجاب گردد.

آنها به بیابان رفتند. ناگهان دیدند حضرت نوح(ع) هیزم را جمع کرده و به پشت گرفته، و بر شیری سوار شده و ماری به دست گرفته و آن مار را تازیانه خود در ران-دن ش-یر ق-رار داده

ص: ۱۰۴

۱- "صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند" (زمر: ۱۰)

۲- خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند؛ ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت، و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند (تحریم: ۱۰)

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

است .

به نوح(ع) عرض کردند: دعا کن تا باران بیاید. قحطی همه جا را گرفته است .

نوح(ع) دعا کرد و باران خوبی آمد. آنها به نوح(ع) گفتند: تو که این گونه مستجاب ال-دعوه هستی، چرا در مورد زن خودت نفرین نمی کنی که مثلاً از خانه ات بیرون رود، و مجازات شود و پشت سر تو بدگویی نکند؟!

حضرت نوح(ع) در پاسخ فرمود: "ارزش و ثواب تحمل و صبر با چن-ین زن-ی، بهت-راز آناست که با نفرین او را به مجازات برسانم." (۱)

دوستان خوب من یک سؤال؛ چنین صبری را چگونه می توان به دست آورد؟(۲)

آفرین به شما بچه های باهوش! یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.(۳)

نماز و رابطه با خدای متعال سبب می شود انسان چنین شکیبایی صبری داشته باشد و هیچ راه دیگری وجود ندارد. لذا در حدیث می خوانیم: "کان علی(ع) إذا اهاله امر فزع قام إلى الصلاة ثم تلى هذه الآية اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ!"(۴) هنگامی که علی(ع) با مشکلی روبه رو می شد-د-ب-ه-نم-از برمی خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود: اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ.

### نتیجه گیری

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد؛ زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث س-خت و مش-کلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آنها ناچیز می بیند، نیاز ب-ه-تکی-ه-گ-اهی دارد که از هر جهت، نامحدود و بی انتها باشد. نماز او را با چنین مبدهائی مربوط می سازد و با اتکای ب-ر او می تواند با روحی مطمئن و آرام، امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند

ص: ۱۰۵

۱- محمدنبی بن احمد، تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- مربی گرامی از دانش آموزان نظرخواهی کند..

۳- بقره: ۱۵۳.

۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۲۰.

نماز یک امر عبادی است، و چون خداوند متعال به آن فرمان داده است آن را به جا می آوری-م؛ اما این عبادت که جزو برنامه روزانه مسلمانان قرار گرفته، نمی تواند خالی از آثار مادی باش-د

در این درس به پرورش تمرکز ذهن به وسیله نماز می پردازیم .

### جذاییت اولیه

به نظر شما علت پایین بودن ضریب هوشی بعضی افراد چیست؟(۱)

"فرق نوابغ و افراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است ن-ه در توانمن-دی و سایر صفات فکری". (۲) ذهن متمرکز، قوی و نیرومند است و ذه-ن پراکن-ده ن-اتوان و ض-عیف است. ذهن، در حالت تمرکز ظرفیتی بسیار قوی دارد؛ ام-ا هنگ-ام توج-ه ب-ه اش-یای مختل-ف پراکنده شده، نیرو و توان خود را از دست می دهد و هرچه به اشیای بیشتری متوج-ه شود از توان آن بیشتر کاسته می گردد. هر عمل عبادی علاوه بر آنکه مقام و ارزش وی-ژه م-ذهبی و معنوی دارد، موجب تمرکز فکری و ذهنی ملموس و قابل توجهی می شود که هر کس می تواند آن را به تجربه بگذارد و ادراک کند .

"یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانَ"؛ (۳) ای کس-انی ک-ه ایم-ان آورده ای-د؛ اگ-ر از

مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیل های جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد .

ص: ۱۰۶

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بگویند.

۲- عقیف عبدالفتاح، روح الصلاة فی الاسلام، ص ۳۱.

۳- انفال: ۲۹



[روش نبینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت.] (۱) این روشن بینی و ق-درت تشخیص از تمرکز قوای ذهنی به دست می آید .

### پیوند با بحث

دانشمندان می کوشند با کاهش بار فکری، انسان را از دگرگونی و اضطراب و تن شه‌ای روحی نجات دهند. مهار این پراکنندگی های فکری، شرط نخست دستیابی ب-ه نب-وغ، درای-ت و فه-م مسائل است. نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می دهد و پرورش تمرکز-ز آن را آسان می کند. برای همین در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکنندگی ذهن و تمرکز در نماز می شود، پرهیز شود؛ مانند ایستادن در برابر در و پنجره باز، آینه، هرگونه تصویر و تابلو .

### نتیجه گیری

از این سخنان نتیجه می گیریم که نماز حقیقی بهترین وسیله برای پرورش توجه و تمرکز-ز در انسان است؛ زیرا نماز گزار پیوسته و با تمام قدرت می کوشد تا ذهن خود را از تمامی آنچه غیر خداست منصرف و فقط به خدا متوجه کند و تمام نیروی فکری خود را در یکجا جمع کند تا نمازش با خشوع و حضور قلب خوانده شود. این برای او عادت می شود و در کارهای دیگرش هم می تواند قوای ذهنی خود را متمرکز کند؛ مانند زمان درس خواندن.

### یک تمرین سخت

در آخر به کلامی از امیرالمؤمنین (ع) به منزله یک تمرین مهم و اساسی، اشاره م-ی کن-یم ک-ه

فرمودند: "فَكَوْنُكُمْ تَكَلُّمٌ تَسْلِيمٌ مِنَ الزَّلِيلِ"؛ (۲) اگر ابتدا فکر کنیم و سپس صحبت کن-یم، همیشه-ه از لغزش و خطا سالم خواهیم ماند. چرا صحبت و تکلم؟ چون فعلی است که همه انس-ان ه-ا در هر شرایطی نیازمند به آن هستند .

ص: ۱۰۷

---

۱- ترجمه آیت الله مکارم شیرازی .

۲- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص ۵۸.

در این جلسه، به این مطلب که نماز انسان را در برابر گناهان بیمه می کند و سیاهی گناهان را از آینه دل می زداید، می پردازیم .

### جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (۱) ابوعثمان می گوید: من با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم. او شاخه خشکی را گرف-ت و تکان داد تا تمام برگهایش ریخت. سپس رو به من کرد و گفت: سؤال نکردی چرا این کار را کردم. گفتم: منظورت از این کار چه بود؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر(ص) انجام داد .

هنگامی که محضرش زیر درختی نشسته بودم. پیامبر(ص) این سؤال را از من ک-رد و گف-ت:

سلمان نمی پرسی چرا چنین کردم؟ من عرض کردم بفرمایید چرا؟

فرمود: "إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى الصَّلَاةَ الْخُمْسَ تَحَاتَّتْ هَذِهِ خَطَايَاهُ كَمَا تَحَاتَّتْ هَذِهِ الْوَرَقُ ثُمَّ قَرَأَ، وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ"؛ (۲) هنگامی که مسلمان، خوب وضو بگیرد، و نمازهای یومیه را به جا آورد، گناه-ان او م-ی-ری-زد؛ همانگونه که برگهای این شاخه ریخت. سپس آیه اقم الصلاة... (۳) را تلاوت فرمود .

در حدیثی دیگر، یکی از یاران پیامبر(ص) به نام "ابی امامه" می گوی-د: روزی در مس-جد

ص: ۱۰۸

۱- مربی محترم می تواند یک شاخه را که برگ هایش خشک شده، در مقابل دانش آموزان بیاورد و همان کاری را که حضرت سلمان انجام داد، انجام دهد.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۱۹.

۳- "در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات [و آثار آنها را] از بین می برند. این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند" (هود: ۱۱۴).

خدمت پیامبر(ص) نشسته بودیم، مردی آمد و عرض کرد: یا رسول الله، من گناهی کرده ام که دارای حد است؛ آن حد را بر من اجرا کن. فرمود: آیا با ما نم-از خوان-دی؟ ع-رض ک-رد: آری. فرمود: خداوند گناهت را بخشید، و نیز از علی(ع) نقل شده که فرمود: با رس-ول خ-دا(ص) در مسجد در انتظار نماز بودیم که مردی برخاست و عرض ک-رد: ای رس-ول خ-دا، م-ن گن-اهی کرد هام. پیامبر(ص) روی خود را از او برگرداند. هنگامی که نماز تمام شد همان مرد برخاست و سخن اول را تکرار کرد. پیامبر(ص) فرمود: آیا با م-ا ای-ن نم-از را انج-ام ن-دادی؟ و ب-رای آنبه خوبی وضو نگرفتی؟ عرض کرد: بله، انجام دادم. پیامبر(ص) فرمود: این کفاره و جریمه گناه توست! (۱)

## پیوند با بحث

شکی نیست از لحاظ روحی و روانی هر گناه و عمل زشتی، یک نقطه تاریک و سیاهی در روح انسان ایجاد می کند که اگر ادامه پیدا کند و بر روی هم انباشته شود، ب-ه ص-ورت وحش-تناکی روح و روان انسان را نابود می کند؛ اما کار نیکی که از انگیزه الهی سرچشمه گرفته باش-د، ب-ه روح آدمی لطافت می بخشد و می تواند آثار گناه را بشوید و آن تیرگ یها را به روشنایی تب-دیل کند .

لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُ اَحْسَنَ الَّذِي كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ. (۲)

## نتیجه گیری

نمازهای یومیه مانند نهی زلال، آثار سیاهی و کثیفی گناه را از وجود انسان پاک م-ی کن-د و انسان را در عالمی از معنویت و روحانیت که پیونده ای ایمانی او را با خدا محکم می سازد، قرار می دهد. نماز جوانه های عشق به خدا را در اعماق جان انسان شکوفا می کند و اراده را قوی و قلب را پاک می کند .

ص: ۱۰۹

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۶۸.

۲- "گناهان آنان را می پوشانیم [و می بخشیم] و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، پاداش می دهیم (عنکبوت: ۷)

راهبرد جلسه

در این درس با این مطلب که نماز یومیه به چه معناست و چرا باید هر روز نماز بخوانیم، آشنا می شویم .

جذاییت اولیه

مربی گرامی جدول زیر را روی تخته رسم کند و با سؤالات زی-ر روای-ت پی-امبر اک-رم(ص) را کامل نماید .

۱. حرف مشبه بالفعل که در عربی برای تأکید به کار می رود؟

۲. نماز به عربی؟

۳. ضمیر متصل مجروری "مفرد مذکر غایب" کدام است؟ (در خانه ۳ و ۵ قرار دهد).

۴. مضارع مفرد مؤنث غایب از ماده "نهی"؟

۵. در عربی به روز گفته می شود؟

یوماً

۵هـ

۳هـ

تنهی ۴

صلاه ۲

إن ۱

پیوند با بحث

به پیامبر(ص) عرض کردند فلان جوان که به مسجد می آید و پشت سر شما نماز م-ی خوان-د،

مرتکب گناه نیز می شود. پیامبر(ص) فرمود: بالاخره یک روز این نماز نجاتش می دهد. (۱)

طیب، نسخه بعضی بیماران را تمدید می کن-د ت-ا نتیج-ه بخ-ش باش-د، و حت-ی از بعض-ی بیماری ها تا آخر عمر باید مراقبت کرد. نماز هم برای بازدارندگی از بیماری گناه و بهبودی آن باید استمرار داشته باشد. (۲)

برخی مطرح می کنند که فلانی نماز می خواند؛ اما خیلی از کاره-ای زش-ت را ه-م انج-ام می دهد. در پاسخ می توان گفت: اگر این آدم نماز نمی خواند، کارهای زشت بیش-تری مرتکب-ب می شد.

از شخص عالمی پرسیدند: شما که می گوئید مویز حافظه را زیاد می کند پس چ-را فلان-ی که مویز می خورد، این قدر حافظه اش کم است؟ عالم ج-واب داد: وقت-ی ک-ه م-ویز م-ی خ-ورد حافظه اش چنین است، حال اگر مویز نمی خورد آن وقت چه می شد؟

امام رضا ۷ در فلسفه وجوب نماز می فرماید: "نماز واجب گردید که بن-ده، آق-ا و م-دبر و خالق خود را فراموش نکند"؛ (۳) زیرا فراموش کردن خداوند متعال سرمنش-أ هم-ه اش-تباها و خطاها می باشد. خدایی که آگ-ر بن-دهاش او را ص-دا بز-د، م-ی فرمای-د: "بن-ده م-ن، حاجت-ت چیست"؛ (۴) حال اگر بنده، خالق خود را فراموش کند چه می شود؟ ام-ام رض-ا ۷ م-ی فرمای-د:

"پست و شقی م یگردد." (۵) در این صورت فقط فکر رسیدن به اهداف پست و شوم خود است. به حقوق دیگران تجاوز می کند و مرتکب گناه و اشتباه می شود؛ اما اگر حداقل، روزی پنج مرتبه با خدای علیم و قدیر ارتباط برقرار کند، امام می فرماید: "او را از معاصی دور می کند و مانع از انواع فساد می شود." (۶)

ص: ۱۱۱

- ۱- ان صلاته تنهائ یوماً (میرزا محمدمشهدی، کنز الدقایق، ج ۷، ص ۵۳۴).
- ۲- غلامعلی نعیم آبادی، نماز زیباترین الگوی پرستش، ص ۴۹-۱۵.
- ۳- المِیدَاوَمَه عَلَی ذِکْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِيُثَلِّثَ النَّبِيَّ الْعَبْدُ سَيِّدُهُ وَ مُدَبِّرُهُ وَ خَالِقُهُ (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۶۱).
- ۴- عبدی ما حاجتک (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۹).
- ۵- فَيَبْطِرُ وَيَطْغَى (صدوق، من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۴).
- ۶- وَيَكُونُ ذَلِكَ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَقِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَمَانِعًا لَهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْفُسَادِ (همان).

اگر مسلمانی نماز می خواند و مرتکب گناهی می شود، نمی توانیم بگوییم نمازش مؤثر نیست و به درد نمی خورد؛ بلکه آن دشمنی که در درون اوست بس- یارق-وی اس-ت و اگ-راه-ل نم-از نمی بود، خیلی بدتر از اینها می شد. اینکه باید هر روز با خالق هستی رابطه داشته باشیم ب-رای دفع و رفع گناهان و اشتباهاتمان است.

## ۴۱. آب دریا

### راهبرد جلسه

راهبرد جلسه (۱) در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که آیا اگر کسی نماز را به آن ش-کل ک-ه بای-د بخواند، نخواند، دیگر اصلاً نباید نماز بخواند؟

### جذاییت اولیه

با یکی از آشنایان که اهل نماز نبود در حیاط خانه نشسته بودیم. وقت نماز شد. رفتم نماز را خواندم و برگشتم. بدون مقدمه به من گفتم: عزیز دلم تو که از نماز چیزی متوجه نمی ش-وی، پس چرا می خوانی؟

مدتی فکر کردم و همین طوری داشتم اطراف خانه را نگاه می کردم که چشمم ب-ه آبک-ش حصیری قدیمی کنار حیاط افتاد. به او گفتم: زحمت بکش با آن آبکش کنار حی-اط از ح-وض آب بیاور. خنده ای کرد و به تمسخر گفتم: آدم عاقل، مگر با آبکش آب می آورند؟

با تبسم گفتم: خواهش می کنم. با حالتی مغرورانه رفت و آبکش را توی آب انداخت و بالا آورد. آب ها همه خالی شد. با لحنی پیروزمندانه گفتم: می دانستم امکانپذیر نیست. بین حتی یک قطره آب هم ته آبکش نمانده است. آبکش را گرفتم و با دقت زیادی بررسی کردم.

گفتم: بله، راست می گویی؛ اصلاً آبی توی آن نیست؛ اما به نظر می رسد تمیزتر شده است.

به نظر شما این استدلال صحیح است؟ آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چش-ید (۲).

### پیوند با بحث

هرکس براساس ظرف خود از دریا بهره می گیرد. مثل چش-م ه آب مع-دنی ک-ه ب-رای درم-اندردی مؤثر است. اگر نتوانم چشمه را مالک شوم، ظرف هایم را هم پر نکنم؟

ص: ۱۱۳

۱- مربی گرامی بهتر است این داستان را با یک ظرف آب و یک سبب به صورت ملموس برای دانش آموزان به نمایش بگذارد.

۲- مولوی، مثنوی معنوی.

نماز و روزه های ما هم هرچند ناقص هستند؛ این دلیل نمی شود که ب-ه-ط-ور-کل-ی-انج-امندهیم؛ لذا خداوند متعال همین روزه های معمولی ما را - که قطعاً آنچ-ه-بای-د-باش-د-نیست-ت-راهی-به-سوی-خودش-می-داند-تا-به-بهانه-آنها-به-ما-عنایت-کند-و-ما-را-ب-ا-حق-ایق-نم-از-و-روزه

آشنا کند. "یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام كما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون" (۱) ای کسانی که ایمان آوردید، روزه بر شما واجب شده، چنانکه بر گذشتگان واجب بوده است که- شاید پرهیزگار شوید.

### نتیجه گیری

اگر باز شیطان بگوید: تو که حقیقت نماز و عبادات را پیدا نکردی، پس چرا اص-لا-ب-ه-خ-ود-ت-زحمت-می-دهی؟ جواب می دهیم: بهترین راه برای دوستی با محبوب، آشنایی تدریجی است.

اگر من زود از حرف زدن با او خسته می شوم، پس همان قدره-م-ک-ه-ح-ال-و-حوص-له-دارم-وخسته-نمی-شوم-حرف-نزنم؟ مثلاً من چون زود سیر می شوم پس اصلاً غذا نخورم؟

خدایا، طعم شیرین عبادت و بندگی را به ما بچشان. آمین.

ص: ۱۱۴



در این جلسه می خواهیم بدانیم اگر آخ-رین لحظ-ات عمرم-ان باش-د، بهت-رین ک-اری را ک-ه می توانیم انجام بدهیم چیست؟

### جذاییت اولیه

جذاییت اولیه (۱) مدرس بر سر سجاده اش نشسته بود. انگار که در آن دم واپسین، سراس-ر زن-دگی اش را م-رور می کرد. جان خسته اش، زخم تمام ضربه هایی را که در سراسر عمر خورده بود به یاد م-ی آورد.

باینحال در چهر هاش طراوت و شادابی خاصی موج می زند؛ زیرا به خوبی م-ی دانس-ت آخ-رین ضربه که برای همیشه او را به دیار دوست می فرستد، در حال فرود آمدن است. ص-دای اذان، مدرس را به خدا دعوت می کند. جهانسوزی (۲) در استکانی چای می ریزد و استکان را به خَلَج (۳) می دهد. خَلَج نیز گرد پاکتی کوچک را در آن خ-الی م-ی کن-د. اس-تکان را در مقاب-ل م-درس می گذارد و به او می گوید: بخور. مدرس چای را در چند جرعه می نوشد و با خونسردی سریعاً به نماز می ایستد. رو به دوست و پشت به دشمنان زانو م یزند و به سجده می افتد. مدرس نماز مغرب را به پایان می برد؛ اما زهر هنوز اثر نکرده است. مدرس هنوز بر سجاده نشسته و ذک-رمی گوید. دژخیمان با تعجب و وحشت به او خیره شده اند. در برابرش احساس ناتوانی می کنند.

زهر را به او خورانده اند؛ اما تلخی زهر در کام و جان خودشان موج می زند. مس-توفیان (۴) دیگ-ر

ص: ۱۱۵

- ۱- مربی گرامی عکس شهید مدرس را به دانش آموزان نشان دهد.
- ۲- از افرادی که مأمور به قتل آیت الله مدرس بودند.
- ۳- از افرادی که مأمور به قتل آیت الله مدرس بودند.
- ۴- از افرادی که مأمور به قتل آیت الله مدرس بودند.

تحمل نمی کند. بلند شده، مدرس را به زمین می اندازند. جهان سوزی و خلع نیز دست و پ-ایسید را می گیرند. مدرس، با صدای بلند شهادتین خود را می گوید. عمامه مدرس را بر گردنش می پیچند و آنقدر می کشند تا پیکر نحیف و رنج کشیده اش سست می شود و ستاره بر آس-مان سجاده اش می افتد.

### پیوند با بحث

اگر آخرین لحظات عمرمان باشد، دوست داریم در چه حالتی به دیار ب-اقی ک-وچ کن-یم؟ چ-ه فیض و لیاقتی از این زیباتر که در آخرین لحظات هم، با معشوق خود که تا چن-دی د یگ-ر در آغوش گرمش قرار گیریم همکلام باشیم. در واقع قبل از رسیدن اجل، خود با نماز و عبادت به پیشواز او برویم. همانند ابی عبدالله(ع) در شب عاشورا ک-ه فرم-ود: امش-ب را مهل-ت بگیری-د؛

"لَعَلَّنَا نُصَلِّي لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَعْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَيْنِي كُنْتُ قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَتَلَاوَهُ كِتَابَهُ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالْإِسْتِغْفَارِ" (۱) امید است در این شب نماز گزارده، با خدا نیایش کنیم و از او آمرزش بخ-واهیم، که او م یدانند من بهراستی نماز و تلاوت قرآن و نیایش فراوان و استغفار را دوست می دارم.

### نتیجه گیری

آخرین لحظات، یعنی اولین دقایق عشق بازی. برای کسی که عمری را با خدا بوده و او را باور کرده است، نه قدرت های زورگوم بتوانند او را از هدفش جدا کنند و نه زرق و برق مادی دنیا.

خدایا، آخرین عمل ما را بهترین عمل قرار ده. آمین.

ص: ۱۱۶



### ۴۳. حیا، راز نماز

#### راهبرد جلسه

در این جلسه یکی از اسرار و آثار نماز و ارتباط با خداوند -د- من -ان را م-ی خ-وانیم . ایج-اد حی-ا ومصونیت از گناهان و اشتباهات، موضوع بحث امروز ما می باشد .

#### جذاییت اولیه

مربی گرامی برای جذاییت اولیه از تکنیک بازی با کلمات، استفاده می کند. به این ص-ورت ک-ه ابتدا کلمه "حی" را روی تخته می نویسد . "حی" به معنای زنده است و به کسی گفته می شود که نفس م یکشد، حرکت م یکند و فهم و شعور دارد . یکی از موجودات حی، شما دانش آموزان عزیز هستید .

مرحله دوم: (حی + الف = حیا)، حیا، یعنی شرمندگی و خجالت؛ مثلاً- خجالت بکش-یم در هر زمان و مکانی دست به هر کاری بزنیم و از انجام دادن بعضی از کارها-احساس ش-رمندگی کنیم . به این احساس حیا می گویند .

مرحله سوم: (الف + حیا = احیا)، احیا، یعنی-ی زن-ده ک-ردن . اگ-ر هر ک-دام از م-ا بخ-واهیم فطرت مان زنده بماند و نفس تازه ای به انسانیت مان دمیده شود، بای-د حی-ا را در وجودم-ان احی-ا کنیم .

#### بیان داستان

عمر و عاص متفکر لشکر معاویه بود و با وجود او ش-هوت جنگج-ویی و عط-ش معاوی-ه ب-رای کسب قدرت ارضا می شد . سیاستمداری آگاه به مسائل جنگی که برای رس-یدن ب-ه اه-دافش همه ارزشها را زیر پا می گذاشت چه رسد به مردانگ-ی و م-رام . او در جن-گ ص-فین مقاب-ل حضرت علی(ع) رهبری سپاه معاویه را عهده دار بود و به پیروزی دل خوش کرده بود؛ اما بعد از مدتی شکست لشکر معاویه حتمی شد . تا آنجا که او را مجبور به فرار کرد . او ناچار به بیاب-ان

گریخت. امیرالمؤمنان(ع) او را تعقیب کرد و عمروعاص به جایی رسید که-ه دیگ-ر راه ف-راری برایش نمان-ده ب-ود. در ای-ن لحظه-تنه-ا چی-زی ک-ه انتظ-ارش را داش-ت م-رگ ب-ود؛ زی-را امیرالمؤمنان(ع) ف-ردی ب-اهوش، قدرتمن-د و ش-جاع ب-ود. ناگه-ان فک-ری ب-ه س-رش زد. او می دانست علی(ع) مظهر حیا و عفت-ت اس-ت. پ-س لب-اسه-ایش را از-ت-ن در آورد و برهن-ه روبه روی حضرت ایستاد. امیرالمؤمنین(ع) به سرعت روی برگرداند و از او دور شد؛ درحالی که-ه می دانست اگر این کینه توز زنده بماند زهر خود را خواهد ریخت تا جایی که ممکن است جنگ معاویه را به نفع خود به پایان ببرد.

با حیا گفت او مرا و چشم من روشن بدو هر که روشندیده تر شد بیشتر دارد حی-ا (۱)

## نتیجه گیری

امیرالمؤمنان(ع) برای ایجاد حیا تلاش می کرد و بی حیایی مسیر ایجاد حیا نیست؛ همانط-ور

که امام صادق(ع) فرمودند: "لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ"؛ (۲) کسی که حیا-ن-دارد ایم-ان-ن-دارد. نم-از، یعنی اعتقاد و ایمان به معبود هستی، و این ایمان و اعتقاد است که حیا را در وج-ود م-زن-دهمی کند. پس نمازی که برای ما حیا ایجاد نکند، احیاکننده ما نخواهد بود.

خدایا، حیا و عفت ما را روزبه روز بیشتر کن. آمین.

ص: ۱۱۹

۱- سنایی غزنوی، دیوان، قصیده پنجم.

۲- ۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶

در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که نماز چگونه ما را ب-ه س-مت انتخ-اب دوست خوب و مناسب هدایت می کند

### جذاییت اولیه

در کنار خطوط سیم پیام خ-ارج از ده دو ک-اج روییدن-د س-الیان دراز رهگ-ذران آن دو را چون دو دوست میدیدند یک-ی از روزه-ای پ-ایزی زی-ر رگب-ار و تازیان-ه ب-اد یکی از کاج ها به خ-ود لرزی-د خ-م ش-د و روی دیگ-ری افت-اد گفت: ای آش ناب بخش مرا خوب در حال من تأمل کن ریشه هایم ز خاک بیرون است چن-د روزی م-را تحم-ل ک-ن کاج همسایه گف-ت ب-ا تن-دی م-ردم آزار از ت-و بی-زارم دور شو دس-ت از س-رم ب-ردار م-ن کج-ا طاق-ت ت-و را دارم بین-و ا را س-پس تک-انی دادی-ار ب-ی رح-م و ب-ی م-روت او سیم ها پاره گشت و کاج افتاد ب-رزمین نق-ش بست قامت او مرک-ز ارتب-اط دی-د آن روز انتق-ال پی-ام ممک-ن نیست کرد عازم گروه پی جویی تا ببیند که عی-ب ک-ار از چیس-ت سیم بانان پس از مرمت س-یم راه تک-رار ب-ر خط-ر بس-تند یعنی آن کاج سنگدل را نی-ز ب-ا تب-ر تک-ه تک-ه بشکس-تند (۱)

ص: ۱۲۰

امام صادق(ع) فرمودند: "برادران خود را به دو خصلت آزم-ایش کنی-د. اگ-ر آن دو خص-لت را داشتند با آنها دوستی کنی و اگر نداشتند از ایشان دوری کنی-د. آن دو خص-لت، پایین-دی-ب-ه خواندن نماز در وقت خود و نیکی به برادران در سختی و آسایش است".(۱)

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: "من لم یحتمل زلل الصدیق مات وحیداً".(۲) چه دوستی بهتر از خداوند منان که اینهمه خطا و لغزش را نادیده گرفته و در برخورد با ما به زشتی های ما توجه نکرده و فقط در برابر ما بزرگواری خویش را ملاک رفتارش قرار داده است؟

آیا می توان باور کرد کسی که نماز نمی خواند و دوس-تی-خ-الق یکت-ا را نپذیرفت-ه-اس-ت درحالی که او هیچ گونه بدی و نقصانی نداشته - با من، که پر از ایراد و کمبود و زشتی در رفتار و افکارم هستم، دوستی سالم و بدون غرض داشته باشد؟

تنها برادران و دوستانی دوستی شان صاف و ماندنی است که رفاقت خودش-ان را ب-ا-مه-ر

پروردگار پیوند زده باشند. الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ.(۳) و تنها این افراد هستند که می توانند به معنای واقعی برادر یکدیگر باشند: انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.(۴)

## نتیجه گیری

پس اگر بخواهیم دوستی داشته باشیم که هم برای دنیا و هم برای آخرت ما مفید باشد، بای-دبه سراغ کسی برویم که دوستی خودش را با خالق متعال ثابت کرده باش-د؛ یعنی-نم-ازخوان باشد. تنها دراین صورت است که دوستی با او پایدار خواهد ماند.

خدایا، ما را از دوستان واقعی خود قرار ده. آمین .

ص: ۱۲۱

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ح ۱۰۶۷۹

۲- کسی که نواقص دوستانش را تحمل نکند همیشه تنها خواهد ماند" (عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۳۰، ح ۹۶۲۳

۳- دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران" (زخرف: ۶۷)

۴- به تحقیق مؤمنان با یکدیگر برادرند" (الحجرات: ۱۰)

در این جلسه به بررسی آنچه سبب شد امیرالمؤمنین (ع) ولی خدا و جانشین پیامبر اکرم (ص) باشد می پردازیم .

### جذاییت اولیه

ابن عباس می گوید: روزی در کنار چاه زمزم نشسته بودم و ب-رایم-مردم از ق-ول پی-امبر(ص) حدیث نقل می کردند. دیدم مردی که عمامه ای بر سر داشت و ص-ورت خ-ود را پوشانده بود نزدیک آمد و هر مرتبه که من از پیامبر(ص) حدیث نقل می کردم او نی-ز ب-ا-جمله "ق-ال رسول لالله" حدیث دیگری از پیامبر(ص) نقل می نمود. او را قسم دادم تا خودش را معرفی کند .

او صورت خود را گشود و صدا زد: ای مردم، هر کس مرا نمی شناسد بداند من-ن اب-وذر غف-اری هستم. با این گوشه‌های خودم از رسول خدا(ص) شنیدم، و اگر دروغ می گویم ه-ر دو گوش-م کر باد؛ و با چشمان خود این جریان را دیدم و اگر دروغ می گویم هر دو چشمم کور ب-اد، ک-ه

پیامبر (ص) فرمود: "عَلَى قَائِدِ الْبِرِّهِ وَقَاتِلِ الْكُفْرِهِ مَنْصُورٌ مَنْ نَصِيرُهُ مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ"؛ (۱)، علی پیشوای نیکان، و کشنده کافران است. هر کس او را یاری کند، خدا یاریش خواهد کرد، و ه-ر ک-سدست از یاریش بردارد، خدا او را خوار خواهد کرد.

ابوذر اضافه کرد: ای مردم، روزی از روزها با رسول خدا(ص) در مسجد نم-ازم-ی خواندم؛ سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی ب-ه او ن-داد. او دس-ت خود را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا، تو شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی جوابی به من نداد. در همین حال علی (که در حال رک-وع ب-ود ب-ه

ص: ۱۲۲



انگشت کوچک دست راست خود اش-اره ک-رد. س-ائل نزدی-ک آم-د و انگش-تر را از دس-ت آن حضرت بیرون آورد. پیامبر ۶ که در حال نماز بود متوجه جریان شد. هنگامی ک-ه از نم-ازفارغ شد، سر به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: خداوندا، برادرم موسی از تو تقاضا ک-رد که روح او را وسیع گردانی و کارها را بر او آسان سازی و گ-ره از زب-ان او بگش-ایی ت-ام-ردم گفتارش را درک کنند و نیز موسی درخواست کرد هارون را که برادرش بود وزی-ر و ی-اورش قرار دهی و به وسیله او نیرویش را زیاد کنی و در کارهایش شریک سازی. خداوندا، من محمد پیامبر و برگزیده توام. سینه ام را گشاده کن و کارها را بر من آسان ساز. از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد.

ابوذر می گوید: هنوز دعای پی-امبر (ص) پای-ان نیافت-ه ب-ود ک-ه جبرئیل-ل ن-ازل ش-د و ب-ه پیامبر(ص) گفت: بخوان. پیامبر(ص) فرمود: چه بخوانم؟ گف-ت: بخ-وان اِنَّم-ا وَّل-یْکُمْ اللهُ وَرَسُوْلُهُ وَالَّذِیْنَ آمَنُوْا الَّذِیْنَ یُقِیْمُوْنَ الصَّلَاةَ وَ یُوْتُوْنَ الزَّکَاةَ وَ هُمْ رَاکِعُوْنَ (۱). (۲)

### پیوند با بحث

شاید عده ای با شنیدن این داستان این سؤال برای شان ایجاد شود که مگر علی(ع) همان کسی نیست که در نماز چنان مجذوب پروردگار می شد که وقتی تیر از پایش بیرون کشیدند متوجه نشد؟ حالا چطور به سائل فقیر توجه می کند؟ برای علی(ع) حتی یک لحظه غفلت از خدا هم معنا ندارد؛ اما او که همه مخلوقات پروردگار را از خدا میدانند، توجه به مردم را جدا از توجه به خدا نمی داند و آیا اصلاً بدون رسیدگی به حال مردم حضور قلب محقق می ش-ود؟ راز ولای-ت امیرالمؤمنین(ع) از جانب خدای متعال این گونه نمازی است. این نماز حکایت از ارتباط عمی-ق بین عابد و معبود و عاشق و معشوق می کند.

### نتیجه گیری

علی و نماز دویار جدانشدنی، دو آیت عظیم الهی و دو اقی انوس ب یک ران آکن ده از

ص: ۱۲۳

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۱

۲- مائده: ۵۵

گل واژه های: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. (۱)

خ--دا را چ--ون عل--ی روح نم--از اس--ت در رحم--ت ب--ه س--وی ش--یعنه ب--از اس--ت عل-----ی  
آیین-----عش-----ق اله-----ی عل--ی مص--داق اعج--از نم--از اس--ت رک-----وعش ش-----اهد  
انف-----اق ایش-----ان نگاهش هر زمان مسکین نواز است

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را (۲)

خدایا، کمک کن تا همانند مولایمان در هر حال به نیازمندان کمک کنیم. آمین .

ص: ۱۲۴

---

۱- مؤمنون: ۲۱

۲- محمدحسین شهریار.

در این درس به یکی از بزرگ ترین و قویترین نیروهایی که خ-دای متع-ال-ب-رای انس-ان-ه-اطراحی کرده تا در زندگی روزمره خود از آن به بهترین شکل کمک بگیرند و بتوانند به کمک آن پله های ترقی و رشد را طی کنند، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی آیه شریفه "وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ" (۱) از ص-بر و نم-از یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران است، را در هفت کارت به شکل زیر بنویسد و از یک یا دو تا از دانش آموزان بخواهد تا این کلمات به هم ریخته را به صورت صحیح کنار ه-م چینش کنند .

بِالصَّبْرِ لَكَبِيرَةٌ الصَّلَاةِ الْخَاشِعِينَ وَاسْتَعِينُوا الْاَعْلَى

مربی گرامی پشت هر کارت ترجمه آن کلمه را بنویسد. زمان یکه دانش آموزان عربی آیه را به طور صحیح چینش کردند، مربی بعد از قرائت صحیح آیه کارت ها را برگرداند و ترجمه آن را بیان کند .

ص: ۱۲۵

شاید بسیاری از ما باور نکنیم که نماز بتواند مشکلات را برطرف کند. این باور که با انجام دو رکعت نماز می توان هم و غمی را برطرف ساخت و مشکلی را آسان نمود، فقط در افق افک-ارکسانی است که نگاهی عمیق و بلند به نماز دارند.

انسان در مسیر رسیدن به کمالات انسانی اش دشمنان فراوانی دارد که تلاش می کنن-د اوبه مقصد نرسد. در میان همه دشمنان، آنکه دشمنی اش بیشتر است، دشمن داخلی است. اگر ما به او چراغ سبز نشان ندهیم سایر دشمنان کمتر می توانند به اهدافشان برسند.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَبْتِي -كَ"؛<sup>(۱)</sup> دشمن ترین دشمنانت نفس اماره ای است که در میان دو پهلویت قرار دارد.

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: "أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ"؛<sup>(۲)</sup> شجاع ترین مردم کسی است که بر تمایلات نفسانی خویش پیروز شود.

این طرفه حدیث، ع-ین احس-اس ب-ود رخشنده تر از دانه الم-اس ب-ود هرکس به هوای نفس خود چیره شود انصاف بده که اشجع الناس بود

نفس اماره همان غفلت و بی توجهی ما از خداوند متعال و بستن چشمانمان بر روی حق و حقیقت است. از این رو امیرالمؤمنین(ع) م-ی فرمای-د: "الْغَفْلَةُ أَضْرُ الْأَعْدَاءِ"؛<sup>(۳)</sup> غفلت، از هم-ه دشمنان ضررش بیشتر است. غفلت از اینکه همه چیز دست خداوند متعال است. همانطور که

در تعقیب نماز مغرب و عشا می خوانیم: "اللَّهُمَّ بِي -دِكَ مَقَّ -ادِيرُ اللَّيْلِ -لِ وَ -الْنَهْ -ا رِ وَمَقَّ -ادِيرُ الْوَالِدِيَّ وَالْمَاخِرِ هِ وَمَقَّادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَمَقَّادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَمَقَّادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَمَقَّادِيرُ الْغِنَى وَالْفَقْرِ"؛<sup>(۴)</sup>

نماز واقعی، انسان را از غفلت خارج می کند و بهترین کمک برای مؤمن می باشد. با چنین نمازی است که می توان عاشورا ساخت. در شب عاشورا، ابی عبدالله(ع) و اصحابش با استعانت

ص: ۱۲۶

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۶۴.

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱۱

۳- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۵

۴- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴۵.

از نماز و پناه بردن به آن، قوی ترین و زیباترین و عاشقانه ترین نشاط و نیرو را داشتند. با چنین نیرویی بود که در روز عاشورا چنان حماسه جاودانی را آفریدند.

## بیان داستان

به دنبال حرکت آی-ت الله حس-ین قم-ی زب-ه ش-هر ری ک-ه ب-ه منظ-ور اعت-راض نس-بت ب-ه جسارت های ضد مذهبی رضاخان صورت پذیرفت، مح-ل اقام-ت ایش-ان ک-ه در ج-وار ح-رم حضرت عبدالعظیم(ع) بود، محاصره شد. وی در یکی از شب ها به قصد زیارت به مأموری ک-ه نگهبان در باغ بود فرمود: در را باز کن تا ب-ه زی-ارت مش-رف ش-وم. م-أم و ر از ب-از ک-ردن در خودداری کرد و به درخواست های مکرر او گوش نداد. آی-ت الله قم-ی زب-خط-اب ب-ه نگهب-ان فرمود: ما خود در را باز می کنیم و می رویم و احتیاجی به تو نداریم. سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند. در این هنگام در باغ خودبه خود باز شد و ایشان از ب-اغ خ-ارجشد و پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت به باغ بازگشت. (۱) در روایات آمده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): "إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ اسْتَيْلُ تُعْطَهُ"؛ (۲) ام-ام صادق(ع) فرمودند: هنگام حاجت دو رکعت نماز بخوان و درود ب-ر پیغمب-ر و آل او بفرس-ت و حاجتت را بخواه که به تو داده می شود.

قال رسول الله (ص): "أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَصَابَ أَهْلَهُ خِصَاصَةً قَالَ لَهُمْ قُومُوا إِلَيَّ الصَّلَاةِ وَقَالَ بِهِ ذَا أُمَّ-رَ رَبِّ"؛ (۳) چون مشکلی به اهل خانواده می رسید، حضرت رسول(ص) برای رفع آن می فرمود: برخیزید و نماز بخوانید. بعد می فرمود: این دستور خدای من است.

ص: ۱۲۷

۱- عبدالرحمن باقرزاده، کرامات علماء، ص ۱۶۴.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۴۷۹.

۳- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۲.

نماز چنان اسرار و شگفتی های ظاهری و باطنی ای دارد که هر قدر بدان پرداخته شود، باز فضا برای طرح مباحث جدید وجود دارد. نمونه ای از آن، در این جلسه ب-رای دان-ش آم-وزان بی-ان خواهد شد .

### جذاییت اولیه

مالک اشتر که از فرماندهان لشکر اسلام و فرمانده سپاه علی (ع) بود. روزی از ب-ازار کوف-ه عب-ور میکرد. پیراهنی از کرباس بر تن و عمامه ای از کرباس بر سر داشت. فردی که او را نمی ش-ناخت .

با مشاهده آن لباس کمارزش، مالک را حقیر و خوار شمرد و از روی اهانت پ-اره کل-وخی را ب-ه وی زد. مالک اشتر این عمل زشت او را نادیده گرفت و بدون خشم و ناراحتی، ب-ه راه خ-ود ادام-ه داد .

بعضی که ناظر جریان بودند به آن مرد گفتند: وای بر تو! آیا دانستی چه کسی را مورد اهانت-ت ق-رار دادی؟ جواب داد: نه. گفتند: این مرد مالک اش-تر فرمان-ده لش-کر امیرالم-ومنین (ع) اس-ت . م-رد از شنیدن نام مالک به خود لرزید و از کرده خویش سخت پشیمان شد. نمی دانست چ-ه کن-د . ق-دری فکر کرد. سرانجام تصمیم گرفت هرچه زودتر خود را به مالک برساند و از وی عذر خواهی کند، ت-اشاید از خطر مجازات رهایی یابد . به دنبال مالک رفت و او را در مسجدی دید که نماز م-ی خوان-د . صبر کرد تا نمازش تمام شد. خود را روی پاهای مالک انداخت و آنها را بوسید. مالک پرس-ید : ای-ن چه کاری است که می کنی؟ جواب داد: از عمل بدی که کرده ام پوزش می خواهم. مالک با گشاده-رویی و محبت به وی فرمود: خوف و هراسی نداشته باش. من هم به مسجد نیامدم، مگ-ر آنک-ه از پیشگاه الهی برای تو طلب آمرزش نمایم. (۱)

ص: ۱۲۸

حالا بگویید از این داستان چه نتیجه ای گرفتید؟

احسنت! چون نماز وسیله ارتباط با خداوند عزیز و بی همتاست، باعث عزت انسان میشود: "مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا"؛ (۱) پس هر کسی سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست .

هر آن کس که عزت نماید طلب بداند که عزت بود خ-اص رب (۲)

کسی که نماز می خواند عزت و بزرگی را از خدا طلب میکند. برخلاف کسانی ک-ه چن-ین ارتباطی را ندارند و در برابر عزت حقیقی سر تعظیم فرود نمی آوردند و در نتیجه در برابر دنیا و دنیا پرستان خود را خوار و ذلیل می کنند؛ مانند عمر بن سعد که امام حسین (ع) به او فرمودن-د :

اینها (یزیدیان) را رها کن و به ما پیوندد، که این کار برای تو بهتر است و تو را مقرب پیشگاه خدا کند. عمر سعد گفت: می ترسم خانه ام را خراب کنند. امام (ع) فرمود: اگر خراب کردن-د م-ن آن را می سازم. عمر سعد گفت: می ترسم باغم را بگیرند.

امام (ع) فرمود: اگر گرفتند بهتر از آن را در بغیغه حجاز که چشمه عظیمی است به تو می دهیم .

حمید بن مسلم می گوید: من با عمر سعد دوست بودم . پس از جریان ک-ربلا ن-زدش رف-تم و پرسیدم حالت چطور است؟ گفت: از حالم مپرس، هیچ غایبی به خانه اش بازنگشته ک-ه مانن-د من بار گناه را به خانه آورده باشد. (۳)

همانطور که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: "تَرَكَ الصَّلَاةَ وَ يُورِثُ الْإِل-ذَل"؛ (۴) کسی که نم-از را ت-رک کند نتیجه اش خواری و ذلت است. ترک نماز به صرف نخواندن ظاهر الفاظ نماز نیست؛ بلکه-ه به اقامه نکردن و عمل نکردن به روح نماز است.

خدایا، به ما عزت بده تا ذلیل بندگان نباشیم. آمین .

ص: ۱۲۹

۱- فاطر: ۱۰۰

۲- امید مجدد، ترجمه منظوم قرآن کریم.

۳- شیخ محمد مهدی حائری، معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۰۴.

۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۴، باب ۳۹، باب تحریم التظاهر بالمنکرات .

در این جلسه درصدد تبیین این موضوع هستیم که آیا خداوند متعال در برابر عبادات بن-دگان به آنان بدهکار می شود؟

### جذاییت اولیه

صبر کدام پیامبر مثال زدنی است؟

درود بر شما! حضرت ایوب(ع) که بعد از دیدن آن همه بلا و سختی، صبور و شکیبیا بود و به خداوند عزوجل عرض کرد: خدایا، اگر محکمه ای تشکیل شود، حاضرم با تو در آن محکمه مناظره کنم! خداوند فرمود: این دادگاه همین جاست. "هَاتِ حُجَّتَکَ"؛ دلیل و حجت-ت را بی-اور[که من(خدا) به تو (ایوب) بدهکارم!]

ایوب گفت: خدایا کدام دوراهی برای من پیش آمد که من س-خت-ت-رین و ب-دترین آن را انتخاب نکرده باشم؟ هرچه مال و فرزند داشتم از دستم رفت؛ اما دس-ت از ش-کر و حم-د-ت-و برندااشتم. تمام زراعتم آتش گرفت، تمام گوسفندانم هلاک شدند و از بین رفتند، باز دس-ت از شکر و حمد تو برندااشتم. خداوند در جواب او فرمود: "مَنْ أَقْدَرَکَ وَوَفَّقَکَ عَلَی ذل-کَ"؛ [ایوب، بنده صبور من] چه کسی به تو این قدرت و توان و توفیق را داد تا بتوانی در برابر این مش-کلات و سختی ها مقاومت کنی؟

حضرت ایوب(ع) گفت: "أَنْ یَّارَبِی"؛ (۱) تو، ای پروردگار من.

ص: ۱۳۰



خداوند قدیر و رحیم، خودش نعمت وجود را به ما عنایت کرده است: "فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي، (۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا. (۲) حالا اگر ما این نعمت را به خودش برگردانیم؛ مثلاً رزق و ثروتی را که داده است: "لَلَّهِ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ وَآلِقِ وَيُغْزِي زُرًّا، (۳) ب-ه ش-خص

دیگری قرض بدهیم، آیا طلبی از خدا خواهیم داشت؟ با این کار، عناوینی مثل س-خاوت مندی، صبوری، شجاعت و کرامت را به دست می آوریم .

پس ما با نماز خواندن نه تنها از خدای متعال که صاحب حقیقی تمام هستی ماست چیزی طلبکار نمی شویم؛ بلکه به این واسطه در اثر فضل و رحمت او ص-احب مکن-ت و ع-زت ه-م خواهیم شد تا بر بدهی های ما نسبت به او افزوده شود .

هر که در بند تو شد بسته جاوید بماند پای رفتن ب-ه حقیق-ت نب-ود بن-دی را بندگان شکر خداوند بگوین-د ولی-ک-چه توان گفت کرم های خداون-دی را (۴)

خدایا، توفیق عبادت خالصانه به ما عنایت کن. آمین .

ص: ۱۳۱

- ۱- پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدمم " (حجر: ۲۹)
- ۲- اوست که شما را از گلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرر کرد " (انعام: ۲)
- ۳- خدا به بندگانش بسیار مهربان و نیکوکار است، هر که را بخواهد روزی می بخشد و او نیرومند و توانای شکست ناپذیر است " (شوری: ۱۹)
- ۴- سعدی شیرازی، بوستان.

### راهبرد جلسه

به یقین، نماز نیز مانند هر عبادت دیگری اسرار فراوانی دارد که با علم به آنها، مس-یر رش-د و تعالی طی خواهد شد. صبر نیز از مهم ترین اسرار نم-از اس-ت ک-ه در ای-ن درس ب-ا آن آش-نامی شویم .

### جذاییت اولیه

یک جدول به شکل زیر رسم کنید.

۱. جمع مکسر قصه م یباشد؟

۲. اگر هر گنهکاری بعد از گناه انجام دهد، مانند این است که گناه نکرده است؟

۳. به جمع کسانی که روی حق و حقیقت، پرده انداخته باشند گفته می شود؟ رمز جدول کلمه "صبر" است که در ستون وسط به صورت عمودی قرار دارد.

### پیوند با بحث

حضرت زینب(س) در خانواد های به دنیا آمد که به طهارت و پاکی شهرت داشت؛ در خانواده ای

ص: ۱۳۲

که آیه **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِراً** (۱) بر عصمتش ص-ح ه گذاشت؛ خانواده های که ملائکه، غبار در و دیوارش را به تبرک بر دیدگان می مالیدند و ب-ه آن مباح-ات م یکردند. به نظر شما چرا او را زینب نامیدند؟ باید گفت: هنگامی که عقیله بن-ی هاشم-م متولد شد، پیامبر(ص) در سفر بود. از این رو مادرش فاطمه(س) از علی(ع) خواست نامی ب-رای ای-ن نوزاد معین کند. اما علی(ع) امتناع نمود. و این امر را به بازگشت پیامبر(ص) واگذار کرد. وقتی آن حضرت از سفر برگشت ضمن ابراز خشنودی و خرسندی فرمود: فرزندان فاطمه-ه فرزند-دان من هستند؛ ولی خداوند درباره آن تصمیم می گیرد. بعد جبرئیل(ع) نازل شد-د و ض-من اب-لاغ سلام خداوند، گفت: باری تعالی می فرماید: نام این دختر را زینب بگذار که این ن-ام را در ل-وح محفوظ نوشته ام. آنگاه رسول خدا زینب(س) را گرفت و بوسید و فرمود: "توصیه می ک-نم ای-ن دختر را همه احترام کنند، که او مانند خدیجه است"؛ یعنی حضرت زینب(س) به س-ان خدیجه-ه کبری(س) در راه سرافرازی اسلام همه مص-ائب و بلای-ا را تحمل-ل خواه-د ک-رد و ب-ا ص-بر و استقامت و ایثار، موجب رشد و تعالی این دین مقدس خواهد شد. شاید از خود پرسید، زین-ب کبری(س) این صبر و استقامت را چگونه آموخته است؟ م-ی گ-وییم از ج-دش رس-ول الله(ص)، پدرش علی مرتضی(ع) و مادرش فاطمه زهرا(س). آنها این هم-ه ص-بر و ش-کیبایی را چگونه-ه به دست آورده اند؟ می گوییم نماز و سجده بر خداوند حلیم، انسان را چنین می سازد: **وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَتِيمًا يَتُوبُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ** (۲) از اینکه خدای متعال تس-بیح و سجده و عبادت را به کسی که از زخم زبان ها به تنگ آمده توصیه می کند، معلوم می شود که تسبیح و حمد و سجده و عبادت، در از بین بردن اندوه و سبک کردن مص-یبت، بس-یار م-ؤثر است. مراد از ساجدین در آیه شریفه، نمازگزاران می باشند و دستور، دس-تور ب-ه نم-از خوان-دن است نه تنها سجده، و اگر نماز را سجده نامیده به خاطر این است که سجده افضل اجزای نماز است. (۳)

ص: ۱۳۳

- ۱- خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند" (احزاب: ۳۳)
- ۲- و قطعاً م یدانیم که سینه تو از آنچه م یگویند تنگ م یشود. پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش" (حجر: ۹۸-۹۷)
- ۳- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، ص ۲۸۸.

بنابراین اگر قصد همیشه پیروز بودن در مسیر زندگی را داریم باید صبر پیشه کن-یم؛ چراک-ه:

" **وَلِلَّهِ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ**"؛ **(۱)** خدا صبرکنندگان را دوس-ت دارد . از آنجاک-ه انبی-ا و اولی-ا، انس-انه-ای همیشه موفق و سعادت‌مند معرفی شده اند، ما نیز برای کسب موفقیت باید مسیر آنها را در پیش بگیریم: **فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ**. **(۲)**

ص: ۱۳۴

---

۱- آل عمران: ۱۴۶

۲- پس صبر کن، هما نگونه که صاحبان عزم راسخ از فرستادگان خدا صبر کردند " (احقاف: ۳۵)

### راهبرد جلسه

عبادت به جز خدمت خلق نیست (۱) در این جلسه به بررسی این موضوع می پردازیم که عبادات به ویژه نماز، زمانی مقب-ول درگ-اه خداوند متعال است که اثر و نتیجه عملی آن در انسان ایجاد شود و یکی از بهت-رین عب-ادات خدمت به دیگران است.

### جذاییت اولیه

مربی شش کارت را آماده می کند و به شکل پراکنده کنار هم قرار می دهد. و از شش نف-ر از دانش آموزان دعوت به همکاری می کند. کارتها را در اختیار دانش آم-وزان ق-رار م-ی ده-د. از دیگر دانش آموزان می خواهد تا چیش درست جمله را حدس بزنند.

خدمت عبادت نیست خلق به جز

### بیان داستان

بیان داستان (۲) یکی از بزرگان می فرمود: شی در عالم رؤیا پدر و پدر بزرگ و بقیه اجدادم، تا نسل پیامبر (ص) را در مجلسی با حضور خود پیامبر (ص) دیدم. همه دور ایشان حلقه زده بودند و من در مجلس دنبال پدر و پدر بزرگم می گشتم.

ص: ۱۳۵

---

۱- سعدی شیرازی، بوستان.

۲- مربی گرامی بعد از شنیدن پاسخ صحیح دانش آموزان داستان را تعریف کند.

ابتدا گمان کردم آنها به ترتیب ارتباط با پیامبر(ص) نشسته اند؛ اما این گون-ه-نب-ود. س-پس فکر کردم شاید به ترتیب سن از دنیا رفتنشان نشسته اند؛ اما بعضی با ریش سفید ب-ا-فاص-له از پیامبر(ص) و بعضی جوان و نزدیک ایشان بودند. پ-س ب-ه-ای-ن نتیجه-ه-رس-یدم کس-انی ک-ه-مقرب ترند و نماز و عبادت‌هایشان را به موقع انجام می دادند نزدی-ک آن حض-رت هس-تند. در همین افکار بودم که پیامبر(ص) دس-تان مبارکش-ان را ب-ه-دو ط-رف بلن-د ک-رده، روی ش-انه نزدیکترین ما گذاشتند و فرمودند:

هر کدام از ایشان که در زمان حیاتش بیشتر به مردم خدمت کرده اس-ت، ح-الاب-ه-م-ن نزدیکتر است.

از خواب که بیدار شدم به یاد این حدیث افتادم: "نزدیک ترین ش-ما در قیام-ت ب-ه-م-ن، نزدی کترین شما به مردم است." (۱)

### پیوند با بحث

بعضی گمان می کنند این شعر که "عبادت به جز خدمت خلق نیست" اشتباه اس-ت؛ زی-را ک-ه فقط ظاهر نماز و نماز شب و اذکار را عبادت می دانند؛ درحالیکه به این نکته توجه ندارند ک-ه اگر کسی نمازگزار واقعی باشد، عاشق مخلوقات خدا هم میشود. درواقع کسی که نم-ی توان-د به مردم خدمت کند، آنها را مانند پیغمبر اکرم(ص) دوست ندارد؛ همو ک-ه خداون-د درب-اره اش می فرماید: لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنًا. (۲)

### نتیجه گیری

نماز واقعی نمازی است که ثمره و نتیجه آن در خدمت گزاری و راه انداختن کار دیگ-ران ب-روزمی کند.

خدایا، ما را از نماز گزاران واقعی قرار بده. آمین.

ص: ۱۳۶

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۰۳

۲- "گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی به خاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند(شعرا: ۳)

## ۵۱. شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نکرد

### راهبرد جلسه

در این درس به یکی از آثار بی اعتنایی و ترک نماز می پردازیم

### جذاییت اولیه

جذاییت اولیه (۱) شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نک-ردخ و د را ب رای س جده آدم رض انک ردش --یطان ه--  
زار مرتب--ه بهت--رزب--ی نم--از او سجده بر آدم و این ب-رخ-دا نک-رد(۲)

روزی حضرت فاطمه ۳ از پدر بزرگوارشان پرسیدند: (۳) یا رسول الله، کسی ک-ه نس-بت ب-ه نماز سستی کند، چه وضعیت و سرنوشتی دارد؟ پیامبر (ص) فرمودند: دخت-رم-ه-رکس نم-از راسبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا دچار می سازد. که شش تای آن مربوط به دنیا، سه تای آن مربوط به هنگام مرگ، سه تای دیگر مربوط به قبر و سه تا هم مربوط به قیامت است.

اما آن شش بلایی که در دنیا گریبان گیر او می شود. (۴) اول: خداوند برکت را از عمرش می گیرد. (۵)

ص: ۱۳۷

۱- مری گرامی شش نفر از دانش آموزان را به همکاری دعوت کند.

۲- محمد مهدی طهوری نیا .

۳- أَسْأَلُهَا سَأَلْتُ أَبَاهَا مُحَمَّدًا (ص) فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصِيَالَتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ مَنْ تَهَاوَنَ بِصِيَالَتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصِيْلَةً سِتٍ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَثَلَاثٌ فِي قَبْرِهِ وَثَلَاثٌ فِي الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأَمَّا اللَّوَاتِي تَصِيْبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَأَلْوِي يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ عُمُرِهِ وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ رِزْقِهِ وَيَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَيِّمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤَجَّرُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْتَفَعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَالسَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حِظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ " (می رزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴).

۴- مری گرامی هر کدام از این شش مورد را بر روی کارت ها بنویسد .

۵- مری کارت را به صورت عربی بنویسد و از دانش آموزان بخواهد ترجمه آن را حدس بزنند.

يَرْفَعُ اللَّهُ الْبِرَّكَهَ مِنْ عَمْرِهِ

دوم: خدا برکت را از روز یاش می گیرد. (۱)

يَرْفَعُ اللَّهُ الْبِرَّكَهَ مِنْ رِزْقِهِ

دوستان خوب کدام یک از شما می دانید برکت به چه معناست؟

آفرین به شما بچه های با هوش! برکت با زیادی و افزونی، فرق دارد! ممکن است، عم-ر و ثروت کسی زیاد باشد؛ اما برکت نداشته باشد و برعکس ممکن است، عمر و ث-روت شخص-یکم باشد؛ اما برکت داشته باشد. در واقع برکت به معنای بجا و درست استفاده ک-ردن از عم-ر و ثروت و هر چیزی است.

سوم: خداوند سیمای نیکوکاران را از او می گیرد. به این معنا ک-ه دیگ-ر آن دلنش-ینی و صفای باطنی که موجب جذابیت ظاهری نیز می شود را نخواهد داشت.

يَمْحُو اللَّهُ سِيمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ

روزی از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند شما زیباتر هستید یا حضرت یوسف؟ پیغمبر اک-رم (ص) فرمودند: "كَأَنَّ يُوسُفَ (ع) أَحْسَنَ وَ لَكِنِّي أَمَلٌ ح"؛ (۲) برادرم یوسف از من زیباتر بود اما من ملیح ت-ر [نمکی تر و تودلیبروتر] هستم.

چهارم: هر عمل خوبی انجام دهد، نتیجه ای نخواهد داشت و مزدی نخواهد گرفت؛ زیرا

ص: ۱۳۸

۱- مربی بعد از شنیدن نظرهای دانش آموزان ترجمه صحیح را خودش بیان کند و برای توضیح بیشتر به شکل سؤال و جواب ادامه دهد.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۸.



رابطه خود را با صاحب کار و عمل خوب که خدای متعال است با قطع نماز، قطع کرده است .

كُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَأ يُوْجِزُ عَلَيْهِ

پنجم: دعایش مستجاب نمی شود و بالا نم یروود؛ چرا که ملائکه باید دعای او را بالا ببرند و ملائکه بدون امر الهی کاری نمی کنند. (۱) دعاکنن - ده ب - ا ت - رک نم - از درواق - ع رابط - ه و مس - یرهماهنگی خودش را قطع کرده است؛ نه اینکه مشکل از جانب خدای متعال باشد - د ؛ بلکه - ه ای - ن بی تدبیری خودمان سبب مستجاب نشدن دعاهایمان می شود .

لَا يَرْتَفِعُ دَعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ

ششم: از دعای انسان های شایسته نیز سهم و بهره ای ندارد . بدیهی است که انسان های شایسته در حق همسایگان، دوستان و اقوام خود دعا می کنند. از همه بالاتر، وجود مقدس امام زمان (عج) در حق مؤمنان و شیعیان دعا می فرمایند؛ اما برطبق این حدیث ای - ن دعا - ا ش - امل حال کسی که نسبت به نماز بی اعتناست، نم یشود .

لَيْسَ لَهُ حِظٌّ فِي دَعَاءِ الصَّالِحِينَ

خدایا ، خودت هدایتمان کن . آمین .

ص: ۱۳۹

---

۱- "السَّيِّئَاتُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ الْمُسَّ بِحِينَ الدِّينِ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ؛ درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و تسبیح میگویند. آنانکه به امر پروردگارشان قیام کرده اند (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۵).

### راهبرد جلسه

در این جلسه به این موضوع می پردازیم که خودبینی موجب هلاکت است و اگر بخ-واهییم در مسیر حق قرار بگیریم، قدم اول، پا روی نفس خود گذاشتن و تکبر را به دور انداختن است .

### جذاییت اولیه

مربی ابتدا یک بادکنک را باد کند و درحالی که آن را نگه داشته است، این داس-تان را تعری-ف کند:

ادیبی بود بسیار دانا و عالم، که به قصد سفر، سوار کشتی شد. کشتیانی توانا کش-تی رابه سوی دریای بیکران هدایت کرد. کشتی در میان امواج دریا پیش می رفت. مرد دانشمند که به کشتییان چشم دوخته بود، قدمی جلو گذاشت و با غرور رو به او ک-رد و گف-ت: آی-ات-و از ادبیات چیزی م یدانی؟

کشتی بان گفت: نه از آن چیزی نمی دانم .

ادیب با تأسف سری تکان داد و گفت: پس نیمی از عمرت بر فناست.

ساعتی بعد، باد سختی وزیدن گرفت و کشتی را در گردابی افکند. کشتی گاه به چ-پ و گاه به راست کج می شد؛ دانشمند هراسان خود را به کشتی بان رساند و فریاد زد: ح-ا لا چ-ه باید کرد؟

کشتی بان گفت: آیا تو از شنا کردن چیزی می دانی؟ ادیب گفت: نه

کشتی بان گفت: "پس کل عمرت بر فناست؛ زیرا کشتی در حال غرق شدن است.

ادیب ماند و گرداب و عمری که داشت فن-ا م-ی ش-د ، و ص-دای کش-تی ب-ان در گوش-ش

می پیچید:

محو می باید نه نحو(۱) اینجا ب-دان گر تو مح-وی (۲) ب-ی خط-ر در آب ران(۳) دوستان خوب من، ادیب دچار چه بیماری بود؟ م توانید بگویید منظور از کش-تی ب-ان وادیب و دریای طوفانی در این تمثیل مولوی چیست؟ براساس این داستان تنها راه نجات ما از طوفان این دنیا چیست؟

### پیوند با بحث

گاهی آنقدر خودمان را بزرگ می بینیم که دیگر هیچ چیزی را نمی توانیم بینیم. مثل کسی که بادکنک بزرگی باد می کند؛ آنقدر که جلوی چشمان او را می گیرد.(۴) تکبر مانند ای-ن بادکن-ک تو خالی، توهمی بیش نیست. با تکبر، هیچ وقت نمی توانیم عاشق کسی ش-ویم؛ چ-ون عاش-ق اصلاً خودش را نمی بیند؛ اما متکبر، غیرخود را نم بیند و همه چیز را برای خودش می خواه-د؛ حتی دوستانش را! اگر مطابق امیال او بودند با آنها طرح رفاقت می ریزد و اگر نبودند دوستی-اش را به هم می زند؛ اما عاشق، خودش را وقف معشوق می کند. اصلاً برایش مهم نیست ک-ه از ناحیه معشوق چیزی نصیب او می شود یا خیر؟ چرا که محو تماش-ای معش-وق ش-ده اس-ت.

دیگر به جای "من"، "تو" شده است.

پس یکی از رازهای بزرگ نماز این است که تا قدم بر نفس خود نگذاریم دیدن معشوق و محبوب حقیقی غیرممکن است؛ چه برسد به رفاقت با او. انبیا: آمده اند به ما بگویند: ت-ا از خودتان عبور نکنید و تکبر و غرور را از بین نبری-د، پ-ا در س-رای معش-وق نم-ی گذاری-د و ب-ا خود خواهی در غرقاب دنیا هلاک می شوید. پس آن دریای طوفانی جایی غی-ر از ای-ن دنی-ای فانی نیست.

ص: ۱۴۱

۱- منظور ادبیات است.

۲- منظور گم شدن و فنا شدن در ذات خداوند متعال است

۳- مولوی، مثنوی معنوی.

۴- مربی بادکنک را در این لحظه مقابل صورت خود نگهدارد

"وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا-وَارِدِهَا كَأَن عَلِي رَب كَحَث مَأ مَقْضِيَا \* ثُمَّ نُنَجِّ-ي الَّ-ذِينَ اتَّقَوْا"،<sup>(۱)</sup> و آن کش-تی ام-ن و مطمئن جز کشتی سریع و وسیع اهلیت: و مسیر حق نمی باشد.

حافظ از دست مده صحبت این کشتی نوح ورنه طوف-ان ح-و ادث ب-رد بنی-ادت<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۴۲

- 
- ۱- هیچ کس از شما نیست، مگر آنکه وارد جهنم می شود که بر پروردگارت حتمی و مقرر است. آنگاه کسانی را که تقوا پیشه کرده اند، از آن رهایی م یبخشیم" (مریم: ۷۱-۷۲)
  - ۲- حافظ شیرازی، دیوان.

در این درس به توضیح کوتاهی راجع به این آیات شریفه می پردازیم: "إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا\* إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا\* إِلَّا الْمُصَلِّينَ"؛ (۱) به یقین انسان، ح-ریص و ک-م طاق-ت آفریده شده است. هنگامی که بدی به او می رسد بی تابی می کند و هنگامی ک-ه خ-وبی ب-ه او می رسد مانع دیگران می شود و بخل می ورزد؛ مگر نمازگزاران .

چرا کسی که نمازگزار است بخیل و کم طاقت نیست؟ (۲)

### پیوند با بحث

ارتباط نمازگزار با درگاه پروردگار متعال از طری-ق نم-از برق-رار م-ی ش-ود . نم-ازی ک-ه دراث-ره منشینی با خداوند متعال انسان را از فحشا و منکر بازمی دارد؛ نمازی که روح و جان انسان را پرورش م ی دهد و سبب می شود او همواره به یاد خدا باشد و این توجه مستمر مانع از غفلت و غرور و فرو رفتن در دریای شهوات، و اسارت در چنگال شیطان و بخل و کم طاقتی و ه-وای نفس می شود. اصولاً هر کار خوبی زمانی در انسان اثر م یگذارد که دوام داشته باش-د ول-ذا در حدیثی از پیغمبر اکرم(ص) می خوانیم: "إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ مَا دَامَ وَإِنْ قَلَّ"؛ (۳) محب-وب ت-رین اعمال نزد خدا چیزی است که مداومت داشته باشد، هرچند کم باشد .

ص: ۱۴۳

۱- معارج: ۱۹-۲۳

۲- مربی ابتدا نظر دانش آموزان را بشنود.

۳- سیدمرتضی علم الهدی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۳۰

مرد شامی تازه به مدینه رسیده بود و در کوچه های شهر قدم می زد. او متوجه سواری شد که از دور می آمد، و ره گذران سلامش نموده، به احترامش راه باز می کردند.

مسافر از آنان پرسید: این سوار کیست که این گونه گرامی اش می دارید؟!

گفتند: او حسن بن علی بن ابی طالب (ع) است. با شنیدن این نام، مرد چهره دره-م کش-ید و غضبناک به سوی سوار رفت! مقابل او ایستاد و شروع به سرزنش نمود. تا توانست ناسزا گف-تو بد گویی نمود و سخنان ناروا بر زبان جاری ساخت! آن سوار نورانی ابتدا س-کوت ک-رد و ب-ه انتظار ایستاد تا مرد مسافر سخنانش تمام شود. آنگاه به مهربانی لبخندی بر لب آورد و چنین فرمود: ای پیرمرد، به گمانم غریبی! گویا دچار اشتباهی شده ای! اگر حلالیت بطلبی تو را عف-و خواهیم کرد. اگر چیزی بخواهی عطایت می کنیم. اگر طالب رش-د و ه-دایت باش-ی ارش-ادت می کنیم. اگر مرکبی بخواهی آن را به تو می بخشیم. اگر گرسنه هستی غذایت می دهیم. اگر برهنه باشی تو را می پوشانیم. اگر حاجت مندی حاجت را روا می سازیم. اگر از وطن رانده ش-ده باشی پناحت می دهیم. اگر نیازی داشته باشی نیازت را برآورده می سازیم. اکن-ون بهت-ر اس-ت و سایلت را به خانه ما بیاوری و تا پایان سفرت با ما زندگی کنی؛ زیرا منزل ما وس-یع اس-ت و اسباب رفاه و آسایش در آن فراهم است... .

جملات مهرآمیز امام ادامه داشت، و مروارید اشک پیدرپ-ی ب-ر گون-ه ه-ای م-رد ش-امیمی غلتید. سخن امام به پایان رسید. مرد شامی با چشمان اشک آلود گفت: شهادت می دهم تو خلیفه خدا بر زمین هستی و حقیقتاً خداوند بهتر می داند رسالت خود را در کدام خان-دان ق-رار دهد. پیش از این، شما بزرگ ترین دشمن من بودید و پس از این دیدار کسی را بیشتر از شما دوست نمی دارم.

## نتیجه گیری

آری، مرد شامی که سالیان سال تحت تأثیر تبلیغات سوء بنی امیه زیسته بود، بنابر القای-ات آن قوم پلید، اهلیت: را دشمن می داشت و بر خود لازم می دانست که به آن بزرگواران ناسزا گوید؛ اما امام حسن مجتبی (ع) - کریم اهلیت - قدم پیش نهاد و به نور ولای-ت و حکم-ت،

زنگار جهل مرد را زدوده، چراغ معرفت را در قلب او روشن ساخت. به او فهماند که امام خلیفه خداوند در بین بندگان بوده، هر آنچه مورد نیاز ایشان است اعم از نعمت های مادی و کم-الات معنوی در محضر او موجود است و باید از ایشان طلب کرد.

نماز است که به انسان چنین بردباری و حلمی را عطا می کند، و این نماز است ک-ه ریش-هبل و کینه را در درون انسان می خشکاند و از بین می برد....

ص: ۱۴۵

هریک از ما در زندگی خود دچار مشکلات و سختی‌هایی هستیم و امیدواریم با لطف و محبت الهی هرچه زودتر برطرف بشود. آنچه در اینجا بررسی می‌کنیم، پیدا کردن مسیر صحیح برای رفع مشکلاتمان است.

### جذاییت اولیه

دوستان خوب من، تا به حال دچار مشکل مالی سخت شده‌اید، یا کسی را دیده‌اید که دچار مشکل شده باشد؟ به نظر شما اگر ما در چنین شرایطی ق-رار بگی-ریم چ-راه حل-ی پی-دومی کنیم و اولین گزینه‌ای که به ذهنمان می‌آید چیست؟ (۱)

حضرت زین العابدین(ع) از کنار مردی که بر در خانه مرد دیگری نشسته بود عبور کرد. به آن مرد فرمود: برای چه جلو خانه این مرد ستم‌کار و جبار نشسته‌ای؟ آن مرد گفت: ب-ه-عل-ت گرفتاری و سختی که در زندگی بر من وارد شده است.

امام(ع) فرمود: برخیز تا من تو را به دری که بهتر از درِ خانه اوست و به سوی ارب-ابی ک-ه برای تو از او بهتر است، راهنمایی کنم .

پس امام(ع) دست او را گرفت-ت و ب-ه راه افتادن-د ت-ا-ب-ه مس-جدالنبی(ص) رس-یدند . ام-ام زین العابدین(ع) به او فرمود: رو به قبله بایست و برای رضای خدا دو رکعت نماز بخوان و ب-ررسول خدا(ص) صلوات بفرست و این آیات را بخوان:

ص: ۱۴۶



"اگر این قرآن را به کوه نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می ش-ود و از خ-وف خدا می شکافد! ما این مثال ها را برای مردم می زنیم، که شاید در آن بیندیشند! او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است! و خدایی است که معبودی جز او نیست؛ حاکم و مالک اصلی اوست؛ از هر عیبی منزّه است؛ به کس-ی س-تم نم یکنند؛ امنیت بخش است؛ مراقب همه چیز است؛ قدرتمندی شکست ناپذیر که ب-ا اراده ناف-ذ خود هر امری را اصلاح می کند؛ و او شایسته عظیم شمردن است. خداوند پاک و منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند! او خداوندی است خ-الق، آفرینن-ده ای اس-ت ب-ی س-ابقه، و صورت گری بی نظیر، برای او نام های نیک است. آنچه در آسمان ه-ا و زم-ین اس-ت تس-بیح او می گویند و او عزیز و حکیم است."

شش آیه اول سوره حدید(۲)

"آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند و او عزیز و حکیم است. مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن اوست؛ زنده می کند و می میراند و او بر هر چیز تواناس-ت . اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و او به هر چیز داناست. او کسی است که آسمان ه-ا و زم-ین را در شش روز [شش دورا ن] آفرید سپس بر تخت قدرت قرار گرفت و ب-ه ت-دبیر جه-ان پرداخت .

آنچه را در زمین فرو می رود می داند، و آنچه را از آن خارج می شود می داند، و آنچه از آس-مان نازل می گردد و آنچه را به آسمان بالا می رود می داند. و هر جا باشید او با شماس-ت، و خداون-د نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست. مالکیت آسمان ها و زمین از آن اوس-ت و هم-ه کاره-ا به سوی او بازمی گردد. شب را در روز قرار می دهد و روز را در شب و او ب-ه آنچه-در دل ه-ا و سینه ه است آگاه است."

ص: ۱۴۷

۱- حشر: ۲۴-۲۱

۲- حدید: ۶-۱

"بگو: بارالها، مالک حکومتها تویی به هر کس بخواهی، حکوم-ت م-ی بخش-ی و از ه-ر کس بخواهی، حکومت را می گیری. هر کس را بخواهی، عزت می دهی و هر ک-ه را بخ-واهی خ-وار می کنی. تمام خوبی ها به دست توست. تو بر هر چیزی قادری. شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده، و به هر کس بخواهی بدون حساب، روزی می بخشی."

و بعد از آن حاجت را از خداوند منان بخواه.(۲)

قرآن کریم در آیات آخر سوره حشر به هجده صفت از اوصاف الهی اشاره دارد که با بی-ان این اسماءالحسنی انسان را به عالم نورانی حق رهنمون می شود. در این آیات از نف-وذ عمی-ق قرآن کریم سخن به میان آمده است. به این بیان که اگر این آیات و نشانه ها بر ک-وه ه-ا ف-رودمی آمد به خود می آمدند و تکانی می خوردند؛ اما عجب از این انسان سنگدل، با این همه لطف و محبت الهی نسبت به او و نزول اینهمه از آیات نورانی، متوجه و متنبه نمی شود.

امام زین العابدین(ع) در ادامه فرمود: آیات سوره حدید را ک-ه تقریب-أ ب-ا بیس-ت ص-فت از اوصاف الهی شروع می شود، بخواند تا با دقت و تدبر لازم در آنها به بالاترین س-طح معرف-تنسبت به ذات اقدس الهی برسد. خداوندی که همه موجودات جه-ان ب-ه پ-ا کی او از هر گون-ه عیب و نقص گواهی می دهند. خداوندی که مالکیت حقیقی و احاطه بر همه جهان در ق-بض قدرت اوست. خداوندی که زندگی و مرگ در دست اوست. خداوندی که ابدی و ازلی، خالق و قادر و عالم و حکیم است. خدایی که همیشه با ماست، و چگونه او با ما نباشد در حالیکه ما در به دنیا آمدن و زنده ماندنمان لحظه به لحظه به او متکی هستیم، و اوست که روح عالم هستی است.

در آخر آیات نورانی آل عمران را می خوانیم که بیانگر آن است که تمام خوبی ها و نیکی ها

ص: ۱۴۸

۱- آل عمران: ۲۶-۲۷

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۳۷.

و برکات در دست خداوند متعال است. دلیل بر این مدعی **إِنَّ كَعَّ لِي كُؤُ لَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** (۱) م- یباش- د .

زمانی که او بر همه چیز قادر است حکومت و عزت و خیرات نیز همه به دست اوست .

### نتیجه گیری

به نظر شما دوستان من، ما در زمان برخورد با مشکلات به در خانه کدامیک باید برویم؟ سراغ کسانی که خودشان در فقر مطلق و در نیاز بی نهایت غرقاند یا کسی که خود بی نیاز است؟ **لِلَّهِ الصَّمَدُ**، (۲) نماز حاجت، یعنی رو آوردن به در خانه مالک حقیقی؛ کسی که هم قادر است و ه-م علیم و حکیم؛ کسی که اگر ما واقعاً نیاز خود را به او عرضه کنیم پاس-خ خواه-د داد. **يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِ يَنْ يَوْمَ أُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّينَ** (۳).

ص: ۱۴۹

---

۱- ("به درستی که تو بر هر چیز توانایی" (آل عمران ۲۶))

۲- توحید: ۲

۳- محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۴.

در این درس با نماز غفيله و داستان حضرت یونس (ع) آشنا خواهیم شد .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی بحث خود را با طرح سئوالات زیر شروع کند.

پیامبری که زیردریایی سوار شد؟ (حضرت یونس (ع)) پیامبری که به خاطر مردم مؤاخذه شد؟ (حضرت یونس (ع))

شاید وجه نامگذاری این نماز به غفيله این است که در بین مغرب تا غایب ش-دن ش-فق، (۱) فرصتی است که شیطان و لشکریانش از حال مردم غافل می ش-وند؛ زی-را ای-ن دش-من قس-م خورده انسان، در شبانه روز دو پست عوض می کند، پست شب که در هم-ین س-اعت اس-ت و پست روز که بین الطلوعین است و چون ساعت غفلت شیاطین در شب از روز کمتر است آن را به صورت مصغّر بیان کرده اند. (۲)

در قرآن کریم در سوره های یونس، انبیا، صافات و قلم، از حض-رت ی-ونس (ع) و نب-وت و مأموریت ایشان برای هدایت مردم سخن به می-ان آم-ده اس-ت . خداون-د متع-ال-ب-ه حض-رت یونس (ع) وحی کرد که به شهر بزرگ نینوا برود تا مردم آن را به خدا دعوت نموده، از ظلم و ستم آنان جلوگیری کند. حضرت یونس (ع) به شهر نینوا رفت و سال ه-ا تبلی-غ دی-ن خ-دا را انجام داد؛ درحالیکه مردم دعوت او را نپذیرفتند. لذا حضرت یونس (ع) از درگاه خدا تقاض-ای

ص: ۱۵۰

۱- به روشنی بعد از غروب آفتاب در اول شب می گویند .

۲- سیدعبدالحجت بلاغی، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ج ۳، ص ۱۶۷.

عذاب کرد و خداوند متعال دعای او را مستجاب نمود حضرت یونس(ع) روز وقوع عذاب را به مردم خبر داد و خود در آن روز از نینوا خارج شد؛ درحالیکه از دست م-ردم-نین-وا-عص-بانی و

ناراحت بود: وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ (۱) "ن-ون" در لغت ب-ه-معن-ی م-اهی-عظیم، یا به تعبیر دیگر نهنگ یا وال است. بنابراین ذالنون یعنی صاحب نهنگ، و انتخاب ای-ن نام برای حضرت یونس(ع) به سبب داستانی است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است. ام-ا چون حضرت یونس(ع) در رفتن از شهر، دامن صبر را از کف داد و تا لحظات آخر ب-ه-ارش-ادمردم نینوا نایستاد، مورد اعتراض الهی قرار گرفت. از اینرو زمانی که حضرت یونس(ع) برای رفتن به شهری دیگر سوار بر کشتی شد، در میان راه دریا متلاطم گشت. چیزی نماند-ده-ب-ود که همه اهل کشتی غرق شوند.

ناخدای کشتی گفت: من فکر می کنم در میان شما بنده فراری وجود دارد که باید به دریا افکنده شود، و یا گفت: کشتی زیاد سنگین است و باید ی-ک-نف-ر را ب-ه-قی-د-قرع-ه-ب-ه-دری-ا بیفکنیم. به هر حال چند بار قرعه کشیدند و در هر بار به نام یونس درآمد! او فهمید در این کار سری نهفته است و تسلیم تقدیر شد. در همین هنگام مردم نینوا با مشاهده آثار ع-ذاب-اله-ی توبه کردند و از رفتار و ظلم خود به سختی پشیمان شدند. این توبه و پشیمانی به لطف خداوند سبب شد تا عذاب الهی از آنها برداشته شود و مورد رحمت و مغفرت پروردگار قرار گیرند.

هنگامی که حضرت یونس(ع) را به دریا افکندند، نهنگ عظیمی او را در کام خود فرو برد، و خدا او را به صورت اعجاز آمیزی زنده نگه داشت. سرانجام حضرت یونس(ع) متوجه شد ترک اولایی انجام داده، به درگاه خدا روی آورد و به تقصیر خود اعتراف نمود: فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۲) خداوند متعال نیز دعای او را استجاب کرد: فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ (۳) و او را از تنگنا نجات داد عَنوَدُه مَفَاتِحِ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَ - إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ (۴) و به ماهی دستور داد او را به خشکی بیاورد، و بار دیگر، بر حض-رت

ص: ۱۵۱

۱- انبیاء ۸۷

۲- همان: ۸۷

۳- همان: ۸۸

۴- انعام: ۵۹.

یونس(ع) وحی نازل شد که برخیز و به نینوا برو و مردم آن را موعظ-ه-ک-ن . آنگ-ه-ا-ح-ض-رت یونس(ع) برخاسته، بر حسب فرمان خداوند به نینوا رف-ت و داخ-ل ش-هر ش-د و ب-ه موعظ-ه-پرداخت، و مردم به او ایمان آوردند.(۱)

### پیوند با بحث

ما در نماز غفیله می آموزیم همه چیز به دست قدرت خداوند متعال است؛ خدایی ک-ه-ع-الم ب-ه همه اسرار آفرینش و همه راه های آسمانی است، و از همین رو، همه حاجات و نیازهای خ-ود را باید از او بخواهیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِفْتَاحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ تَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا وَتَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَوَلِي نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي. (۲)

### نتیجه گیری

در نتیجه می آموزیم صبر و شکیبایی رمز همه موفقیت ه-ا و پی-روزی ه-اس-ت ؛ هم-ان ط-ور ک-ه امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: "إِصْبِرْ تَظْفَرُ"؛ (۳) صبر کن ت-ا پی-روز ش-وی . ای-ن ش-یرینی موفقی-ت و پیروزی است که سختی و تلخی صبر را از بین خواهد برد.(۴) این صبر است که پای-ه و اس-اس دین می باشد.(۵)

ص: ۱۵۲

- ۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۴۸۷
- ۲- شیخ حر عاملی، وسای لالشیعیه، ج ۸، ص ۱۲۱
- ۳- عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح ۲۳۲۲.
- ۴- همان، ح ۴۸۸۲.
- ۵- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

در این درس با یکی از اسرار نماز شب آشنا خواهیم شد.

### جذاییت اولیه

مربی گرامی این درس را با یک جدول ساده به شرح ذیل شروع می کند .

#### سؤالات (۱)

نماز شب

۱. اولین آیه سوره قلم چیست؟ (ن)

۲. نام سور های که بهمعناى سفره گسترده و پر از خوراکی است؟ (مائده)

۳. خدای متعال بعد از خلقت کدام موجود به خودش احسنت گفت؟ (انسان، تبارك لله احس-ن الخالقین)

۴. حیوانی که خدای متعال به او وحی (به معنای الهام غریزی) کرد؟ (زنبور، وأوحى رب-ك الى النحل)

۵. شبی که برتر از هزار شب است؟ (شب قدر)

ص: ۱۵۳

---

۱- مربی گرامی بعد از طرح سؤالات و بیان جواب صحیح آنها، حرف اول هر جواب را از سمت راست به چپ داخل جدول قرار دهد. رمز جدول "نماز شب" است.

## پیوند با بحث

رسول اکرم (ص) در جامعه ای عقب افتاده و دور از عق-ل و دان-ش، در براب-ر مردم-ی لج-وج و دشمنانی انبوه و مصمم، در طریق ساختن جامعه ای سالم و باایم-ان و پیش-تاز بای-د اس-تقامتی کرد. فرمان این پایداری و مقاومت را خداوند برای رسولش ص-ادر م-ی کن-د: "فَاس-تَقِمْ كَـمَـا أَمَرْتُ"؛ (۱) پس همانگونه که فرمان یافته ای، استقامت کن.

استقامت رسول خدا (ص) زمینه های گوناگون، اما با هدف واحد اجرای احکام الهی و جلب رضایت خداوند تبارک و تعالی بود. استقامت در برابر خراف-ه پرس-تی م-ردم. پای-داری در براب-ر بت پرستی. استقامت در انجام رسالت اله-ی. اس-تقامت در راه تبلی-غ دی-ن. مقاوم-ت در براب-ر دشمنی ها و تحمل سختی ها از جمله مواردی بود که پیامبر اکرم (ص) در برابر آن-ان ایس-تاد و متحمل آزار و اذیت های بسیاری شد تا آنجا که خود آن حضرت فرموده است:

"ما اوذی نبی مثل ما اوذیت"؛ (۲) هیچ پیامبری به اندازه من مورد آزار قرار نگرفت.

اما این سختی چون در راه انجام رسالت الهی و محبوب و معشوق بود، تحمل آن هرگز بر پیامبر تلخ نبود؛ بلکه با کمال رضایت مشکلات را به جان می خرید.

امام علی (ع) درباره پایداری و استقامت نبی گرامی اسلام (ص) در راه تبلیغ دین می فرماید:

"وَاشْهَدُ أَنْ مَحَّـمَدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، دَعَا إِلَى طَاعَتِهِ، وَقَاهَرَ أَعْدَاءَهُ جِهَادًا هَادِئًا عَنِ دِينِهِ، لَا يَثْبِيهِ عَن ذَلِكَ اجْتِمَاعُ

عَلَى تَكْذِيبِهِ، وَالْتِمَاسُ لِإِطْفَاءِ نَوْرِهِ"؛ (۳) گواهی م-ی ده-م ک-ه محم-د (ص) بن-ده و فرس-تاده اوس-ت.

انسان ها را به اطاعت از خداوند دعوت فرمود و با دشمنان خدا در راه دین پیکار کرد و پی-روز شد و هیچ گاه هماهنگی دشمنانش در تکذیب و خاموش ساختن ن-ور او، وی را از کوش-ش در راه آیین و باورش باز نداشت. قرآن کریم با توجه به همه این مشکلات که بر س-ر راه ایش-ان

ص: ۱۵۴

۱- هود: ۱۱۲

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۵۵

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، خ. ۲۳۶



بود، راهحلی را برای آسان شدن این سختی ها به او معرفی می کند .

خدای متعال در چند آیه (۱) به پیامبر(ص) توصیه می کند از شب که مرکب خوبی است برای روز استفاده کن و با من مشکلات را در میان بگذار.

نماز در دل تاریکی شب زمانی که هیچ کس مزاحم حرفهای خصوصی ما نیست به ت-و آن قدر نیرو می بخشد که تحم-ل و اس-تقامت را در ح-د ب-ی نهی-ت ب-الا-م-یب-رد . ب-ه س-ب هماهنگی های شبانه است که پیامبر(ص) مورد خطاب قرار می گیرد در برابر-ر آنچ-ه دش-منانمی گویند صابر و شکیب باشد و از آنها دوری کند؛ اما دوری شایس-ته و جمی-ل: وَاَصْ-بِرْع-لی م-ا

يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا. (۲)

و به این ترتیب در اینجا مقام "صبر" و "هجرا" فرام-ی رس-د؛ چراک-ه در مس-یر دع-وت به سوی حق، بدگویی دشمنان و آزار آنان فراوان است و اگر باغبان بخواهد گلی را بچیند، باید در برابر زبان خار آن صبر و تحمل داشته باشد.

### نتیجه گیری

به این ترتیب آیات فوق نسخه جامع و کاملی به پیامبر اسلام(ص) و تمام کسانی که در خط او گام برمی دارند می دهد که از عبادات شبانه و نیایش پروردگار در س-حرگاهان، م-دد بگیرن-د و سپس این نهال را با یاد خدا، و اخلاص و توکل، و صبر و هجرا جمیل، آبیاری کنند.

ص: ۱۵۵

---

۱- اسراء: ۷۹؛ آیات ابتدائی سوره مزمل.

۲- مزمل: ۱۰

### راهبرد جلسه

در این درس با یکی از زیباترین و عاشقانه ترین ارتباطات بین بنده و مولا آشنا می شویم و ب-ه بررسی روح نماز که جز از مسیر اهل بیت: به دست نمی آید، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

در یک عملیات مهم شبانه علیه دشمن متجاوز، هنگام پیشروی به میدانی از مین برخ-وردیم .

این برخورد برای ما بسیار غیر منتظره و سنگین بود؛ چون از طرفی شناسایی نشده بود و شاید هم دشمن آنها را تازه کار گذاشته بود، و از طرف دیگر اگر به موقع به سرق-رار نم-ی رس-یدیم ، گروهی دیگر از بچه ها به وسیله دشمن قیچی می شدند .

شرایط بسیار سخت و جانکاه بود. زمان نیز به تندی م-ی گذشت . م-ن فش-ار س-نگینی آن لحظات را هنوز هم بر سینه ام حس می کنم. بالأخره بنا شد که بچه ها داوطلبانه روی مین ه-ا بروند.

فرمانده ما، که هرچه از خوبی ها و دلاوری ها و کاردانی او و ایمان و عش-قش ب-ه فاطمه-ه زهرا(س) بگویم، کم گفته ام، گفت: بچه ها، چند دقیقه ای صبر کنید، شاید راه دیگری هم باشد .

همه با ناباوری به او خیره شدند! چه راهی؟!!

او این را گفت و سپس از بچه ها فاصله گرفته، کمی آن طرفتر به نماز ایستاد و دو رکعت نماز خواند؛ آنهم چه نمازی!! یکپارچه شور و عشق

رفقای او همه می دانستند او نماز توصل به فاطمه زهرا(س) را می خواند. عجب حالی داشت؛ مثل شمع می سوخت. پس از سلام نماز سر بر مهر گذاشته، ذکر "یا م-ولاتی ی-ا فاطمه-ه أغیثین-ی" می گفت و با حالتی پرسوز، حضرت فاطمه(س) را به کمک می طلبید. استغاثه (فاطمه، فاطمه-ه)

او تمامی بیابان را پر کرده بود. گویا تمامی هستی با او هم‌نوا شده بود.

شب‌ی فراموش‌نشده‌ی بود. هر کدام از بچه‌ها را که می‌دید، در گوشه‌ای اشک می‌ریختن-د و دعا می‌کردند. کمکم بچه‌ها متوجه فرمانده شدن و سعی داشتند به او نزدی‌تر شوند. طولی نکشید که همه دور او حلقه زدند. دیگر در آن موقع شب و در سکوت و به-ت بیابان، هم-راه اشک ماه، تنها ناله یک نفر به گوش می‌رسید؛ ناله فرمانده، که حضرت فاطمه(س) را مدام ب-ه کمک می‌طلیید.

کاش بودی و می‌دید که چگونه مثل ابر می‌بارید و چون ش-مع م-ی س-وخت. هم-ه ب-ه استغاثه‌های او گوش می‌دادند و اشک می‌ریختند. من جلوتر از همه بودم، دیدم گونه‌اش را بر روی خاک گذاشته و آنقدر اشک ریخته که تمامی صورتش غرق گل شده. آن چنان غرق در مناجات و توسل بود که حضور هیچکس را حس نمی‌کرد؛ گویی اصلاً در این دنیا نیست. کمی آرام‌تر شد. آهسته چیزهایی زمزمه می‌کرد. ناگهان برای لحظاتی ساکت شد. من نگران ش-دم که شاید از حال رفته؛ اما هیتی داشت که نتوانستم قدم جلو بگذارم. همه محو نگاه او بودیم، که ناگهان سر از سجده برداشت و فریاد زد:

"بچه‌ها، بیایید، بی بی راه را نشان داد! بی بی-ی راه را نشان داد!!"

بغض‌هایی که برای چند دقیقه‌ای در سینه‌ها متراکم شده بود، یک دفعه ترکید. همه زدن-د زیر گریه. نمی‌توانم حالت خود و بچه‌ها را در آن لحظه بیان کنم. آنقدر می‌دانم که بیدرنگ همه به دنبالش حرکت کردیم. من پیش-ت س-ر او ب-ودم. ب-ه خ-دا قس-م، او آنق-در محک-م و ب اصلا بت می‌دوید که گویی روز روشن است و جاده هموار. طولی نکشید که از میان م-ین ه-ا گذشتیم، بدون اینکه حتی یک نفر از ما خراشی بردارد. بعدها هر بار که از او م-ی پرس-یدم آن شب چه شد و چه دیدی؟ از جواب طفره می‌رفت؛ اما می‌گفت: "بیچ-ه ه-ا! فاطم-ه، فاطم-ه" و دیگر اشک مجالش نمی‌داد. (1)

ص: ۱۵۷

آنقدر در میزدم این خانه را تا بینم روی صاحبخانه را

در روایت آمده، هرگاه حاجتی داری، دو رکعت نماز به جا آور و پس از سلام نماز س-ه ب-ار تکبیر بگو و پس از تسبیح حضرت زهرا(س) به سجده ب-رو و ص-د مرتب-ه "ی-ا م-ولاتی ی-ا فاطم-ه اُغیثینی" بگو. سپس، جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همان ذک-ر را ص-د مرتب-ه بگ-و، سپس جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و همان ذکر را صد مرتبه بگو، باز-ه م-ب-ه س-جده رفته و صدوده مرتبه دیگر تکرار کن و حاجت خود را در نظر بگیر، که اگر خدا بخواهد حاجت برآورده می شود. (۱)

خدای متعال منتی بر بندگانش گذاشته و آن اینکه راهی برای رسیدن بندگان ب-ه ق-رب و محبت خود باز کرده و آن راه، راه اهل بیت است. اگر ما بخواهیم به ولی نعم-ت، خ-الق و محبوب و معشوق خود نزدیک شویم، منحصر ب-ه ولای-ت و محب-ت اه-لبی-ت: اس-ت. از

همینرو پیامبر رحمت(ص) فرمودند: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهُ (۲)

اگر در آیات شریفه قرآن کریم دقت کنیم این مطلب به خوبی روش-ن م-ی ش-ود؛ خداون-د

متعال می فرماید: "قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ"؛ (۳) بگو من از شما چیزی نمی خواهم جز دوستی اه-ل بی-ت؛ یعنی حض-رت زه-را(س)، امیرالم-ؤمنین (ع)، ام-ام حس-ن و ام-ام حسین(ع) تا برسد به بقیه معصومین: که ائمه اطهار هستند. اگر بخواهیم به سعادت دنیا و آخرت برسیم مسیری جز چنگ زدن به این ریسمان الهی نداریم: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا (۴)

## نتیجه گیری

اگر ما هر مقصدی را در نظر داشته باشیم برای رسیدن به آن باید مسیری را طی کنیم. زمانی که ما مقصدی چون سعادت دنیوی و راحتی آخرت یا جنت الاعلی و یا ق-رب اله-ی و فن-ای

ص: ۱۵۸

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۸۳.

۲- میرزا حسین نوری، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴

۳- شوری: ۲۳

۴- آل عمران: ۱۰۳

فی الله را مقصد خود قرار دهیم، باید برای رسیدن به آن مسیری را طی کنیم تا ب-ه-س-ر منزل مقصود برسیم. آن مسیر جز مسیر اهل بیت عصمت و طهارت: نم تواند چیز دیگری باشد؛

همانطور که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: م-نِ اعْتَص-م بِمَك-م فَفَعِدِ اعْتَص-م-م-بِ-اللهِ أَنْ-تُمْ-الصِّرَاطُ الْمَأْقُوم؛ (۱)  
همانگونه که مولی امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ وَعَزْوَتُهُ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انفِصَامَ لَهُ. (۲)

ص: ۱۵۹

---

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۷۰





## ۵۸. بدعت

### راهبرد جلسه

در این جلسه به این مطلب می پردازیم که هر عبادتی، به ویژه نماز ش-کل و محت-وای خ-اص خودش را دارد و ما اجازه نداریم با آن سلیقه ای رفتار کنیم و آن را کم و زیاد کنیم.

### جذاییت اولیه

مربی ابتدا آیه و ما کانَ صَیِّلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَ تَصْدِيهَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمِ-ا كُنْ-تُمْ تَكْفُ-رُونَ(۱) را روی تخته بنویسد. برای ترجمه آیه، دو نفر از دانش آموزان را انتخاب کند. یکی س-مت راس-ت او و دیگری سمت چپ او بایستد. مربی-ب-رای دان-ش آم-وزان ترس-یم کن-د ک-ه در مقاب-ل کعب-ه ایستاده اند. یکی از دانش آموزان سوت بکشد و دیگری دست بزند. مُكَاءٌ وَ تَصْدِيهَ ، یعنی سوت و دست زدن. اعراب در زمان جاهلیت نام این کار را عبادت گذاشته بودند.

### پیوند با بحث

حضرت ابراهیم(ع) به دستور خدا کعبه را ساخت و آن را مکانی امن قرار داد. خداون-د در آی-ه

شریفه فرمود: " إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ "؛(۲) و چون خانه کعبه را برای مردم مح-ل

اجتماع و جای امنی قرار دادیم، در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم

و اسماعیل فرمان دادی مکه: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و

ص: ۱۶۲

۱- "آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم] نمازشان نزد خانه [خدا] چیزی جز "سوت کشیدن" و "کف زدن" نبود، پس بچشید عذاب [الهی] را به سبب کفرتان" (انفال: ۳۵)

۲- بقره: ۱۲۵



سجودکنندگان پاکیزه کنید. پس یکی از کارهایی که باید انجام م یشد نماز به شکل رک-وع وسجود بود؛ ولی آنقدر از سر و ته آن زدند و بر آن افزودند که به صورت سوت کشیدن و کف زدن درآمد؛ در صورتیکه عبادات توقیفی هستند؛ یعنی در عبادت خدا از نظر کیفیت و کمی-ت نباید اعمال سلیقه کرد؛ بلکه باید همانطور که برای ما بیان کرده اند بدون کم و زی-اد انج-امداد. آیت الله بهجت<sup>۱</sup> در یکی از جلسات درس خود فرم-وده ب-ود: "بعض-ی ه-م م-ی گوین-د:

حضرت صاحبالزمان<sup>۲</sup> را دیدیم که به صورت کاملاً متعارف نماز می خواند"<sup>(۱)</sup>.

## نتیجه گیری

اگر در عبادت‌ها هرکسی سلیقه خودش را دخالت دهد، به تدریج چی-زی از آب درمی آید-د ک-ه مصداق این شعر می شود:

بس که بیستند بر او برگ و ساز گر تو بینی شناسیش باز

نمازی که در زمان جاهلیت به شکل سوت کشیدن و کف زدن درآمد، یک مرتبه به وج-ودنیامد؛ بلکه اول یک گوشه آن را تغییر دادند، بعد گوش-ه دیگ-ر را؛ م-ثلاً آگ-ر ب-ه ش-ما آدرس مقصدی را بدهند و شما بر اساس میل خودتان بی حساب و کتاب، تغییراتی در آن اعمال کنی-د، یا خیلی دیر به مقصد می رسید یا اصلاً نخواهید رسید. اگر در عبادات خصوصاً نماز که مس-یرنور می باشد، بخواهیم سلیقه ای رفتار کنیم، یا دیگر آن اثری را که بای-د، نخواه-د داش-ت ی-ابسیار کم‌رنگ و بیتأثیر خواهد بود.

خدایا، ما را از بدعت گذاران در دین قرار مده. آمین .

ص: ۱۶۳

---

۱- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ج ۳، ص ۹۳، ش ۱۴۵۱.

نماز حضور عبد در محضر معبود است و زبان، نماینده دل و جان. می خ-واهییم ب-دانیم چگونه-ه بین زبان و دل یک رنگی و صمیمیت ایجاد کنیم تا نمازی با حضور قلب داشته باشیم.

### جذاییت اولیه

روزی شخصی وسط راه در حال نماز خواندن بود. مجنون بدون اینکه متوجه او شود، پایش به مهر او خورد و عبور کرد. بین مرد و مهرش فاصله افتاد. مرد نم-ازش را قط-ع ک-رد و داد زد:

هی! چرا بین من و خدایم فاصله انداختی؟! مجنون به خود آمد و گفت: من ک-ه عاش-ق لیل-ی هستم، تو را ندیدم. تو که عاشق خدای لیلی هستی، چگونه مرا دیدی که ب-ین ت-و و خ-دایت فاصله انداختم!؟

### پیوند با بحث

نماز اکسیری معجزه آسا برای ترقی و رسیدن به آرزوها و پر کشیدن به اوج آسمان هاست؛ ام-ا نه ظاهر نماز و نه الفاظ آن؛ بلکه روح و معنای آن .

داستان نماز و روحش همان داستان آب و اسم آب است. کسی با آوردن اسم آب سیراب نمی شود. آنچه ما را سیراب می کند خود آب است. در اهمیت حضور قلب همین بس که ام-ام

صادق(ع) فرمودند: مَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيَّ - مِنْهُ - بِقَلْبٍ - ه. (۱) پیغمب-ر اک-رم(ص) فرمودن-د: "اگ-ر

بخواهیم نماز عارفانه ای بخوانیم باید در هر نماز خواندندمان اینگونه فکر کنیم که این آخرین نمازی است که در دنیا به ما فرصت داده شده. به گونه ای که بهشت را در مقابل، جه-نم را در

ص: ۱۶۴

---

۱- "همانا از نماز آن مقدار که با توجه قلبی بوده است، بالا برده می شود" (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۸).

زیر پا، ملک الموت را در پشت سر، انبیا را در سمت راست، ملائکه را در سمت چپ و پروردگار را درحالی که از حال و درون ما آگاه است از بالا می بینیم." (۱) مسلماً دو رکعت نم-از ب-ا توج-ه، بهتر از تمام شب را به عبادت پرداختن است. (۲)

راستی چگونه متوجه شویم در مقابل چه کسی میایستیم و چه میگوییم؟

اهتمام به نماز اول وقت داشته باشیم و سعی کنیم تا اذان گفت-ه ش-د هرج-ا ک-ه هس-تیم در صورت امکان نمازمان را بخوانیم.

قبل از نماز حتماً اذان و اقامه را بگوییم تا خود را برای نماز مهیا کرده، ذهنمان را از ام-ور روزمره و مشغله های زندگی خالی کنیم.

قبل از نماز، همیشه به خودمان توجه دهیم ک-م-ی خ-واهییم در پیش-گاه خ-دای بزرگ-ی بایستیم که ما را ببیند و فراتر از آن را؛ او که همه عالم را آفریده و هستی به دست اوس-ت .

شنا و دانا و مهربان است.

حتماً معنای اذکار و آیاتی را که در نماز می خوانیم، بدانیم.

بعد از نماز چند دقیقه ای بنشینیم و ارتباط خود را ادامه دهیم و کمی بیندیشیم .

## نتیجه گیری

قَالَ الصَّادِقُ (ع): "الْقَلْبُ حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ"؛ (۳) قلب همه ما حرم و حریم الهی اس-ت؛

پس سزاوار نیست در حرم خدا، غیر خدا ساکن باشد. حضور قلب، یعنی همان عروج مؤمن در نماز. در واقع دیگر در این دنیا حضور ندارد.

روزی در اطاقی که امام سجاد(ع) مشغول اقامه نماز بود، آت-ش س-وزی روی داد . ام-ام در حال سجده بود. عد های فریاد زدند: ای فرزند پیامبر، آتش! آتش! اما امام همچن-ان در س-جده مشغول راز و نیاز بود. جمعی آمدند و آتش را خاموش کردند. پس از آنکه نماز امام ب-ه پای-ان

ص: ۱۶۵

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۵

۲- أَبَادَرُّ رَكَعَتَانِ مُقْتَصِدَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ مِنْ قِيَامٍ لَيْلِهِ وَالْقَلْبُ سَاهٍ" (شیخ حر عاملی وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۷۴)

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵

رسید از او پرسیدند: چه چیز موجب گردید ک-ه ش-ما متوج-ه آت-ش و فریاده-ای م-ا نش-وید؟ فرمودند: آتش  
آخرت! (۱)

ص: ۱۶۶

---

۱- وَقَعَ حَرِيقٌ فِي بَيْتِهِ وَفِيهِ سَاجِدٌ فَجَعَلُوا يَقُولُونَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّارَ النَّارَ فَمَارَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى أُطْفِئَتْ فَبَيَّنَّ لَهُ بَعِيدَ قُعُودِهِ مِمَّا  
الَّذِي أَلْهَاكَ عَنْهَا قَالَ أَلْهَيْتَنِي عَنْهَا النَّارُ الْكُبْرَى (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۰)

در این جلسه به بررسی این مطلب می پردازیم که نماز نباید در ه-یچ ش-رایطی ت-رک ش-ود و خدای متعال به گونه ای برنامه ریزی کرده است که در سخت ترین ش-رایط ه-م-نم-از خوان-دن ممکن باشد.

### جذاییت اولیه

دوستان خوب من، به نظر شما در چه زمان هایی نماز نخوانیم اشکال ندارد؟(۱)

وقتی حضرت امام ز در نجف اشرف تشریف داشتند، شخصی به ملاقات ایشان می رود و در طی این ملاقات، ماجرای شگفت انگیز را مشاهده می کند که آن را این چنین نقل م یکن-د :

برنامه همیشگی امام ز در نجف این بود که دو ساعت و نیم بعد از مغرب ب-ه بیرون-ی من-زل تشریف می آوردند تا کسانی که به زیارت ایشان می آمدند بتوانند به خدمتشان برس-ند . بع-د از این برنامه به حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) می رفتند . شبی حضرت امام ز به تب ش-دید م-ب-تلاش شدند . هرچه تلاش کردیم تا دکتري را پیدا کنیم، موفق نشدیم . ساعت دو و نیم شب دکتري را دیدیم و از وی خواهش کردیم حضرت امام ز را معاینه کند . او پذیرفت ، و راهی منزل امام شدیم . وقتی وارد منزل شدیم، با خود گفتیم که حتماً آقا با وجود این کسالتی که دارد خوابیده است؛ ولی وقتی وارد اطاق شدیم با کمال تعجب، مشاهده کردیم که وی نشس-ته و مش-غول نماز شب است . صبر کردیم تا نماز ایشان تمام شد . بعد از نماز، دکتري، حضرت امام ز را معاینه کرد و معلوم شد که ایشان تب ۲۴ درجه داشتند!(۲)

ص: ۱۶۷

- ۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.
- ۲- برگرفته از کتاب عطر خوش نماز، به کوشش فرامرز شعاع حسینی .

آنچه باعث می شود **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا**، (۱) نم-از دره-یچ ش-رایط و م-وقعیتی ترک نشود: **أَوْ صَانِيٍّ** **بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا**، (۲) مؤمن بودن انسان است و مؤمن عاشق وصال و دیدار با معشوقش است. زمانی که بزرگان و علمای ما به مستحبات و نوافل-چن-ین اهمی-تمی دهند، یقیناً به واجبات و محرمات بیش از این توجه می کنند .

خدایا، به ما توفیق عمل به مستحبات به ویژه نماز شب را عنایت بفرما. آمین .

ص: ۱۶۸

---

۱- نساء: ۱۰۳

۲- مریم: ۳۱

در این جلسه، شهادت امیرالمؤمنین علی(ع) در نماز را بی-ان-م-ی-کن-یم . امیرالم-ومنین (ع) در قبله گاه عاشقان به دنیا آمد و در محراب عارفان به شهادت رسید.

### جذاییت اولیه

همه میدانید که حضرت علی(ع) در چه شبی و توسط چه کسی به شهادت رسید.

سه تن از خوارج به اسامی "عبدالرحمن بن ملجم"، "برک بن عبدالله" و "عمرو بن بک-ر" در شبی دور هم جمع شدند و از گذشته مسلمانان صحبت می کردند. در گفت و گو، به این نتیج-ه رسیدند که علت اینهمه خونریزی و برادر کشی، معاویه، عمروعاص و علی(ع) هس-تند و اگ-راین سه نفر از میان برداشته شوند، مسلمانان آسوده شده، تکلیف خود را معین می کنن-د! ای-نسه نفر با هم پیمان بستند و سوگند خوردند که هر یک از آنها داوطلب کشتن یکی از این سه نفر باشد. ابن ملجم متعهد قتل علی(ع) شد. عمرو بن بکر عهده دار کشتن عمروعاص گردید، و برک بن عبدالله نیز قتل معاویه را به گردن گرفت. هر یک شمشیر خود را با سم مهلک، زهر آلود نمودند تا ضربتشان مؤثر واقع شود. نقشه آنها محرمانه و در مکه کشیده شد. برای اینکه ه-رسه نفر در یک زمان برنامه خود را انجام دهند، شب نوزدهم ماه رمضان را، که شب قدر است و مردم تا صبح در مساجد بیدار می مانند، برای این منظور انتخاب کردند. هر یک از آنها برای انجام مأموریت به سوی مقصد روانه شد. عمرو بن بکر برای کشتن عمروعاص به مصر رف-ت و برک بن عبدالله برای قتل معاویه رهسپار شام شد. ابن ملجم نیز راه کوفه را پیش گرفت.

برک بن عبدالله در صف اول نماز و پشت سر معاویه ایستاد. وقتی معاویه سر به سجده نهاد، برک شمشیر خود را فرود آورد؛ ولی در اثر دستپاچگی شمشیر او به جای فرق معاوی-ه-ب-ر-ان

وی اصابت نمود. معاویه زخم شدیدی برداشت و فوراً به کاخ خود منتقل و بستری شد. ضارب را که پیش او حاضر ساختند، معاویه گفت: تو چه جرئتی داشتی که چنین کاری کردی؟ برک گفت: امیر مرا عفو کن تا مژده ای به تو دهم. معاویه گفت: مقصودت چیست؟ ب-رک گفت:

همین الان علی را هم کشتند. معاویه او را تا تحقیق این خبر زندانی نمود و چون ص-حت آن معلوم گردید او را رها کرد و به روایت بعضی (مانند شیخ مفید) همان وقت دستور داد گردن او را بزنند.

عمروبنبکر نیز در همان شب به مسجد رفت و در صف اول به نماز ایستاد؛ ام-ا آن ش-ب عمروعاص تب شدیدی داشت و نتوانست به مسجد برود و به پیشنهاد پسرش، قاضی شهر را برای ادای نماز جماعت به مسجد فرستاد. وقتی قاضی به سجده رفت، عمروبن-بک-ر ب-ا ی-کضربه شمشیر او را از پا درآورد. هم همه و جنجال در مسجد بلند شد و نماز نیم-ه-تم-ام مان-د-و قاتل بدبخت دستبسته به چنگ مصریان افتاد. چون خواس-تند او را ن-زد عمروع-اص ب-رن-د، مردم وی را به غذا بهای هولناک عمروعاص تهدید م-ی-کردن-د. عم-روبن بک-ر گفت-ت: مگ-ر عمروعاص کشته نشد؟ شمشیری که من بر او زده ام اگر از آهن هم باشد زنده نمی ماند! مردم گفتند: آن کسی را که کشتی قاضی شهر بود، نه عمروعاص! بیچاره عم-روبن بک-ر آن وق-ت فهمید که اشتباهی قاضی بی گناه را به جای عمروعاص کشته است. لذا از کثرت تأسف نسبت به مرگ قاضی و عدم اجرای مقصود خود گریه کرد و چون عمروعاص علت گریه را پرس-ید، عمرو گفت: من به جان خود بیمناک نیستم؛ بلکه تأسف و اندوه من از م-رگ قاض-ی و زن-ده ماندن توست که نتوانستم مانند رفقای خود مأموریت را انجام دهم. عمروعاص جریان را از او پرسید. عمروبن بکر مأموریت سرّی خ-ود و رفق-ایش را ب-رای او ش-رح داد. آنگ-اه ب-ه-دس-تور عمروعاص گردن او را زدند. بدین ترتیب م-أموران ق-تل عمروع-اص و معاوی-ه نتوانس-تند ب-ه مقصود خود برسند و خودشان نیز کشته شدند.

ابن ملجم نیز در اواخر ماه شعبان سال چهارم ب-ه-کوف-ه رس-ید و ب-دون اینک-ه-کس-ی را از تصمیم خود آگاه کند، به منزل یکی از آشنایان خود رفت و منتظر رسیدن ش-ب ن-وزدهم م-اه مبارک رمضان شد. روزی به دیدن یکی از دوستان خود رفت و در آنجا زن زیارویی ب-ه-ن-ام قطام را که پدر و برادرش در جنگ نهروان به دست علی(ع) کشته شده بودند، مشاهده کرد و



در اولین برخورد دل از کف داد و فریفته زیبایی ظاهری او گردید. از وی تقاضای ازدواج کرد .

قطام گفت: برای مهریه من چه خواهی کرد؟ گفت: هرچه تو بخواهی! قطام گفت: مه-ر م-نسه هزار درهم پول، یک کنیز، یک غلام و کشتن علی بن ابی طالب است. ابن ملجم گفت: چه مهر سنگینی. قطام گفت: البته در حال عادی کسی نمی تواند علی را به قتل رساند. بای-د او را غافلگیر کنی تا آتش کینه مرا خاموش کنی و از وصالم کامیاب شوی، و گف-ت: م-ن نی-ز درانجام این کار تو را یاری می کنم و تنی چند به کمک تو می گمارم. شب نوزدهم م-اه م-ب-ار کرمضان فرارسید. ابنملجم و یارانش به مسجد آمدند و منتظر ورود علی(ع) شدند. علی(ع) به پشت بام مسجد رفت و اذان صبح را گفت و داخل مسجد شد و خفتگان را بیدار نمود. س-سببه محراب رفت و به نماز نافله صبح ایستاد و چون به سجده رفت، ابن ملجم با شمشیر-یرزه-رآلود درحالیکه فریاد میزد الله الحکم لا لک یا ع-لی؛ حکم برای خدا است نه ب-رای ت-و ای علی-ی!

ضربتی به سر مبارک آن حضرت فرود آورد.(۱) امیرالمؤمنان(ع) ندای ف-زت ورب الکعب-ه(۲) را س-ردادند .

### نتیجه گیری

چطور می شود کسی که اهل نماز است، قاتل نمازگزار دیگر شود؟ اگر نمازگزار فقط به ظ-اهر نماز بسنده کند و از حقیقت آن غافل بماند و در هنگام نماز فقط دنبال ریا و خودنمایی باش-د،عاقبت چنین نمازی دوری از خداست؛ تا جایی که انسان،نه تنها با ظاهر نماز دیگران را فریب می دهد؛ بلکه برای رسیدن به خواسته هایش دست به هر اقدامی م-ی زن-د؛ حت-ی اگ-ر کش-تن بهترین انسا نها باشد که از او اَشَقَى الأَشْقِیَاء(۳) بسازد .

خدایا، ما را از نماز گزاران واقعی قرار بده. آمین .

ص: ۱۷۱

۱- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۲۴

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۴۷

۳- همان، ج ۳۵، ص ۱۰۵

بند های آماده راز و نیاز با آفریدگار جهان هستی است که طهارت ظاهری و باطنی داشته باشد .

در این درس با وضو، که کلیدی برای ورود به گلستانِ سرسبز نماز و آغ-ازی ب-رای ورود ب-ه بهشت است، آشنا می شویم. (۱)

### جذاییت اولیه

" برای این به وضو دستور داده شده و آغاز عبادت است که بنده هنگامی که در پیش-گاه خ-دامی ایستد و با او مناجات م یکنند، از آلودگی یها و نجاس تنها پاک باشد و بندگی خود را در برابر-راو به اثبات رسانند. وضو سبب م یشود که آثار خواب و کسالت از انسان زایل گردد و قلب برای قیام در پیشگاه خدا، نور و صفا پیدا کند". (۲)

وضو آثار جسمانی هم دارد. از جمله اینکه سبب رفع بسیاری از بیمار یها به واسطه ریختن آب سرد روی نقاط حساس بدن می شود. جالب اینکه-ه، در دی-ن اس-لام نق-اط ط-ب س-وزنی مخصوصاً در وضو رعایت شده است؛ برای مثال، آقایان مستحب اس-ت آب را از پیش-ت آرن-جبریزند و خان مها از قسمت جلو دست بریزند. با مطالعه طب سوزنی پی م-ی ب-ریم، نق-اط ط-ب سوزنی در آقایان و خانمها در بعضی از نقاط فرق می کند. بسیار جالب است ک-ه ب-ا تحری-ک نقاط طب سوزنی به وسیله آب سرد در وضو، خط سیر چهارده نصف النهار را تحریک می کن-یم

ص: ۱۷۲

---

۱- الوضوء مفتاح الصلاة و الصلاة مفتاح الجنة (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۱۵۸۸)

۲- امام رضا(ع): انما امر بالوضوء و ببدء به لان يكون العبد طاهرا اذا قام بين يدي الجبار، عند مناجاته اياه، مطيعا له فيما امره، نقيما من اللدناس و النجاسة، مع ما فيه من ذهاب الكسل، و طرد النعاس و تركيه الفؤاد للقيام بين يدي (شيخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۷).

و باعث سرحالی، شادابی، تسکین دردها، افزایش نیروی جسمانی و روحی، و معالجه بس-یاریاز بیماری ها می گردد. همچنین تمامی اعضای داخلی بدن را تقویت می کند ازجمله-ه: ری-ه-ه، روده بزرگ، معده، قلب، کلیه ها و کبد.

در احادیث آمده بعد از وضو، بدن را با چیزی خشک نکنید و بگذارید خودش خشک شود.

دلیلش می تواند این باشد که بدن در برابر سرمای که ح-س م-یکن-د، تغیی-رح-رارت ایج-ادمی کند، تا خشک شود. همین تحریکات حرارتی سبب باز شدن منافذ زیر پوست م-یش-ود و اکسیژن بیشتری به بافت های پوست و مقداری هم به عضلات زیر پوست م-ی-رس-د و باعث نیرو و نشاط می گردد. (۱)

### پیوند با بحث

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید صورت و دست های خود را شست و ش-و داد و آم-اده دی-دارشد. آنان که به طهارت و پاکیزگی در دنیا علاقه مندند-د س-عی دارن-د در طه-ارت ب-ه س-ر بیرن-د، همچنانکه در دنیا نورانی بوده، چهره تابناک دارند، در قیامت نیز در بین همه ام-ت ه-ا، ن-ورانی

هستند و پیغمبر اکرم (ص) با این نور امت خود را خواهد شناخت: **إِنِّي لَمَأْعْرُفِ أُمَّتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا تَرَى الْوُضُوءَ وَقَالَ (ع) تَأْتِي أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ. (۲)**

وضو مانند محافظی قوی و یاری دلسوز در از بین بردن خطاها و اشتباهات ب-ه م-ای-اری می رساند. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: **"إِذَا تَوَضَّأَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ اجْتَمَعَتِ الْخَطَايَا فَوْقَ رَأْسِهِ فَإِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَحَاتَّ عَنْهُ كَتَحَاتِّ وَرَقِ الشَّجَرِ"**؛ (۳) زمانی که مسلمان وضو م-ی-گی-رد تم-ام خطاه-ا ب-الای سرش جمع می شوند و همینکه به نماز می ایستد، آن اشتباهات مانند برگ درخت-ت-کت-ک

می ریزد و بخشیده می شود. از همین رو فرمودند: **"الطَّهُورُ نِصْفُ الْإِيمَانِ"**؛ (۴) وضو-و نیم-ی از ایمان است.

ص: ۱۷۳

۱- فیه من ذهاب الكسل، و طرد النعاس (همان).

۲- میزرا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۷.

۳- همان

۴- همان.

وضو عبادتی است بی نظیر که علاوه بر آثار اخروی، آثار و برکات دنیوی فراوانی نیز دارد. وضو با این همه پاکی و طهارت کلید نماز و شروعی زیبا برای ورود به بهشت است؛ چراکه بهشت جای پاکان و پرهیزکاران است. ...

شگفتی های اسلام انتها ندارد و هرازگاهی پرده ای از اسرار آن کنار می رود. در ای-ن درس ب-ه یکی دیگر از شگفتی های آن می پردازیم.

### جذاییت اولیه

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ "؛<sup>(۱)</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که خواستید به نماز بایستید، صورت و دست ها را تا آرنج بشوید و سر و پاهای خود را تا برجستگی پا مسح کنید. مربی گرامی ای-ن آیه شریفه را روی تخته بنویسد و ترجمه آن را برای دانش آموزان بیان کند. در صورت امکان، تصویر بزرگ دستگاه عصبی تمام بدن انسان را برای دانش آموزان به نمایش بگذارد.

امروزه دانش نورو فیزیولوژی یا علم بررسی سی-ک-ار کرد دس-تگاه عص-بی ب-ه پیش-رفت ه-ای چشم گیری نائل شده و هر روزه پیچیدگی های جدیدی را در مغز کشف می کند.<sup>(۲)</sup>

از دیدگاه علم فیزیولوژی، مغز یک دستگاه فوق العاده پیش-رفته اس-ت. مغ-ز مانن-د رایان-ه شامل مسیرهای ورودی (راه های حسی)، بخش ذخی-ره اطلاع-ات (حافظ-ه)، بخ-ش تحلی-ل اطلاعات و نتیجه گیری (تفکر) و مسیرهای خروجی (راه ه-ای حرکت-ی) م-یباش-د. اطلاع-ات دیداری، شنیداری، چشایی، لامسه و غیره از طریق ح-س وارد مغ-ز ش-ده، در حافظ-ه ذخی-ره می شوند و یا مورد تحلیل قرار می گیرند. آنگاه فرمانهای خروجی از طریق راه های حرکتی به اعضا منتقل م-یشوند و اعضا را وادار به عمل می سازد.

ص: ۱۷۵

۱- مائده: ۶

۲- ر.ک: سیدعلی مرعشی، حکم وضو و ساختمان مغز، مجله بشارت، شماره هفتم، ص ۳۹ - ۴۲.

برای اینکه حواس پیکری (۱) ادراک شوند باید به منطقه ویژه ای از قشر خاکستری مغز-ب-ه نام "قشر حسی" مخابره شوند. حس هر بخشی از بدن به قسمت خاصی از قشر حسی ارسال می شود. به عبارت دیگر، هر قسمت از قشر حسی به بخش معینی از بدن مرتبط است ک-ه-اگ-رنقشه آنها را طراحی کنیم، دقیقاً شکل یک آدمک به دست می آید ک-ه-آن را "آدم-ک حسی" نامیده اند؛ برای مثال اگر دست آدمک حسی را در مغز تحریک کنیم آن شخص واقعاً احساس می کند که دستش تحریک شده است. این واقعیت درمورد همه اعضا صدق می کند.

نکته دیگری که گفتنش لازم است، اینکه تناسب اندام های آدمک حس-ی-ش-بیه-ب-ه-ی-کانسان واقعی نیست. آدمک حسی، صورت و دست هایی بس-یار-ب-زرگ دارد، درح-الی-ک-ه-تن-ه-ران ها و ساق پاهای آن بسیار کوچک هستند. همچنین کف پای آدمک نیز ب-زرگ اس-ت. در آدمک حسی، اعضایی که بزرگ تر هستند، حساسیت بیشتری دارند. به همین دلیل اس-ت ک-ه-حساسیت دست و صورت انسان به علت وجود گیرنده های حسی ف-راوان، ب-یش از پ-ا و تن-هاست؛ لذا دقت حسی این بخش ها بالاتر است.

اگر ما به نقشه دقیق آدمک حسی توجه کنیم، به راحتی درم-یی-ایم ک-ه-اعض-ای-ب-زرگ آدمک حسی تقریباً همان اعضایی هستند که در هنگام وضو، شسته می شوند.

## پیوند با بحث

سؤال: چه رابط های بین وضو و آدمک حسی وجود دارد؟

با توجه به نقشه آدمک حسی، روشن است که وقتی در جریان وضو، داخل دهان، صورت، ساعدها، کف دست ها، جلوی سر و روی پاهای آدمک حسی، تحریک ش-وند، قس-مت اعظ-م قشر حسی، تحریک می شود و هوشیاری به سطح بالایی می رسد؛ درح-الی-ک-ه-فق-ط-چی-زی، حدود ۰۲٪ از سطح بدن مرطوب شده است. به عبارت دیگر، اگر برنامه وضو به گونه فعلی نبود و مناطق دیگری از بدن شسته می شدند، چنین اثری به دست نمی آمد.

ص: ۱۷۶

۱- به حواسی گفته می شود که در سرتاسر بدن وجود دارند و مختص به عضو خاصی نیستند، مانند لامسه، درد، حس سرما و گرما و امثال آنها.

جالب آنکه، برخی ظرافت های استجابی وضو نیز، با این توجیه علمی مطابقت دارد؛ برای مثال:

وضو گرفتن قبل از مطالعه توصیه شده است.

وضو گرفتن قبل از خواب. هرچند ممکن است به نظر برسد که تحریک حسی مانع خواب می شود؛ اما تجربیات نشان می دهند که برای دستیابی به یک خواب راحت و عمیق، استحمام قبل از خواب مفید است، که وضو م تواند جای آن را بگیرد.

مستحب است شخص، بعد از وضو گرفتن اعضای خود را خشک نکند، تا خودش خش-ک شود. این امر سبب م ی شود، مدت تحریک حسی طولانی شود.

وضو گرفتن با آب سرد، ارجح است؛ زیرا آب ولرم، کمتر از آب سرد تحریک حسی ایجاد می کند.

جالب آنکه، شناسایی آدمک حسی، در سال ۴۵۹۱ میلادی، صورت گرفته است؛ درحالیکه

امام صادق(ع) حدود ۱۲۷۰ سال پیش فرمودند: "مَيْنُ ذِكْرِ اسْمِ اللَّهِ عَ لَى وَضُ - وَئِهِ فَكَأَنَّكُمْ - اِغْتَسَ - ل!" (۱) هرکس ذکر خداوند را به هنگام وضو بگوید، مانند این است که غسل کرده باشد.

همچنین پیغمبر اکرم(ص) فرمودند: "أَنَّ مَنْ تَوَضَّأَ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ طَهَّرَ جَمِيعَ جَسَدِهِ" (۲) هرکس به هنگام وضو یاد خدا کند، تمام بدنش را پاک کرده است.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس ش-د (۳)

ص: ۱۷۷

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰.

۳- حافظ شیرازی، دیوان.

### راهبرد جلسه

در این جلسه می خواهیم بیان کنیم مناسب ترین وقت برای اقامه نماز چه زمانی است.

### جذاییت اولیه

مربی ابتدا چند نفر از دانش آموزان را برای اجرای مس-ابقه پرس-ش و پاس-خ-دع-وت کن-د. از دانش آموزان بپرسد اگر شخص مهمی مثل رئیس جمهوری یا رهبری بخواهد با شما ملاق-ات کند و تعیین زمان دیدار را به شما واگذار کند، شما چه زمانی را انتخاب می کنید؟ لطفاً اجازه بدهید دانش آموزان نظرات خودشان را بیان کنند.

### زمان دیدار

مسلماناً ما زمانی را که کاملاً خسته باشیم و حال حرف زدن نداشت-ته باش-یم انتخاب-اب... (اج-از بدهید دانش آموزان بگویند: نمی کنیم) یا زمانی را که عصبانی باشیم و حوصله نداشت-ته باش-یم انتخاب... (باز دانش آموزان بلند بگویند: نمی کنیم). پس نسبت به شرایط، زمان و مکانی که در آن قرار داریم سعی می کنیم بهترین وقت را برای صحبت و ملاقات و گفت گوی خودمانی ب-ایشان قرار بدهیم. چرا؟ چون می خواهیم با شخصیت مهم و قابل احترامی دیدار کن-یم؛ پ-س زمانی که می خواهیم نماز بخوانیم هم باید بهترین وقت را که از هر نظر سرحال هستیم برای گفت و گو با خدا قرار بدهیم.

"لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى"؛ (۱) در حال مستی به نماز نزدیک نشوید.

ص: ۱۷۸



چون می خواهیم با مدیریت کل جهان آفرینش دیدار داشته باشیم و نی-ز م-ی خ-واهییم ب-ا قدرت، علم، حکمت و ثروت بی نهایت هستی ملاقات داشته باشیم. از همین رو امی-ر الم-ؤمن ین علی(ع) فرمودند: "وَأَجْعَلْ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ لِلصَّيْلَةِ"؛ (۱)

بهترین وقت را برای نماز قرار بده.

### نتیجه گیری

هر کس که برای ما اهمیت خاصی داشته باشد، یا علاقه و محبت به او داش-ته باش-یم، س-عی می کنیم در زمان دیدار با او بهترین حال و روحیه را داشته باشیم. ما تا به حال چق-در ب-ه ای-ن موضوع فکر کرده ایم که در حال نماز با چه کسی سخن می گوییم؟

خدایا، به ما توفیق بده نمازی بخوانیم که تو می خواهی. آمین

ص: ۱۷۹

در این جلسه سعی می شود با زبانی ساده ضمن بیان نکاتی جذاب، به اهمیت نم-از اول وقت-پرداخته شود .

### جذاییت اولیه

به این حکایت توجه کنید:

"خواجه منصور"، وزیر "سلطان طغرل" مردی بود دان-ا، لای-ق، باشخص-یت، خداپرس-ت و درستکار. او در انجام وظایف دینی مراقبت کامل داشت و معمولاً همه روزه بعد از نم-از ص-بح، مدتی می نشست و دعا و ذکر می خواند و بعد از طلوع آفتاب، جامه وزارت می پوشید و به دربار می رفت. روزی سلطان طغرل، وزیر را قبل از طلوع آفتاب احضار کرد. مأموران ب-ه من-زل وی رفتند و او را در حال خواندن دعا دیدند. امر پادشاه را ابلاغ کردند. وزیر به گفته آنه-ات-وجهی نکرد و همچنان به خواندن دعا ادامه داد. مأمورین بی اعتنایی او را بهانه کردن-د و ب-ه ع-رض پادشاه رساندند که وزیر نسبت به او امر پادشاه، احترام نکرده است و ب-ا ای-ن س-خن، س-لطان طغرل را به سختی خشمگین کردند. وزیر پس از فراغت از عبادت، سوار بر مرکب-ب ش-د و ب-ه دربار آمد. به محض ورود، شاه با تندی به وی گفت: "چرا دیر آمدی؟" وزیر با کم-ال ق-وت و آرامش عرض کرد: "ای پادشاه! من بنده خداوندم و چاکر سلطان طغرل. تا از بندگی خدا فارغ نشوم نمی توانم به وظایف چاکری پادشاه قیام نمایم!" گفتار محکم و پر از حقیقت وزیر، ش-اه را سخت تحت تأثیر قرار داد. سلطان، عمل وزیر را تأیید کرد و ضمن تشویق او، سفارش کرد

همواره به این روش ادامه دهد و بندگی خدا را بر چاکری او مقدم دارد. (۱)

## چرا نماز اول وقت؟

چرا نمازمان را اول وقت بخوانیم؟ (۲) امیرالمؤمنان (ع) به محمد بن ابی بکر فرمود:

"مراقب وقت نمازت باش و آن را به هنگام بخوان؛ نه ب-ه دلی-ل بیک-اری، پ-یش از موق-ع بخوان و نه به سبب کاری، آن را از وقتش تأخیر انداز. (۳) به نظر شما این جمله به چه معناست؟ دوستان خوب من، اگر تشنه یا گرسنه باشیم، چه می کنیم؟ زمانی که برنامه مورد علاقه ما از تلویزیون پخش می شود چه می کنیم؟ هنگام ملاقات با کسی که خیلی دوستش داریم چگونه رفتار می کنیم؟ عموماً در تمام این موارد خودمان را از قبل آماده می کنیم تا در زم-ان و وق-ت مخصوص بتوانیم بهره ای را که باید، ببریم. برای خوردن غذا زودتر سر سفره حاضر می شویم، برای دیدن برنامه مورد علاقه، تلویزیون را زودتر روشن می کنیم و برای ملاقات با کسی که دوستش داریم زودتر آماده می شویم. از آنجایی که نماز یعنی ق-رار ملاق-ات عاش-ق و معش-وق واقعی، پس این خیلی طبیعی است که بن-ده واقع-ی ه-یچ وق-ت س-اعت و ق-رار ملاق-اتش را

فراموش نکنند و شامل این آی-ه ش-ریفه نباش-د ک-ه: "فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِ سَاهُونَ"؛ (۴) وای بر نمازگزاران، آنانکه دل از یاد خدا غافل دارند؛ یعنی کسانی که دروغ می گویند و تظاهر به عشق می کنند. اعلام مسلمانی، یعنی اطاعت و دوست داشتن خدای متعال؛ اما در وقت ملاقات و دیدار، گاهی می آیند و گاهی نمی آیند، یا گاهی زود می آیند و گاهی دیر!

## نتیجه گیری

خواندن نماز در اول وقت، در واقع حکایت از حال درونی ما دارد که تا چه اندازه ب-ه ادعاه-ایی که داریم، پایبند هستیم و چه خوب می شود ما نیز مانند خداوند متعال در انجام خوبی ها عجله

ص: ۱۸۱

۱- مرتضی عطایی، داستانهای نماز، ص ۴۸.

۲- اجازه دهید دانش آموزان نظرهای خود را بگویند.

۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ح ۳۱۲۸.

۴- ماعون: ۴ - ۵

داشته باشیم: قال رسول الله (ص): "إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ"<sup>(۱)</sup> البته نکته ای که نباید از آن غافل شد این است که این بحث، استثنائاتی هم دارد که بیان خواهد شد. إنشاءالله .

خدایا، به ما توفیق خواندن نماز اول وقت را عنایت فرما. آمین .

ص: ۱۸۲

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۷۴.

در این درس با یکی از صفات مؤمنان و علاوه بر آن ب-ه-ی-ک امتحان ب-ه-ظ-ا-هر س-خت از خودمان می پردازیم .

### جذاییت اولیه

دوستان خوب من، اگر شما مشغول کاری باشید که بسیار بسیار م-ورد علاق-ه شماس-ت و در همان لحظه پدر یا مادر شما، شما را صدا بزنند، چه کار می کنید؟

آیا سریع دست از کار مورد علاقه خود برمی دارید و پاسخ آنان را می دهید؟ یا می گویی-د :

"صبر کن، کار دارم!"

آیت الله بهجت فرمود هاند: "همین نماز را که ما با تهدی-د و تازیان-ه و عقوب-ت جهنم-ی شدن در صورت ترک آن، انجام می دهیم، در حال یکه آقایان می فرمایند: از همه چیز لذیذتر نماز است. نماز جامی است از لذیذترین لذایذ که چنین شرابی خوش گوار در عالم وجود ندارد. حال انبیا: و اطرافیان آنها را ببینید، چگونه بوده است؟!

نماز، مهم ترین وقت ملاقات و حضور در محضر خداوند متعال است. چقدر مردم در مراتب معنوی با هم تفاوت دارند! خداوند متعال نماز را برای خضوع و خشوع ق-رار داده اس-ت؛ ول-ی چقدر متفاوت است نماز و حال کسی که حقیقتاً نماز گزار و در محضر پروردگار است با کس-یکه ادای نماز گزاران را درمی آورد و شبیه نماز گزاران است" (۱).

دوستان خوب من، امام صادق(ع) در روایتی مفصل اوصاف مؤمنان را بی-ان ک-رده اس-ت،

ص: ۱۸۳

یکی از مهم ترین آنها " وَصَلَاةٌ فِي شُغْلٍ " (۱) است .

دوستان من، کدام یک از شما می داند معنای این روایت چیست؟ (۲)

احسنت؛ انسانی که خدا را باور دارد و عاشق اوست، باینکه اشتغال به کار مهم-ی دارد، در وقت نماز، نمازش را می خواند و از اول وقت تأخیر نمی اندازد .

شاید بگویید مگر این چه امتیازی برای مؤمن است؟

می گوئیم: اینکه انسان به واسطه شغل و کارش از نماز بازماند درواق-ع مص-داق ای-ن آی-ه

شریفه است: " رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ "؛ مردانی که نه تج-ارت و ن-هم عامل های آنان را از یاد خدا و بر پاداشتن نماز غافل نمی کند. (۳)

قطعاً این غافل نشدن از یاد و ذکر خداوند متعال انگیزه و عشق و علاقه-ه ف-وق الع-اده ای لازم دارد که به واسطه آن از بازار و گرمی کار مورد علاقه خود در وقت نماز، دست برداریم.

بله، دیگران هم حتماً نماز خود را می خوانند؛ ولی ممکن است ت-أخیر بیندازن-د و مواظ-ب اول وقت و وقت فضیلت آن نباشند. این به معنای میزان عشق و علاقه بنده به معبود یکت-ا و بی همتای خود می باشد .

### نتیجه گیری

برای همین در اذان و اقامه گفته می شود: حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. "حَى" اسم فعلی است که معنای امری می دهد؛ یعنی "شتاب کن"، "عجله کن" به سوی بهترین اعمال، و این شتاب و عجل-ه شکل نمی گیرد مگر از درون، عشق و علاقه ای که خداوند متعال خود در قل-ب م-ا ق-رار داده است، به جوشش درآید .

ص: ۱۸۴

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲- مربی گرامی همین قسمت را روی تخته بنویسد و اجازه دهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.

۳- نور: ۳۷

در این جلسه به بیان این نکته می پردازیم که یکی از خصوصیات مؤذن، خوش ص-دایی اس-ت که اگر با اخلاص همراه شود زینده تر است .

### جذائیت اولیه

مربی عکس را در قطع بزرگ در منظر دانش آموزان قرار می دهد. دوستان خ-وبم، چ-ه کس-یایشان را می شناسد؟ بله ایشان آقای مؤذن زاده اردبیلی است که یک-ی از اذان ه-ای مع-روف وزیبا از ایشان می باشد. ایشان از سال ۱۳۲۶ اذان می گفت و اولین م-ؤذنی ک-ه در رادی-و اذان گفت، ایشان بود. مربی اگر بتواند قسمتی خیلی کوتاه از اذان ایشان را پخش کند بسیار جذاب خواهد شد .

### بیان داستان

روزی روزگاری شهری بود که مؤذنی بسیار بدآواز داشت.، وقتی او اذان می گفت، خاص و عام دچار سر درد می شدند. کودکان، ترسان از خواب می پریدند و همه از آواز او در عذاب بودند ت-اروزی او با قافله ای عازم مکه شد. در میان راه به وادی کافران رس-یدند و در هم-ان ج-ا اردوزدند. مؤذن قصد کرد اذان بگوید. همه از او خواستند در سرزمین کافران اذان نگوید تا جن-گو دشمنی به وجود نیاید. مؤذن گوش نکرد، و صدای اذان گوش خراشش در سراسر وادی کفر پیچید. هنوز لحظاتی از برخاستن صدای اذان او نگذشته بود که کافری ش-مع ب-ه دس-ت ب-ه آن سو آمد و با خود هدیه ای آورد، هدیه، حلوا و جامه ای لطیف بود. گفت: "مؤذنی که ص-دای او در دیار ما پیچید، کجاست که صدای اذان او راحت جان من بود!" همه با تعجب ب-ه ه-منگام کردند. مرد کافر، که دلیل تعجب آنها را می دانست، گف-ت: "دخت-ری دارم ک-ه آرزوی-ش

مسلمان شدن بود، هرچه کردم، هرچه به او پندمی دادم، هر چه به او وعده می دادم، دست از این ایمان و آرزو بر نمیداشت. من در عذاب بودم و هیچ چاره ای برایم باقی نمانده بود تا اینکه صدای این مؤذن بلند شد. دخترم سؤال کرد که این آواز زشت چیست؟ خواهرش گفت: بانگ اذان و شعار مسلمانان است. او باور نکرد و از دیگران پرسید. همه به او همین جواب را دادند. او که به یقین رسیده بود این آواز زشت، شعار مسلمانان است، دست از مسلمانی کشید و من، آسایش روح و روانم را یافتم و حالا برای تشکر از این مؤذن زشت آواز، هدیه ای آوردم.

چون بدیدش گفت این هدیه پذیر چون مرا گشتی مجیر و دستگیر آنچه کردی با من از احس-ان و بر بنده تو گش-ته ام م-ن مس-تمر(۱)

## سؤال

- چرا اذان، شعار مسلمانان است؟

- به نظر شما چه چیز موجب شد با وجود اینکه همه مخالف اذان گفتن آن مؤذن بودند او باز اذان بگوید؟

- آیا تنها عامل تنفر مردم، صدای زشت او بود یا نکته دیگری مطرح است؟- مؤذن پیامبر اکرم (ص) چه نام داشت؟

بانگ اذان، بانگ ندای عاشق و معشوق است که صدا می زند بیا وقت ملاقات ف-را رس-ید.

وقت دیدار دو دوست است و هنگام از نو نشستن، درد دل کردن. بیا که غصه هایت را گ-وش کنم، همه مشکلاتت را می دانم، راستی می دانی قبل از تو، همه آنهایی که مرا ب-اور کردن-د دست در دست من گذاشتند به آرزوهایشان رسیدند. تو نیز به پا خیز؛ چرا که کاری بهتر از ای-ندر عالم وجود ندارد. پس بلند شو که زمان دیدار نزدیک است.

## نتیجه گیری

هر روز شعار هر مسلمانی آن هم روزی چند بار این است: "من تنها نیستم". چه خوب اس-ت

ص: ۱۸۶

۱- مولوی، مثنوی معنوی.



که این شعار را یک خوش صدا آواز کند؛ اما فقط خوش صدایی مؤثر نیست؛ ب- اور داش- تن ای- ن شعار مهمتر است. مثل بلال، وقت دیدار که فرا می رسید نبی اکرم (ص) می فرم-ود: "أَرْحَنَ اِی- ابلال".<sup>(۱)</sup> صدای اذان بلال، آرامش بخش بود؛ چون با اعتقاد اذان میگفت.

خدایا، به ما توفیق بده تا دیگران را به دین اسلام دعوت کنیم. آمین .

ص: ۱۸۷

---

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۷۹ ص ۱۹۳ باب ۱

در این جلسه با تعریف اخلاص و مسیر ایجاد آن آشنا خواهیم شد.

### جذاییت اولیه

جوانی عاشق دختر پادشاهی شد. رنج این عشق او را بیچاره کرده بود. مرد زیرکی از ن-دیمان پادشاه که دلباختگی او را دید و جوان را ساده و خوش قلب یافت، به او گفت-ت: پادشاه-اه-ل-معرفت است، اگر احساس کند که تو بنده خوبی از بندگان خدا هستی؛ خ-ودش ب-ه-س-راغ-ت-و خواهد آمد.

جوان به امید رسیدن به معشوق در گوشه ای به عبادت و نیایش مشغول شد.

به طوری که اندک اندک مجذوب پرستش گردید و آثار اخ-لاص در او تجل-ی یافت. روزی گذر پادشاه به او افتاد. احوال وی را جویا شد و دانست که جوان، بنده ای با اخلاص از بندگان خداست. همان جا از وی خواست تا برای خواستگاری دخترش بیاید!

جوان فرصتی برای فکر کردن خواست و پادشاه به او مهلت داد. هم-ین ک-ه پادشاه-اه از آنمکان دور شد، جوان وسایل خود را جمع کرد و به مکان نامعلومی رفت. ندیم پادشاه از رفت-ار او تعجب کرد و به جست و جوی او پرداخت تا علت این تصمیم را بداند. بع-د از م-دته-ا او را یافت و گفت: تو در شوق رسیدن به دختر پادشاه آن گونه ب یقرار و ب-یت-اب-ب-ودی! پ-س چ-را وقتی پادشاه به سراغ تو آمد و ازدواج دخترش را از تو خواست، از آن فرار کردی؟ جوان گفت: اگر آن بندگی دروغین که به سبب رسیدن به معشوق بود، پادشاهی را ب-ه درخانه ما آورد، چرا قدم در بندگی راستین نگذارم تا پادشاه جهانیان را در خانه خویش بینم؟ چشمی دارم همه پر از دیدن دوست با دیده مرا خوش است چون دیده در اوست

از دیده و دوست فرق کردن نت-وان ی ا دوست درون دیده یا دیده دوست(۱) به نظر شما تعریف اخلاص چیست؟ اگر بخواهیم مخلص شویم باید چه کار کنیم؟

اخلاص یعنی کاری را فقط برای محبوب و معشوق خود انجام دادن و خالص کردن عمل از هر گونه ریا، خودنمایی و شرک: "ان لله لا یقب-ل م-ن العم-ل الام-ا ک-ان خالص-ا لوجه-ه وابتغ-ی ب-ه وجهه". (۲)

اگر بخواهیم مخلص شویم باید عاشق بشویم. این قدرت و عظمت عشق است که مانع از ورود غیرمعشوق به قل ب عاشق-م-ی ش-ود؛ مانن-د امی-الم-ؤمنین(ع) ک-ه در ش-رایط ع-ادی نمی توانستند تیر را به دلیل شدت درد از پای م-ب-ارکش خ-ارج کنن-د و در نم-از ب-دون این ک-ه حضرت متوجه بشود خارج کردند؛(۳) چراکه او اَشَّ دُ حُباً لله(۴) است. خدای متع-ال را از هم-ه چی-ز وهمه کس بیشتر دوست دارد و عاشق و دلباخته خداست، و این عشق او را از خود بی خود کرده است و از غیر یار غافل.

### نتیجه گیری

اولین و اساسیترین پایه نماز اخلاص است. برای ایجاد اخلاص به عشق-ق و دل ب-اختگی ب-ه محبوب واقعی نیاز است؛ چون تا عاشق نشویم خالص نمی شویم.

خدایا، ما را از مخلصین واقعی قرار بده. آمین.

ص: ۱۸۹

۱- ابوسعید ابوالخیر

۲- "خداوند در میان اعمال جز عمل خالص را که برای رضای او باشد، قبول نمیکند" (عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۲۲۵).

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱ ص ۱۵.

۴- طه: ۱۸

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که نماز بدون اخ-لاص درج-ه مقب-ولیتش ک-م است .

### جذاییت اولیه

در ابتدای جلسه مربی مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی را به دانش آم-وزان نش-ان م-یده-دومی پرسد: این چه کتابی است و نویسنده آن کیست؟ پس از شنیدن پاسخ صحیح، حکایت ذیل را تعریف می کند .

ماه رمضان یکی از سالها با چند تن از رفقای آیت الله شیخ عباس قمی از ایشان خ-واهش کردیم که در مسجد گوهرشاد نماز جماعت را اقامه کند. با اصرار فراوان ای-ن خ-واهش م-را پذیرفتند و چند روز نماز ظهر و عصر را در یکی از شبستان های آنجا اقامه کردند. روزه روز بر جمعیت نماز گزاران افزوده می شد. هنوز ده روز نشده بود که اشخاص زیادی اط-لاع یافتن-د و جمعیت زیادی در جماعت شرکت می کردند. یک روز پس از اتمام نماز ظهر به من که نزدیک ایشان بودم، گفتند: من امروز نمی توانم نماز عصر بخوانم. رفتند و دیگر آن سال را برای نم-از جماعت نیامدند! بعدها از ایشان علت ترک نم-از جماعت-ت را س-ؤال ک-ردم. ایش-ان فرمودن-د :

حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم، متوجه شدم که صدای اقتداکنن-دگان ک-ه پش-ت سر من می گویند: یا لله یا لله، إِنَّ لَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ مِنْ لَدُنْهِ أَجْرٌ عَظِيمٌ. ای-ن توجه که مرا به زیادتی جمعیت متوجه کرد، در من شادی و فرحی ایجاد کرد و خلاصه خوشم

آمد که جمعیت این اندازه زیاد است؛ بنابراین من برای امامت نماز جماعت اهلیت ندارم. (۱)

## بیان لطیفه

یکی در مسجد مشغول نماز خواندن بود. در طرف دیگر مسجد هم چند نفر - داش - تند ب - ا - ه - م صحبت میکردند. این آقا که تمام حواسش به آنطرف مسجد بود، شنید که دارند از او تعریف می کنند و می گویند: عجب نماز با حالی، خوش به سعادتش، خداوند چه توفیق - اتی ب - ه - او داده است. این بنده خدا کلی ذوق کرد و شروع کرد به آب و تاب دادن و با صوت زیب - ا - نم - ازش را ادامه داد. آنها هم همین طور به تعریف هایشان ادامه میدادند. دیگر نتوانست خودش را کنترل کند، وسط نماز فریاد زد: تازه روزه هم هستم!

## پیوند با بحث

اولین و مهم ترین واجب و رکن نماز، نیت است. منظور از نیت همان رعایت اخلاص در نم - از است. نماز ما زمانی روح و ماهیت دارد که پاک و بی ری - ا - باش - د . ش - اید یک - ی - از عل - ل - نب - و دنا خلاص این باشد که آنقدر که برای دیگران شأن و منزل - ت و بزرگ - ی قائل - ل هس - تیم، ب - رای خداوند متعال که صاحب جبروت و ملکوت است، قائل نیستیم: قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر. (۲)

دوستان خوبم، برای کسی که عاشق است اصلاً مهم نیست که کسی غیر از معشوق به او و کارهایش توجه می کند یا نه. حتی برعکس، از اعماق وجودش می خواهد کارش ب - ا - ص - فا و صداقت و اخلاص پیش برود و اگر احساس کند ته دلش آنگونه که باید نیست - ت، خ - ودش را سرزنش و تنبیه میکند؛ مانند این عالم جلیل القدر شیخ عباس قمی .

خدایا، کمک کن تا نماز با اخلاص بخوانیم. آمین .

ص: ۱۹۱

۱- شیخ عباس قمی، فوائد ال رضویه، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- بگو: خدایا، ای مالک همه موجودات، به هر که خواهی حکومت می دهی و از هر که خواهی حکومت را می ستانی، و هر که را خواهی عزت می بخشی و هر که را خواهی خوار و بی مقدار می کنی. هر خیری به دست توست. یقیناً تو بر هر کاری توانایی " (آل عمران: ۲۶)

در این جلسه به بررسی عوامل ایجاد تمرکز و پرهیز از حواس پرتی در نماز می پردازیم .

### جذاییت اولیه

سلام، خسته نباشید دوستان خوبم. امروز می خواهم برایتان داستانی تعریف کنم - ف ک - ن م ک - ه تقریباً مطمئنم برای همه لااقل یک بار پیش آمده است. این ماجرا شما را هم مثل من به خن - ده درمی آورد! اما بعد از خندیدن قول بدهیم کمی فکر کنیم.

در روزگاران گذشته، بنده خدایی مقداری پول داشت که نمی دانست کج - ا پنه - انش کن - د.

بالآخره تصمیم گرفت پول ها را در گوشه ای زیر خاک دفن کند؛ اما از بخت بد، ج - ای کی س - هیول را فراموش کرد. خیلی اینطرف و آنطرف زد؛ اما هرچه بیشتر م - ی گش - ت بیش - تر نامی - دمی شد؛ تا اینکه فکری به سرش زد. تصمیم گرفت سراغ بزرگ شهرش - ان ب - رود و از او کم - ک بگیرد. خدمت بزرگ شهر رسید و ماجرا را با سوز تمام تعریف کرد. آن بزرگ بع - د از ش - نیدن ماجرا تأملی کرد و گفت: من کلکی بلدم که با آن می توانی مشکلات را حل کنی. او رو به مرد کرد و گفت: برو امشب تا صبح نماز بخوان و مطمئن باش که گمشده ات را پیدا می کنی. مرد هم رفت و شب، شروع به خواندن نماز کرد؛ اما هنوز دو ساعت نگذشته بود که ناگهان وس - طنماز، جای پول ها را به یاد آورد. فوراً نمازش را تمام و شروع به دویدن کرد. بله، کیسه درست سر جایش بود و الحمدلله پول ها تمام و کمال موجود بود. ب - الاخره آن ش - ب گذشت و ف - رداخدمت آن بزرگ رسید و به او گفت: چه زود راهی که نشان دادی کارساز شد. من پ - ول ه - ا را پیدا کردم. آن بزرگ، لبخندی زد و گفت: می دانستم که شیطان نمی گذارد تو ت - ا ص - بح نم - از

بخوانی! چرا به شکرانه پیدا کردن محل پول هایت تا صبح نماز را ادامه ندادی؟ (۱)

## پیوند با بحث

اولین چیزی که باید به آن فکر کرد و از آن خجالت کشید، حواس پرتی در نماز است. ما ه-م، مثل این آقا شاید بارها مشکلاتمان سر نماز حل شده باشد؛ اما این جای تأس-ف دارد. م-ن از حضرت حق به دلیل این همه بی ادبی ام شرمنده ام. می دانید چرا؟ چون من خودم اصلاً خوش-م نمی آید وقتی دارم با کسی حرف می زنم، حواسش به من نباشد. به نظر ش-ما چق-در ب-ی ادب-یاست، وقتی با خداوند جهانیان، علیم حکیم عزیزِ قدیرِ بی همتا، ص-حبت م-ی کن-یم حواسمان جای دیگری باشد؟

## نتیجه گیری

مهم ترین عاملی که سبب حواس پرتی ما در نماز می شود، کم توجهی و بی توجهی ما به ارزش نماز و کسی است که در نماز با او صحبت می کنیم. تا به حال دقت کرده اید، اگ-ر ب-ه چی-زی علاقه داشته باشیم، شب و روز ما را به خودش اختصاص می دهد. اگر نسبت به خالق مهربان نیز کمی عشق و علاقه داشته باشیم، آیا باز ممکن است، در نماز حواس پرتی داشته باشیم؟

خدایا، کمک کن نماز بدون حواس پرتی بخوانیم. آمین.

ص: ۱۹۳

در این جلسه به تعریف و زشتی ریا در نماز می پردازیم .

### جذاییت اولیه

جذاییت اولیه (۱) نماز چیست؟ مجاللی برای خاراندن! مفاص--ل س--ر انگش--ت را فش--اراندن به یاد درد و بدهکاری و غم افتادن به ذهن خود همه را ی-ک ب-ه ی-ک ش-ماراندن در اوج کسب تمرک-ز، مگ-س اگ-ر آم-د ب-ه ی--اری س--ر و دس--ت و دم--اغ، تاران--دن! به وقت گف-تن م-د ال-ف--والض-الین- به ف-یلم و س-ی دی و دی-ش، دل س-پاراندن همیشه بین ی-ک و دو، فجی-ع ش-کیدن چاهار رکع-ت خ-ود را، دوت-ا گزاران-دن به هر طرف نظری، بلکه جفت گردد جور ک--ه در نم--از فراداس--ت، چش--م چاران--دن!

اگر که سوسک غریبی ب-ه جانم-از افت-اد دو پ--ای ق--رض نم--وده، ب--دان فراران--دن!

ریا کنیم و ریاست کنیم و خوش باشیم اگر شود که به مسجد دو چش-م باران--دن! (۲)

### ریا چیست؟

ریا یعنی کاری را برای غیر خدا انجام دادن و دیگران را در آن کارش-ریک ک-ردن. از هم-ین

جهت امام صادق (ع) فرمودند: "کُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ إِنَّهُ مَن عَمِلَ لِلنَّاسِ كَأَن ثَوَابُهُ عَلَى الْمَن-إِسِ وَ مَن عَمِلَ لِلَّهِ كَأَن ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ"؛ (۳) تمامی ریاکاری ها شرک است. یقیناً کسی که عملی را ب-رای م-ردم انجام-ام می دهد پاداش و جزای آن را هم باید از مردم بگیرد، و کسی که عمل خ-ود را ب-رای خداوند-دمتعال انجام دهد، ثواب و پاداش آن بر عهده خداوند متعال می باشد.

ص: ۱۹۴

۱- مربی محترم ابتدا با لطافت و احساسات شروع به شعر خواندن کند.

۲- زهرا دری.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۳



از این نماز غرض آن بود که م-ن ب-ا ت-و ح-دیت درد ف-راق ت-و ب-ازنگ-زارم و گرنه این چه نمازی بود که من ب-ی ت-و نشسته روی به محراب و دل به ب-ازارم (۱)

### نتیجه گیری

دوستان عزیز، به نظر شما این رفتار تا چه اندازه مؤدبانه است که من هنگام صحبت کردن ب-اشما اولاً توجه به شما نداشته باشم و بدتر از آن، در حضور شما کارهایی را برای جل-ب توج-ه دیگران انجام بدهم؟ آیا شما به من نمی گوید: خب، تو که دوست داری با دیگ-ری ص-حبت کنی و حواست پیش اوست، برو با او صحبت کن؟

خدایا، اعمال ما را از ریا دور گردان. آمین .

ص: ۱۹۵

---

۱- مولوی

### راهبرد جلسه

امام حسن عسگری (ع) فرموده اند: "يَقِيْمُونَ الصَّلَاةَ يَعْنِي بِاتِّمَامِ رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ حِفْظِ مَوَاقِيْتِهَا - ا وَ حُدُودِهَا وَ صِيَانَتِهَا عَمَّا يُفْسِدُهَا اَوْ يَنْقُصُ - هَا"؛ (۱) رکوع و سجود را به تمامه انجام ده-یم و ب-ر اوق-ات

نمازمان مراقبت داشته باشیم و حدود نماز را حفظ کنیم و از نمازهایمان مراقبت ویژه ای داشته باشیم تا از فاسد شدن و ناقص شدن آن جلوگیری کنیم.

### جذاییت اولیه

مربی گرامی ابتدا یک جدول مانند شکل زیر رسم کند و جدول را از راست به چپ پ-ر کن-د و با بیان هر سؤال و دریافت پاسخ صحیح آن، حرف اول هر پاسخ را در یک خانه قرار دهد. (۲)

۱. به شخصی می گویند که از اذان صبح تا اذان مغرب از خوردن و آشامیدن امس-اک می کند؟ (روزه دار)

۲. حرف ندای مشترک را می گویند؟ (یا)

۳. پیامبری که بدون پدر و مادر به دنیا آمد؟ (آدم(ع) رمز جدول کلمه "ریا" می باشد. (۳)

ریا

ص: ۱۹۶

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار ج ۱۸، ص ۲۳۱

۲- اجازه بدهید پاسخ ها را دانش آموزان بیان کنند.

۳- مربی گرامی ابتدا رمز جدول را از دانش آموزان پرسد که کدام کلمه است؟

"ریا" ضد "اخلاص" است. از ریشه های ریا می توان به حب دنیا و فراموشی آخرت و اندیش - ه نکردن در پاداش های الهی و تأمل نکردن در آفت های دنیاپرستی اشاره کرد.

چه کسی از شما دوستان خوب می داند ریشه ریا در چیست؟

امام صادق(ع) فرمودند: "الرِّيَاءُ شَجَرَةٌ لَا تُثْمِرُ إِلَّا الشُّرْكَ الْخَفِيَّ وَأَصْلُ لَهَا النِّفَاقُ"؛<sup>(۱)</sup> ریاو ظاهر سازی درختی است که میوه ای جز شرک خفی ندارد و اصل و ریشه آن نفاق است.

و این ریا تاریخ انقضای هر عبادت و نیایشی است که موج - ب - پ - وک - ش - دن آن عب - ادت از مفهوم و معنا خواهد شد .

## داستان

مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی؛ از نظر علم سرآمد عصر خود بود و بعد از میرزای بزرگ؛ - آقا میرزا حسن شیرازی همان که حکم تحریم تنباکو را صادر کرد - محل رجوع م - ردم ش - د. میرزای بزرگ غروب از دنیا رفت. خبر مرگش را به مرحوم میرزای کوچک دادند. یک وسوسه و خوشحالی از این ریاستی که به او می رسد در دل میرزای کوچک پیدا شد. خیل - ی ناراح - ت شد و شب تا صبح گریه کرد. دقایق پایانی مراسم ت - دفین ایش - ان را در س - رداب مطه - ر ام - ام زمان (عج) یافتند. دیدند از گریه زیاد چشم هایش باد کرده

گفتند: آقا، بیایید نماز بخوانید. گفت: خیر، من مرجع نیستم. گفتن - د: آق - ا، م - ردم منتظرن - د .

گفت: خیر من مرجع نیستم؛ برای اینکه من در این جا، امام زم - ان (عج) را ب - ه پهل - وی شکس - ته مادرش زهرا(س) قسم دادم که این بار را روی دوش من نگذارد؛ زیرا دل - ی ک - ه ح - ب ریاس - ت داشته باشد، لیاقت این کار را ندارد، ولذا من مرجع نمی شوم .

بالاخره نشد و زیر بار نرفت و هر چه گفتند رساله بنویس، نوشت.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۹۷

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲- حسین مظاهری، کنترل غرایز در زندگی انسان، ص ۱۶۱.

به ایمان هر کسی کاو پایبند است بدین تقوا عزیز و ارجمند - د اس - ت

خوشا مردی که راد و متقی ش - دن شد گر متقی، زشت و شقی شد

بود تقوا همان اکسیر اعظم عمل بسیار از آن باشد اگر ک - م (۱)

ص: ۱۹۸

---

۱- محمد علی انصاری، نهج البلاغه منظوم، ج ۱، ص ۱۸۴.

آیا تاکنون از خود پرسیده اید که چرا باید نماز را رو به قبل-ه-بخ-وانیم؟ مگ-رخ-دا درون کعب-ه-است؟ او که مکان خاصی ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه رو کنیم؟

### جذاییت اولیه

از شگفتی های روح انسان، تأثیر گذاری و تأثیر پذیری درون و بیرون بر یک-دیگر و از یک-دیگر است. کاربرد این مسئله نیز بسیار وسیع است. از عبادات و مسائل تربیتی و سیاسی گرفت-ه-ت-ا شخصیت فردی و اجتماعی و مسائل تهاجم فرهنگی و استقلال و هویت و خل-وص و نظ-م و غیره را دربر می گیرد که با چند مثال سعی می کنیم مسئله روشن شود .

شما وقتی می ترسید، رنگ از چهره تان می پرد. وقتی خجالت م-یکش-ید، ع-رق ش-رم ب-ر چهره تان می نشیند و رنگتان سرخ می شود. وقتی تردی-داری-د، گفتارت-ان سس-ت اس-ت و از صلابت لازم برخوردار نیست. وقتی یقین دارید، محکم و قاطع حرف م-یزنی-د . وقت-ی ب-رای کسی در دل خویش، احساس محبت و احترام دارید، آن را در رفتار تان ه-م ب-روز م-ی دهی-د .

وقتی غمگین و ناراحتید، اشتهایتان از بین می رود و قیافه اتان هم گرفته است و حوصله حرف زدن با کسی را ندارید. وقتی هم دلتان از حادثه ای و صحنه ای می سوزد، اش-ک از دی-دگانتان جاری می شود. به قول آن شاعر:

تا نسوزد دل، نریزد اشک و خون از دیده ها آتشی باید که خوناب کباب آید ب-رون(۱) اینها و ده ها مثال دیگر، نشان می دهد که پدیده ها و حالاتی همچون: ترس، غ-م، ش-ک ،

ص: ۱۹۹

یقین، شرم، عشق، رقت قلب، و شجاعت که همه درونیاند، در چهره و گفتار و رفت-ارانس-ان تأثیر می گذارند .

## پیوند با بحث

رفتار یک مؤمن و منافق با یکدیگر یکسان نیست و اخلاق یک انسان عقیده مند و بی عقی-ده، متفاوت است. همین جا این نتیجه را می توان گرفت که برای تغییر در ظاهر و دگرگون س-ازی رفتار بیرونی، باید به تغییر باطنی و درونی پرداخت؛ چراکه حالات ظاهری ما انسان ها، انعکاس اعتقادات، افکار و ویژگی های درونی ماست .

## تأثیر ظاهر بر باطن

تأثیر دیگر، تأثیر ظاهر در باطن است. به این مثال دقت کنید:

وقتی لباس نو و تمیز می پوشید، احساس دیگری به ش-ما-دس-ت-م-ی-ده-د . وقت-ی-حم-ام می روید و خود را شست و شو می دهید، روحتان هم احساس شادابی می کن-د . وقت-ی-س-وار-ب-ر-مرکبی راهوار یا ماشینی مدلبالا می شوید، نوعی احساس خودبرتری در شما پدید م-آی-د .

وقتی در یک خانه مجلل و کاخ گونه زندگی کنید، ممک-ن-اس-ت-روحی-ات-ش-ما-ه-م-ک-م-ک-م-شاه گونه و متکبرانه شود. حالت شما، زمانی که لب-اس-راحت-ی-داخ-ل-من-زل-پوش-یدهای-د، ب-ا-زمانی که لباس رسمی و بیرونی را در تن کرده اید، یکسان نیست. ی-ک-ف-رد-نظ-امی، اگ-ر-ب-ا-دمپایی و لباس شخصی و بدون کلاه و سلاح باشد حالتش با وقتی که لباس نظامی و پ-وتین و اسلحه دارد فرق می کند. معطر و آراسته بودن، روح را لطیف م-ی-کن-د و آل-ودگی و تعف-ن و شلختگی ظاهری، در روح و روان اثر منفی می گذارد و نشاط را از بین م ببرد .

## نتیجه گیری

از آنجا که ظاهر در باطن مؤثر است، گاهی می توان از راه ایجاد تغییرات بیرون-ی-ب-ه-تح-ولات درونی دست یافت. همانگونه که مثلاً- بعضی با تغییر دکور و آرایش وسایل منزل، دنبال تنوع و شادابی در زندگی و مقابله با افسردگی و دل‌مردگی می روند یا ب-ه-وس-یله ورزش ک-ه-ن-وعی حرکت جسمی است، می کوشند در خودشان طراوت روانی پدید آورند .

جهت گیری ظاهری و ایستادن به سوی یک مکان جغرافیایی دل و جان را هم به هم-ان سمت می کشد و موجب می شود باطن انسان هم توحیدی و ابراهیمی شود. توج-ه ب-ه کعب-ه، باعث می شود انسان از همه چیز سلب جهت کند و دل و بدن و فک-ر را متوج-ه ی-ک جه-ت سازد. (۱)

امام صادق(ع) فرمودند: "آنگاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شئون دنی-ایی و خلاقیت و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سرگرم کننده ای پاک کن و در درون، عظمت خدا را مجسم دار و به یاد آور ایستادن خ-ود را در پیش-گاه خ-دا، آن زم-ان ک-ه اعمال گذشته هریک از انسا نها پیش روی آنان نهاده می شود". (۲)

ص: ۲۰۱

---

۱- جواد محدّثی، رابطه درون و برون ص ۳۴.

۲- مولامحسن فیض کاشانی، محجّه البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

پی بردن به همه اسرار احکام الهی در توان انسان ها نیست. تنها به مط-البی ک-ه از جان-ب حض-رت حق و یا رسول مصدق(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت: تأیید شده باشد، م-ی ت-وان اعتم-اد کرد. با توجه به این مطلب، در این درس به بررسی گوشه ای از اسرار تکبیرها لاجرام می پردازیم.

### جذاییت اولیه

دوستان من ،

۱. بیشترین ذکر می که در نماز تکرار می شود کدام ذکر است؟(۱)

۲. دومین رکن نماز چیست؟

پاسخ این پرسش ها "الله اکبر" است. نخستین سخن ما در برابر خداوند متعال تکبیر است، خدای من! تو بزرگ تر و برتر از هر توصیفی هستی. تو آنقدر عظیم و کریمی که نم-ی ت-وان بیان کرد. مگر می شود بی نهایت را توصیف کرد؟!

### پیوند با بحث

ما با گفتن "الله اکبر" وارد حریم محرم راز می شویم و خداوند متع-ال را تک-ریم و تعظ-یم کرده و داشتن هرگونه شریک را از او نفی می کنیم .

شما فکر می کنید سرّ بالا بردن دست ها در هنگام تکبیر چیست؟(۲) یعنی دور ان-داختن هم-ه

دنیا و قدرت های پویشالی آن. امام رضا(ع) فرمودند: "إِنَّمَا تُرْفَعُ الْيَدَانِ بِالتَّكْبِيرِ لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ خَرَبٌ مِنَ

الْإِيْتِهَالِ وَالْإِتْبَالِ وَالْتَضَرِّعِ فَأَحَبُّ لِّلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ لَمْ يَهْتَبِئًا مُتَضَرِّعًا مُبْتَدِلًا وَهَلًا وَلَا فِي

ص: ۲۰۲

۱- مربی گرامی نظرهای دانش آموزان را بخواند .

۲- این عمل مستحب است.



رَفَعَ الْيَدَيْنِ إِحْضَارَ النَّبِيِّ وَاقْبَالَ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ؛<sup>(۱)</sup> بالا- بردن دس تنها هنگام تکبیر، نشان دهنده توجه و روی آوردن به آن چیزی که در نماز م- ی گوی- د (حض- ور قل- ب). خداون- د متع- ال دوس- ت دارد،هما نظور که خودش بنده اش را دوست دارد، هنگامی که بنده اش می خواهد با او ص- حبت کن- دحالتی عاشقانه و خالصانه داشته باشد. از این رو تکبیرها لا- ح- ر ام، یعنی- ی ح- رف دل ش- ما و متمرک- ز کردن ذهن و دل خود به آنچه می خواهید بگویی- د. ام- ام ص- ادق (ع) درای- ن ب- ا ره ک- لام زیب- ایی

فرمودند: "فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا اطَّلَعَ عَلَى قَلْبِ الْعَبْدِ وَهُوَ يُكَبِّرُ وَفِي قَلْبِ عَارِضٍ عَنْ حَقِيقَةِ تَكْبِيرِهِ قَمَالِ ي- ا ك- اذْبُ اتَّخَذَ عَنِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَحْرَمِ نَكَ حَلَاوَةِ ذِكْرٍ"<sup>(۲)</sup> ما در زمانی که تکبیر می گوئیم، مانند شخصی هس- تیم

که در میدان جنگ به علامت اسارت، دست خود را بالا آورده. در این حال خداوند متعال به قلب و دل ما نظر می کند. می بیند که زبان و دل یکی نیست. این دوروی- ی و دو رنگ- ی و حیل- ه گ- ریسبب می شود ما لذت و شیرینی نام و یاد خدا را از دست بدهیم.

"ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ"<sup>(۳)</sup> خداون- د متع- ال ب- رای ه- یچک- س دو دل در درون- ش نیافریده است. اگر ما با این اعتقاد که تنها خالق و معبود هستی خداوند متعال اس- ت ب- ه راز و نیاز در برابر او می ایستیم، پس جایی برای خودمان هم در قلبمان نمی ماند.

### نتیجه گیری

الله اکبر، بیش از ذکرهای دیگر در نماز تکرار می شود. به این معنا ک- ه خداون- د متع- ال برت- رین است و در واقع، کسی نمی تواند او را توصیف کند.

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هرچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو مانده ای- م (۴).

ص: ۲۰۳

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ح ۰۷۲۶.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۳

۳- احزاب: ۴

۴- سعدی شیرازی، گلستان، دیباچه.

در این درس به این نکته می پردازیم که چرا در نماز حتماً باید این الفاظ و اذکار خاص را بیان کرد و به چه اندازه باید به معانی آنها توجه داشت.

### جذاییت اولیه

مرد کری بود که می خواست به عیادت همسایه مریضش برود. با خود گفت: م-ن ک-ر هس-تم چگونه حرف بیمار را بشنوم و ب-ا او س-خن بگ-ویم؟ او م-ریض و ص-دایش ض-عیف اس-ت. او گف تو گویی به شکل ذیل در ذهن خود آماده کرد:

من می گویم: حالت چطور است؟ او خواهد گفت: خوبم شکر خدا .

من می گویم: الحمدلله؛ چه خورده ای؟ او خواهد گفت: شوربا یا سوپ یا دارو.

من می گویم: نوش جان! پزشکت کیست؟ او خواهد گفت: فلان حکیم .

من می گویم: قدمش مبارک است، همه بیماران را درمان م-ی کن-د . م-ا او را م-ی شناس-یم طبیب دانایی است.

کر وقتی این پرسش و پاسخ را در ذهن خود آماده کرد. به عیادت همس-ایه رف-ت و کن-اربستر مریض نشست.

پرسید: حالت چطور است؟

بیمار گفت: دارم از درد می میرم!

کر گفت: خدا را شکر - مریض بسیار ناراحت شد.

کر گفت: چه م یخوری؟ بیمار گفت: زهر کشنده!

کر گفت: نوش جان - بیمار دیگر از عصبانیت خودش به جوش آمده بود.

کر پرسید: پزشکت کیست؟ بیمار گفت: عزرائیل!

کر گفت: قدمش مبارک است. همه بیماران را درمان میکند.

حال بیمار خراب تر شد. کر از خانه همسایه بیرون آمد و خوشحال بود که عیادت خوبی از مریض به عمل آورده است؛ درحالیکه بیمار ناله می کرد و فریاد می زد: این همسایه دشمن من است. (۱)

## سؤال

به نظر شما زمانی که می خواهیم با کسی صحبت کنیم لازم است الفاظ را درست و بجا به ک-ار ببریم؟

آیا توجه نکردن به معانی الفظی که به کار می بریم، تأثیری در روابط اجتماعی ما دارد؟

## پیوند با بحث

شاید خیلی از الفاظ، معانی شبیه به هم داشته باشند؛ اما می بینیم که در جامعه ی-ک لف-ظ ب-ه یک معنا برای احترام به کار می رود و لفظ دیگر به همان معنا برای توهین. بر هم-ین اس-اس خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

"قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا"؛ (۲) با همه مردم به نیکی سخن بگویید.

ص: ۲۰۵

---

۱- محمود فتوحی، داستانهای مثنوی، دفتر اول، داستان هفتم.

۲- بقره: ۸۳

علت آن را حضرت علی(ع) این گونه می فرمایند: " تَكَلَّمُوا تَعْرِفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ"؛<sup>(۱)</sup> صحبت کنید تا شناخته شوید؛ چراکه هر شخصی در زیر زبانش پنهان شده است.

ما زمانی که صحبت می کنیم با طرز صحبت و به کارگیری الفاظ، شخصیت خودمان را ب-ه دیگران معرفی می کنیم و نشان م ی‌دهیم چگونه فکر می کنیم .

قال امیرالمومنین(ع) : "اللِّسَانُ تَرْجُمَانُ الْعَقْلِ"؛<sup>(۲)</sup> زبان بیان کننده عقل است .

تا مردسخن نگفته عیب و هنرش نهفته باش-د<sup>(۳)</sup>

### نتیجه گیری

به نظر شما زمانی که داریم با بهترین و مهربانترین خالق هستی، در نماز ص-جت م-ی کن-یم چگونه باید صحبت کنیم؟ آیا نباید به درستی و زیبایی الفاظمان توجه کنیم؟ از این رو، زیبا ترین و کامل ترین الفاظ ممکن با بالاترین معانی عمیق را به ما آموزش داده اند تا در برابر تنها خالق هستی بیان کنیم و به سبب آن، وجود و روح خود را تعالی بخشیم.

خدایا، به ما توفیق ده تا الفاظ نمازمان را با معرفت و شناخت کامل بیان کنیم. آمین .

ص: ۲۰۶

---

۱- عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۰۲۵

۲- همان، ح ۴۰۱۹

۳- سعدی شیرازی، گلستان، باب اول.

### راهبرد جلسه

در این جلسه، با یکی از علما و عرفای بزرگ آشنا می شویم و جواب این سؤال که چرا نماز را به زبان عربی می خوانیم، از زبان ایشان می شنویم.

### جذاییت اولیه

جذاییت اولیه (۱) دوستان خوب، چه کسی ایشان را می شناسد؟ احتمالاً شما ایشان را نمی شناسید؛ پ-س-خ-و دم معرفی می کنم. این عکس متعلق به آقا رحیم ارب-اب، یک-ی از علم-ا و عرف-ای ب-زرگ، اه-ل "چرمهین" اصفهان است. در خانه پدر بزرگوارش آقا علی پناه ارباب، در سال ۱۲۵۶ ش. متولد شد و در سال ۱۳۵۵ ش. فوت کرد. این عالم بزرگ در تقوا و معرفت کم نظی-ر ب-ود. وقت-ی از ایشان پرسیدند، پس از این همه عمر و عبادت آیا ادعایی هم دارید یا نه؛ ایشان فرمودند-د: در مسائل علمی هیچ ادعایی ندارم؛ اما در مسائل شخصی خود دو ادعا دارم: یکی به عمرم غیبت نکردم و غیبت نشیدم. دوم در طول عمرم چشمم، به نامحرم نیفتاد.

### پیوند با بحث

حالا دوست دارید خاطره شیرینی از ایشان بشنوید؟

عد های از جوانان جست و جوگر و کنجکاو بعد از مشورت و گفت و گ-و ب-ا ه-م، ب-ه ای-ن نتیج-ه رسیدند که نماز را به زبان فارسی بخوانند. والدین آنها از این موضوع آگاه شدند؛ ولی هرچه آن-ه-ا رانصیحت کردند، فایده ای نداشت. آنها را نزد یکی از آقایان آن زمان بردند. آن آقا وقتی فهمید ای-ن جوانان به زبان فارسی نماز میخوانند، به شیوه ای نامناسب با آنها برخورد کرد. یک-ی از ای-ن اف-راد

ص: ۲۰۷

---

۱- مری عکس حاج آقا رحیم ارباب را در قطعه بزرگ در معرض دید دانش آموزان قرار دهد.

می گوید: این رفتار او باعث شد با علاقه بیشتری به کارمان ادامه دهیم. عاقبت به سفارش یک-ی از والدین، ما را به محضر حاج آقا رحیم ارباب بردند. ما حدود پانزده نفر بودیم. در هم-ان لحظ-هاول، چهره نورانی و خندان وی ما را شیفته خودش کرد. فکر کردیم ایشان با دیگران فرق می کند .

در ابتدا از همه ما پذیرایی کرد. سپس به وال-دین م-ا فرم-ود: ش-ما ک-ه ب-ه فارس-ی نم-ازنمی خوانید؛ پس فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندانمان تنها بگذارید. وقتی آنها رفتند، ب-ه م-ا فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چ-ه س-طح تحص-یلی ورشته ای درس می خوانید. آنگاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش های علمی مطرح کرد و از درس هایی مانند جبر، مثلثات، فیزیک، شیمی و علوم طبیعی، مسائلی پرسید که پاس-خ بیش-تر آنها را نمی دانستیم. هرکس نمی توانست جواب سؤال را بدهد، ایشان با مهربانی جواب صحیح سؤال را می داد. پس از آنکه همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود: والدین شما نگران شده اند ک-ه شما نمازتان را به فارسی می خوانید، آنها نمی دانند من کسانی را می شناسم که - پناه بر خدا - اصیلاً نماز نمی خوانند. شما جوانان پاک و با اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم؛ ولی مشکلاتی پیش آم-د که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی من عمل کرده اید. آفرین به همت ش-ما! در آن موقع نخستین مشکل من، ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید .

اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط تر است بگوید "بسم الله الرحمن الرحيم" را چگونه-ه ترجمه کرده است. یکی از آن جوانان گفت: "به نام خداوند بخشنده مهربان-ان". حض-رت ارب-اب لبخند زد و فرمود: گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باش د. در مورد "بس-م" ترجم-ه "ب-هنام" عیبی ندارد؛ اما "الله" قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداس-ت و اس-م خ-اص را نمی توان ترجمه کرد؛ مثلاً اگر اسم کسی "حسن" باشد، نمی توان به او گفت "زیبا". کلمه "الله" اسم خاص است؛ پس نمی توان آن را ترجمه کرد؛ باید همان را به کار ب-رد. خ-وب، "رحم-ن" را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده، آقا رحیم ارباب فرمود: این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست؛ زیرا "رحمن" یکی از صفات خداست که رحمت و بخشنندگی او را برای هم-ه موجودات می رساند و این معنا در کلمه بخشنده نیست. "رحمن"، یعنی خدایی ک-ه در ای-ن دنی-اهم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را شامل لطف و بخشنندگی خود قرار می دهد .

در هر حال، ترجمه بخشنده برای "رحمن" ترجمه کاملی نیست. خوب، رحیم را چط-ور ترجم-ه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد: "مهربان". حاج آقا ارباب فرمود: اگر مقصودتان از رح-یم م-ن ب-ودم -- چون نام ایشان رحیم بود - از این ترجمه بدم نم یآمد؛ اما چون رحیم کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را "بخشاینده" ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می ب-رد؛ زی-رارحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو م یکنند. پس آنچه در ترجم-ه "بس-م الله" آورده‌اید، بد نیست؛ ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد. م-ن ه-م در دوران ج-وانی چن-ین قص-دیداشتم، اما به همین مشکلات برخورددم و از خواندن نمازفارسی منصرف شدم. تازه ای-ن فق-ط آی-ه اول سوره حمد بود، اگر به دیگر آیات پردازیم موضوع خیلی پیچیده تر می شود.

اما من معتقدم شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نم-از خوان-دن فارس-ی ب-ر ندارید؛ زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است. در اینجا، همگی ش-رمنده از و یعذر خواهی کردیم و قول دادیم، ضمن خواندن نماز به زبان عربی، نمازهای گذشته را دوباره بخوانیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هرطور دلتان می خواهد بخوانید. م-ن فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم. حاج آق-ا ارب-اب، ب-ا تع-ارف می-وه و ش-یرینی، مجلس را به پایان برد. ما همگی دست مبارکش را بوسیدیم و در حالی که ما را بدرقه میکرد خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم. (۱)

خدایا، ما را پیرو علمای واقعی اسلام قرار بده. آمین.

آقا رحیم ارباب؛

ص: ۲۰۹

## راهبرد جلسه

در این جلسه به مسئله وسواس و راه علاج آن می پردازیم .

## جذاییت اولیه

آقایی که وسواس شدیدی داشت، هنگام نماز خواندن، با هزار زحمت به آخر سوره حمد رسیده بود، می گفت: "لَا وَالضُّ، لَا وَالضُّ، لَا وَالضُّ"

یکی از دوستانش که این حالت را دید، گفت: مرض!

## پیوند با بحث

وسواس به منزله یک بیماری، به این صورت است که ی-ک فک-م-زاحم و آزاردهن-ده ی-ا ی-ک احساس اجبار برای انجام کاری که آنهم به صورت ناخواسته و علیرغم میل بیمار اس-ت، ب-ه ذهن بیمار خطور می کند و مرتب تکرار می شود. بیمار سعی می کند در برابر آن فکر مقاوم-ت کند، با اینکه می داند این احساس اجبار، کار بیهوده و بی معنی است؛ ولی وادار می شود آن فکر را در ذهنش راه بدهد و مرتباً تکرار کند یا آن عمل را که احساس اجبار برای انجام آن هست تکرار کند. (۱) این گونه وسواس ها در طهارت و عبادات موجب می شود مثلاً-نماز گزار از باطن و حقیق-ت نماز فقط به ظاهر آن توجه کند و به جای توجه کردن به معنای نماز و کسب حضور قلب، ب-ه الفاظ و چگونگی تلفظ آن مشغول شود. اگرچه رعایت قرائت، از شرایط صحت نماز است، باید در حد اعتدال و تکلیف به آنها توجه کرد و به حضور قلب که حقیق-ت نم-از ب-ا آن معن-ا پی-دا می کند، بیشتر توجه کرد. هرچه توجه به این معنا زیادتیر باشد، نماز کام-ل ت-ر خواه-د ش-د . د . در

ص: ۲۱۰



روایتی از پیغمبر اکرم (ص) آمده است: "مَنْ تَوَعَّلَ فِي اللَّحْنِ، سُرَّ لِبِ الْخُشُوعِ"؛<sup>(۱)</sup> ه-ر کس ب-یش از

اندازه در لحن و صوت و ادای مخارج حروف دقت کند، خشوع و حضور قلب و توجه باطنی او از بین خواهد رفت.

پیامبر اکرم (ص) با اینکه بیشترین و بالاترین مقدار حضور قلب و خشوع را داشتند، ولی نم-از آن حضرت گویا به سهولت بود. بعضی هم می گویند-د: حض-رت ص-احبالزم-ان □ را دی-دم ک-ه به صورت کاملاً متعارف و معمولی نماز می خواند.<sup>(۲)</sup>

مهم ترین راه درمان وسواس که در منابع دینی ما نیز به آن اشاره شده،<sup>(۳)</sup> ب-ی ت-وجهی ب-ه پیام ها و عدم پاسخدهی عملی به آن افکار مزاحم است. وس-واس در ص-ورتی ادام-ه و تش-دیدمی یابد که ما به ندهای درونی آن مبتنی بر تکرار عملی، با دقتی بالاتر پاس-خ عمل-ی ده-یم؛ در صورتی که می دانیم این افکار، ب یمورد و یا یک قضاوت غیر منطقی و افراطی نسبت به امور هستند. برای مقابله با این حالت، بهترین راه بی اعتنایی به این پیام ها و ترتیب اثر ن-دادن ب-ه آنهاست. اگر مدتی این روش را حتی به کمک دیگران به کار بیندیم، ب-ه ط-ور قط-ع از ش-دتوسواسمان کاسته خواهد شد و آهسته آهسته سلامتی کامل به دست خواهد آمد.

### نتیجه گیری

ما در نماز درعین قرائت صحیح، باید توجه خودمان را بیشتر معطوف به خض-وع و خش-وع در نماز کنیم. نباید مسیری را در پیش بگیریم که باعث استخفاف و سبک کردن نماز شود.

إنشاءالله همانطور باشیم که امام صادق (ع) به ما فرمودند: "كُونُوا لَنْ-ا زَيْن-ا، وَ لَا تَكُونُوا لَنْ-ا ش-ئِنَّا"؛<sup>(۴)</sup> ای شیعیان ما، کارهایی انجام دهید که موجب زینت و سربلندی ما شود، نه کاره-اییکه موجب خجالت و سرافکنندگی ما اهل بیت شود.

خدایا، ما را از وسوسه های شیطان دور کن. آمین.

ص: ۲۱۱

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۲- محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، ج ۳، ص ۹۳، ش ۱۴۵۱.

۳- روح الله خمینی، توضیح المسائل، ص ۸۸.

۴- محمدبن حسن طوسی، الأمالی، ص ۴۴۰.

در این جلسه به اهمیت تلاوت سوره حمد در نماز می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی محترم ابتدا جدولی به شکل زیر رسم کند و سؤالات را مطرح نماید تا دانش آموزان ب-ه آنها پاسخ دهند . پیام جدول، ستون آخر آن است.

۱. نام پیامبری که پسرش با بدان بنشست خاندان بنو تیش گم شد؟ (نوح)

۲. روز به عربی؟ (یوم)

۳. نام یکی از سوره های قرآن کریم که به معنای شهر است؟ (بلد)

نوح ۱

یوم ۲

بلد ۳

حالا به سراغ پیام جدول می رویم. به نظر شما پیام جدول چیست؟ (رمز جدول نام مبارک سوره حمد است) .

ص: ۲۱۲

ب---از م---تن ش---عزم آواز خداس---ت ب---از فص---ل مثن---وی ب---ی انتھاس---ت ب---از بای---د  
 در ثن---ایی ای---ن چن---مین حم---دلله خوان---د و رب الع---المین ب---از در مهم---انی گک---  
 لوازه ه---ای---اسه---، بابون---ه---، آلالہ---ه---ب---از در جش---ن اق---افی ہ---ای عش---ق رق---ص  
 دلچسب---ب قن---اری ہ---ای عش---ق م---ی زخم دل را ب---ہ دری---ای ب---لا۔ "پل---ہ پل---ہ ت---ا ملائق---ات خ---دا"  
 می توان از نور حق بی تاب شدن---ور اگ---ر نت---وان ، ت---وان مہت---اب ش---م د---م---ی ت---وان در حم---د رب  
 الع---المین مس---ت ش---د از ج---ام ج---انس---وزیق---ین می توان در حم---د ح---ق ش---عری س---رود درس---پاس  
 ب---ی ک---رانش ل---ب گش---ود حم---د نفس---یر تم---ام س---ورہ ہاس---ت معن---ی الف---اظ پررم---  
 زخداس---ت حم---د یعنی---ی "ق---ل ہ---واللہ---اح---د" حمد یعنی---ی از "بلد" ت---افی کب---د "حمد" رب اشرح  
 لی "گفتن های ماست حم---د زین ت---بخ ش---ق رآن خداس---ت حمد یعنی---ی عش---ق آن محب---وب پ---اک نال---ہ  
 ای عاش---قان س---ینہ چ---اک حم---د یعنی---ی آی---ہ ق---الوابل---ی حم---د یعنی---ی "اس---تجب" ہ---  
 ای خ---دا معن---ی "ان---الی---راجع---ون" از درون حم---د م---ی آی---دب---رون معن---ی اش---ہاد  
 حقانی---ت اس---ت حم---د اس---ت خلاص بع---د از نی---ت اس---ت "لم یلد" یک وصف و آن عرفان ت---و حم---  
 د م---ی خ---وانیم در فرم---ان ت---وپ---ی س---پاران طری---ق آن ک---ہ ہس---ت حم---د م---ی نوشند از ج---  
 ام "الس---ت" زآنکہ ما ہم تشنگانی بی کسیم در طریق حمد حق همچون خسیم

بر م---دار حم---د م---ی ش---اید ک---ہ زیس---ت چیست غیر از حمد خالق چیست، چیست؟ م---ن نم---ی دان---م س---زاوار  
 ت---و چیست---ت مثن---وی ام درخ---ور حم---د ت---ونیس---ت ت---وب زرگ ب---ی نی---ازی، ب---ی نی---از ت---و  
 حمی---دی ای ک---ریم س---رفراز (۱)

ما باید در تمامی نمازها (واجب و مستحب) در رکعت اول و دوم، سوره مبارکه حمد را بخوانیم .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): "لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ"؛<sup>(۱)</sup> هیچ نمازی نیست مگر آنکه سوره حم-د در آن خوانده شود .

اگر به معنای سوره توجه کنیم، متوجه میشویم که حقیقت کلام وحی این است که تنه-اتکیه گاه برای همه انسانها خداست و اگر بخوایم هیچ وقت احساس تنهایی نکنیم-یم بای-د ب-اخواندن این سوره مبارکه، روزی چند بار به خودمان تذکر دهیم-ک-ه الله معبودی است-ت ک-ه-خلاق در شناخت او حیران اند و او کسی است که "رحمن الدنيا والآخرة و رح-یمهما"<sup>(۲)</sup> م-ی باش-د .

کسی که مربی و تربیت کننده جهانیان و مالک و سرور روز قیامت است. زمانی که از همه م-ا-پرسیده خواهد شد در این روز، حکوم-ت و س-لطنت از آن کیس-ت؟ هم-ه پاس-خ-واهییم داد

خداوند یکتا و قهار: لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ.<sup>(۳)</sup>

### نتیجه گیری

با تفکر در معنا و مفهوم سوره مبارکه حمد خواهیم فهمید بهترین آواز برای صبحت با معبودمهربان، این سوره خواهد بود. از اینرو نماز بدون این سوره نماز نخواهد بود.

خدایا، به ما توفیق فهم معانی سوره حمد را عنایت فرما. آمین

ص: ۲۱۴

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۵۷، باب ۱ من ابواب القرائت .

۲- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴.

۳- غافر: ۱۶.

## راهبرد جلسه

در این درس به تفسیری کوتاه از آیه "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" و کلمه "رب" خواهیم پرداخت.

## جذاییت اولیه

مربی گرامی صحبت های خود را با این سؤالات از دانش آموزان شروع کند.

- کدام سوره دو بار بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد؟ (حمد) - سوره ای که همتای قرآن است؟ (حمد) - سوره ای که جامع همه معارف قرآن است؟ (حمد)

- کدام سوره است که در همه نمازها چه واجب و مستحب باید خوانده شود؟ (حمد) - سوره ای که بین خدا و بنده خدا تقسیم شده است؟ (حمد)

- آیه "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" چند بار در قرآن کریم آمده است؟ (شش بار)

همانطور که همه شما دوستان خوبم می دانید، روزانه در نمازهای یومیه حداقل ده بار این سوره را می خوانیم. یکی از زیباترین آیات آن آیه "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" (۱) است.

تابه حال چقدر به معنای آن فکر کرد هاید؟

## بیان داستان

روزی تصمیم گرفتم که دیگر همه چیز را رها کنم. شغلم را؛ دوستانم را؛ زندگی ام را! به جنگلی رفتم تا برای آخرین بار با خدا صحبت کنم. به خدا گفتم: آی-ا-م-ی-ت-وانی دلیل-ی-ب-رای ادام-ه زندگیام بیاوری؟ و جواب او مرا شگفت زده کرد!

ص: ۲۱۵

او گفت: آیا درخت سرخس و بامبو(۱) را می بینی؟ پاسخ دادم: بلی .

فرمود: هنگامی که درخت بامبو و سرخس را آفریدم، به خوبی از آنها مراقبت کردم. به آنها نور و غذای کافی دادم. دیرزمانی نپایید ک-ه-س-رخس-س-ر از خ-اک ب-ر آورد و تم-ام زم-ین رافر اگرفت؛ اما از بامبو خبری نبود. من از او قطع امید نکردم.

در دومین سال سرخس ها بیشتر رشد کردند و زیبایی خیره کننده ای به زمین بخشیدند؛ اما همچنان از بامبوها خبری نبود. من بامبوها را رها نک-ردم . در س-ال ه-ای س-وم و چه-ارم نی-ز بامبوها رشد نکردند؛ اما من باز از آنها قطع امید نکردم.

در سال پنجم جوانه کوچکی از بامبو نمایان شد. در مقایسه با س-رخس ، کوچ-ک و کوت-اه بود؛ اما با گذشت شش ماه ارتفاع آن به بیش از صد فوت(۲) رسید. پنج سال طول کش-یده ب-ود تا ریش ههای بامبو به اندازه کافی قوی شوند. ریشه هایی که آن را قوی می س-اخت و آنچ-ه را برای زندگی نیاز داشت، فراهم می کرد.

خداوند در ادامه فرمود: آیا می دانی در تمامی این سال ها که تو درگیر مبارزه با سختی ها و مشکلات بودی درحقیقت ریشه هایت را مستحکم می ساختی؟ من در تمامی این م-دت ت-و را رها نکردم؛ همانگونه که بامبوها را رها نکردم.

ای دوست من! هرگز خودت را با دیگران مقایسه نکن .بامبو و سرخس دو گیاه متفاوت اند؛ درحالی که هر دو به جنگل زیبایی بخشیده اند. زمان تو نیز ف-را خواه-د رس-ید. ت-و نی-ز رش-دمی کنی و قد می کشی و به این عالم زیبایی می بخشی .

از او پرسیدم: من چقدر قد می کشم؟ در پاسخ از من پرسید: بامبو چقدر رشد می کند؟

ص: ۲۱۶

---

۱-خ-یزران یا بامبو که در زبان فارسی نی گفته می شود. گیاهی است چندساله از تیره گندمیان. بامبو درخت نیست؛ بلکه علفی غول پیکر است. ساقه های نی در ردیف های متراکم رشد می کنند و می توانند تا ارتفاع چهل متر برسند .

۲- صد فوت حدود سی متر است.

جواب دادم: هر چقدر که بتواند .

گفت: تو نیز باید رشد کنی و قد بکشی؛ هر اندازه که بتوانی .

### پیوند با بحث

کلمه "رب" در اصل به معنی مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می پردازد و کلمه "ربیبه" که به دختر همسر انسان گفته می شود، از همینجا گرفته شده است؛ زی-را او هرچند از شوهر دیگری است؛ زیر نظر پدرخوانده اش پرورش می یابد؛ د-مانن-د باغب-انی ک-ه ب-ا دلسوزی از درختان و گیاهان در باغ مراقبت می کند، آنها را آبیاری می کند و همه درختان را به یک اندازه دوست دارد؛ گرچه شیوه نگهداری انواع گیاهان با یکدیگر متفاوت است . در آی-ه شریفه "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" خدای مهربان خود را باغبان و پرورش دهن-ده عالمی-ان معرفی می کند و غیرممکن است حتی برای لحظه ای پرورده های خودش را فراموش کند، و م-ا تنه-ا کاری که باید انجام دهیم این است که به او اعتماد کنیم:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ. (۱)

کلمه "رب" به طور مطلق و بدون کلمه دیگر فقط به خداوند متعال گفته می شود، و اگر به غیر خدا گفته شود، حتماً به همراه یک کلم-ه دیگر-ر م-ی آ-ی-د : م-ثلاً م-یگ-وییم "رب ال-دار" (صاحب خانه) رب السفینه (صاحب کشتی) .

### نتیجه گیری

امام سجاده (ع) فرمودند: "مَنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ كُلِّ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ؛" هر کس الحمد لله بگوید، به تحقیق شکر همه نعمت های الهی را ادا کرده و ب-ه ج-ا آورده است. (۲) تنه-ا کس-ی حقیقت حمد الهی را به جا خواهد آورد که توجه کافی به مقام و منزلت رفی-ع مربی گ-ری "رب العالمین" داشته باشد .

ص: ۲۱۷

---

۱- ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب [آسمانی] که پیش از این فرستاده است، ایمان [واقعی] بیاورید (نساء: ۱۳۶)

۲- میزرا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۴۰۲.

در این درس به تفکری کوتاه در آیه "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ" (۱) می پردازیم .

### جذاییت اولیه

ما از یکسو می بینیم جهان آفرینش، هم از نظر عظمت و هم از نظر نظم، ف-وق-الع-اده-وس-یع و

پرشکوه و اعجا بانگیز است. طبق بعضی از آیات قرآن کریم مانند: "إِنَّا زَيْنَاءَ السَّمَاءِ ۗ أَل-دُنْيَا يَزِين-هِ الْكَوَاكِبِ"؛ (۲) ما آسمان پایین را به زینت ستارگان آراستیم. آنچه ما از عالم بالا می بینیم و تمامی ستارگان و کهکشان ها همه جزء آسمان اول هستند. بنابراین آسمان ه-ای ش-شگانه-ه دیگر-ر، عوالمی هستند فوق آنها! (۳)

اسرار این جهان به قدری است که به اعتراف دانشمندان ب-زرگ، تم-ام معلوم-ات بش-ر در برابر آن همچون یک صفحه کوچک است از یک کتاب بسیار بزرگ؛ بلکه همه آنچه را از این عالم می دانیم در حقیقت الفبای این کتاب است.

هریک از کهکشان های عظیم ای-ن-ع-الم ش-امل چن-دین میلی-ارد س-تاره اس-ت و تع-داد کهکشان ها و فاصله آنها آنقدر عظیم است که حتی محاسبه آن با سرعت نور که در یک ثانیه سیصد هزار کیلومتر راه را طی می کند وحشت آور است .

نظم و دقتی که در کوچکترین شیء این جهان به کار رفته، همانند نظم و دقتی است که در عظمی مترین شیء آن نیز دیده می شود، و انسان در این میان، پیچی-ده ت-رین و عجبی-ب ت-رین

ص: ۲۱۸

۱- حمد: ۴

۲- صافات: ۶

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۰۵.



موجودی است که ما می شناسیم؛ تا آنجا که می دانیم بسیاری از اسرار آفرینش راجع به او پنهان مانده است. این موجود عجیب، یعنی انسان، در این عمر کوتاه خود در میان چه ناراحتی هـ-ا و مشکلاتی بزرگ می شود؟ "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ" (۱) ما انسان را در رنج آفریدیم.

او هنوز دوران طفولیت را با همه رن جها و مشکلاتش پشت س-ر نگذاش-ته و نفس-ی ت-ازه نکرده، دوران پرغوغای جوانی با طوفان های شدید و کوبنده اش فرامی رسد و هنوز جای پ-ای خود را در فصل شباب محکم نکرده، دوران کهولت و پیری با وض-ع رق-ت ب-ارش در براب-ر او آشکار می شود.

### پیوند با بحث

آیا باور کردنی است که هدف این دستگاه بزرگ و عظیم، این اعجوبه خلقت که نامش انسان است، همین باشد که چند روزی در این جهان بیاید و با رن جها و مشکلاتش زندگی را س-پری کند، مقداری غذا مصرف کرده، لباسی بپوشد، بخوابد و بیدار شود و سپس نابود گردد و هم-هیچیز پایان یابد؟!

اگر راستی چنین باشد، آیا آفرینش بیهوده نیست؟

آیا هیچ عاقلی این همه تشکیلات عظیم را برای هدفی به این کوچکی قرار می دهد؟!

فرض کنید میلیونها سال نوع انسان در این دنیا بماند و نسل ها یکی پس از دیگری بیایند و بروند، علوم مادی آنقدر ترقی کند که بهترین تغذیه و لباس و مسکن و عالی ت-رین درج-ه رفاه را برای بشر فراهم سازد، ولی آیا این خوردن و نوشیدن و پوشیدن، ارزش این را دارد که ای ن همه امکانات و مقدمات را برای آن فراهم کنند؟

با مطالعه ای کوتاه از گوشه این جهان با عظمت می توان به این حقیقت دست پیدا کرد که:

"وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا" (۲) ما آس-مان و زم-ین و آنچه-ه را

میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ بلکه این گمان و خیال پوچ کافران و کسانی است که پرده بر

ص: ۲۱۹

۱- بلد: ۴

۲- ص: ۲۷

با کمی تفکر متوجه می شویم، همه این مق-دمات ب-رای ع-المی وس-یع ت-ر و گس-ترده ت-ر، جاودانی و ابدی، طراحی شده است. همانطور که پی-امبر اک-رم فرمودن-د: "ال-دنیا مزرع-ه الآخ-ره." (۱) تنها وجود چنان جهانی است که می تواند به زندگی ما مفهوم و معنا بخش-د، و آن راز هیجی و پوچی نجات دهد. همه اینها محصول لحظاتی تفکر در "مَالِكِ يَوْمِ الْآلِ-دین" (۲) اس-ت .

از اینرو در توصیفات سیدالسادین، زین العابدین (ع) گفته اند: كَأَنَّ عُلَى بْنَ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا قَرَأَ مَالِكِ

يَوْمِ الدِّينِ يُكْرَهُ اِحْتَى يَكَادَ أَنْ يَمُوتَ. (۳)

عبارت "يَوْمِ الْآلِ-دین" در تمام مواردی که در قرآن استعمال شده، به معنی قیامت آمده اس-ت؛ چنانکه در آیه ۷۱ و ۸۱ و ۹۱ سوره انفطار با صراحت به این معنی اشاره شده است. این تعبیر متجاوز از ده بار در قرآن مجید بیان شده است .

### نتیجه گیری

چرا این روز را روز دین معرفی کرده اند؟ به این دلیل است که آن روز، روز جزاست و "دی-ن" در لغت به معنی "جزا" می باشد، و روشن ترین برنامه ای که در قیامت-اج-رام-ی ش-ود هم-ین برنامه جزا و کیفر و پاداش است. در آن روز پرده از روی کارها کنار می رود و اعمال همه دقیقاً مورد محاسبه قرار می گیرد و هرکس جزای اعمال خویش را چه خوب و چه بد می بیند. (۴)

روز قیامت، مالکیت و حکومت خداوند متعال به گونه ای آشکار می شود که-ه-اگ-ر در آن روز

سؤال شود: "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ" (۵) بدون درنگ هم-ه-پاس-خ-م-ی دهن-د: "لِلَّهِ الْوَحْدِ الْقَه-ار." (۶) آری ،

ص: ۲۲۰

۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲- خداوندی که مالک روز جزا است" (حمد: ۴).

۳- امام سجاد(ع) هنگامی که به آیه مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ می رسید، آنقدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند" (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۱).

۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱.

۵- غافر: ۱۶

۶- همان

هنگامی که انسان به یاد صحنه های قیامت می افتد و خود را در آن روز تنها و بی پناه مشاهده می کند، درمی یابد که تنها قدرت نجات دهنده و صاحب اختیار در آن روز، خدای متعال است - فقط می توان از او کمک خواست و یاری طلبید.

ص: ۲۲۱

## ۸۱. "استاد علم"! "از این نبود سر علم"!

### راهبرد جلسه

در این درس به دومین اصل مهم اسلام یعنی قیامت و رستاخیز می پردازیم و می گوئیم: "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ"؛ (۱) خداوندی که مالک روز جزاست .

### جذاییت اولیه

گویند خیاطی که از پارچه های مشتریان خود می دزدید، شبی صحرای محشر را در خواب دید که علم سوزانی بالای سر او آورده ان-د-ت-ا او را بس-وزانند. خی-اط متوج-ه ش-د ک-ه آن-ع-ل-م از پارچه هایی که او از مشتریان خود دزدیده است تهیه شده. چون از این خواب وحشتناک بی-دارشد، جریان را برای شاگرد خود تعریف نمود و از او خواهش کرد که در آینده هر موقع خواست از پارچه مشتریان بدزدد، با گفتن "استاد علم" او را متوجه خوابش نماید. به این طری-ق م-د-تی خیاط، از دزدیدن پارچه مشتریان خودداری نمود. تا روزی که یکی از مشتریان یک طاق شال زیبا و قیمتی برای تهیه لباس نزد او آورد. خیاط نتوانست از دزدیدن آن طاق ش-ال-خ-ودداری نماید .

هنگامی که شاگرد او فریاد زد: "استاد علم"! خیاط جواب داد: "از این نبود سر علم"؛ (۲) سیداشرف الدین حسینی معروف به "نسیم شمال" این داستان را چنین بازگو می کند:

در زم-ان ش-اه عباس کب-ی-ر ب-ود خی-اطی ن-ه م-ث-ل م-فق-ی ر-س-اکن ان-در کوچ-ه م-لاقل-ی  
ن-ام او اوس-تا نص-یر ب-امبولی بسکه اندر کار، چابکدس-ت ب-ود پیش چشم، از هر مت-اعی م-ی رب-ود

ص: ۲۲۲

۱- حمد: ۴

۲- مصطفی رحیمی نیا، ضرب المثل های فارسی و اصطلاحات عامیانه، ص ۲۰.

هرچه می دادند از شاه و گدا می ربودی زیر قیچی بی صدانه فق-ط م-ی زد ز م-اهوت و ب-رک بلکه نگذشتی ز کرباس  
 و قدک گر کسی ده متر اطلس م-ی خری-د او س-ه مت-رش را نم-ودی ناپدی-د گر قبا مال وزیر شاه بود آن قب-  
 ای-ا تن-گ ی-ا کوت-اه ب-ود او قسم می خ-ورد پ-یش مش-تری ک-ه نم-ی دزدم از ای-ن رخ-ت  
 زری باز می دزدید مال هر که بود چون که بر آن کار عادت ک-رده ب-ود الغرض سی سال بی ترس و هراس کرد ض-ایع  
 خل-ق را رخ-ت و لب-اس یک شبی خوابید ب-ا ری-ش س-فید یک سیاهی را میان خواب دید دید اندر خ-واب روز  
 محش-ر اس-ت هر طرف هنگامه شور و ش-ر اس-ت آت-ش دوزخ ش-راره م-ی کش-د م-رد و زن را در مغ-  
 اره م-ی کش-د دی-د ناگ-ه در می-ان گی-ر و دار مال-ک دوزخ ش-د آن ج-ا آس-کار یک علم از  
 آتش اندر دست داشت آمد و برشانه "اوستا" گذاشت ب-ود در آن بی-رق آت-ش فش-ان وصله های رنگ رنگ با  
 نشان بیرق سنگین و سوزان نصف شب ج-ان اوس-تا را فکن-د ان-در تع-ب جست از ج-ا و ش-بانه توب-ه ک-رد  
 تب گرفت و ل-رز ک-رد و نوب-ه ک-رد کرد جاری از دو چشمان آب را گفت با شاگرد خ-ود ای-ن خ-واب را اشک  
 ریزان گفت: ای ش-اگرد م-ن چون تو هستی روز و شب برگرد من از برای رخت م-ال هر ک-ه هس-ت چون بگیرم در  
 دکان قیچی به دست دفت-ا ک-ن از عل-م ی-ادآوری لیک ی-ک ط-وری نفهم-د مش-تری الغرض یک سال از ت-  
 رس-ع ذاب ترک دزدی کرد آن عالی جناب تا ک-ه روزی پ-یش آورد مش-تری ترمه ای خوشرن-گ از ج-نس زری  
 محرمانه گف-ت ب-ا وی نَف-س دزد این عجب شالی اس-ت اوس-تا ب-دزد خواست تا آن ش-ال را گی-رد قل-م  
 گفت شاگردش که ای اوستا "علم" محرمان-ه گف-ت ب-ا وی اوس-تا ب-ارک الله خ-وب آوردی ب-ه ی-  
 اد لیک اندر آن علم این رنگ نیست بهر این وصله خدا را جن-گ نیس-ت

زین جهت "اوستا علم" شدن-ام او ب-ود دزدی ک-ار ص-یح و ش-ام او

## پیوند با بحث

ما روزانه در سوره مبارکه حمد از معاد که پایه هرگونه اصلاح اخلاق-ی و اجتم-اعی در وج-ود انسان است، یاد می کنیم .

جالب اینکه، در این سوره از بین تمامی صفات خدای متعال صفت مالکیت بیان شده است که نشان دهنده نهایت سیطره و نفوذ خدای متعال بر همه چیز و همه کس در روز قیامت است. روزی که همه انسان ها در آن دادگاه بزرگ برای حساب حاض-ر م-ی ش-وند و در برابر-ر مال-ک حقیقی خود قرار می گیرند، تمام گفته ها و کارها و حتی اندیشه های خود را حاض-ر م-ی بینن-د .

هیچ چیز حتی به اندازه سر سوزنی ناپود نشده و به دست فراموشی نیفتاده است .

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. (۱)

اکنون این انسان است که باید بار همه مسئولیت های اعمال خود را بر دوش کش-د . حت-ی در آنجا که خود انجام دهنده کاری نبوده؛ بلکه بنیانگذار سنت و برنامه خ-وب ی-ا ب-دی ب-وده است، باید سهم خویش را از مسئولیت آن بپذیرد.

اعتقاد به روز رستاخیز و ایمان به آن دادگاه بزرگ که همه چیز در آن به طور دقی-ق م-ورد محاسبه قرار می گیرد، اثر فوق العاده نیرومندی در کنت-رل انس-ان در برابر-ر اعم-ال نادرس-ت و ناشایست دارد. یکی از مه مترین علل جلوگیری کردن نماز از فحشا و منکرات همین است که نماز انسان را به یاد مالک و صاحب روز قیامت و آن روز سرنوشت ساز می اندازد. (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَن عَلَى بَفَاتِحَةِ الْكِتَابِ إِلَى قَوْلِهِ وَ"مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ" ق-ال جبرئیل: مَا قَالَهَا مُسْلِمًا إِلَّا صَدَقَهُ اللَّهُ وَأَهْلُ سَمَائِهِ"؛ (۳) جبرئیل امین عرضه داشت: مسلمانی آیه "مال-ک" یوم-ال-دین را نمی گوید، مگر آنکه خداوند متعال و اهل آسمان حرف او را تصدیق می کنند. در

ص: ۲۲۴

۱- زلزله: ۸-۷

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۸.

۳- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۹.

روایت دیگری آمده است که:

"فَإِذَا قَالِ مَالِكَ [يَوْمَ الدِّينِ] قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَشْهَدُكُمْ كَيْفَا اعْتَرَفَ بِأَنِّي أَنَا الْمَالِ - كُ لِي - وَ مِ الْ - د يْنِ لَأَسَ - هَلَنْ يَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَلَا تَقْبَلْنَ حَسَنَاتِهِ وَلَا تَجَاوِزْنَ عَنْ سِنِّيَاتِهِ" (۱) هنگامی که بنده می گوی - د مال - ک ی - و م الدین خداوند متعال می فرماید: من هم تصدیق می کنم آنچه را که بنده من به آن اعتراف کرد که مالک و همه کاره روز قیامت من هستم و به سبب همین در روز قیامت حساب او را آس - ان می گیرم و کارهای خوب او را می پذیرم و از گناهان او صرف نظر می کنم

### نتیجه گیری

در روایت آمده است: امام سجاده (ع) وقتی به این آی - ه ش - ریفه م - ی رس - ید آن ق - در آن را تک - رارمی کردند که نزدیک بود از دنیا بروند. (۲)

این عمل امام سجاده (ع) نشان دهنده آن بود که رکن اساسی عصمت، طهارت و پاکی روح، ایمان و اعتقاد راسخ به قیامت است.

ص: ۲۲۵

---

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۲۸

۲- "كَانَ (ع) إِذَا قَرَأَ مَالِكَ يَوْمَ الدِّينِ يُكْرِهَهَا حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ" (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲).

در این درس به این می پردازیم که تسیحات اربعه مانند نردب-انی، مراح-ل اوج گی-ری و رش-دانسایت انسان را به نمایش گذاشته است.

### جذاییت اولیه

#### جذاییت اولیه (۱)

۱. سورهای که شناسنامه خدای متعال است؟ (توحید)

۲. سورهای که عروس قرآن است؟ (الرحمن)

۳. سورهای که شناسنامه امام زمان است؟ (قدر)

مربی گرامی باید از تعداد سؤالات بیشتری استفاده کند و از قبل مشخص کرده باش-د ک-ه حرف "الف" دو مورد در خانه های ۴ و ۶، حرف "با" ی-ک م-ورد در خان-ه ش-ماره ۲، ح-رف "لام" دو مورد در خانه های ۷ و ۸، حرف "سین" یک مورد در خانه ش-ماره ۱، ح-رف "ح" ا-یک مورد در خانه شماره ۳، حرف "نون" یک مورد در خانه شماره ۵، حرف "ها" یک م-ورد در خانه شماره ۹ قرار گیرد.

ص: ۲۲۶

---

۱- جدول فوق نه خانه دارد که از راست به چپ پر میشود. با طرح چند سؤال و شنیدن جواب از دانش آموزان، از دانش آموزی که پاسخ درست داده بخواهید یک حرف از حروف الفبا را حدس بزنند و در صورت بودن در جدول، حرف را در جدول قرار دهید.



در نماز، علاوه بر ذکر رکوع و سجود، در رکعت سوم و چهارم نیز تسیحات اربعه آم-ده اس-ت که طبق روایات شیعه و سنی-م-راد از باقی-ات الص-الحات در آی-ه ۶۴ س-وره که-ف، هم-ین تسیحات اربعه است. (۱) چنانکه به فرموده علی (ع) ذکر حضرت ابراهیم (ع) به هنگ-ام س-اختن خانه کعبه، سبحان لله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بوده است. (۲)

همه هستی، از آسمان های هفتگانه و زمین و آنچه بین آنهاست، تسیحگوی خدایند. (۳) چه جاندار چون پرنده و چه بی جان چون کوه (۴) و رعد و برق، (۵) آنه-م تس-بیحی آگاهان-ه و از روی شعور! "كُلُّ قَدٍّ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ"؛ (۶) همه آنها از نماز و تسیح خود، آگاه و باخبرند.

تسیح فرشتگان به قدری گسترده است که پیامبر (ص) می فرمود: در آسمان ها یک وج-ب نیست، مگر آنکه فرشت های در حال نماز و تسیح است. (۷)

امام صادق (ع) می فرماید: هرگاه حضرت داود (ع)، زبور می خواند کوه و س-نگ و پرن-ده ای نبود جز آنکه هم آوای او می شدند. (۸)

گر تو را از غیب چشمی ب-ازش-د بات-و ذرات جه-ان ه-مرازش-د

نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

جمل-ه ذرات ع-الم در نه-ان با تو م-ی گوین-د روزان و ش-بان

ما س-میعیم و بص-یریم و هس-یم با شما نامحرمان م-ا خامش-یم (۹)

ص: ۲۲۷

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۵۴۰.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۰۷.

۳- "يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ" (جمعه: ۱)

۴- "سَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالِ يَسْبُحْنَ" (انبیاء: ۷۹)

۵- "وَيَسْبُحُ الرُّعْدُ بِحَمْدِهِ" (رعد: ۱۳)

۶- نور: ۴۱.

۷- محمدبن احمد انصاری قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۵۵۸۱.

۸- عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۴۴.

۹- مولوی، مثنوی معنوی

دسته ای گنجشک جیک جیک کنان از مقابل امام سجاده (ع) عبور کردن-د. حض-رت رو ب-ه اطرافیان کرده، فرمودند:  
"مرغان هر صبح، خدا را تسبیح گوین-د و ق-وت روزش-ان را مس-ئلت نمایند".<sup>(۱)</sup>

## نتیجه گیری

نماز نوعی عبودیت و معاشقه با خداوند متعال است. شاید سر آهسته خواندن ذک-ر تس-بیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز به همین علت باشد؛ یعنی ارتب-اط ب-ین عاش-ق و معش-وقآن قدر نزدیک است که با هم نجوا می کنند و حرف های درگوشی می زنند. ضمن آنکه زمین-ه

تفکر، با آهسته گفتن ذکر فراهم تر خواهد بود: "وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ م-نَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ"<sup>(۲)</sup> پروردگ-ارت را در دل خ-ود، از روی تض-رع و خ-وف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن و از غافلان مباش .

در این آیه ضمن دعوت به ذکر آرام و آهسته، در آخر آیه بیان می کند این نحوه ذکر باعث می شود جزو غافلین نباشیم .

خدایا، قلبی عطایم فرما که شوقش او را به تو نزدیک سازد

و زبانی که صدقش به سویت بالا آید و نظری که حقش موجب قرب در گاهت شود. آمین.<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۲۸

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۶.

۲- اعراف: ۲۰۵.

۳- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، فرازی از مناجات شعبانیه

در این جلسه به تبیین موضوع اقامه نماز با استفاده از آیات و روایات و تفاوت آن با قرائت نماز می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی از دانش آموزان بخواهد راهی غیر تکراری برای ابراز عشق و علاقه بیان کنند-د (۱) ممک-ن است برخی از دانش آموزان این گونه بگوین-د : "ب-ا عف-و و گذش-ت، ب-ا گ-ل و هدی-ه دادن، ب-ا حر فهای دلنشین، با تحمل رنجها و...". اینها راه های جدید بیان عشق اند .

دوستان خوبم، حالا به این داستان توجه کنید.

یک روز زن و شوهر جوانی که هر دو زیست شناس بودند، برای تحقیق به جنگل رفتن-د .

آنها وقتی به بالای تپه رسیدند با دیدن یک ببر بزرگ، درج-ا میخک-وب ش-دند. م-رد تفن-گ شکاری نداشت و آن دو از ترس، جرئت حرکت نداشتند. رنگ صورتشان پریده بود. ب-ر، آرام به سمت آنها حرکت کرد. همان لحظه مرد زیست شناس فریاد زد و ف-ر ار ک-رد و همس-رش راتنها گذاشت! بلافاصله ببر به سمت مرد دوید و چند دقیقه بعد ضجه های مرد جوان به گوش همسرش رسید .

هرکس این داستان را شنید، آن مرد را محکوم به بی وفایی کرد؛ چون همس-رش را تنه-ا گذاشت؛ اما آن جوان گفت: آیا می دانید آن مرد در لحظه های آخر زندگی یاش چه می گفت؟ می گفت: عزیزم، تو بهترین مونس بودی، از پسرمان خوب مواظبت کن.

ص: ۲۲۹

---

۱- مربی گرامی اجازه بدهد چند نفر از دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند

حالا راوی که پسر جوان آنان است، درحالی که اشک از گونه هایش جاری ب-ود ادام-ه داد:

همه زیست شناسان می دانند ببر فقط به کسی حمله می کند که حرکتی انجام می دهد یا ف-رار می کند. این، صادقانه ترین و عاشقانه ترین راهی بود که پدرم برای ابراز عشق و علاقه اش ب-ه من و مادرم انتخاب کرد.

### پیوند با بحث

همه آیات و روایات، ما را به اقامه نماز سفارش کرده اند، نه تلاوت و قرائت نماز .

"وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ"؛<sup>(۱)</sup> نماز برپا داری-د و زک-ات بپرداز-د و هم-راهرکوع کنندگان رکوع کنید. "إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"؛<sup>(۲)</sup> همانا من خ-دایم که جز من معبودی نیست؛ پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار .طبق روایت شریف:

"الصلاة عمود الدين"؛<sup>(۳)</sup> نماز ستون دین است. لذا ستون برپاداشتی است نه خواندن؛ چون نماز، رابطه عاشق و معشوق بین خالق و مخلوق است، و اگر بخواهیم یک مصداق ات-م و اکم-ل از برپایی نماز معرفی کنیم می توانیم واقعه عاشورا و کربلای اباعبدالله الحسین(ع) را نام ب-ریم .

"أشهد أنك -قد أقمّت الصلاة"؛<sup>(۴)</sup> گواهی می دهم که تو نماز را به پاداشتی؛ نمازی که وضوی آن ب-اخون و سجده گاه آن گودی قتلگاه بود.

پس برپایی نماز براساس قرآن کریم، یعنی ترک فحشا و منکر؛ یعنی عمل به بایدها. فقط دراین صورت است که نماز، هم سعادت فردی و هم اصلاح اجتماعی را در پی خواهد داشت .

خدایا، ما را از اقامه کنندگان نماز قرار بده. آمین .

ص: ۲۳۰

۱- بقره: ۴۳

۲- طه: ۱۴

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

۴- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین (ع)

در این درس به بیان مختصری از واقعیت رکوع می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی در پنج قطعه کارت - مانند شکل - این آیه شریفه را بنویسد . "وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ" (۱) و هنگامی که به آنان گویند رکوع کنید، رکوع نمیکنند. در پشت کارتها ترجمه-هآن را درج کند و به صورت پراکنده قرار دهد. سپس از دانش آم-وزان در مرت-ب ک-ردن جمل-ه عربی و ترجمه کمک بگیرد. مربی محترم می تواند این برنامه را به ص-ورت مس-ابقه نی-زاج-را کند. دانش آموزان بعد از مرتب کردن جمله عربی آیه، کارت ها را برمی گردانن-د و مرب-ی ای-ن توضیح را می دهد .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

و هنگامی گویند که به آنان رکوع کنید رکوع نمی کنند

این آیه درباره قوم "ثقیف" در وقتی که پیامبر(ص) آنان را امر به نماز نمود نازل شد. آنان گفتند: "ما منحنی و خم نمی شویم؛ این برای ما زشت و سبک است". پس پیامبر(ص) فرمود:

ص: ۲۳۱

"در دینی که رکوع و سجود نباشد، خیری نیست".<sup>(۱)</sup>

### پیوند با بحث

رکوع به فرموده امام صادق(ع) تجسم ادب بنده در برابر پروردگ-ار اس-ت.(۲) اَب-ان ب-ن تَعْل-ب از شاگردان امام صادق(ع) می گوید: خدمت امام شرفیاب شدم. حضرت در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجده بالغ بر شصت بار بود! (۳) یک-ی از مس-تجبات رک-وع آن اس-ت ک-ه انسان نماز گزار در حال رکوع، گردن خود را بکشد. شخصی از امیر المؤمنین(ع) س-ؤال ک-رد، اینکه شما در حال رکوع گردن خود را می کشید، به چه معناست؟ فرمودند: "به این معناست که خدایا من به تو ایمان آوردم و در راه ایمانم استوارم، حتی اگ-ر گ-ردنم زده ش-ود". (۴) نم-از گزار می خواهد بگوید که ایمان من ایمان راسخی است و ریشه در اعماق دل و جانم دارد؛ نه تنها با مال و آبرویم حاضریم از آن دفاع کنم، که تا پای جان و زدن رگ گردنم هم ایستاده ام.

### نتیجه گیری

"ای کسانی که ایمان آورد هاید، رکوع کنید و سجود به جا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید؛ شاید رستگار شوید". (۵) اگر قصد رستگاری و سعادت را داریم، مس-یر آن خضوع و خشوع در برابر خداوند بی همتاست و پیدا کردن راه صحیح خضوع را نیز باید از اهل آن، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت: آموخت: وَأَزْكَوْا مَعَ الرَّاِکِعِينَ. (۶)

ص: ۲۳۲

۱- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ترجمه گروه مترجمان، ج ۲۶، ص ۲۱۹.

۲- فی الرکوع ادب" (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۸

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲۷

۴- "فَقَالَ يَا ابْنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ مَا مَعْنَى مَيْدِ عُنُقِكَ فِي الرُّكُوعِ فَقَالَ تَأْوِيلُهُ آمَنْتَ بِاللَّهِ وَلَوْ ضُرِبَتْ عُنُقِي" (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۵).

۵- "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْحِمُونَ" (حج: ۷۷)

۶- "رکوع کنید همراه رکوع کنندگان" (بقره: ۴۳)

پس از عرضه یک دوره معارف و درخواست نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می‌پ‌ردازیم و به حالت رکوع که به فرموده امام صادق (ع) تجسم ادب خاص بنده در برابر پروردگار اس-ت، (۱) قرار می‌گیریم و او را می‌ستاییم. این ادب نه از روی نیاز بلکه نش-ان شایس-تگی رب اَلْع-الْمین است. اولیاءالله، در حالت رکوع و سجود، ل-ذتی از ی-اد و ذک-رخ-دا احس-اس م-ی کردن-د ک-ه نمی‌توانستند به زودی آن را ترک کنند.

### جذاییت اولیه

ابان بن تغلب از شاگردان امام صادق (ع) می‌گوید: "خدمت حضرت شرفیاب شدم؛ درحالی که به نماز مشغول بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود!" (۲)

حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل از علمای نجف - درحالی که ناهار می‌خورد، فرم-ود:

"میدانید ناهار خوردن، برای من مثل چیست؟ مثل این است که کیسه ای را پر کنم. فع-لاً از هیچ چیز لذت نمی‌برم به جز از نماز!" کلام ایشان با مقام مرجعیتی که داشته هیچ احتمال ریا-کاری در آن ندارد؛ ولی ما کاملاً به عکس ایشان از همه چیز لذت م-ی ب-ریم ب-ه ج-ز نم-از. در

روایت آمده است: "إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلَاةِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ م-نْ أَعْنَ-إِنِ السَّ-مَاءِ إِلَى أَعْنَ-إِنِ الْأَرْضِ وَحَفَّتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَنَادَاهُ مَلَكٌ لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلَاةِ مَا انْفُتِلَ!" (۳) اگر نماز گزار م-ی دانس-ت،

ص: ۲۳۳

۱- "فی الركوع ادب" (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۸)

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲۷

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۵

که چگونه جلال الهی او را فرا گرفته، هرگز از نماز دست بر نمی داشت. (۱)

## بیان داستان

دوستان خوب، داستان آن آهنگر را شنیده اید که پس از گذراندن جوانی پرشور و شریک، تص-میم گرفت روحش را وقف خدا کند؟ سال ها با علاقه کار کرد، به دیگران نیکی کرد؛ ام-ا-ب-ا-تم-ام پرهیزگاری، در زندگی اش اوضاع خوبی نداشت؛ حتی مشکلاتش مدام بیشتر و بیشتر می شد!

یک روز عصر، که یکی از دوستانش به دیدنش آمده، و از وضعیت دش-وار او مطل-ع ش-ده بود، به او گفت: واقعاً در عجبم! درست بعد از اینکه تصمیم گرفت های م-رد خ-داجویی بش-وی، زندگی ات بدتر و سخت تر شده است؟ نمی خواهم ایمانت را ضعیف ک-نم؛ ام-ا-ب-ا-وج-ود تم-ام رنج هایی که در مسیر معنویت و رسیدن به خدا به خود داده ای، زندگی ات بهتر نشده که هیچ، بدتر هم شده!

آهنگر مکث کرد و بلافاصله پاسخ نداد.

سرانجام در سکوت، پاسخی را که می خواست یافت و گفت: در ای-ن کارگ-اه، ف-ولاد خ-امبرایم م یاورند و من از آن شمشیر می سازم. می دانی چطور این کار را انجام می دهم؟ اول تکه فولاد را به اندازه آتش جهنم حرارت می دهم تا سرخ شود. بعد با بی رحمی تمام، سنگین ترین پتک را برمی دارم و پشت سر هم به آن می زنم تا اینکه فولاد، شکلی را بگیرد که می خواهم. بعد آن را در آب سرد فرو می کنم؛ درحالی که تمام کارگاه را بخار آب فرا گرفته است. فولاد به سبب این تغییر ناگهانی دما، ناله می کند و رنج می برد، و یک بار هم کافی نیست؛ باید این کار را آنقدر تکرار کنم تا به شمشیر مورد نظرم دست بیابم.

آهنگر مدتی سکوت کرد و سپس ادامه داد:

گاهی فولادی که به دستم می رسد، نمی تواند ای-ن عملی-ات را ت-اب بی-اورد و تحم-ل کن-د. حرارت، ضربات پتک و آب سرد، تمامش را ترک می اندازد. متوجه می شوم این فولاد، هرگز تیغه شمشیر مناسبی نخواهد شد. آنوقت است که آن را به میان انبوه زباله های کارگاه می اندازم.

ص: ۲۳۴



باز مکث کرد و بعد ادامه داد:

می دانم که در آتش رنج و سختی فرو رفته ام؛ اما ضربات پتکی را که زندگی ب-م-ن وارد کرده است پذیرفته ام و گاهی به شدت احساس سرما می کنم؛ مانند همان فولاد آب دیده. تنه-ادعایی که می کنم این است: خدای من، از آنچه برای من خواسته ای صرف نظر نکن تا شکلی را که تو می خواهی، به خود بگیرم. به هر روشی که می پسندی ادامه بده تا هر مدت که لازم است؛ اما هرگز مرا به کوه فولادهای بی فایده پرتاب نکن!

### نتیجه گیری

فقط کافی است باور کنیم که هرچه خدا برای ما در نظر می گیرد، بهترین است؛ زی-را کس-یزندگی ما را مدیریت می کند که در هیچ کارش نقصی وجود ندارد. م-ا-ی-ن-مطل-ب را در روزبارها و بارها در نمازمان بیان می کنیم و در رکوع و سجود خود می گوئیم: "س-بحان ربی العظ-یم وبحمده وسبحان ربی الأعلی وبحمده"؛ یعنی ای خدای من، تو بی نظیر و بی مانندی، و هیچ نق-ص و عیبی در تو راه ندارد.

ص: ۲۳۵

در این درس به تبیین این موضوع می پردازیم که سجده بر چه کسی صحیح است؟

### جذاییت اولیه

برادران حضرت یوسف(ع) در اثر حسادت، او را به چاه انداختند، و خدای متعال او را نجات داد.

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر رشد کرد و در امتحان سخت مبارزه با نفس در برابر زلیخا-ب-مدد الهی پیروز و عزیز مصر شد. پس از سال ها دوری از پدر و مادر و یازده برادرش، ب-الاخره برادران با ندامت و پشیمانی به دیدار یوسف(ع) آمدند. چون یوسف-ف(ع) وارد شد-د، "وَح-روال-ه سُجِدَ اَ";(۱) آنها همگی پیش او سجده کردند.

نور الهی که از جمال بدیع و دلارام یوسف(ع) تبلور م یکرد آنها را خیره کرده بود و از خود بی خود ساخته بود؛ تا حدی که عنان از دست دادند و ب یاختریار به خاک افتادند.(۲)

### پیوند با بحث

مگر سجده بر غیر خدای متعال هم جایز است که حضرت یعقوب(ع) و برادران یوسف(ع) ب-ر او سجده کردند؟(۳)

اصلاً سجده یعنی چه؟

ص: ۲۳۶

۱- یوسف: ۱۰۰

۲- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۱ ص ۳۳۷.

۳- به کسی که پاسخ درست می دهد، جایزه ای بدهید.

سجده یعنی نهایت خضوع، خشوع و تذلیل؛ (۱) پس س-جده ش-ونده ه-م بای-د نهایی-ت بزرگ-ی و عظمت و پاکی را داشته باشد که غیر از خداوند متعال کسی دارای ای-ن ع-ظم-ت و بزرگ-ی و پاکی را ندارد. بنابراین سجده بر غیر خدای متعال درست نیست.

اگر حضرت یعقوب (ع) و پسرانش بر حضرت یوس-ف (ع) س-جده کردن-د و ی-ا در داس-تان حضرت آدم (ع) خدای متعال به ملائکه دستور داد به آدم سجده کنن-د، ن-ه از ب-اب اطاع-ت و ربوبیت آنها بود؛ بلکه آنها قبله گاه قرار گرفتند. همانند کعبه که کسی بر کعبه سجده نمی کند؛ بلکه به سمت کعبه سجده می کند. پس سجده ملائکه و حضرت یعقوب برای ذات اقدس حق صورت گرفته است؛ همانگونه که امام صادق (ع) فرمودند: "فی قول لله: وَخَرُوا لَهُ سَجْدًا قَالَ: ك-ان سُجُودَهُمْ ذَلِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ"؛ (۲) سجود آنها به منظور عبادت برای پروردگار بوده است.

امام رضا (ع) راجع به سجده فرشتگان بر آدم فرمودند: "وَكَانَ سُ-جُودُهُمْ لِلَّهِ عَزْوَاجًا لِعُبُودِيَّةٍ وَلاَ لِدَمِّ إِكْرَامًا"؛ (۳) سجده آنها عبودیت خداوند عزوجل و احترام به آدم (ع) بود.

### نتیجه گیری

سجده به منزله نهایت خضوع فقط در برابر خدایی جایز است که بی نهایت بزرگ و پاک است، و اگر ما در برابر اولیای خدا یا علما سجده می کنیم یا سجده ملائکه بر آدم ابوالبش-ر (ع) و ی-ا-سجده یعقوب پیامبر (ع) بر حضرت یوسف (ع)، در واقع عبادت خدای متعال و اک-رام اولی-اء الله است. علاوه بر اینکه این کار نشان دهنده عظمت اولیای خدا که از مخلصین هستند، می باشد.

خدایا، ما را از ساجدین واقعی قرار بده. آمین.

ص: ۲۳۷

۱- حسین راغب اصفهانی، مفردات، الفاظ القرآن الکریم، ص ۲۳۳.

۲- عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۶۷.

۳- صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۳.

راهبرد جلسه

عجایب قرآن و دین مبین اسلام انتها ندارد و هرازگ-اهی ک-ه پ-رده ای از اس-رار آن برداش-ته می شود، انگشت حیرت به دهان انسان های حقیق تجو می مان-د؛ زی-را کش-فیات بش-ری را در کتابی می بینند که قرن ها پیش نازل شده است. در این درس ب-ه یک-ی از آث-ار طب-ی س-جده می پردازیم .

جذاییت اولیه

رسول خدا(ص) به ابوذر فرمودند: "ای ابوذر، هیچ کسی صورت و پیشانی بر قطعه ای از قطع-ات زمین نمی گذارد، مگر اینکه آن قطعه زمین شهادت می دهد آن شخص در آن برای خدا سجده کرده و دعا و نماز خوانده و مناجات کرده است، و او را با ای-ن ش-هادت و گ-واهی، س-رافراز و مفتخر و بهشتی می کند". (۱)

دوستان من، دقت کرده‌اید، بعضی مواقع که با هم دست می دهیم یا دس-ت ب-ه پارچ-ه ی-اشیء دیگری می زنیم ناگهان برق، دستمان را می گیرد؟ آیا شما هم تابه حال چنین تجرب های را داشته اید؟

بدن ما به طور مشخص روزانه مق-دار زی-ادی ام-واج الکترومغن-اطیس دریاف-ت م-یکن-د.

باای نحساب ما منبعی هستیم ک-ه مق-دار زی-ادی ام-واج الکترومغن-اطیس در خودم-ان ذخی-ره کرده ایم. به عبارت دیگر، ما با امواج الکترومغناطیس شارژ می شویم؛ بدون اینکه متوجه باش-یم!

و اگر در بعضی مواقع احساس سردرد و ناراحتی م-ی کن-یم ی-ا دچ-ار تنبل-ی در ک-ار و درد در

ص: ۲۳۸

مکان های مختلف بدن می شویم به علت وجود این امواج است .

به نظر شما راه حل همه اینها چیست؟

یک دانشمند اروپایی تحقیقاتی را در مورد خارج کردن امواج الکترومغناطیسی که ب-ب-ب-دناسیب می رساند، انجام داده و به این نتیجه رسیده است که با گذاشتن پیش-انی-ت-ان بیش-تر از یک بار بر زمین، امواج الکترومغناطیس مضر بدن تخلیه خواهد شد؛ مانند ساختمان های بلن-د که احتمال برخورد سیگنال های الکتریکی مانند رعد و برق با آنها وج-ود دارد و ب-رای هم-ین به گونه ای طراحی می شوند که با زمین ارتباط داشته باشند تا امواج از طریق زمین تخلیه شود.

بنابراین سر را بر خاک بگذارید تا امواج الکتریکی مثبت تخلیه شود! آنچه این تحقی-ق-راییشتر شگفت انگیز می کند این جمله آن دانشمند است که: "بهرتر است پیشانی تان را بر خ-اکبگذارید".

شگفت انگیزتر اینکه می گوید: "بهترین حالت، حالتی است که رو به مرک-ز-زم-ین باش-ید؛ چراکه در این حالت امواج الکترومغناطیس بهتر تخلیه خواهد شد". بیشتر تعجب خواهید ک-ردوقتی بدانید براساس اصول علمی ثابت شده که شهر مکه و خانه کعب-ه در س-ت-مرک-ز-زم-یناست؛ همانگونه که رسول اکرم(ص) فرمودند: **سُمِيتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً لِأَنَّهَا وَسِطَةٌ الدُّنْيَا**. (۱)

### پیوند با بحث

بنابراین یکی از آثار طبی سجده در نماز، تخلیه ام-واج-مض-ر از ب-دن-اس-ت. خ-دای مهرب-ان همیشه از ما کارهایی را می خواهد که برای ما مفید و سودمند اس-ت. موض-وعات-بس-یاری در این عالم وجود دارد که دلیل و حکمت قطعی انجام آنها را نمی دانیم؛ اما دی-ری-ا-زود ممک-ن-است یک یا چندی از حکمت های شگفت آور و حیرت انگیز آن را پیدا کنیم. به هر حال ما بای-د بدانیم هرچه خداوند علیم و حکیم به ما فرموده، برای ما بهترین است .

ص: ۲۳۹

---

۱- "کعبه را کعبه نامیدند برای اینکه کعبه وسط دنیا می باشد" (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹)

ما بر خاک سجده نمی کنیم تا امواج الکترومغناطیس تخلیه شود؛ بلکه ب-رای اطاعت خداون-د قادر متعال سجده می کنیم و برای اینکه نهایت خضوع و خشوع خود را در برابر معبود خود به نمایش بگذاریم. ما به خدا اعتقاد و اطمینان داریم که همیشه هرچه می فرماید، در آن معرفتی است .

از همین جهت امام صادق(ع) فرمودند: "لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفِهِ"؛<sup>(۱)</sup> خدای متعال عملی را که از روی معرفت نباشد قبول نمی کند؛ برای اینکه او خالق هر چیزی است: "ذَلِكَ-مُ اللَّهُ رَبُّكَ-مُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ"؛<sup>(۲)</sup> آری، این اس-ت پروردگ-ار ش-ما؛ ه-یچ

معبودی جز او نیست. آفریدگار همه چیز است او را پرستید، و او نگهدارنده و مدبر همه موجودات است و اوست که بر هر چیزی آگاه است. "هُوَ-وَالَّذِي خَلَقَ لَكُمْ-مُ م-ا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا-ا ت-م اس-تَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ"؛<sup>(۳)</sup> او خدایی است که همه آنچه از نعمته-ا در زمین وجود دارد، برای شما آفرید سپس به آسمان پرداخت و آنها را به ص-ورت هفت-ت آس-مان مرتب نمود و او به هر چیز آگاه است .

با یافتن بعضی جنبه های علمی دستورهای الهی، کشف می شود که این دستورهای ب-رای همه، چه مسلمان چه کافر، مفید و خوب است.

ص: ۲۴۰

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴.

۲- انعام: ۱۰۲.

۳- بقره: ۲۹.

در این درس به تبیین این موضوع می پردازیم که چرا در نمازهایمان از مهر استفاده می کنیم .

### جذاییت اولیه

یکی از علمای اهل تسنن، فارغ التحصیل دانشگاه الأزهر مصر، به ن-ام "ش-یخ-محم-د مرع-یانطاکی" که اهل سوریه بود، بر اثر تحقیقات دامن هدار به مذهب تشیع گرایید و در کتابی به نام "لماذا أخ ترت م ذ هب الشیعه" علل گرایش خود را با بیان مدارک متقن ذکر نموده اس-ت . در ای-ن درس به یکی از مناظرات ایشان با دانشمندان اهل تسنن درباره سجده بر مهری که از ترب-ت حسینی(ع) است می پردازیم.

محمد مرعی در خانه اش بود، چند نف-ر از دانش-مندان اه-ل تس-نن ک-ه بعض-ی از آنه-ا از دوستان سابق او در دانشگاه الأزهر بودند، به دیدار او آمدند. در آن دیدار یک-ی از دانش-مندان اهل تسنن پرسید: شیعیان بر تربت حسینی(ع) سجده م یکنند. آنها به همین علت که بر مهر تربت حسینی(ع) سجده م یکنند، مشرک هستند.

محمد مرعی گفت: سجده بر تربت، شرک نیست؛ زیرا شیعیان بر تربت برای خ-دای متع-ال، سجده م یکنند؛ نه اینکه بر تربت صرف تربت بودنش سجده کنند. اگر به پندار شما - ب-ه ف-رض محال - در درون تربت چیزی وجود دارد که شیعیان به خاطر آن چیز، بر آن سجده می کنند، این شرک است. ولی شیعیان این گونه نیستند؛ بلکه آنها برای معبود خ-ود ک-ه خداون-د متع-ال باش-د سجده می کنند. نهایت اینکه هنگام سجده برای خدا، پیشانی را بر تربت حسینی(ع) می گذارند .

به عبارت روش نتر: حقیقت سجده، نهایت خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال است؛ نه خضوع و خشوع در برابر مهر تربت.

یکی از دانشمندان گفت: أحسنت که تحلیل زیبایی نمودی؛ ولی این سؤال برای ما ب-اقی می ماند که چرا شما شیعیان اصرار دارید که بر تربت حسینی(ع) سجده نمایید؟ چرا بر س-ایر چیزها سجده نم یکنید؟ همانگونه که بر تربت سجده می کنید؟

محمد مرعی پاسخ داد: اینکه ما بر خاک سجده می کنیم، براساس حدیثی است که م-ورد

اتفاق همه فرقه های اسلامی اس-ت ک-ه پی-امبر اک-رم (ص) فرم-ود: "جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا"؛(۱) زمین برای من سجده گاه و پ-اکیزه ق-رار داده ش-ده اس-ت. بن-اب راین ب-ه اتف-اق هم-ه مسلمانان، سجده بر خاک خالص جایز است؛ از اینرو ما بر خاک سجده می کنیم .

یکی از آن دانشمندان به نام حمید گفت: چگونه مسلمانان بر این امر اتفاق نظر دارند؟ محمد مرعی: "هنگامی که رسول خدا(ص) از مکه به مدینه هجرت کرد در همان آغاز، به ساختن مسجد دستور داد. آیا این مسجد فرش داشت؟" حمید: نه، فرش نداشت .

محمد مرعی: پس پیامبر(ص) و مسلمانان بر چه چیزی سجده می کردند؟ حمید: بر زمینی که از خاک فرش شده بود، سجده می کردند؟

محمد مرعی: بعد از رحلت پیامبر(ص) مسلمانان در عصر خلف-ای ث-لا ث ب-ر چ-ه س-جده می کردند؟ آیا مسجد فرش داشت؟

حمید: نه، فرش نداشت، آنها نیز بر خاک زمین مسجد سجده می نمودند.

محمد مرعی گفت: بنابراین به اعتراف شما، پیامبر(ص) و همه مسلمانان در عصر او و دیگر زمان ها بر زمین سجده کرد هاند. به همین دلیل، قطعاً سجده بر خاک صحیح است.

حمید: اشکال من این است که شیعیان تنها بر خاک سجده می کنند؛ آنها هم خاکی که از زمینی گرفته و به صورت مهر در آورده اند؛ آن را در جیب خود می گذارند و بر آن سجده می کنند.

حمد مرعی: اولاً به عقیده شیعه، سجده بر هر گونه زمین، خواه سنگف-رش باش-د و خ-واه زمین خاکی باشد، جایز است؛

ص: ۲۴۲



ثانیاً نظر به اینکه شرط است محل سجده پاک باشد، پس سجده بر زمین نجس یا خ-اک آلوده درست نیست. از اینرو قطعه ای از گل خشکیده به نام مهر را که از خاک پاک تهیه شده، با خود حمل می‌کنند تا در نماز بر خاکی که مطمئناً پاک و تمیز است سجده کنند، با علم ب-ه اینکه آنها سجده بر خاک زمین را که نجس بودن آن را نمی‌دانند، جایز می‌دانند.

حمید: اگر منظور شیعه سجده بر خاک پاک خالص است، چرا مق-داری از خ-اک را حم-ل نمی‌کنند و مهر حمل می‌کنند؟

محمد مرعی: ب-ه دلیل اینکه حمل خاک موجب پاک آلودگی لباس می‌شود. شیعیان همان خاک را با آب می‌آمیزند و گل می‌کنند و سپس همان گل در قالب زیب-ا خش-ک م-یش-ود و به صورت مهر درمی‌آید که دیگر حمل آن زحمت نداشته باشد و موجب پاک آلودگی لب-اس و دست نشود.

حمید: چرا شما بر غیر خاک، مانند حصیر، قالی، زیلو و مانند اینها سجده نمی‌کنید؟

محمد مرعی: گفتیم غرض از سجده، نهایت خضوع در برابر خداست. اکن-ون م-ی گ-ویم، سجده بر خاک، خواه خشکیده (مهر) و خواه نرم، دلالت بیشتری بر خضوع در برابر خ-دا دارد؛ زیرا خاک، ناچیزترین اشیاست و ما بالاترین عضو بدن خود یعنی پیشانی را بر پایین ترین چیز یعنی خاک، در حال سجده می‌نهمیم تا با خضوع بیشتر خدا را عبادت کنیم. همچنین مستحب است در سجده، سر بینی خاک آلود شود تا دلالت بیشتر برای خض-وع داش-ته باش-د؛ بن-ابرا این سجده بر قطع های از خاک خشکیده (مهر) بهتر از سجده بر سایر اشیایی است که س-جده ب-ر آنها رواست؛ چرا که اگر انسان در سجده پیشانی خود را بر روی سجاده گران قیمت یا بر قطعه طلا و نقره و امثال آنها و یا بر قالی و لباس گران بها بگ-ذارد، از تواض-ع و خض-وعش کاس-ته می‌شود و چه بسا هیچ گونه دلالتی بر کوچکی بنده در برابر خدا نداشته باشد.

### نتیجه گیری

با این توضیح، آیا کسی که سجده بر خاک خشکیده (مهر) می‌کند تا تواض-ع و خض-وعش در پیشگاه خدا رساتر باشد، مشرک و کافر خواهد بود؟ ولی سجده بر چیزی مانند قالی و طلا که مخالف تواضع است، تقرب به خداست؟! هر کس چنین تصور کند، تصور باطل-ل و ب-ی اساس-ی نموده است.

در این جلسه با بخشی از فلسفه های سلام در نماز آشنا می شویم

### جذاییت اولیه

س--لامی ب--ه زیب--ایی ی--ادی--اران سلامی چو حال خوش میگساران س--لامی ب--ه گرم--ای داغ ج--دایی سلامی چو دلتنگ--ی ب--ی ق--راران سلامی چ--و عط--ر دل انگیز ب--اران س--لامی ب--ه ش--ادابی نوبه--اران سلامی به سرسبزی جنگل و دشت س لامی به زیبایی نام ایران(۱)

### سؤال

ما با تکبیرها الاحرام وارد نماز می شویم و با سلام و تحیت از نماز خارج می شویم . چ-ه کس-ی می داند چرا آخر نماز به این شکل خاص سلام می دهیم؟ بله؛ احس-نت ، یک-ی از فلس-فه ه-ای سلام آخر نماز می تواند این باشد:

احساس یگانگی و همدلی مسلمانان

نماز گزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و ب-ر خ-ودش س-لام م-ی ده-د، احساس می کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خ-دا در ه-رجای زمین احساس هم بستگی می کند.

ص: ۲۴۴

---

۱- مربی گرامی این ابیات را با جذاییت و شور و حال بخواند

واژه سلام در میان دو معنا مشترک است؛ هم به معنای درود و تحیات است و هم به معنای موقدس خداوند عزوجل. طبق معنای اول، معنای سلام‌ها ی نماز روشن است؛ ولی برای اس-معنای دوم، اشاره و کنایه از این است که نماز گزار از خداوند متعال سلامتی و امنیت از عذاب دنیوی و اخروی را برای مؤمنان خواستار است؛ چنانکه ام-ص-ادق (ع) م-ی فرمای-د: "مُعْنَى

السلام فی دُبُرِ کُلِّ صَلَاةٍ أَلَامَانٌ"؛ (۱) معنی سلام در آخر هر نمازی، ام-ان اس-ت؛ یعنی-ی اگ-ر نم-از را در حالی که قلبمان خاضع است به جای آوریم، از بلاهای آخرت در امان خواهیم بود. (۲)

جلب رحمت الهی

ما در "السلام علیکم ورحمته لله وبرکاته" از خداوند متعال برکت و رحمت را ب-رای خود و هم-ه بندگان خواستاریم .

ارتباط با فرشتگان

سلام، نوعی ارتباط با فرشتگان و اظهار دوستی با آنان است. در تعی-ین ای-ن مطلق، از ام-ام صادق (ع) پرسیدند: چرا بعد از سلام، نماز گزار باید رو به طرف راست ب-رگرداند، ن-ه چ-پ؟ فرمودند: ملکی که کارهای بد را می نویسد، در طرف چپ است و چون نماز، هم-ه اش-خ-وب است و بدی در او نیست به طرف راست سلام داده می شود، نه طرف چپ. (۳)

### پیوند دوستی و محبت با دیگران

سلام، خواستن سلامتی، امنیت، خیر، برکت و سعادت است. نماز گزار با سلام دادن، نشان می ده-د که دوستدار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آن-ان را دارد. ای-ن مسئله باعث نزدیکی قلبها به هم و مستحکم تر شدن دوستی ها و برادری هاست.

خدایا، دوستی مؤمنان را مستحکم بفرما. آمین .

ص: ۲۴۵

۱- مصباح الشریعه، ص ۰۹، اسرار نماز، ص ۱۶۲.

۲- محمد محسن بن مرتضی، فیض کاشانی، اسرار نماز، ص ۱۶۲.

۳- صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۵۹.

### راهبرد جلسه

در این جلسه به بیان این موضوع می پردازیم که نماز، باعث ایجاد روابطی دوستانه و صمیمی و دور از سوءظن های رایج می شود .

### جذاییت اولیه

جوانی با چاقو وارد مسجد شد و گفت: بین شما کسی هست که مسلمان باشد؟ همه با ترس و تعجب به هم نگاه کردند و سکوت در مسجد حکم فرما شد. بالاخره پیرمردی با ریش سفید از جا برخاست و گفت: آری من مسلمانم. جوان به پیرمرد نگاهی کرد و گفت با من بیا. پیرمرد به دنبال جوان به راه افتاد و با هم چند قدمی از مسجد دور شدند. جوان گله گوسفندان را ب-ه پیرمرد نشان داد و گفت: می خواهم تمام آنها را قربانی و بین فقرا پخ-ش ک-نم و ب-ه کم-ک احتیاج دارم. پیرمرد و جوان مشغول قربانی کردن گوسفندان ش-دند و پ-س از م-دتی پیرم-ردخسته شد و به جوان گفت که به مسجد برود و شخص دیگری را برای کمک با خود بی-اورد.

جوان با چاقوی خون آلود به مسجد بازگشت و باز پرسید: آیا مس-لمان دیگری-ری در ب-ین ش-ماهست؟ افراد حاضر در مسجد که گمان کردند جوان، پیرمرد را به قتل رسانده است، نگاهشان را به امام جماعت مسجد دوختند. امام جماعت رو به جمعیت کرد و گفت: چرا نگاه می کنی-د؟ به عیسی مسیح قسم که با چند رکعت نماز خواندن کسی مسلمان نمی شود .

### پیوند با بحث

یکی از واجبات نماز سلام است که از س-ه قس-مت؛ یعنی-ی "الس-لامُ عَلَی-کَ أیَّه-النبی-ی وَرَحْمَه-هُ لِلّهِ وَبَرَکَاتُهُ" و "السَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ" و "السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُہ" تش-کیل ش-ده است. سلام یکی از نام های زیبای خداوند متعال است. سلام یعنی-ی آرزوی امنی-ت و آس-ایش

برای شخصی که به او سلام می‌کنیم. در سلام آخر نماز ما به همه س-لام م-ی ده-یم؛ یعنی-ی می خواهیم بگوییم نتیجه این جلس‌های که با خدای رحمان داشتیم این است که مانند خود خدا رحمان شده ایم؛ یعنی از جانب ما به هیچ ک-س آزار و اذیت-ی نخواه-د رسید. هم-ان ط-ور ک-ه

عبدالله بن فضل می‌گوید: "سَأَلْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَنْ مَعْنَى التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ"؛ از امام صادق (ع) از معنای سلام در نماز پرسیدم. "فَقَالَ التَّسْلِيمُ عَلَامَةُ الْأَمْنِ"؛ فرمود: سلام‌های نماز نشانه امنی-ت اس-ت. (۱) متأسفانه بدگمانی افراد جامعه به یکدیگر و عدم اعتماد رایج در رفتارهای اجتماعی، دل‌ها را از هم دور کرده و موجب از بین رفتن آرامش و امنیت لازم در اجتماع شده است.

### نتیجه‌گیری

یکی از بزرگ‌ترین درس‌های نماز و درواقع نتیجه و خلاصه این ارتباط معنوی با خداوند علیم و قدیر ایجاد امنیت و آرامش و آسایش برای خودمان و دیگران است. ما هم پایان‌ای-ن درس را با جمله زیبای "السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ" به همه اعلام می‌کنیم.

خدایا، ما را از سلام‌کنندگان واقعی قرار بده. آمین.

ص: ۲۴۷

در این درس با بزرگترین و مه‌مترین مساجد جهان اسلام آشنا می‌شویم .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی هر کدام از تصاویر مساجد زیر را در اندازه‌های بزرگ تهیه کرده، از دانش‌آموزان بخواهد نام آن مساجد را بیان کنند. در پشت هر عکس-س ن-ام مس-جد و می-زان ث-واب نم-از خواندن در آن را با حروف بزرگ درج نماید.

مسجد الحرام امام باقر(ع) فرمود:

"مَنْ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةً مَكْتُوبَةً قَبْلَ اللَّهِ بِهَا مِنْهُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَاةً مُنْدِي وَوَجِبَتْ عَلَيَّ الصَّلَاةُ وَكُلَّ صَلَاةٍ يُصَلِّيهَا إِلَى أَنْ يَمِتَ"؛<sup>(۱)</sup>

کسی که یک نماز واجب در مسجد الحرام بخواند، خداوند تم-ام نمازه-ایی را ک-ه از آغ-از تکلیف تا پایان عمر می‌خواند، از او قبول می‌کند.

امام صادق(ع) نیز فرمود:

"الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ"؛<sup>(۲)</sup>

نماز در مسجد الحرام با صد هزار نماز [در غیر آن] برابر است.

ص: ۲۴۸

۱- صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- محمد بن يعقوب كليني، اصول كافي، ج ۴، ص ۵۲۶.

مسجد النبی (ص) رسول اکرم (ص) فرمود:

"صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَشْرَةَ آلَافٍ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ تَعْدِلُ مِائَةَ آلْفٍ صَلَاةٍ"؛<sup>(۱)</sup>

نماز در مسجد من با ده هزار نماز در مساجد دیگر برابر است؛ مگر مسجد الحرام که -نم- از در آن با صد هزار نماز در مساجد دیگر برابر است.

رسول الله (ص) همچنین فرمود:

"الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مِائَةَ آلْفٍ صَلَاةٍ وَالصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ عَشْرَةَ آلَافٍ صَلَاةٍ"؛<sup>(۲)</sup>

نماز در مسجد الحرام با صد هزار نماز و نماز در مسجد مدینه (مسجد النبوی) معادل ب-ده هزار نماز است. برخی از محدثان چنان نقل کرده اند که امام صادق (ع) در پای-ان ای-ن روایت فرموده است: "وَأَفْضَلُ مَوْضِعٍ يُصَلِّي فِيهِ مِنْهُ مَا قَرَّبُ مِنَ الْقَبْرِ"؛<sup>(۳)</sup>

بارزترین مکان ها در مسجد النبی (ص) جایی است که به قبر پیامبر اکرم (ص) نزدی-ک باشد.

مسجد الاقصی و مسجد کوفه امام باقر (ع) فرمود:

"الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَةُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَالْمَسْجِدُ الرَّسُولِ (ص) وَالْمَسْجِدُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَالْمَسْجِدُ الْكُوفِيُّ يَا أَبَا حَمْرَةَ الْفَرِيضَةُ فِيهَا فِ تَعْدِلُ حَجَّةً وَنَافِلَةً تَعْدِلُ عُمْرَةً"؛<sup>(۴)</sup>

مساجد چهارگانه عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد رسول الله (ص)، مسجد بیت المقدس-دس و مسجد کوفه؛ ای اباحمزه، نماز واجب در مسجد کوفه با حج برابر است و نماز مستحب با عمره برابر است.

ص: ۲۴۹

۱- شیخ حر عاملی، الفصول المهمه فی أصول الأئمه - تکمله الوسائل، ج ۲، ص ۸۴.

۲- میز را حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲۶.

۳- همان .

۴- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

حضرت علی (ع) فرمود: "صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ" (۱)؛ نماز در بی-ت المق-دس ب-ا هزار نماز برابر است امام صادق (ع) نیز می فرماید: "الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِأَلْفِ صَلَاةٍ" (۲) نماز در مسجد کوف-ه ب-ا هزار نماز برابری می کند .

### پیوند با بحث

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "خَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدِ" (۳) بهترین مکان ها مساجد هستند .

دوستان عزیز من، به نظر شما چرا مساجد یکی از بهترین مکان ها هس-تن د؟ (۴) مس-جد تنه-ایک مکان مقدس برای عبادت، نماز، عزاداری و سایر فرایض نیست. از همان ابتدا هم نب-وده است. مسجد محیطی برای جمع شدن مسلمانان و هم فکری آنها در امور فردی و اجتماعی و کمک برای حل مشکلات یکدیگر و انجام امور اجتماعی است. در زمان پیامبر اکرم (ص) نی-ز مسجد همین کارکرد را داشته است. رسیدگی به امور مردم، پاسخ به پرسش ها و مسائل آنه-ا، آموزش احکام اسلام، تقسیم بیت المال و تصمیم گیری های مهم درباره مسائل آن زمان، همه و همه در مسجد صورت می گرفت. از همین رو مساجد بهترین مکان هاست؛ چراک-ه ایم-ان ب-ه خداوند متعال در عمل به نمایش گذاشته می شود .

ص: ۲۵۰

۱- همان .

۲- شیخ هر عاملی، وسای ل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۰

۳- همان، ص ۲۹

۴- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان نظرهای خود را بیان کنند.





در این درس به اهمیت مسجد و جایگاه ویژه آن در اسلام می پردازیم .

### جذابیت اولیه

دوستان خوب من، کدام یک از شما می تواند یک ضربالمثل راجع به مسجد بیان کند؟ آفرین؛ "مؤمن مسجد ندیده!" کدامیک از شما دانش آموزان باهوش می داند که این ضربالمثل به چه معناست؟ "مؤمن مسجد ندیده"؛<sup>(۱)</sup> به کسی گفته می شود که-تظ-اهر ب-ه تق-دس و دی-ن داری می کند. در واقع آدمی است پر از غرور و تکبر و ریا که نه تنها با اخلاق ب-د و رفت-ار ناشایست خود سبب شده دیگران از او دوری کنند، که موجب بی احترامی و بی ارزش کردن ارزش ه-ا و باورهای دینی نیز شده است، که این خود خطایی بسیار بزرگ است.

مربی گرامی روایت گرانقدری را که از امام ص-ا دق (ع) اس-ت، در چه-ا ر بخ-ش ب-ر رویکارت های مقوایی به صورت جداگانه و ترجمه آن را در پشت آن کارت ها م-ی نویس-د و ب-رای بیان آن، چهار نفر از دانش آموزان را دعوت می کند. مربی روایت را به صورت پراکنده در اختیار آنها قرار می دهد و از دانش آموزان می خواهد در مدت زمان کوتاهی به شکل مرتب و ص-حیح کنار هم قرار بگیرند تا روایت مبارکه به شکل صحیح خوانده شود. بعد از خواندن متن عربی<sup>(۲)</sup> آن از دانش آموزان می خواهد کارتها را برگردانند و ترجمه آن را می خواند و توضیح می دهد .

قال الصادق(ع):

ث-لَا تَهْ يَشْكُونَ إِلَيَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ ؛

ص: ۲۵۲

۱- مصطفی رحیمی نیا، ضرب المثل های فارسی و اصطلاحات عامیانه، ص ۱۸۴.

۲- مربی ابتدا از دانش آموزان ترجمه آن را بپرسد.

سه چیز است که نزد خداوند عزوجل شکایت می کنند .

مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ؛

مسجیدی که متروکه مانده و در آن نماز نمی خوانند .

وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَاِلٍ؛

عالمی که بین افراد نادان قرار گرفته و از آن بهره ای نمی برند.

و مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (۱)؛

قرآنی که فقط بر سر طاقچه منزل قرار گرفته و خاک می خورد.

### پیوند با بحث

مساجد در طول تاریخ و خصوصاً در صدر اسلام، علاوه بر محل عب-ادت و تش-کیل نمازه-ای جماعت، مکانی برای تشکیل جلسات بح-ث و درس، تعلیم-ات دین-ی و علم-ی، انج-ام ام-ور قضایی، حل و فصل اختلافات، رسیدگی به امور عمومی، دستگیری از مس-تمندان، نگه-داری بیت المال و غیره بوده است. بدیترتیب گستره اجتماعی و سیاس-ی مس-اجد بس-یار چش-مگیر بوده، انبوهی از پیامهای اجتماعی و سیاسی از فراز آن منتشر می شد .

آنچه در روایت امام صادق(ع) در هر سه مورد: مسجد، عالم و قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته، این است که تمامی آنها می توانند مسیر سعادت جاودانه انسان را رقم بزنند، درحالیکه بدون استفاده در گوشه ای قرار گرفته اند، تا آنجا که مساجد رو به خرابی نهاده، علما به انزوا رفته و قرآن کریم فقط به کتابی برای مراسم عزا و عروسی تبدیل شده است! این یعنی زن-دگی ای که نه لذت دنیوی دارد و نه سعادت اخروی.

### نتیجه گیری

اگر بخواهیم در روزی که همه حقایق روشن می شود (يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ)، (۲) ما جزو کسانی نباشیم که مسجد و عالم محل، و قرآن منزلشان از او شاکی می شوند، بلکه جزو کس-انی باش-یم ک-ه

ص: ۲۵۳

۱- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۸

۲- طارق: ۹

نامه عملشان در دست راستشان قرار گرفته، شادمان از کرده های خود هس-تند، واق-ع ش-ویم:

"فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ \* فَسَوْفَ يُحِاسِبُ حِسَاباً يَسِيراً \* وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْروراً" (۱) باید با رون-ق بخشیدن به مساجدمان، پی-روی از ع-الم عام-ل محل-ه م-ان و ب-ه ک-ار گیری ق-رآن ک-ریم در زندگی مان، که چیزی جز مکارم اخلاق و حسن خلق محمدی(ص) نیست، خود را به س-عادتو لذت دنیا و آخرت نائل کنیم.

ص: ۲۵۴

---

۱- انشقاق: ۷-۹

در این درس به توضیح و تفصیل یکی از مهمترین و بزرگترین عبادات که سمبلی از اتحاد و برادری و ی کدلی در بین مسلمانان است، یعنی نماز جماعت می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی ابتدا یک جدول ساده به شکل زیر رسم کند. این جدول از راست به چپ پر می شود .

نماز جماعت

۱. کدام عبادت است که: **إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا** و **إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَعَهَا**? (۱) (نماز)

۲. آیه شریفه **وَازْكِعُوا مَعَ الرَّاِكِعِينَ** (۲) اشاره به کدام یک از عبادات است؟ (نماز جماعت)

نماز جماعت، یک حرکت توحیدی برای یکی شدن دل ها و یکرنگی و دوستی و محب-تیین مسلمانان است. این یک-ی ش-دن و اتح-اد فوای-د بس-یار زی-ادی در نیرومن-دی اس-لام و مسلمانان دارد و نمایشی زیبا از حقیقت دین و قرآن است.

دوستان خوب من، تابه حال دریاچه خزر را از نزدیک دیده اید؟ (۳)

ص: ۲۵۵

۱- "اگر قبول شود دیگر اعمال نیز قبول می شود و اگر قبول نشود دیگر اعمال نیز قبول نمی شود" (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۸).

۲- و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید [و نماز را با جماعت بگزارید] (بقره: ۴۳)

۳- در صورت امکان مربی گرامی با همراه داشتن نقشه بزرگ ایران، یا دریاچه خزر، آن را به دانش آموزان نشان دهد .

کدامیک از شما می داند دریاچه، خصوصاً به این عظمت و بزرگی چگونه ایجاد می شود؟ (۱) بله آفرین؛ دریاچه از جمع شدن آب ها از نقاط مختلف در یک نقطه تشکیل می شود؛ مانند دریاچه خزر که از جمع شدن رودخانه ه-ای بزرگ-ی مانن-د ارس و ه-رات ، و آب چش-مه ه-ا و باران های وسیع و یکی شدن آنها با یکدیگر چنین دریاچه باعظمت و پرشکوهی ایج-اد ش-ده است که بزرگترین دریاچه جهان می باشد .

نماز جماعت هم مانند یک اقیانوس بی کران است و مثل ه-ر ف-رد ک-ه در نم-از جماع-ت شرکت می کند مثل آن رود و چشمه زلال است که هرگز به تنهایی چنین عظمت و زیب-ایی و شکوهی نخواهد داشت. کسانی که در نماز جماعت حاضرند، ممکن است هر ک-دام نمازش-ان دارای فضیلت و نقصانی داشته باشد که به سبب اجتماع آنها با یک-دیگر، خ داون-د مهرب-ان آن قسمت از نماز هر کدام را که فاقد شرایط کافی ب-وده اس-ت، ب-ه س-بب توج-ه دیگ-ری قب-ولمی کند. (۲)

نماز جماعت سمبلی از اتحاد و برادری، و دوستی و محبت مسلمانان در راه خداوند متع-ال است که فضیلت و عظمت این ارتباط دوستانه غیرقابل انک-ار اس-ت؛ هم-ان ط-ور ک-ه پی-امبر خدا(ص) فرمودند: "کسانی که در راه خدا با یکدیگر دوستی کنند، در روز قیامت در سایه س-ار عرش الهی و غرق در برکت اله-ی ق-رار دارن-د؛ درح-الی ک-ه ص-ورته-ای آنه-ا از خورش-ید درخشان تر است، و تمامی فرشتگان مقرب در گاه الهی و پیامبران به جایگاه و منزلت آنان نزد خداوند متعال غبطه می خورند و اهل قیامت از یکدیگر می پرس-ند: این-ان کیس-تند؟ ب-ه آن-ان خطاب می شود: آنان کسانی هستند که در دنیا به خاطر خ-دا ب-ا یک-دیگر دوس-ت بودن-د و ب-ه یکدیگر محبت می کردند." (۳)

در کتاب مستدرک به نقل از کتاب انوار ابوعلی محمدبن همام روایت شده است که: حضرت

امام باقر(ع) فرمودند: حضرت رسول(ص) فرمودند: "هر کس برای رضای خدا به دی-دن ب-رادر

ص: ۲۵۶

---

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان دریاچه را تعریف کنند.

۲- میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلوه، ترجمه سیدعلی احمدی، ص ۵۴۰.

۳- همان، ص ۵۴۱

ایمانی اش برود، خداوند متعال به وجود او به فرشتگانش مباحثات م-ی کن-د و زم-انی ک-ه او رامی بیند، فرشته ای از آسمان خطاب به او می گوید: پاک شدی، و هنگامی که مشغول ص-حبت شود، خداوند متعال به دو فرشته اش می فرماید: عمل هفتاد پیامبر که عمرشان را صرف عبادت من کرده اند و خونشان در راه من بر زمین ریخته شده برای اوس-ت و هنگ-امی ک-ه ب-ا ب-رادرایمانی اش شوخی کرده و با او بخندد، خداوند متعال خطاب به آن دو فرشته می فرماید: شما را گواه می گیرم در روز قیامت که بعضی چهره ها سفید و بعضی دیگر سیاه است، او را روس-فید و شاد و خندان گردانم."

## نتیجه گیری

با کمی تأمل متوجه خواهیم شد که نماز جماعت، جامع همه این اتفاقات زیبا خواهد بود و این خود نشان از عظمت و اهمیت نماز جماعت دارد و از همین رو در روایات و سیره معصومان:

بر آن بسیار توصیه شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: "مَنْ صَلَّى الْخُمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظُنُوا بِهِ خَيْرًا"<sup>(۱)</sup>.

ص: ۲۵۷

---

۱- "کسی که نمازهای یومیۀ خود را به جماعت بخواند به او گمان خوب و خیر داشته باشید" (محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۱).

## راهبرد جلسه

در این درس به موضوع حفظ و رعایت حریم انسان ها می پردازیم .

## جذاییت اولیه

مربی گرامی دو نفر از دانش آموزان را برای کمک در آموزش دعوت کند. ی-ک عب-ا ب-ر دوش یکی از آنان قرار دهد. او نقش میرزای قمی<sup>۱</sup> و دیگری نقش فتحعلی شاه را بازی کنند.

در حکایت نقل شده که فتحعلی شاه مبلغی را برای میرزای قم-ی<sup>۲</sup> فرس-تاد و ایش-ان رد کرد. (۱) فتحعلی شاه مبلغ را دو برابر کرد و دوباره برای میرزای قمی<sup>۲</sup> فرستاد. باز هم میرزا رد کرد و باز هم فتحعلی شاه مبلغ را از آنچه بود دو برابر کرد و فرستاد و به میرزا گف-ت : هرچ-ه شما این را رد کنی ما آن را دو برابرش می کنیم و به شما برمی گردانیم. میرزای قمی که دی-داین گونه است این دفعه قبول کرد.

بعداً که خود فتحعلی شاه نزد میرزا آمده بود، میرزا به شاه فرموده بود: "با آن پول هایی که شما داده بودید برای شما یک خانه ای در آخرت درست کردیم؛ به این معنا که یک مسجد ساختیم." فتحعلی شاه گفت: پس برویم آنجا نماز بخوانیم. به آن مسجد رفتند و وضو گرفتند و نماز خواندند. فتحعلی شاه پهلوی میرزا ایستاده بود و همه سربازانش پشت می-رزا ایس-تاده بودن-د.

میرزا وقتی به سجده می رسید، می دید مهر فتحعلی شاه مطابق مهر میرزاس-ت، ب-رای هم-ین مهر شاه را عقب تر می برد. در رکعت بعد، دوباره فتحعلی شاه مهرش را به همان ترتی-ب ق-رار

ص: ۲۵۸

۱- مربی گرامی می تواند راجع به تقوی و پرهیز علمای بزرگ ما از دنیا و به دنبال دنیا نبودن آنان کمی توضیح دهد. نیز اینکه اینکه هیچ وقت نباید چشم ما به دست این و آن باشد.



می داد و بازهم میرزای قمی مهر او را عقب تر قرار م‌یداد، تا اینکه نماز تمام شد.

بعد از نماز میرزا فرمود: مأموم در نماز باید پشت امام و یا کمی عقب تر از امام باشد .

فتحعلی شاه گفت: من نماز خودم را خواندم و با شما جماعت نم‌ی‌خواندم . فق‌ط اینج‌ا‌ایستادم تا سربازان به شما اقتدا کنند.

### پیوند با بحث

نماز جماعت، نمایشی از وحدت و عشق و محبت مسلمانان به یکدیگر است. از این رو ه‌م‌ازلحاظ ظاهری و هم‌ازلحاظ باطنی باید این معنا و مفه‌وم‌را برس‌اند. ب‌اطن آن هم‌ان‌روح جمعی و دوست‌یابی و شناخت مشکلات یکدیگر و برطرف کردن آنهاست. و ظاهر آن نش‌ان‌دهنده نظم و وحدت و نظافت و پیروی از امامت می‌باشد. اگر در نماز جماعت بای‌دفاص‌له‌ونظم رعایت شود می‌تواند برای این باشد که ما این جهات را در تمامی مراحل زندگی خود ب‌کار بندیم. باید در روابط فردی و اجتماعی خود فاصله‌ها را رعایت کنیم و هیچ‌گاه دچار افراط و تفریط نشویم .

دوستان خوب من، فاصله بین امام و مأموم و بین خودشان نباید بیش از ی‌ک‌گ‌ام‌ب‌زرگ انسان معمولی باشد که در شرع، به مقدار مکانی که یک انسان معمولی هنگام سجده ک‌ردن لازم دارد بیان شده است .

### نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم اجتماعی، حفظ حریم افراد جامعه از س‌وی‌کس‌انی‌اس‌ت‌ک‌ه‌جامع‌ه‌را تشکیل می‌دهند؛ زیرا اینگونه است که جامعه برپا م‌ی‌مان‌د‌و‌ه‌مگرای‌ی‌و‌ه‌مدل‌ی‌در آن افزایش می‌یابد و انسجام اجتماعی تقویت می‌شود. بخش بزرگی از آموزه‌های وحیانی اس‌لام‌به‌مسائلی‌اختصاص‌دارد که این پیوندهای اجتماعی را استوار کرده و پایه‌های آن را محک‌م‌می‌کند. یکی از این آموزه‌ها حفظ حریم فردی و اجتماعی است.

در این جلسه به موضوع آشنایی با نماز خوف و شرایط آن می پردازیم و ای-ن نکت-ه ک-ه نم-ازجماعت از چه اهمیت بالایی برخوردار است.

### جذاییت اولیه

شما همه خوب می دانید امام حسین (ع) در روز عاشورا به نم-از ایس-تادند. تع-دادی از ی-ارانش مانند سعید بن عبدالله حنفی در حال دفاع از جان نمازگزاران ب-ه ش-هادت رس-یدند. چ-ه کس-ی می داند آن نمازی را که امام حسین (ع) در روز عاشورا خواندند چه نوع نمازی بود؟ (۱) احسنت، ابی عبدالله (ع) مانند پیامبر اکرم (ص) در داستان سفر به مکه، نماز خوف خواندند.

### پیوند با بحث

هنگامی که پیامبر (ص) با عده ای از مسلمانان به ع-زم مک-ه وارد س-رزمین حدیبی-ه ش-دند و جریان به گوش قریش رسید. خالد بن ولید-د ب-ه سرپرس-تی ی-ک گ-گ-روه دویس-ت نف-ری ب-رای جلوگیری از حرکت مسلمانان به سوی مکه در کوه های نزدیک مکه مستقر شد. هنگام ظه-ربلال اذان گفت و پیامبر (ص) با مسلمانان، نماز ظهر را به جماعت ادا کردند. خالد از مش-اهده این صحنه در فکر فرو رفت و به نفرات خود گفت: در موقع نماز عصر که در نظر آنه-ا بس-یارپرزش است و حتی از نور چشمان خود آن را گرمی ترم یدارند، باید از فرصت استفاده کرد و با یک حمله برقاسا و غافل گیرانه کار مسلمانان را یکسره ساخت. در ای-ن هنگ-ام آی-ه "وَإِذَا

كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا كُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلِّوا أَوْ فُلْيُصَلِّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَالدِّينُ كَفٌّ-رُوال-وُ تَغْفُلُ-وَنَ ع-نُ

ص: ۲۶۰

---

۱- مربی گرامی اجازه بدهد دانش آموزان پاسخ صحیح را بدهند و در صورت امکان جایزه ای برای آن مشخص کند.

أَسِيْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَهُ وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْمًا أَنْ تَضَعُوا أَسِيْلِحَتَكُمْ  
وَتُخَذُوا حِذْرًا إِنَّ لِلَّهِ أَقْدَامًا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا<sup>(۱)</sup>

نازل شد و دستور نماز خوف را که از هر حمله غافل گیرانه ای جلوگیری می کن-د ب-ه مس-لمانان داد و این خود یکی از نکات اعجاز قرآن است که قبل از اقدام دشمن، نقشه های آنها را نقشب-ر آب کرد؛ لذا گفته می شود خالد بن ولید با مشاهده این صحنه ایمان آورد و مسلمان شد.<sup>(۲)</sup>

نماز خوف چگونه است؟

نماز خوف این است که نمازهای چهاررکعتی تبدیل به دو رکعت شود. گروه اول یک رکعت را با امام می خوانند، و امام پس از اتمام یک رکعت توقف می کند و آن گروه یک رکعت دیگر را به تنهایی خوانند و به جبهه جنگ بازمی گردند. سپس گروه دوم جای آنها را می گیرن-د و ی-ک رکعت نماز خود را با امام و رکعت دوم را به طور فردی انجام می دهند.

### نتیجه گیری

ما اگر در مواقعی مجبور به دفاع می شویم برای حفظ نماز و دین است. پس بای-د در جه-ادی که موجب فراموش شدن نماز می شود تأمل کرد. دیگر اینکه طریقه برگزاری نماز خوف حاکی از اهمیت بالای نماز جماعت است که در این شرایط با آن همه مش-کلات و س-ختیه-ا نم-از خوف به جماعت ادا می شود؛ چراکه جنگ و جهاد ما برای حفظ اتح-اد و یک-دلی و یک رنگ-ی ماست.

خدایا، در همه حال ما را از نماز گزاران واقعی قرار بده. آمین.

ص: ۲۶۱

۱- و هنگامی که در میان آنها باشی و در میدان جنگ برای آنها نماز برپا کنی، باید دست های از آنها با تو [به نماز] برخیزند و سلاحهای خود را با خود بگیرند و هنگامی که سجده کردند [و نماز را به پایان رسانیدند] باید به پشت سر شما [به میدان نبرد] بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند و مشغول پیکار بوده اند، بیایند و با تو نماز بخوانند و باید آنها وسایل دفاعی و سلاحهای خود را با خود [در حال نماز] حمل کنند؛ زیرا کافران دوست دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یک مرتبه به شما هجوم کنند، و اگر از باران ناراحت هستید و یا بیمار [و مجروح] باشید مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی [مانند زره و خود] را با خود بردارید. خداوند برای کافران عذاب خوارکننده ای فراهم ساخته است<sup>(نساء: ۱۰۲)</sup>

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۰۰

از آنجا که بیان احکام عبادات به تنهایی ج-ذائیت زی-ادی ن-دارد س-عی ش-ده در قال-ب مس-ابقه اطلاعات عمومی، به بیان کوتاهی از احکام پرداخته شود.

### جذائیت اولیه

مربی گرامی بر روی چهار قطعه مقوای متوسط به خط درشت گزینه های (ال-ف) ت-ا (دال) را، مانند شکل های زیر بنویسد، هر کدام از گزینه ها را با فاصله روی دیوار نصب کند و به تناسب جمعیت از بیست نفر از دانش آموزان برای شرکت در مسابقه اطلاعات عمومی دعوت کند .

هر کدام از سؤالات زیر را به صورت عمومی از همه دانش آموزانی ک-ه در مس-ابقه ش-رکت کرده اند بپرسد و از آنها بخواهد هر کدام گزینه ای را که گمان می کنند صحیح است ، انتخاب کنند و کنار گزینه ها بایستند . مسابقه را با افرادی که گزینه صحیح را انتخاب کرده ان-د ، ادام-ه دهد تا یک دانش آموز برنده باقی بماند . مربی می تواند به تناسب سؤال ها و جوابها توضیحات کوتاهی را هم بیان کند .

الف ب ج د

۱. اگر مأوم زودتر از امام جماعت تکبیرها الاحرام بگوید نماز او چه حکمی دارد؟

(ب) نمازش صحیح است. الف) نمازش باطل است.

(د) نمازش را به صورت فردی ادامه دهد. ج) نمازش را به صورت جماعت ادامه دهد.

۲. نمازی که رکوع و سجده ندارد؟

(ب) نماز خوف الف) نماز صبح

(د) نماز جمعه ج) نماز میت

۳. نمازی که دو قنوت دارد؟

(ب) نماز جمعه الف) نماز عید فطر

(د) نماز لیلہ الدفن ج) نماز عید قربان

۴. اگر نمازهایی را که باید بلند بخوانیم، سهواً آهسته بخوانیم، نمازمان چه حکمی دارد؟ الف) صحیح است. ب- باید اعاده کنیم .

ج) باطل است. د) باید سجده سهو انجام دهیم.

۵. نماز آیات چند رکوع دارد؟

الف) ۱ رکوع ب) ۲۱ رکوع ج) ۵ رکوع د) ۲ رکوع

۶. اگر در هر نمازی شک کنیم که یک رکعت خوانده ایم یا دو رکعت، چه حکمی دارد؟ الف) صحیح است. ب) مکروه است .

ج) بنا را بر دو می گذاریم و نماز را ادامه می دهیم. د) باطل است .

۷. اگر نمازگزار در هنگام خواندن تشهد، شک کند که سجده دوم را به جا آورده یا نه، باید چه کار کند؟ الف) به شک خود اعتنا نکند. ب) نمازش باطل است.

ج) حرام انجام داده. د) به شك خود اعتنا بکند.

ص: ۲۶۳

۸. خواندن آیه ای که سجده واجب دارد در نماز، نماز را.....؟

الف) نورانی می کند. ب) باطل می کند .

ج) مباح می کند. د) حرام می کند .

۹. دعا (نفرین) کردن علیه مؤمن در نماز چه حکمی دارد؟

الف) نماز صحیح است. ب) اشکالی ندارد .

ج) نماز باطل است. د) مکروه است .

۱۰. نگه داشتن بچه و بغل کردن آن در هنگام نماز چه حکمی دارد؟ الف) اشکال دارد. ب) حرام است .

ج) مکروه است. د) اشکال ندارد ...

ص: ۲۶۴

در این جلسه، به یکی از اثرگذارترین و زیبا ترین تعقیبات بعد از نمازها که قرائت سوره توحی-دباشد، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

مربی گرامی دو یا سه نفر از دانش آموزان را برای شرکت در مسابقه دعوت کند و سؤالات زیر را از آنان بپرسد .

۱. شناسنامه خداوند متعال کدام سوره است؟ (توحید)

۲. نام یکی از سوره های قرآن کریم که یکی از اصول دین است؟ (توحید)

۳. سوره ۱۱۲ قرآن کریم چه نام دارد؟ (توحید)

۴. نام های دیگر سوره توحید چیست؟ (اخلاص، صمد، اساس، براءت، جمال، معرفت، مانع، نور، تفرید، تجرید، ولایت) (۱)

۵. کدام سوره معادل یک سوم قرآن است؟ (امام باقر(ع) فرمودن-د : س-وره توحی-د برابر-ب-ا یک سوم قرآن است) (۲)

که هرگز ندارد نیازی به کس بگو او خدایی است یکتا و بس

نه زاد و نه زاییده ش-د آن ال-ه نه دارد شریکی خدا هیچ گ-اه (۳)

ص: ۲۶۵

---

۱- محمد مهدی جامی، درمان با قرآن، ص ۱۷۱.

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۱۸.

۳- امید مجد.



در ادامه مربی گرامی داستان زیر را بیان کند:

عبدالله بن سلام از دانشمندان یهود، وقتی آوازه و دعوت پیامبر را شنید، به مکه رفت تا او را ببیند و با نشانه هایی که از او در تورات آمده بود، تطبیق کند. وقتی نزد رسول خ-دا (ص) آم-د، پیامبر (ص) از او پرسید آیا وصف وی را در تورات دیده است؟ و او را به خداوند سوگند داد که حقیقت را بگوید .

عبدالله بن سلام، اندکی تأمل کرد و گفت: ای محمد، اول تو خدایت را برای من توصیف کن تا تو را بهتر بشناسم؛ آنگاه آنچه را خواستی به تو می گویم. در این هنگام-ام س-وره توحی-د نازل شد و پیامبر آن را برای عبدالله بن سلام قرائت فرمود. عبدالله نیز به پیامبری او یقین کرد و ایمان آورد؛ ولی از ترس، تا مدتی مسلمان شدن خود را از یهودیان پنهان م-ی ک-رد، تا-در فرصتی مناسب و در شرایطی اثرگذار، ایمان خود را آشکار کند تا ع-ده بیش-تری از یهودی-ان مسلمان شوند. وقتی پیامبر از مکه به مدینه مهاجرت کرد، عبدالله اسلام خود را آشکار ساخت؛ گرچه از جمع یهودیان رانده شد و کسی از آنان به پیامبر (ص) ایمان نیاورد.(۱)

### پیوند با بحث

مرحوم کلینی<sup>۲</sup> به سند معتبر از حضرت صادق(ع) روایت کرده اس-ت: هرک-ه ب-ه خ-دا و روز

قیامت ایمان دارد، باید بعد از هر نماز فریضه، خواندن سوره "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" را ت-رک نکن-د به درستی که هرکه آن را بخواند، خدا برای او خیر دنیا و آخرت را جمع کند و او و پدر و م-ادر او را می آموزد، و هرکه از پدر و مادر او به هم رسیده اند.(۲) در بخش آخر، مربی گرامی می تواند آثار و برکات خواندن سوره توحید را بر روی کارت هایی در اندازه های ۰۳×۵۱ سانتی متر بنویسد و برای دانش آموزان یک به ی-ک نم-ایش داده، ب-رای هری-ک توضیحی بسیار مختصر بیان کند. که برخی از این آثار به شرح ذیل می باشد:(۳)

ص: ۲۶۶

- ۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۲۸. "با این توضیح که عبدالله بن سلام را یکی از احتمالات بیان می کند."
- ۲- "عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبْرِ الْفَيْضِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَغَفَرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدَا" (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۲).
- ۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۳؛ فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۸۹ و ۳۶۶؛ تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۷۹۸؛ طب الاثمه، ص ۲۴؛ قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۲۹۳ و ۲۹۵؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۴ و ۵۳۹ و ۶۱۹؛ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۲۹ و ۳۴۱؛ همان، الخصال، ص ۶۲۶؛ همان، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المجتهد، ص ۲۶۱؛ فقه الرضا، ص ۱۳۸.

۱. رفع فقر و تنگ دستی

۲. بخشش گناهان؛

۳. شفا دهنگی؛

۴. استجابیت دعا؛

۵. درمان تب؛

۶. درد چشم؛

۷. درد دندان؛

۸. امان از گناه؛

۹. امنیت؛

۱۰. برکت .

ص: ۲۶۷

در این درس به یکی از بهترین تعقیبات نماز، یعنی تسبیحات حضرت زهرا(س) که آثار فراوانی در رشد و تعالی زندگی دنیوی و اخروی انسان دارد، می پردازیم .

### جذاییت اولیه

ستارگان، درخشان تر از همیشه تاریخ در آسمان مدینه پرتوافش-انی م-یکردن-د . ش-میم عط-ر محمدی(ص) در کوچه های مدینه پراکنده بود و یاس علوی، آنگاه که به معراج نماز میرفت، نورش برای اهل آسمان می درخشید و بر چهره اهل زمین نورافشانی م-ی ک-رد . در آن هنگ-ام حضرت زهرا۳ عزیزترین عزیزان رسول خدا(ص) در خانه علی(ع) بود .

این بانوی بزرگوار آنقدر با آسیاب کار کرده بود که دستانش پینه بسته بود و آنقدر از چاه آب کشیده بود که آثار آن بر بدن مبارکش باقی مانده بود و به اندازه ای خانه را تمیز کرده بود که لباس هایش غبارآلود شده بود. فاطمه(س) از سختی کارهای خانه در زحمت بسیار بود؛ ام-اهیچ نمی گفت. امیرالمؤمنین(ع) آنگاه که چنین دید، شنیده بود غلامانی را خدمت پیامبر(ص) آورده اند؛ به فاطمه(س) توصیه کرد، نزد پدر برو و خدمتکاری درخواست کن تا در ام-ور من-زل یار و همکارت باشد .

وقتی پیامبر(ص) از خواسته آنان آگاهی یافت، فرمود: "ای فاطمه، چیزی به تو عط-ا ک-نم که از خدمتکار و دنیا و آنچه در آن است، ارزشمندتر و بهتر باشد؛ بعد از نم-از ۴۳ مرتب-ه "الله اکبر" و ۳۳ مرتبه "الحمد لله" و ۳۳ مرتبه "سبحان الله" بگو و آن را با "لا ال-ه الا الله" خ-تم کن. این کار از چیزی که می خواهی بهتر است".

در آن لحظه که این هدیه آسمانی به فاطمه زهرا(س) عطا شد، فرمود: "از خ-دا و رس-ول خدا راضی شدم". (۱)

## پیوند با بحث

درک این هدیه بزرگ که رسول الله(ص) به فاطمه زهرا ۳ عطا فرمود، بالاتر از طاقت و فهم غیر معصوم است؛ به گونه ای که ما از وصف آن عاجزیم و فقط از سرچشمه گفتار معصومان:

است که تا انداز های می توان از آثار و برکات آن اطلاع یافت و بهره مند شد. تس-بیح حض-رت فاطمه(س) به سبب مداومت آن حضرت در انجام آن به ایش-ان منس-وب ش-ده اس-ت. درواق-ع تسبیح حضرت حق تعالی است و عبادتی برگزیده، که هر کس در سیر معنوی خ-ویش ب-ه ق-در طاقت و معرفتش از آن بهره می گیرد.

امام باقر(ع) می فرماید: "خداوند متعال با هیچ ستایشی، بالاتر از تسبیحات فاطمه زهرا(س) عبادت نشده است. اگر چیزی افضل از آن وجود داشت، رسول خدا(ص) آن را ب-ه فاطمه-۳ عطا می کرد". (۲)

انسان با گفتن "الله اکبر" به نهایت عجز خود و ناتوانی اش ب-ه درگ-اه اله-ی باره-اق-رار می کند؛ چراکه خداوند متعال بزرگتر از آن است که بتوان او را وص-ف ک-رد: "للهُ اکْبَرُ-م-نْ أَنْ يُوصَفَ". (۳)

"الحمد لله" کامل ترین و بافضیل ترین نوع شکرگزاری خداوند متعال است.

شخصی از حضرت علی(ع) پرسید: معنی "سبحان الله" چیست؟ حضرت فرمود: "سبحان الله" تعظیم مقام بلند و باعظمت خدا و منزله دانستن اوست از آنچه که مشرکان می پندارند، و زمانی که بنده این کلمه را می گوید، همه فرشتگان بر او درود می فرستند". (۴)

ص: ۲۶۹

---

۱- علیرضا رجالی، اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا ۳، ص ۹ و ۱۸۱؛ عدنان زعفرانی، تسبیحات حضرت زهرا(س)، ص ۲۱ و ۹

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۷.

۴- صدوق، التوحید، ص ۳۱۲.

### بخش همه گناهان

امام صادق(ع) می فرماید هر کس بعد از نماز واجب و قبل از اینکه پای راست را از بالای پای چپ بردارد، تسیح فاطمه زهرا(س) را به جا آورد، تمام گناهان او آمرزیده می شود، و این تسیح با "الله اکبر" آغاز می شود. (۱)

دوری شیطان

امام باقر(ع) می فرماید: هر کس که تسیح حضرت فاطمه(س) را به جا آورد و پس از آن استغفار کند، مورد مغفرت خداوند متعال قرار می گیرد، و آن تسبیح ب-ه-زب-ان، ص-د-مرتب-ه-اس-ت؛ درحالی که در میزان - نامه اعمال - هزار خواهد بود، و شیطان را دور کرده، خ-دای رحم-ان را خشنود می نماید. (۲)

### عنایت فرشتگان

هر گاه ما به بستر خواب می رویم، فرشته ای و شیطانی سرکش به سرعت به سوی ما می آید. آن فرشته به ما می گوید: روزت را به خوبی ختم کن و شب را به خ-وبی بگش-ا، و ش-یطان ب-ه-م-ا می گوید: روزت را به گناه ختم کن و شب را به گناه بگشا. پس اگر از فرشته اطاعت کن-یم و روز را با یاد خدا و شب را نیز با یاد او آغاز کنیم و تسیحات حضرت زهرا(س) را بگ-وییم، آن فرشته، شیطان را از ما می راند، و شیطان دور می شود. آن فرشته تا زمانی که ما از خواب بیدار شویم، از ما محافظت می کند. (۳)

ص: ۲۷۰

۱- محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۳.

۳- سیدبن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۷۹.

اگر بخواهیم در مسیر ایمان و اعتماد به خداوند یکتا و برای رش-د معن-وی خ-ود گ-امی بلن-د

برداریم، مسیر آن را قرآن کریم بیان کرده است: "یا أَسِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا" (۱) ک-ه

نتیجه ذکر کثیر، فلاح و رستگاری و رسیدن به سعادت و خوشبختی است: "وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (۲) و براساس روایات یکی از مص-ادیق کام-ل ذک-ر کثی-ر، تس-بیحات حض-رت زهرا(س) است. (۳)

ص: ۲۷۱

---

۱- احزاب: ۴۱

۲- انفال: ۴۵

۳- عن ابی عبدالله (ع) قَالَ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (س) مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ " الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۰

راهبرد جلسه

در این درس به اهمیت خوش رفتاری و رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، فرزند و والدین و نیز همسایگان می پردازیم، و اینکه بی توجهی به آنها، گاهی مورد مقبول واقع نشدن عبادت می شود.

جذاییت اولیه

مربی گرامی روایت زیر را به صورت پازل درست نموده یکی از دانش آموزان را برای چینی آن دعوت می کند. دانش آموزان باید در مدت زمان سه دقیقه بتوانند این پازل را کامل کند. بعد از کامل شدن پازل، مربی به شرح و توضیح روایت می پردازد.

قال الصادق (علیه السلام)

من نظرتی ابویه نظرمات و هماظالمان له لم یقبل الله له صلاه

اصول کافی ج ۲ ص ۳۴۹

ص: ۲۷۲

یک مقوا فوم برد در سایز ۵۰×۵۰ تهیه کنید و طرحی مانند شکل بالا و متن روایت را روی آن بچسبانید، و از نقاط نقطه چ-ین در ابع-۱د×۰۱ب-رش بزنی-د. پش-ت هری-ک از قطع-ه-ای ایجاد شده را به اندازه یک آهنربای کوچک خالی ک-رده، آهنرب-ا را ب-ه آن بچس-بانید ت-ا قاب-ل استفاده بر روی تخته وایت برد باشد.

### پیوند با بحث

دوستان خوب من، معنای این روایت چیست؟

آفرین به شما دانش آموزان باهوش، امام صادق(ع) فرمودند: "نماز فرزندانمی که با خشم ب-ه پدر و مادر خود نگاه می کنند، قبول نم ی شود؛ گرچه والدین، نسبت به آنان کوت-اهی و ظلم-ی کرده باشند".

نماز مانند یک انسان کامل است. همانطور که انسان روح و جسم دارد، نم-از نی-ز روح و جسم دارد. همانطور که وسعت و عظمت روح انسان درجات متفاوت دارد، روح نماز نیز چنین است. چنانکه نبودن بعضی اجزای بدن موجب نابود شدن بدن می شود، در نماز نیز، با نبودن بعضی اجزای آن، نماز ب یمحتوا و ب یروح می شود؛ اما روح نماز عبارت اس-ت از ام-ور قلب-ی و معنوی که رأس آنها قصد قربت و خلوص نیت و حضور قلب م-ی باش-د. نتیج-ه آن خش-وع و خضوع و تعظیم معبود و رجا و امید به رحمت اوست. نماز گزار باید قلب خود را خالی از موان-ع قبول شدن نماز مانند کبر، عجب، حسد، نارضایتی والدین و س-ایر اخ-لاق ه-ای ب-د و اعم-ال ناپسند کند تا نماز، هم جسم سالم و هم روح کاملی داشته باشد.(۱)

از همین رو پیامبر اک-رم (ص) فرمودند: "هر کس زن بدرفتار و اذیتکننده های داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نی-ک آن زن را نمی پذیرد؛ مرد بد اخلاق نیز چنین است".(۲)

ص: ۲۷۳

۱- سید عبدالحسین طیب، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.



نماز مقبول اگر به معنای نماز کارآمد و پرفایده و برخوردار از اثر و نتیجه باشد، مس-لماً نم-ازیاست که نماز گزار به دنبال رضایت و خشنودی خداوند منان است. یکی از مهم ت-رین ع-واملی

که موجب قبولی نماز می شود، احترام به والدین است: وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدَ إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا. (۱) همچنین خوش خلقی: وَإِتِّكُ لَعَلِّي خُلِقَ عِظ-یم. (۲) نماز مقبول، یعنی نماز زنده؛ نمازی ک-ه سبب می شود ما در امور فردی و اجتماعی، زیبا رفتار کنیم و از بدی ها دوری نماییم: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. (۳)

ص: ۲۷۴

---

۱- و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید " (اسراء: ۲۳)

۲- و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری " (قلم: ۴)

۳- نماز [انسان را] از زشتی ها و گناه بازمی دارد " (عنکبوت: ۴۵)

در این جلسه، دانش آموزان با راهی آشنا می‌شوند که بتوانند ش-یرینی و زیب-ایی عب-ادت و همنشینی با خدای متعال را احساس کنند.

### جذاییت اولیه

سلام، امیدوارم اوقاتی که با هم هستیم جزو اوقات به یادماندنی و تأثیرگذار زندگی مان باشد.

بینم دوستان، چه کسی می‌داند این عکس کدام شخصیت است؟ (۱)

بله؛ استاد علامه طباطبایی<sup>۱</sup> که در مراتب عرف-ان و س-یر و س-لوک معن-وی، و دع-ا و مناجات، نمونه بود. غالباً ذکر خدا را بر لب داشت. به مستحبات مقید بود. شبهای ماه مبارک رمضان تا صبح بیدار بود و مقداری مطالعه می‌کرد و بقیه را ب-ه دع-ا و قرائت-ت ق-رآن و نم-از مشغول بود. یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: یکی از شب‌های آخر عمر ک-ه خ-دمت ایش-ان بودم در بستر بیماری نشسته بود و با چشم‌های نافذش به گوشه اتاق نگاه میکرد؛ ولی یارای سخن گفتن نداشت. خواستم سخنی از او بشنوم و به یادگار داشته باشم؛ ولی چندان امیدی به پاسخ شنیدن نداشتم. عرض کردم: برای توجه به خدا و حضور قلب در نماز چه راهی را توصیه می‌فرمایید؟ به سوی من توجه کردند و با آهنگ بسیار ضعیف که ب-ه س-ختی ش-نیده م-ی ش-د فرمود: توجه، مراقبه، توجه، مراقبه، و این جمله را متجاوز از ده مرتبه تکرار کرد. (۲)

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش یکی از دوس-تان مخل-ص را مگ-ر آواز م--ن رس--ید ب--ه گ--وش

ص: ۲۷۵

۱- مربی محترم عکس علامه طباطبایی<sup>۱</sup> را به دانش آموزان نشان دهد.

۲- ابراهیم امینی، یادنامه علامه طباطبایی، ص ۱۳۱ - ۱۳۳.

گفت باور نداشتم ک-ه ت-و را بانگ مرغی چن-ین کن-د م-دهوش گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گ-وی و م-ن خ-اموش (۱)

### پیوند با بحث

دوستان من، می دانید منظور از مراقبه و توجهی که علامه طباطبایی فرمودند چیست؟ قطعاً همنشینی با بهترین دوستان برای شما لذت و شیرینی خاص خودش را دارد؛ اما اگر در همین همنشینی، شما توجه لازم را نداشته باشید و به او نگاه نکنید و حرف هایش را گ-وش نکنی-د، لذتی را که باید نمی برید. اگر ما دوست داریم از عباداتمان و نم-از خوان-دندان ل-ذت ب-ریم و شیرینی آن را حس کنیم، باید در طول روز به یاد او باشیم و خودمان را آماده دیدار و ملاقات او کنیم.

امام صادق(ع) فرمودند: "طَلَبْتُ حَلَاوَةَ الْعِبَادَةِ فَوَجَدْتُهَا فِي تَرْكِ الْمَعْصِيَةِ"؛ (۲)

من به دنبال این بودم که شیرینی هم صحبتی با خدای متعال را حس کنم. به این نتیج-ه رسیدم که باید در طول روز کارهایی را که برای خودم ضرر دارد و او را ناراحت می کند، انجام ندهم؛ یعنی حواسم را به غیر او پرت نکنم.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر شهوت نفس، لذت نخ-وانی (۳)

خدایا، ما را موفق به مراقبه و توجه به خودت کن. آمین.

ص: ۲۷۶

۱- سعدی شیرازی، گلستان، باب دوم .

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

۳- سعدی شیرازی، کلیات، مواعظ، غزلیات .

۱. قرآن کریم.
۲. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، مؤسسه انتشارات فقیه، تهران، [بیتا].
۳. انصاری، محمدعلی، نهج البلاغه منظوم، معارف اهل بیت: قم، [بیتا].
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبهالله، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیتالله مرعشی، قم، [بیتا].
۵. ابن اثیر جزری، علیبنابیکرم، الکامل فی التاریخ، اساطیر، تهران، [بیتا].
۶. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمدبنعلینحسین، التوحید، جامعه مدرسین، قم، [بیتا].
۷. -----، عیون اخبار الرضا، انتشارات جهان، تهران، [بیتا].
۸. -----، من لایحضره الفقیه، اسلامی، قم، ۸۷۳۱ ق.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمدبنعلی، مناقب آل ابیطالب، علامه، قم، ۹۷۳۱ ق.
۱۰. ابنطاووس حسنی، رضی الدین علی بن موسی، إقبال الأعمال، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۷۶۳۱ ش.
۱۱. -----، فلاح السائل، دفتر تبلیغات، قم [بیتا].
۱۲. احسانی، ابنا بیجمهور، عوالی الآلی، سید الشهداء، قم، ۵۰۴۱ ق.
۱۳. امامی، سید محمود، ثمرات الحیوه، مجمع ذخایر اسلامی، قم، [بیتا].
۱۴. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، دار احیاء التراث، بیروت، [بیتا].
۱۵. باقرزاده، عبدالرحمن، کرامات علما، دار الکتب، قم، [بیتا].
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیه، قم، [بیتا].
۱۷. بلاغی، سید عبدالحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، حکمت، قم، [بیتا].
۱۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم [بیتا].
۱۹. جمال زاده، محمدعلی، فرهنگ عامیانه، سخن، تهران، ۲۸۳۱ ش.

۲۰. جوادی آملی، عبدالله، أسرار الصلاة، دفتر تبلیغات اسلامی، قم [بی تا].

۲۱. حاجی، محمد مهدی، درمان با قرآن، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، [بی تا].

۲۲. حائری، شیخ محمد مهدی، معالی السبطين، صبح صادق، قم، [بی تا].

۲۳. حسینیا، احمد، نقش تربیتی نماز، دنیای قلم، تهران ۱۳۷۶ ش.

۲۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۶ ش.

ص: ۲۷۷

۲۵. خسروی، موسی، پند تاریخ، تهران، [بی جا]، [بی تا].

۲۶. دهخدا، علیاکبر، لغتنامه، دانشگاه تهران، تهران، [بی تا].

۲۷. دیوان ابن یمین، سنایی، تهران [بی تا].

۲۸. دیوان اشعار سنایی، نگارستان، تهران، [بی تا].

۲۹. دیوان حافظ، فروغ، تهران، [بی تا].

۳۰. رابطه درون و برون، جواد محدثی.

۳۱. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن الکریم، دار القلم، دمشق، [بی تا].

۳۲. راوندی، قطب الدین، الدعوات، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، [بی تا].

۳۳. -----، فقه القرآن اسلامی، قم، [بی تا].

۳۴. رجالی تهرانی، علیرضا، اسرار و آثار تسییح حضرت زهرا (س)، بلوغ، قم، ۱۳۷۳ ش.

۳۵. رحمتی شهرضا، محمد، نظر لطف بر دشمنان، کریمه اهل بیت، قم، [بی تا].

۳۶. رحیم نینا، مصطفی، ضرب المثل های فارسی و اصطلاحات عامیانه، گلپا، تهران، [بی تا].

۳۷. رخشاد، محمدحسین، در محضر بهجت، سماء، قم، [بی تا].

۳۸. زعفرانی، عدنان، تسییحات حضرت زهرا (س)، معارف، تهران ۱۳۷۵ ش.

۳۹. زمانی وجدانی، مصطفی، داستا نها و پندها، پیام آزادی، تهران ۱۳۶۸ ش.

۴۰. سعدی شیرازی، شرفالدین مصلحبنعبدالله، کلیات س-عدی، تص-حیح محم-دعلی فروغ-ی، چ اول، معینی-ان، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۴۱. سمندری، مهدی، اسرار الصلاه یا معراج عشق، مؤسسه بوستان کتاب، قم [بی تا].

۴۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرس-ین ح-وز ه علمی-ه ق-م،

[بی تا].

- ۴۳.-----، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بیتا].
- ۴۴.طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، مجمع البیان، مترجمان علی کرمی، محمدرضا انصاری، فراهانی، تهران، [بیتا].
- ۴۵.-----، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، فراهانی، تهران، [بیتا].
- ۴۶.طوسی، محمدبنحسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، [بیتا].
- ۴۷.طیب، سیدعبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران [بیتا].
- ۴۸.عاملی، شیخ حر، الفصول المهمه فی أصول الأئمه - تکمله الوسائل، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).
- ۴۹.-----، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، [بیتا].
- ۵۰.عبدالحسیب، میرمحمد، منهاج الشارعیین، ارمغان، قم، [بیتا].
- ۵۱.عروسی حویزی، عبدعلی، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، [بیتا].
- ۵۲.عزیزی، عباس، ۳۶۰ داستان از فضایل، مصائب و کرامات فاطمه زهرا(س)، سلسله، قم، [بی تا].

۵۳. عطائی، مرتضی، داستانهای نماز، آموزش و پرورش، مشهد ۱۳۷۲ ش.
۵۴. عقیف، عبدالفتاح، روح الصلاه فی الاسلام، دار العلم، قم، [بیتا].
۵۵. علم الهدی، سیدمرتضی، تنزیه الانبیاء، شریف رضی، قم، [بیتا].
۵۶. فتوحی، محمود، داستان های مثنوی، [بینا]، [بیجا]، [بیتا].
۵۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، اسرار نماز، فراهانی، تهران ۱۳۷۷ ش.
۵۸. -----، محجّه البیضاء، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بیتا].
۵۹. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجناح، مؤسسه اعلمی، بیروت، [بیتا].
۶۰. -----، منتهی الآمال، هجرت، قم، [بیتا].
۶۱. -----، فوائد الرضویه، [بینا]، تهران، ۱۳۲۷ ش.
۶۲. -----، سفینه البحار، اسوه، قم، ۱۴۱۴ ق.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۶۴. -----، فروع کافی، اعتقادات، قم، [بیتا].
۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت [بیتا].
۶۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دار الحدیث، بیروت، [بیتا].
۶۷. مسعودی، علینحسین، مروج الذهب، علمی و فرهنگی، تهران، ۵۶۳۱ ش.
۶۸. مشهدی، میرزا محمد، تفسیر کنز الدقایق، وزارت ارشاد، تهران، [بیتا].
۶۹. مصباح الشریع ه، امام صادق (ع)، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، قم، [بیتا].
۷۰. مظاهری، حسین، کنترل غرایز در زندگی انسان، قلم، قم، [بیتا].
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۴ ش.
۷۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی، آگه، تهران، ۱۳۷۴ ش.



۷۳.ملکی تبریزی، میرزا جواد، اسرار الصلوه، ترجمه علی احمدی، مستجار، تهران، [بیتا].

۷۴.میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدهالابرار، امیر کبیر، تهران، [بیتا].

۷۵.میر کیانی، محمد، قصه ما مثل شد، آستان قدس رضوی، مشهد، [بیتا].

۷۶.نظر آهاری، عرفان، بال هایت را کجا جا گذاشتی، افق، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۷۷.نعیمآبادی، غلامعلی، نماز زیباترین الگوی پرستش، ستاد اقامه نماز، تهران، [بیتا].

۷۸.نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، بیروت، [بیتا].

۷۹.هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، ترجمه اسماعیل صدیقی نوذری، اساطیر، تهران، ۱۳۸۳ ش.

۸۰.یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش.





بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

